

صاحب امتیاز: محمدرضا زائری
مدیر مسئول: مرتضی وافی

تحریر به: میثم غضنفری، حسین سخنور (دبیر سرویس تاریخ و اندیشه)، امیر عیسی ملکی (دبیر سرویس ادبیات آیینی)، علی حقیقت (دبیر سرویس جامعه)، پیمان اسحاقی (دبیر سرویس مردم شناسی)، مجید رزاری (دبیر سرویس هیئت)، مطهره آخوندی (دبیر سرویس رسانه)، هانیه خاکپور (دبیر بخش هنرهای نمایشی)، سید حجت سجادی زاده، داوود بهلولی، برهان محمودی، علیرضا پور امید، محمود مکتبی

همکاران این شماره: مجید سلیمان، الهام حسینی، جواد جواهری، سعید رضا غضنفری، جلال بیطرفان، محسن واحدی، جواد محمدی، فرامرز رحمانی، محمد علی بیطرفان، محمد جواد اسماعیلی نژاد، سلیمان جهان ندیده، بدالله جباری، فاطمه ایدوست
ویراستاری و تصحیح:
محسن احمدنیا، مریم گل باز، لیلا کارچانی
طراح نامواره: حمید عجمی
صفحه آرایی و طرح جلد: علی اکبر محمد خانی
عکس: پیام اکبری

هنر و ادبیات آیینی / ۲۹

- بحر طویل ۳۰
- فلسطین؛ کربلایی دیگر ۳۱
- کاروان شعر عاشورا ۳۴
- مضمون ناب ۳۶
- نگاه متفاوت متولیان دولتی و اهالی سینما به سینما ۳۸
- نگاهی به برگزاری همایش «تصویر عاشورا» ۴۳
- نگاه فیلمسازان مؤمنانه و عاشقانه بود ۴۷
- «عاشورا» را باید به فیلمساز آموزش داد ۴۸
- باز تعریف هنر آیینی ۴۹

جامعه / ۱۵

- تبدیل شدن تلویزیون به حسینیه های خانگی ۱۶
- صدا و سیما نباید در انحصار مداحان خاصی باشد ۱۸
- چشم های رسانه: نظاره گر یا آرایشگر دین؟ ۱۹
- دین حق دارد در رسانه حضور داشته باشد ۲۲
- هدفی سخت برای تلویزیون و دین داران ۲۶

رسانه / ۶۹

- دهه اول محرم در آینه مطبوعات ۷۰
- رسانه، عاملی وحدت بخش در همدلی اقلیت های مذهبی ۷۲
- معرفی اجمالی پایگاه اینترنتی «یا حسین» ۷۶
- خبر و گزارش ۷۸

تاریخ و اندیشه / ۵۱

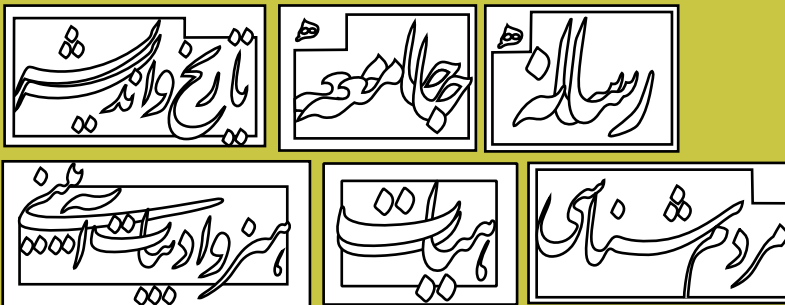
- قصه کربلا ۵۲
- ضرورت بحث «اربعین» ۵۴
- سلوک یک ساله در محضر حسین بن علی (ع) ۵۸
- مفهوم شناسی زیارت ۶۱

هیئت / ۳

- دفاعه جذاب ۴
- مدیریت در تشکل های دینی ۵
- هویت هیئت ۷
- کرمانشاه را دار المؤمنین خواهیم کرد ۱۱
- دیدار لحظه به لحظه خدا ۱۳

مردم شناسی / ۶۵

- مردم شناسی تصویری اربعین حسینی در جهان شیعه ۶۶
- مآخذ شناسی اربعین حسینی ۶۸



مطالب خود را در یک طرف کاغذ A4 بنویسید. خیمه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است. برگشت دادن مطالب ارسالی امکان پذیر نیست. بهتر است برای مکاتبه از پست الکترونیکی استفاده کنید.

چاپ: سه پند گرافیک / ۳۰۰۰ هزار نسخه

با همکاری مرکز مطالعات راهبردی خیمه
با حمایت سازمان تبلیغات اسلامی





خواب زمستانی و جیک جیک مستون!

مرتضی وافی

■ در گذشته‌های نه‌چندان دور در شب یلدا مادر بزرگ‌ها زیر کرسی برای نوه‌هایشان چنین می‌گفتند که: «جونم واستون بگه به جنگل بود و یه مورچه و یه پرنده خوش‌آواز که توی هوای بهاری روی شاخه‌های درخت میون گل‌های قرمز و زرد می‌نشست و می‌زد زیر آواز، می‌خوند و می‌پرید و چرخ می‌زد و...»

توی همسایگی این پرنده، یه مورچه بود زبر و زرنگ و پرکار، صبح‌ها از لونه‌اش راه می‌افتاد و تا شب آذوقه جمع می‌کرد و می‌برد توی لونه‌اش جا می‌داد؛ پوست جو و گندم و خلاصه هر چی که بود.

پرنده خوش صدای قصه‌ما که کار کردن این مورچه رو می‌دید گاهی از اون بالا صدا می‌زد که: «آهای مورچه، بسه دیگه، چقدر حرص می‌زنی، هوای به این خوبی، این همه غذا، مگه عقل از سرت پریده که این همه غذا تو خونه‌ات تلنبار می‌کنی و می‌خندی و مورچه رو مستخره می‌کرد، وای چه کار بدی! خلاصه گذشت و گذشت و گذشت، کم‌کم هوا سرد شد، زمستون از راه رسید و برف روی درخت‌ها و زمین رو پوشوند. مورچه توی لونه گرم و نرمش نشست بود و در حالی که بار آذوقه و خورد و خوراک‌ی که بهار و تابستون جمع کرده بود کنارش بود، چرت می‌زد که تق تق، تق تق، دید یکی داره در می‌زنه، پشت در صدا زد

کیه داره در می‌زنه؟ اما بچه‌ها! صدایی نیومد، اولش فکر کرد خیالاتی شده، اما نه... آروم لای درو باز کرد، خوب بیرون رونیکا کرد، توی سوز سرما، لای برفا، پشت در دید وای، همون بلبل خوش صدا و خوش آب و رنگ از گشنگی و بی‌غذایی بی‌حال وسط برفا افتاده و از سرما خشک شده. با غصه یه نیگا بهش کرد و زیر لب گفت: «اون وقتی که جیک جیک مستونت بود، یاد زمستونت نبود؟!»

■ متولیان و مسئولان نهادهای فرهنگی، ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط گرچه از ظرفیت والای تئوریک اسلام و انقلاب می‌توانند بهره‌مند شوند و از مبانی نظری امام (ره) و رهنمودهای رهبری نه فقط به عنوان رهبر جبهه فرهنگی، بلکه با نگاه یک نظریه‌پرداز و مفسر و بزرگترین حامی و پشتیبان فعالیت‌های فرهنگی بر خوردار باشند و اگر چه می‌توانند از توان بالقوه گرایش دینی و فطری مردم، منابع و ظرفیت‌های اجتماعی مانند مساجد، بقاع و اماکن متبرکه و از وجود نهادهای دینی ریشه‌دار، چون حوزه‌های علمیه، روحانیت و مراجع، تجربیات و آزمون و خطاهای سی ساله انقلاب در حوزه فرهنگ و تولید محصولات فاخر، وجود هزاران سازمان و نهاد غیردولتی جوان، بودجه و امکانات سرگردان

فرهنگی، گرایش به معنویت و دین و غلبه گفتمان انقلاب و ارتقای کیفی جایگاه معنوی انقلاب در جهان حظ و بهره ببرند تا کمی از بار مسئولیت و تکلیف خویش در پیشگاه خدا و نظام و مردم بکاهند، اما...

■ بی‌توجهی به مقوله فرهنگ، ضعف و عدم کارآمدی برخی از متولیان و نهادها، فقدان شناخت دقیق جبهه مهاجم و برنامه‌ها، نبود استراتژی و هماهنگی لازم در بین نیروها، ضعف کمی و کیفی و عدم تناسب تولیدات فرهنگی از حیث محتوا، ارائه و توزیع اثر و میزان اثرگذاری، عدم اهتمام لازم به کادرسازی و توجه به منابع انسانی، وجود برخی اختلافات و کارهای سیاسی و سلیقه‌ای، همه حکایت از عدم تحقق مهندسی فرهنگی در کشور دارند آن هم در سال‌هایی که باید تمدن اسلامی شکل گیرد و نظام بر اساس جبهه متحد فرهنگی به قله‌های شکوفایی خویش دست یابد، فرصت‌های مغتنمی که گاه با غفلت و بی‌تفاوتی و اهمال کاری از دست می‌رود و این‌ها همه دغدغه کسی است که سال‌ها با نوازش هشدارهایش، تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی، غارت فرهنگی و قتل عام فرهنگی! را گوشزد می‌کند و ما... و اگر زمستانی باشد، این ما و خواب و جیک جیک مستون، خدا نکند! ■

خلیله

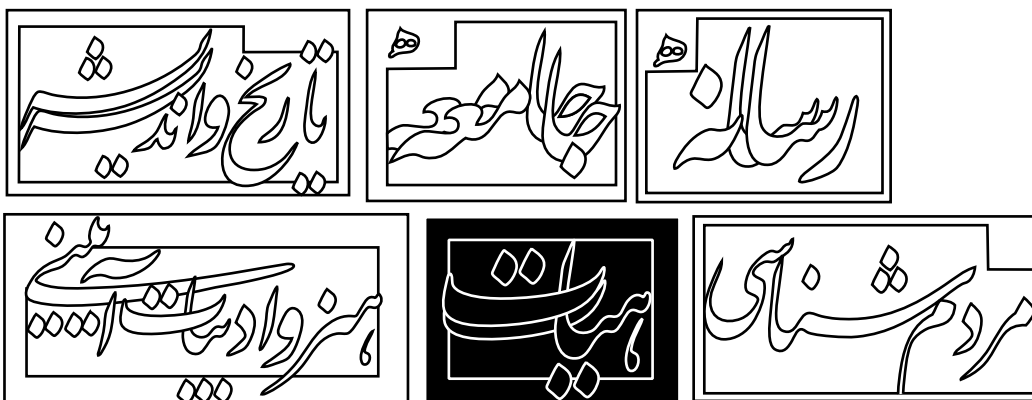
ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
حیمنه

KHEIMEH
Cultural- Social
Monthly



در این بخش سرفصل تبیین مدیریت در تشکل‌های دینی را گشودیم و اهمیت توجه به هیئت به عنوان یک نهاد آموزشی و پرورشی موضوعی است که در میزگردی با عنوان «هویت هیئت» به آن پرداخته‌ایم.

KHEIMEH
Cultural- Social
Monthly



اگر قادر باشیم حافظه مکتوب و شفاهی تاریخ را همراه با کاتالیزور عطش آگاهی با قضاوت بی طرفانه ترکیب کنیم، گمان نمی‌کنم که در لایه لای هزار توی خاطره‌ها شخصیتی چون علی بن ابی طالب (ع) یافت شود که از چنان «جاذبه و دافعه» ای برخوردار باشد که گروهی خدا بخوانندش و گروهی انسان کافر و رمز این حقیقت شگفت‌انگیز چیزی جز کردار، پندار و گفتار آن حضرت نیست؛ آنجا که در

که سپری محکم‌تر و نگهدارنده‌تر از آن سراغ ندارم. آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد، خیانت و نیرنگ ندارد. اما امروز در محیط و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که بیشتر مردم حيله و نیرنگ را زیرکی می‌پندارند و افراد جاهل آنان را اهل تدبیر می‌خوانند. چگونه فکر می‌کنند؟ خدا بکشد آنها را! چه بسا شخصی تمام پیش‌آمدهای آینده را می‌داند و راه‌های مکر و حيله را می‌شناسد، ولی امر و نهی پروردگار مانع اوست و

روای دانند. اما من از شما می‌خواهم که مرا با سخنان زیبای خود مستابید تا از عهده وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم برآیم و حقوقی که مانده است بپردازم و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد، ادا کنم. پس با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید و چنان که از آدم‌های خشمگین کناره می‌گیرند، دوری نجوید و با ظاهر سازی با من رفتار نکنید و گمان مبرید اگر حقی به من پیشنهاد دهید بر من گران آید، یا در پی بزرگ نشان دادن خویشم، زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه شدن عدالت بر او مشکل باشد، عمل کردن به آن برای او دشوارتر خواهد بود. پس، از گفتن حق یا مشورت در عدالت خودداری نکنید، زیرا خود را برتر از آن که اشتباه کنم و از آن ایمن باشم نمی‌دانم، مگر آن که خداوند مرا حفظ فرماید. پس همانا من و شما بندگان و مملوک پروردگاریم که جز او پروردگاری نیست. او مالک ماست و ما را بر نفس خود اختیاری نیست. ما را از آنچه بودیم، خارج و بدانچه صلاح ما بود در آورد. به جای گمراهی، هدایت و به جای کوری، بینایی به ما عطا فرمود.»^۱

الگوی مطلوب خود را نیز این چنین معرفی می‌کند که «در گذشته برادری دینی داشتم که در چشم من بزرگ مقدار بود چون دنیای حرام در چشم او بی ارزش می‌نمود و از شکم‌بارگی دور بود. پس آنچه را نمی‌یافت آرزو نمی‌کرد و آنچه را می‌یافت زیاده‌روی نداشت. در بیشتر عمرش ساکت بود، اما گاهی که لب به سخن می‌گشود بر دیگر سخنوران برتری داشت و تشنگی پرسش‌کنندگان را فرو می‌نشاند. به ظاهر ناتوان و مستضعف می‌نمود، اما در برخورد جدی چونان شیر بیشه می‌خروشد، یا چون مار بیابانی به حرکت درمی‌آمد. تا پیش قاضی نمی‌رفت دلیلی مطرح نمی‌کرد و کسی را که عذری داشت سرزنش نمی‌کرد تا آنکه عذر او را می‌شنید، از دره، شکوه نمی‌کرد، مگر پس از تندرستی و بهبودی، آنچه عمل می‌کرد، می‌گفت و بدانچه عمل نمی‌کرد، چیزی نمی‌گفت. اگر در سخن گفتن بر او پیشمی می‌گرفتند در سکوت مغلوب نمی‌گردید و بر شنیدن بیشتر از سخن گفتن حریص بود. اگر بر سر دوراهی دو کار قرار می‌گرفت، می‌اندیشید که کدام یک با خواسته نفس نزدیک‌تر است با آن مخالفت می‌کرد. پس بر شما باد روی آوردن به اینگونه از ارزش‌های اخلاقی و با یکدیگر در کسب آنها رقابت کنید و اگر نتوانستید، بدانید که به دست آوردن بر خوی از آن ارزش‌های اخلاقی بهتر از رها کردن همه است.»^۲

دافعه جذاب

گزیده‌ای از نهج البلاغه



با اینکه قدرت انجام آن را دارد آن را به روشنی رها می‌سازد، اما آن کس که از گناه و مخالفت با دین پروا ندارد، از فرصت‌ها برای نیرنگ بازی استفاده می‌کند.»^۳

حضرت درباره سیاست‌های اقتصادی خود می‌فرماید: «به خدا سوگند! بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن از دواج کرده یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است.»^۴

او تعصب بی‌جا را با بیان این که «من در اعمال و رفتار جهانیان نظر دوختم، هیچ‌کس را نیافتم که بدون علت درباره چیزی تعصب ورزد، جز با دلیلی که با آن ناآگاهان را بفریبید و یا برهانی آورد که در عقل سفیهان نفوذ کند»^۵ مذمت می‌کند.

در عین حال درباره بی‌منطق‌ترین متعصبان تاریخ می‌فرماید: «بعد از من با خوارچ نبرد نکنید، زیرا کسی که به جست‌وجوی حق بوده و خطا کرد، مانند کسی نیست که طالب باطل بوده و آن را یافته است.»^۶

برای تبیین روابطش با مردم می‌گوید: «مردم! از پست‌ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند. آنها دوستدار ستایش‌اند و کشورداری آنان بر کبر و خودپسندی استوار باشد. خوش ندارم در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن هستم. سیاست خدا را که چنین نبودم و اگر ستایش را دوست می‌داشتم، آن را رها می‌کردم، به خاطر فروتنی در پیشگاه خدای سبحان و بزرگی و بزرگواری که تنها خدا سزاوار آن است. گاهی مردم، ستودن افرادی را برای کار و تلاش

پرهیز از بدعت می‌فرماید: «ای بندگان خدا! آگاه باشید! مؤمن کسی است که حلال خدا را هم اکنون حلال و حرام خدا را هم اکنون حرام بشمارد و آنچه مردم با بدعت‌ها تغییر دادند، چیزی از حرام را حلال نمی‌کند، زیرا حلال همان است که خدا حلال کرده و حرام همان چیزی است که خدا حرام شمرده است. پس شما در امور و حوادث روزگار تجربه‌آمختید و از تاریخ گذشتگان پند گرفتید، مثل‌ها برای شما زده‌اند و به امری آشکار دعوت شده‌اید. جز ناشنوایان کسی ادعای نشنیدن حق را ندارد و جز کوران و کوردلان کسی ادعای ندیدن واقعیت‌ها را نمی‌کند. آن کس که از آزمایش‌ها و تجربه‌های خدادادی سودی نبرد، از هیچ پند و اندرز سود نخواهد برد و کوه‌فکری دامنگیر او خواهد شد تا آنجا که بد را خوب و خوب را بد می‌نگرد. همانا مردم دو دسته‌اند: گروهی پیرو شریعت و دین و برخی بدعت‌گذارند که از طرف خدا دلیلی از سنت پیامبر و نوری از براهین حق ندارند.»^۷

علل سقوط جامعه انسانی را این‌طور می‌شناساند که «خدا شما را رحمت کند، بدانید که همانا شما در روزگاری هستید که گوینده حق اندک و زبان از راستگویی عاجز و حق طلبان بی‌ارزش‌ند. مردم گرفتار گناه و به سازشکاری هم‌داستانند، جوانانشان بد اخلاق و پیرمردانشان گناه‌کار و عالمشان دورو و نزدیکانشان سود جویند. نه خردسالانشان، بزرگان را احترام می‌کنند و نه توانگرانشان، دست مستمندان را می‌گیرند.»^۸

درباره پرهیز از حيله و نیرنگ هشدار می‌دهد: «ای مردم! وفا همراه راستی است

۱- خطبه ۷۶ ۲- خطبه ۲۳۳ ۳- خطبه ۴۱ ۴- خطبه ۱۵

۵- خطبه ۱۹۲ ۶- خطبه ۶۱ ۷- خطبه ۲۱۶ ۸- حکمت ۲۸۹

مدیریت در تشکل‌های دینی

خسرو کی‌منش

تعریف کار گروهی:

کار گروهی فعالیتی هدفمند است که به وسیله گروه‌های کوچک، (نیاز محور و وظیفه محور) برای برآورده شدن نیازهای اجتماعی-احساسی و یا انجام وظایف به اجرا می‌رسد. تمرکز این فعالیت بر افراد عضو گروه است و گروه به عنوان کل و سیستم ارائه خدمات عمل می‌کند.

تعریف گروه یا تشکل مذهبی:

گروه‌های مذهبی و دینی، گروه‌هایی هستند که افراد با میل خود و بدون درخواست مادی به آن روی می‌آورند و گروه‌های مردم‌سالار یا مردمی هستند. این گروه‌ها بر اساس باورها و ارزش‌های مردم شکل می‌گیرند و نه تنها مزدی دریافت نمی‌کنند، بلکه جان و مال و عمر خود را نیز صرف اهداف گروه می‌کنند.

نقش و اهمیت گروه یا تشکل مذهبی:

مهم‌ترین اثر و اهمیت یک تشکل مذهبی، هماهنگی و هم‌افزایی در هر فعالیت و تخصص است و یک فرد با عضویت در گروه، ضمن پی‌گیری اهداف خود، یاریگر افراد دیگر در هدف مشترک خواهد بود و از سوی دیگر می‌تواند نماینده گروه خود در سازمان و یک تشکل بزرگ‌تر باشد.

تشکل‌های دینی می‌توانند متناسب با اهداف افراد و اساسنامه خود یک یا چند نقش از موارد زیر را بپذیرند:

- الف) نقش آموزشی و بازآموزی
- ب) نقش اجتماعی
- ج) نقش اطلاع‌رسانی
- د) نقش پژوهشی
- ه) نقش تخصصی
- و) نقش حقوقی
- ز) نقش حمایتی و رفاهی
- ح) نقش هماهنگی

تعریف تیم یا گروه:

تیم (گروه)، وسیله‌ای برای به‌کارگیری افراد در کنار یکدیگر، به صورت یک واحد هماهنگ است.

تیم، عبارت است از مجموعه‌ای از افراد که بر اساس یک مأموریت مستمر، برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های مشترک، با یکدیگر کار می‌کنند.

۲. عدم توجه به زنان، جوانان، نوجوانان و کودکان

۳. عدم توجه به کار گروهی و نداشتن روحیه جمعی

۴. عدم توجه به وحدت و افتادن به دام قوم‌گرایی که در اندازه جهانی به صورت ملی‌گرایی نمود پیدا می‌کند.

۵. عدم پایه‌های قوی فرهنگی

۶. فقدان برنامه‌ریزی علمی و گسترش بی‌رویه فعالیت‌ها

۷. فقدان رهبری و مدیریت علمی و به جای آن داشتن پیر، مراد، قطب و...

۸. موقتی و موسمی بودن فعالیت‌ها و راکد نگه داشتن امکانات

بدیهی است برای هر یک از موارد فوق که بخشی از مشکلات است، باید برنامه‌های آموزشی و توجیهی پیش‌بینی کرد.

الزامات کار گروهی:

برای تشکیل هر گروه، وجود هدف‌های مشترک در میان اعضا، از اولین الزام‌هاست و به دلیل این که باید هر عضو گروه، دارای رویکرد، توان و مختصات مناسبی باشد، موارد ذیل برای تشکیل یک گروه لازم است:

۱. داشتن اختیار و قدرت
 ۲. داشتن انگیزه اجرا و اقدام
 ۳. داشتن تجربه و دانش در خصوص مشکل
 ۴. داشتن تنوع میان اعضا
 ۵. داشتن رویکرد تیمی و سیستمی
 ۶. داشتن مهارت و منابع برای فعالیت اثربخش
- علاوه بر موارد فوق، تعداد افراد گروه باید مناسب باشد، یعنی بر اساس اهداف و مأموریت و وظایف، نه کم باشند و نه زیاد.

مشخصات (ویژگی‌های) تشکل موفق:

بدیهی است، موفقیت دارای مشخصات زیادی بوده، ولی آنچه برای یک تشکل دینی ضروری است که گاهی از آن غفلت می‌شود، به شرح ذیل است:

۱. توانایی ایجاد فضای بیان اندیشه و احساس
۲. توجه برابر به «چه» یعنی چپستی کارها، «چرا»؛ دلایل پذیرش و انجام هر کار و «چگونگی»؛ انجام کار و در نهایت «چقدر»؛ کمیت کارها
۳. دارای افرادی باشد که در عین تفاوت، مکمل یکدیگرند.
۴. دارای اهداف شفاف و فراگیر (چشم‌انداز روشن)
۵. کار همراه با جدیت
۶. محترم شمردن ارزش‌های هر عضو

۱. تعجیل و عدم آینده‌نگری

۷. داشتن مدیریت و رهبری کارآمد برای تحقق بخشیدن به اهداف فوق، این مورد از همه مهم‌تر است.
 پس از شناخت و اهمیت تیم، گروه و یا تشکل و به تبع آن الزامات و مشخصات کار گروهی، به این نتیجه می‌رسیم که مدیریت و رهبری یک تشکل از اهمیت زیادی برخوردار است.

ویژگی‌های مطلوب رهبری:

(الف) آنچه پژوهش‌های علمی می‌گویند:

۱. بلوغ و پختگی
۲. توانایی‌های اداری
۳. توانایی ذهنی
۴. تمایلات و توانایی‌های گسترده
۵. مهارت‌های ارتباط و سخنرانی
۶. مهارت‌های اجتماعی
۷. نیروی انگیزش

(ب) آنچه تجربه‌های عملی می‌گویند:

۱. احترام به خویش و دیگران
۲. احساس جوشان انسانی
۳. اخلاص در برابر خدا و ظرافت در برابر مردم
۴. اصلاح‌گرایی و کمال‌جویی
۵. اندیشه استوار و منش منطقی
۶. بهره‌گیری از اندیشه‌ها و امکانات
۷. پارسایی در مقام و مذهب
۸. پختگی و سنجیدگی احساسات
۹. تنوع علایق و گرایش‌ها
۱۰. توان هدایت و راهنمایی
۱۱. توجه خاص به برنامه‌ریزی
۱۲. توجه ویژه به آموزش دیگران
۱۳. جلب اعتماد و اطمینان دیگران
۱۴. جدیت و پشتکار
۱۵. خلاقیت و برخورداری از تخیلات قوی
۱۶. روحیه آغازگری و سخت‌کوشی
۱۷. سلامت اخلاقی
۱۸. شور اشتیاق
۱۹. شیواسخنی و زیبانویسی
۲۰. فعالیت و جنب‌وجوش
۲۱. قاطعیت در تصمیم‌گیری
۲۲. لیاقت در سازمان‌دهی و نظم و ترتیب امور
۲۳. مسئولیت‌پذیری
۲۴. ملکه مدیریت و سازمان‌دهی
۲۵. هوشیاری و تیزهوشی
۲۶. یکسان‌نگری نسبت به هم

(ج) آنچه پیروان در رهبر می‌جویند:

۱. امانت

۲. اندیشمندی

۳. بی‌طرفی

۴. خبرگی و ورزش‌دگی

۵. خویشتن‌داری

۶. سودمندی

۷. شجاعت

۸. صراحت

۹. قاطعیت

۱۰. متانت

۱۱. مردم‌دوستی

۱۲. مردم‌شناسی

شناخت‌های ضروری مورد نیاز یک مدیر:

پس از ویژگی‌های چند بُعدی فوق یک مدیر به نسبت وظایف تشکل خود نیازمند شناخت‌های ذیل است:

۱. اقلام هزینه‌ها و نظارت بر آن‌ها
۲. اهداف و نقاط شروع و پایان فعالیت‌ها
۳. برنامه‌ریزی، جدول زمان‌بندی و نظارت و پی‌گیری
۴. توان فردی و لوازم افزایش آن
۵. تعهدات و مسئولیت‌ها
۶. دانش و روش تفکر خلاق و پویا
۷. سیاست‌ها، فعالیت‌ها و آیین‌نامه‌های سازمان
۸. فرآورده‌ها، فرآیندها و بسترهای ارائه محصولات سازمان
۹. قوانین و مقررات مربوط به فعالیت طبیعی خود
۱۰. مبانی، روش‌ها و ابزارهای گزینش و تعیین مسئولیت‌ها
۱۱. مبانی و روش‌های ارتباطات انسانی
۱۲. مبانی و روش‌های مدیریت علمی
۱۳. مبانی، وسایل و روش‌های آموزشی
۱۴. نمودار سازمان و جهت‌گیری آن

مهارت‌های مورد نیاز مدیر:

علاوه بر شناخت‌های فوق، یک مدیر باید توانایی ذیل را یا داشته باشد و یا کسب نماید:

۱. ایجاد و ترویج فرهنگ و مشارکت و هم‌یاری در میان اعضا
۲. تأمین حمایت‌های مادی و معنوی از تشکل و اعضا
۳. تدوین چشم‌انداز
۴. تعیین انتظارات
۵. تعیین هدف‌های تیم
۶. تفکر همه‌جانبه و جامع
۷. قدرت تحلیل و استدلال

وظایف مدیر:

در بیشتر کتاب‌ها و منابع مدیریت، چهار

وظیفه «اجرا، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و کنترل» را از وظایف مدیر می‌دانند و برای مدیر یک تشکل، موارد ذیل را می‌توان یادآوری کرد:

۱. ارائه بازخورد مثبت
۲. ارزیابی پیشرفت کار
۳. ارزیابی دوباره موقعیت‌ها
۴. اقدام به تغییرات در عضویت‌ها
۵. برقراری ارتباط با سازمان بالادستی (فراسیستم)
۶. حفظ توجه تیم (گروه به اهداف و برنامه‌ها)
۷. شرکت در انجام کار
۸. فراهم کردن منابع
۹. مشخص کردن انتظارات
۱۰. مقابله با بروز مشکلات در روابط
۱۱. واکنش نسبت به دستاوردها

برنامه‌ریزی گروهی:

از مهم‌ترین وظایف مدیر یک تشکل، برنامه‌ریزی است که در صورت انجام صحیح و منطبق با توان و واقعیت‌ها، امید است تشکل را در وضعیت بهتری قرار دهد. بنا به یک الگو، برنامه‌ریزی در یک تشکل دینی در ۷ مرحله ذیل تحقق می‌یابد:

۱. آماده‌سازی محیط (فیزیکی و حتی روانی کار)
۲. ارزیابی حمایت‌ها، عضویت و مشارکت‌های بالقوه
۳. انعقاد پیمان و قرارداد
۴. تأمین منابع مالی و حامیان
۵. تعیین اهداف یا هدف‌های گروه در یک برنامه که باید شفاف، مطابق با اساس‌نامه و ویژگی اعضا باشد.
۶. تهیه طرح پیشنهادی برای روشن بودن موارد فوق
۷. سازمان‌دهی گروه (برای آن برنامه خاص) و توجیه اعضا

مؤخره:

آن‌چه در بالا آمد، فهرست‌گونه‌ای از مدیریت تشکل‌های دینی است تا مدیران آن که بانیان خیر در عرصه حفظ شعائر و برگزاری مراسم هستند، به عنوان مقدمات بدیهی و ضروری در نظر داشته و مقدمه‌ای برای پی‌گیری و مطالعه آن‌ها در این زمینه باشد.

در جریان آموزش و به نسبت فرصت و مناسبت، کارهای کارگاهی در زمینه کارگروهی، تفکر و تمرین‌هایی در برنامه‌ریزی با استفاده از نظرات اعضا و گروه ارائه و انجام می‌شود. ■



هویت هیئت

امیر عیسیٰ ملکی

اشاره:

وقتی روشنفکران معاصر نطفه اندیشه‌های مدرن را به جان ایران عزیز انداختند، شاید خودشان هم نمی‌دانستند که بعد از وپار مدرنیته از رحم مدرنیسم نوزادی ناقص الخلقه متولد می‌شود که نه این تمام و نه آن تمام... یقین بدانید که این اواخر هم حتی روحشان خبر نداشت که در برابر ویروس‌های پست مدرنیسم و این روزتراها ترانس مدرنیسم به چه فلاکتی مبتلا می‌شوند. — اینجانب به ارزش‌های مدرنیسم، پست مدرنیسم و حتی ترانس مدرنیسم اندکی واقف هستم و منکر آنها نمی‌شوم. منظورم عدم هماهنگی جامعه با تغییر و تحول‌های ناگزیر با گذشت زمان

است — تا جایی که نوجوان و جوان جامعه امروز که عشق به معنویت و لحظات روحانی از هر بند وجودش شره‌شره می‌ریزد در فراخ‌نای بی‌کیاستی برخی از مسئولان و در تنگنای حیرانی خویش نمی‌داند که از رهگذر این همه های و هوی، نسبت خود را با خدا و هستی چگونه تعریف کند و «آنچه اینک جگر طایفه را می‌سوزد» اگر از بدکاری‌ها و کم‌کاری‌های گذشته خودمان نیست، پس چیست؟ سرتان را درد نیاورم، ۲ سال است که در ایام برگزاری نمایشگاه مطبوعات، تمام طول هفته را از اول صبح تا پایان روز در غرفه خیمه می‌نشستم تا مستقیماً با مخاطبان گفت‌وگو کنم و از نظرات متفاوت و در بسیاری از موارد ارزشمندشان بهره‌برم و الحق و الانصاف بهره‌هم برده‌ام. از شرح تعریف و تمجیدها و

تکذیب و تلغین‌ها که بگذریم، یک گروه خاص همیشه به سراغمان می‌آیند و حسابی از خجالت‌مان در می‌آیند — صادقانه بگویم که این گروه خاص را دوست دارم — البته ما هم عهد کرده‌ایم، سیلی‌هایی را که قرینه‌الی... به صورت‌مان می‌نوازند قرینه‌الی... تحمل کنیم، «که در طریقت ما کافر است رنجیدن» به این سؤالات توجه کنید:

- شما که مدعی هستید که یک «هیئت مکتوب حسینی» هستید آیا واقعاً از «هویت هیئت‌ها در عصر حاضر» مطلع‌اید؟
- آیا می‌دانید کارکرد هیئات در عصر حاضر چیست؟
- شما با عزاداری‌هایتان در هیئت قرار است که به کجا برسید؟
- ویژگی خاص مخاطبان شما چیست؟

این بندگان خدا چه گلی به سر خودشان و جامعه‌شان زده‌اند که دیگران زده‌اند؟ خود شما چطور؟ ...

هر چند که ما در شماره‌های گذشته هم با رویکردی تحلیلی، سعی در پاسخ‌گویی به این سؤالات داشته‌ایم و از باید و نبایدهای هیئات و نقش آنها در پرورش نیروهای متعهد و کارآمد برای داشتن جامعه‌ای خوب و سالم صحبت کرده‌ایم، اما موافق هستیم که سیل سؤال‌های اینچینی و عدم پاسخ صحیح و به موقع به این سؤال‌ها، همان چیزی است که کلاف سردرگم این رشته را که سر دراز دارد، پیچیده‌تر و ناکارآمد می‌کند و از این روست که بر این هستیم که در این بخش در حد وسع به واکاوی و بررسی موضوع هیئت از منظری نو بپردازیم که صد البته بدیهی است این مهم فرصتی طولانی‌تر می‌طلبد تا در یک جریان فرایندی و در طیفی از مباحث مطرح شود و بدیهی‌تر لزوم تحمل و تأمل مخاطب درباره موضوعاتی است که در این مجال مطرح می‌شود.

بنابراین ما هم که «یا بوسه بر انالاحق حلاج می‌زنیم / یا ادعای دار به دوشی نمی‌کنیم.» برای آنکه حکایت ما حکایت آنانی نباشد که جنگ‌ها را دلیرانه تماشا می‌کنند، بحث «هویت هیئات در عصر حاضر» را به گفت‌وگو نشستیم. منتها این بار میزبان گرد نبود. یعنی اصلاً میزی در کار نبود. با «حاج ماشا... عابدی» و حاج آقای خودمان در حسینیه «خیمه» گعده‌ای داشتیم و جای سیلی دوستان را به هم نشان می‌دادیم. — جایتان خالی، یک روز شما هم تشریف بیاورید — قرار بر این شد که خودمان را به سلابه نقد بکشیم. آخر «این سفر آن سفری نیست که از نیمه راه / دو سه گامی که پدر رفت پسر برگردد»^۱

در نگاهی گذرا که در بررسی‌های اولیه خود از مقایسه هیئات قدیم و جدید به عمل آورده‌ایم، تفاوت ویژه‌ای بین آنها احساس شد. نوعی ناهمگونی که می‌توان آن را ناشی از تضادهایی که در فضای جامعه وجود داشته، دانست.

تضادی که بین گرایش‌های سنتی قدیم و نفوذ تفکرات به اصطلاح مدرن که به خصوص در سی سال گذشته بسیار شاهد آن بودیم، آشکار شده، به طوری که حتی در فضای کوچک یک خانواده هم اختلافات بسیاری بین طرز تفکر پدر و فرزندان دیده می‌شود، گویا این دو قادر به برقراری ارتباطی دقیق و منطقی با یکدیگر نیستند. به اعتقاد جامعه‌شناسان این اختلافات به دلیل حرکت

جامعه به سمت دنیای مدرن بوده که همچنان با مقاومت گرایش‌های سنتی جامعه که به قوت خود باقی‌اند، مواجه می‌شود و در نتیجه این شکاف بین جوانان جامعه و سالمندان غیر منعطف، هیئت که در گذشته تنها مکانی برای جمع شدن چند نفر به منظور سوگواری و شرح مصیبت نبوده و در آن شخصیت جوانان شکل می‌گرفته و بزرگترهای هیئت، آینده آنان را رقم می‌زدند. به خصوص در هیئت‌های محله‌ای و پهلوانی دغدغه پیرغلامان این بوده که جوانی که وارد هیئت می‌شود روز خود را چگونه سپری می‌کند؟ چه خط مشی‌ای دارد؟ به ازدواج، کار و... جوانان اهمیت می‌داده، آنان را برای انتخاب‌های مهم زندگی خود راهنمایی می‌کرده، تبدیل به نهادی شده است که یکی از بازتاب‌های آن به عنوان مثال کتاب «رسانه شیعه» و مباحثی است که از جانب بعضی از علما شنیده‌ایم.

در آن زمان، اگر کسی می‌خواست در مراسم دعای «عرفه» شرکت کند، به راحتی نمی‌توانست جایی را تحت عنوان «مکان برگزاری دعا» بیابد. حال آنکه امروز، این مراسم باشکوه و عظمت برگزار می‌شود.

با این تفاسیر، به نظر شما چطور می‌توان چنین ارزش‌هایی را که در هیئات اصیل خود داشتیم، احیا کرده و به جان و کالبد هیئات جوان‌تر خود انتقال دهیم؟

عابدی: به اعتقاد من، هیئات و مداحی‌ها، در تمام موارد قابل بحث، با در نظر داشتن همه مشکلات، از زمان گذشته بهتر شده‌اند؛ نه آنکه در بهترین وضعیت خود قرار داشته باشند، اما نسبت به آنچه در گذشته بوده، از هر جهتی که فکر کنید، بهتر شده‌اند. به عنوان مثال، مداحان در گذشته از سواد چندانی برخوردار نبوده و علم و سواد کم، در اشعار آنان به خوبی مشهود بود.

در آن زمان، اگر کسی می‌خواست در مراسم دعای «عرفه» شرکت کند، به راحتی نمی‌توانست، جایی را تحت عنوان «مکان برگزاری دعا»، بیابد. حال آنکه امروز، این مراسم، باشکوه و عظمت برگزار می‌شود و شرکت‌کنندگان بسیاری هم دارد. به همین شکل، رعایت اصول مذهبی دیگر هم بادشواری همراه بود. در جایی که حجاب راز سر مادران ما برمی‌داشتند، چطور می‌شد «دین‌داری و دین‌مداری» را حاکم بر جامعه فرض کرد؟

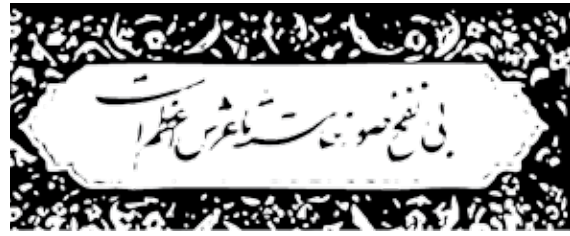
باز این پرسش بزرگ کز زمین

آیا دسترسی آسان به این محافل دلیلی بر رشد کیفی هم هست؟

عابدی: بحث در این مورد، مستلزم آن است که ابتدا بپذیریم آنچه امروز به دست آورده‌ایم بهتر از گذشته است و سپس به بررسی مشکلات و بهتر شدن وضعیت فعلی بپردازیم. استدلال من در این مورد، استدلال قرآنی است: «ما ننسخ من آیه او ننسها نات بخیر منها او مثلها» بنابراین در گذر زمان، دستاوردها یا همانند داشته‌های گذشتگان اند یا در شرف بهتر شدن هستند. به عنوان مثال، زمانی ما تصور می‌کردیم وقتی «آیتا... برو جردی» نباشد، دیگر کسی هم‌تراز ایشان نخواهد بود. اما این به ما ثابت شد که چنین نیست.

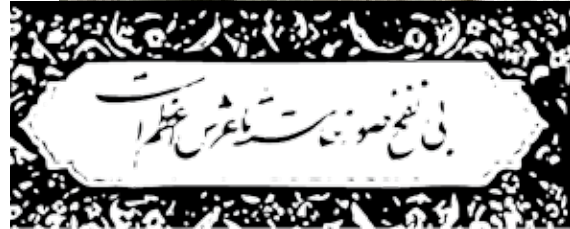
وافی: نظر من هم این است که بشریت در بستر زمان به رگه‌های معنویت ناب‌تری دست پیدا می‌کند. بدین ترتیب که هم‌زمان که ریزش‌هایی اتفاق می‌افتد، عناصر خالص، بیشتر تقویت شده و نمود بهتری پیدا می‌کنند. بنابراین گاهی در هیئت‌ها مسائلی رامی بینیم که سبب شگفتی است

باز این پرسش بزرگ کز زمین



و در گذشته به این شکل وجود نداشت. این مسائل، ممکن است از نظر کمی چندان قابل توجه نباشد، اما از جهت کیفی واقعاً قوی تر از گذشته است. در اینجا بد نیست شما هم اشاره‌ای به مصادیق حاکم بر این مدعا داشته باشید.

عابدی: تا اینجا پذیرفتیم که وضعیت فعلی بهتر است. اما این «بهرتر» عیب و نقص‌های فراوانی دارد و جای آن دارد که خیلی بهتر از این باشد. گذشته از آن، نباید تصور شود، جذابیت مجالسی که بر پایه مخالفت با مجالس مذهبی برپا می‌شود و مخاطبان بسیاری پیدا می‌کند، همگی بر پایه «معنویت گرایی» بوده باشد. چرا که همیشه «تخریب» از «آباد کردن» ساده‌تر بوده است. به عنوان مثال، اگر شما مجله‌ای را که مخالف اخلاق گرایی است در مدرسه‌ای پخش کنید، می‌بینید که چقدر سریع مخاطبان خود را پیدا کرده و جلب توجه می‌کند. اما این، از هنر آن مجله نبوده است و باید این تفاوت‌ها آشکار شود. چنانچه قرآن می‌فرماید: «ان الانسان لفی خسر» البته نباید کمک‌های شیطان را در جایی که اخلاق‌مداری



حاکم نیست، نادیده گرفت. مشکلاتی متوجه «هیئات» است که کم هم نیست؛ هم در زمینه «هیئت و هیئت‌داری» و هم در زمینه «مداحی» قابل توجه است. من در این جلسه به موشکافی مشکل اول می‌پردازم.

در «هیئت‌داری» گرداننده هیئت، به طور معمول به صورت خودجوش تعیین شده و اغلب کسی است که هزینه بیشتری تقبل کرده است. وقتی برای انتخاب «مدیر» به جای شایستگی، پول تعیین‌کننده باشد، اثرات زیان‌بار آن به تمام هیئت و هیئتیان سرایت پیدا کند.

این اشکالی است که هم در قدیم و هم زمان فعلی وجود داشته است. با این تفاوت که در قدیم بیشتر مردم جامعه، بی‌سواد بودند و در زمان فعلی، تقریباً می‌شود گفت، حداقل مدرک تحصیلی مدرک «کارشناسی»

بعضی اوقات تعداد جلسات واعظان آنقدر افزایش می‌یابد که فرصت باز و بسته کردن یک کتاب هم ندارند و محتوای منبرها کم‌مایه و بی‌مایه می‌شود

قلمداد می‌شود. ولی مدیران هیئت‌ها، یا به خاطر پول و یا نفوذ و قدرتی که در محله خود دارند، تعیین می‌شوند.

جسارتاً بنده نپذیرفتم؛ چطور در جایی که فضا، فضایی معنوی و مربوط به امام حسین (ع) است، قدرت و نفوذ شخصی، از چنان ارزش‌گذاری‌ای برخوردار می‌شود که صاحبش از سوی همگان، در مقام ریاست مجلس پذیرفته می‌شود؟ البته من وجود این ضعف را می‌پذیرم و آن را یکی از دلایل سخنان نخست می‌دانم.

وافی: البته برای گرداننده هیئت، جسارت بر خورد با هر نوع خلق و خوئی که یکی از عوامل مدیریت است و یک‌دست کردن شرکت‌کنندگان، یک‌حُسن به حساب می‌آید. اما در اینجا حفظ حرمت‌ها بسیار دشوار و مهم بوده و مصداق آن حرکت بر روی لبه تیغی است که اندکی انحراف به هر سمت، سبب سرنگونی خواهد بود. به طور طبیعی کسانی که صاحب نفوذند، می‌توانند مدیریت را به عهده بگیرند. اما در اینجا آقای عابدی به ارجمیت «شایسته‌سالاری»

اشاره کردند که یک نکته اساسی است. اکنون باید دید چطور می‌توان بر مبنای «شایسته‌سالاری» گزینش کرد؟

عابدی: در جلسه‌ای آیت‌... بهجت به نکته جالبی اشاره کردند و فرمودند: «اگر فرض کنیم در حدود هزار نفر تحت سیطره مدیریت فردی باشند و آن فرد دروغ‌گو باشد، دروغ‌گویی در میان تمام آن افراد رایج خواهد شد.» بنابراین شیوه مدیریت، یکی از بحث‌های مهم در شکل‌گیری هیئت‌هاست.

بنابراین شما علت ضعف کارکردی هیئت‌ها را سوء مدیریت در آن می‌دانید.

عابدی: من معتقدم مدیریت، یکی از بحث‌های مهم در شکل‌گیری هیئت‌هاست و بحث دیگری که در کیفیت کار هیئت‌ها تأثیر بسزایی دارد؛ «روحانی» و «واعظی» است که مسئولیت سخنرانی در جلسات را به عهده دارد. متأسفانه گاهی شاهد آن هستیم که برخی از واعظان از اطلاعات کافی برای عهده‌داری این مسئولیت برخوردار نیستند. یکی از دلایل آن هم این است که بعضی اوقات آنقدر تعداد جلسات واعظان افزایش می‌یابد که فرصت باز و بسته کردن یک کتاب را هم ندارند. بنابراین محتوای منبرها کم‌مایه و بی‌مایه می‌شود و همان فرصت اندکی که به سخنرانی اختصاص می‌یابد، هیچ‌گونه اثر مفیدی بر جای نمی‌گذارد. سخنرانی با چنین مشخصاتی، تنها یک سخنرانی تجاری است.

وافی: البته این هم، به نوع مدیریت «هیئت‌دار» باز می‌گردد. این وظیفه «هیئت‌دار» است که نیازهای مخاطب را بسنجد و آنها را به واعظ انتقال دهد.

به نظر شما واعظان در حال حاضر پذیرای نظر هیئت‌داران هستند و تعامل درستی بین آنها وجود دارد؟

عابدی: به نظر من واعظی که منبر پرمایه‌ای داشته باشد، قادر است «هیئت‌دار» را هم تغییر دهد. من از طرفداران پرو پاقرص «روحانیت» ام. اگر هم اعتقاد به بهتر بودن وضعیت فعلی نسبت به گذشته دارم، این اثرات حضور مؤثر «روحانیت» در جامعه است. مطابق با فرمایش امام راحل: «آن کس که می‌گوید: روحانیت نه، یعنی اسلام نه.» اما به هر حال اشکالی که مطرح کردم، وجود



بازارچه سخنرانی‌های کربلایی بنام نمونین سیداعظم غمنا

و هوای هیئت در مواجهه عاطفه و احساس اصیل و سالم ایجاد شده، تعلیم معارف و آموزه های دینی در عمق جان مخاطب می نشیند که البته در این باب حرف بسیار است و این چیزی است که می تواند باشد. اما این موضوع که متولیان امر آموزش چقدر به این نکات توجه دارند و تا چه اندازه هیئت را بستری مناسب برای آموزش می دانند و این که در مجموعه داخل هیئت، هیئت دارها تا چه اندازه زمینه لازم برای این مهم را آماده می کنند، به نظر می رسد که متولیان فرهنگی مانسبت به این که این فضای می تواند یک فضای آموزشی باشد در خواب کامل هستند و این واقعیتی است که نشانه های آن را در تولید یا بهتر بگوییم در آماده سازی بسته های فرهنگی می توان دید و درباره هیئت دارها هم گویا درد آموزش وجود ندارد و هنوز ذهن این عزیزان آماده این نیست که اینجایک سکوی پرش مناسب است که مستمع می تواند با احیای امر اهل بیت (ع)، انرژی لازم رفتاری و حیات قلب را دریافت کند تا در طول هفته در فضای سالم و معنوی نفس بکشد و زندگی مطلوبی داشته باشد. به نظر من متولیان فرهنگی و هیئت دارها، هیئت را فضای آموزش نمی دانند و این از خروجی کار هیئت ها مشخص است.

تأکید بر این نکته لازم است که هیئت به عنوان یک ظرفیت و پایگاه، نیازمند مهندسی فرهنگی است و در غیر این صورت این فرصت به تهدید تبدیل می شود. من معتقدم در صورتی که به طور عالمانه هیئت را در دستگاه مختصات مهندسی فرهنگی آنالیز نکنیم، هیئت از جانب هیئتی ضربه خواهد خورد و این ضرورتی است که باید با سعه صدر و تأمل به آن توجه کنیم. قبل از هر چیز بگوییم که «من سوخته آتش هفتاد تنورم/ کافر مشماریدم اگر دود نوشتم» بحث ما هم تمام شده نیست و همان طور که گفتیم این رشته سر دراز دارد و باید در چندین شماره به آن پرداخته شود. جمع بندی کلی هم بماند برای بعد؛ اجالتاً بدانید که «شکوه قریه نخواهد شکست، می دانم/ که نان گندم اگر نیست بذر گندم هست»^۲



شرکت کنم. متأسفانه کسانی که این گونه رفتار کنند، کم هستند.

البته این به نوبه خود مستلزم زمان آگاهی و ارتباط منطقی و دقیق با اقشار مختلف جامعه و درک درست این موضوع است که هدف از برپایی هیئات چیست؟ که درباره آن باید مفصل صحبت کنیم. اما به طور کلی تا چه حد با مباحثی که در هیئت ها مطرح می شود، موافق اید؟ آیا این مباحث نیازهای آموزشی و پرورشی امروز جامعه ما را پوشش می دهند؟

عابدی: درست است که هیئت ها امروز از گذشته بهتر شده اند. اما باز اشاره می کنم که روحانیان وظیفه دارند بیشتر روی مباحثی که ارائه می دهند، کار کنند. گاهی می بینیم مباحثی که مطرح می شود، هیچ ارتباطی با خواسته و نیاز جمع ندارد و این اشکالی است که باید رفع شود.

وافی: درباره توان و استعداد بالقوه هیئت به عنوان یک پایگاه آموزشی، قاطعانه می گویم که هیچ پایگاهی ظرفیت آن را که بتواند به اندازه هیئت در امر آموزش و پرورش تأثیر گذار باشد، ندارد. هر گونه فعالیتی درباره امور فرهنگی مانند: امر به معروف و نهی از منکر، مسئله اعتیاد، فساد، تبعیض و... در بستر هیئات به بهترین و کامل ترین صورت قابل اجراست. از این رو که در هیچ جای دیگر این تنوع مخاطب همراه با یکدلی و یکرنگی ای که در هیئت وجود دارد، دیده نمی شود. ضمن این که در حال

دارد و حتی برخی از روحانیان هم در محضر رهبر معظم انقلاب این موضوع را مطرح کردند.

وافی: بحثی که در اینجا مطرح می شود این است: بر فرض که «روحانی» وقت مطالعه هم داشته باشد؛ او از کجا باید بداند که نیاز است درباره چه مسئله ای صحبت کند؟ به قول آقای قرائتی که می گفتند: «بعضی چیزها مانند لنگ حمام است! خوب است، اما به درد حمام می خورد.» مسلماً کسی با لنگ در کوچه و بازار نمی گردد. بنابراین یک «هیئت دار» باید قبول مسئولیت کرده و این نیازها را انتقال دهد و به عنوان مثال، به شخص «روحانی» بگوید که درباره مسائل خانواده صحبت کند؛ یعنی «هیئت دار» بدون نگرانی از ناراحت شدن «روحانی» باید بتواند خواسته مستمعان را انتقال دهد.

عابدی: به هر طریق، او از آن جهت که بیشتر با جمعیت در تماس است، ممکن است نیازها را بهتر تشخیص دهد و «روحانی» هم بدون ناراحتی باید پذیرا باشد. اما خود «روحانی» هم می تواند فضای حاکم بر هیئت را بسنجد و بنا به سنجش خود سخنرانی کند. یعنی این امکان وجود دارد که آنچه به وی انتقال می دهند، خط صحیحی نباشد و سنجش این قضیه به عهده خود «روحانی» است.

اتفاقی که برای من تبدیل به تجربه شد، در خصوص آقای «شیخ محمود تحریری» بود. ایشان به حقیقت از علمای بزرگ ما و از شاگردان خوب «علامه طباطبایی» بودند. از خاطرات ایشان این بود که در جلسه ای منبر رفته و در مذمت ریش تراشی صحبت کرده بودند. مدیر هیئت از ایشان خواسته بودند که به این صحبت ادامه ندهند و ایشان نپذیرفته بودند؛ چرا که تشخیص ایشان این بود که این صحبت در آن مجلس لازم بوده است و ایشان در پی انجام وظیفه بودند.

مثال دیگر، امام جماعت خیابان ایران «حاج آقا ضیاءآبادی» که با وجود اصرارهای فراوان من و بستگانم برای شرکت در جلسات ما، آخرین حرفشان این بود که: «از آن جهت که باید برای هر جلسه چندین ساعت وقت برای مطالعه صرف کنم و در حال حاضر این فرصت را ندارم، نمی توانم در جلسات شما

۲۰۱: محمد کاظم کاظمی، مجموعه «قصه سنگ و خشت»

کرمانشاه را دارالمؤمنین خواهیم کرد ...

هیئت و کانون امام عصر (عج)

حجت الاسلام کسایی، با اشاره به اینکه فرهنگ سازی در هر زمینه ای باعث صرفه جویی و بازدهی مضاعف است، با ذکر این مثال که در سال، هزاران میلیارد تومان به خاطر مسئله اعتیاد به کورمان زبان اقتصادی وارد شده و بخش عمده ای از این زیان به هزینه مبارزه مستقیم با اعتیاد و پیشگیری از آن، به منظور تأمین امنیت و سلامت مربوط می شود، پیشنهاد می کند که بخشی از این هزینه در فعالیتهای فرهنگی - مذهبی برای مردم، به خصوص

فرهنگی و سیاسی

۲. نشریات

نشریه دعای ندبه، نشریه شهیدانه، ویژه نامه جنوب، نشریه دسته چکی شهدای مرصاد و دهه سوم محرم

۳. سایت اینترنتی

الف) نشریه اینترنتی به آدرس:

www.sobhenazdik.com

ب) وبلاگ خواهران:

www.Kanonparvareshe.blogfa.com

هیئت و کانون

امام عصر (عج)، کانونی

خودتأسیس است که وابستگی

تشکیلاتی به گروه، حزب،

ارگان یا جریان خاصی ندارد. این

کانون، مؤسسه ای غیردولتی (مردم نهاد)،

غیرسیاسی، غیرتجاری و غیرانتفاعی است

که با موضوع فرهنگی - مذهبی تحت

مدیریت روحانیت و هدایت علمای دینی

فعالیت می کند.

مسئول هیئت و کانون امام عصر (عج)،

حجت الاسلام والمسلمین سجاد کسایی،

هدف کلی کانون را «ترویج اسلام» معرفی

می کند و می گوید: «در عصر حاضر همین

که اسلام عزیز را آن طور که هست به خود و

دنیا معرفی کنیم و احکامش را جاری سازیم،

زمینه ساز ظهور امام عصر (عج) شده ایم و به

همین دلیل کانون را بدین اسم نامیده ایم.

پاکی روح، نماز، زکات، روزه، عدل و انصاف،

حاکمیت اسلام، مهربانی و رحمت، رعایت

حقوق همگان، امر به معروف و نهی از منکر و

در یک کلام توحید را ندای دهمیم و بر فراگیر

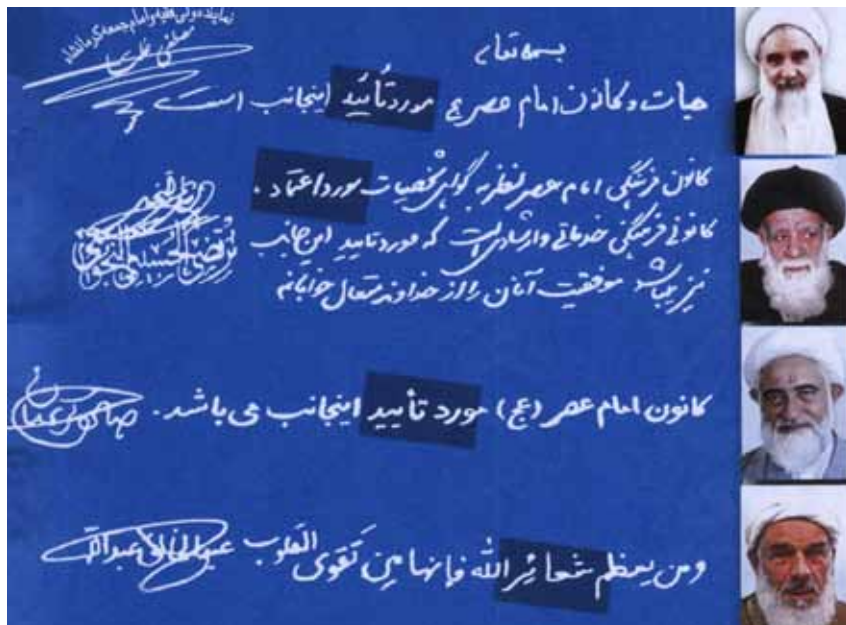
شدن آنها پای می فشاریم و امید قطعی

داریم، اعمال ناقابل مان مقبول درگاه حضرت

حق افتد و دعا می کنیم، این تلاش ناچیز،

شام ما را به صبح حکومت جهانی مهدی

فاطمه (عج) نزدیک تر گرداند.»



خانواده ها و کودکان مستعد اعتیاد صرف شود، چرا که «خودکنترلی» بهترین شیوه جلوگیری از خطاست و بهترین روش ایجاد خودکنترلی، دین داری و مذهبی بودن است. او با تأکید بر اینکه نباید با بهانه هایی همچون صرفه جویی اقتصادی، در امر تبلیغ دین که یک وظیفه و تکلیف الهی است، کوتاهی کرد، گفت: «منظور من این است که حتی اگر با یک دید صرفاً اقتصادی هم به مسئله تبلیغ دین نگاه کنیم، آن را با صرفه ترین راهکار رفع مشکلات می یابیم.»

که محتوای آن احکام، عضوگیری و مهدویت است.

همچنین کانون اقدام به برگزاری همایش هایی با عنوان: دروغ بزرگ، دلم برای خدا تنگ شده، از اون دنیا چه خبر، رد پاها، آنچه نگفته اند و ... کرده است و در طول سال، هر جمعه، بین الطلوعین در حسینیه شهداء واقع در مزار شهداء دعای ندبه برگزار می شود که از جمله برنامه های آن اجرای سخنرانی و مداحی مداحان مطلع و برتر کشوری است.

پیشینه و فعالیت های کانون

کانون امام عصر (عج) در سال ۱۳۸۱ تأسیس

شده و مجوز خود را به شماره اعتبارنامه

۶۷۸۹/۴۵۹/م از وزارت کشور دریافت کرده

است. این کانون تا به حال اعضای زیادی را

پذیرفته و برنامه های متنوعی اجرا کرده که

بخشی از آن به شرح ذیل است:

۱. آموزش و توانمندسازی

الف) طرح بزرگ مدیرسازی قرآنی مهد

ب) برگزاری کلاس های فرهنگی، هنری و

علمی

ج) برگزاری اردوهای تفریحی، زیارتی،

کسایی، با اشاره به برخی فعالیت‌های کانون در زمینه‌های قرآن، حدیث، اخلاق، عرفان، تاریخ، اقتصاد، حکومت، دفاع مقدس، یهودشناسی و... می‌افزاید: «کارهای خیریه و توانمندسازی اعضای در زمینه‌های مالی، تحصیلی، از دواج، شغل و... نیز تا حد توان در دستور کار کانون وجود داشته که ما برای موفقیت در کار فرهنگی دو ویژگی را ضروری دانسته و آن را در پی گرفته‌ایم؛ «تخصصی بودن» و «حرفه‌ای بودن».

فعالیت فرهنگی باید تخصصی باشد؛ یعنی هدفمند، روشمند و علمی بوده، همچنین باید حرفه‌ای باشد؛ یعنی به فرآیند و بر حسب نیاز، تعدادی نیروی تمام‌وقت، نیمه‌وقت و پاره‌وقت به صورت مداوم تحت یک مدیریت واحد در آن فعالیت کنند و بازدهی آنها مورد نقد و بررسی قرار گیرد. روش کار ما «تخصص محوری» و «حرفه‌ای» است.

بخش‌های تشکیل‌دهنده کانون

۱. **اتاق فکر:** متشکل از مجموعه‌ای از عناصر خوش فکر و اهل مطالعه، در موضوعات کاری کانون است. اتاق فکر، زیر نظر روحانیت، برنامه‌ها را از نظر نوع محتوا و سطح علمی کنترل کرده و بازدهی آنها را مورد سنجش قرار می‌دهد. همچنین برای پیشبرد و اصلاح برنامه‌ها، پژوهش‌های تخصصی و محافل بحث و بررسی کارشناسی، ترتیب داده و نتایج را تدوین می‌کند.

۲. **مدیریت:** برنامه‌ریزی، زمان‌بندی و سازماندهی نیروها، برای انجام برنامه‌ها را به عهده دارد.

۳. **اجرایی:** تهیه و تدارک امکانات مورد نیاز هر برنامه و اجرای برنامه‌ها را به عهده دارد.

۴. **مالی:** بودجه‌های عمومی مورد نیاز کانون را جذب می‌کند.

۵. **حسابرسی:** ورود و خروج پول و اموال کانون را ثبت کرده و حساب‌ها را تسویه و اموال را محافظت می‌کند.

۶. **دفتری:** امور دفتری و ثبت مشخصات اعضای و ارتباط با آنها را بر عهده دارد.

۷. **روابط عمومی:** تبلیغات برنامه‌ها و ارتباط کانون با اشخاص حقیقی و حقوقی (غیر از اعضای) را بر عهده دارد.

مخاطبان کانون:

مسئول کانون، با اشاره به اینکه چالش‌های فراروی کار فرهنگی-مذهبی در استان

۹. ارائه ده‌ها نظریه کارشناسی برای رفع معضلات استان، به‌ویژه معضلات فرهنگی

به مسئولان استان
۱۰. تدوین و ترویج طرح جامع امر به معروف و نهی از منکر در استان

۱۱. تأسیس کتابخانه و بانک نرم‌افزار تخصصی در زمینه عقاید شیعه امامیه و موضوعات مربوط به اهداف کانون.

۱۲. تأسیس صندوق قرض الحسنه خیریه، جهت رسیدگی به اشخاص و خانواده‌های مستعد پیشرفت

منابع مالی

بودجه کانون از چهار منبع: ۱- کمک‌های دولتی، ۲- کمک‌های مردمی، ۳- وجوه شرعی و ۴- درآمدزایی تأمین می‌شود و با توجه به اینکه کمک‌های دولتی برای انجام یک سری فعالیت‌های خاص که قابلیت هزینه کردن از بودجه‌های دولتی را داراست، به کار می‌رود و محدودیت دارد.

وجوه شرعی پس از کسب اجازه از دفاتر مراجع معظم تقلید، مورد استفاده قرار می‌گیرد، همچنین استفاده از منبع درآمدزایی فعلاً معطل مانده و در صورت وجود سرمایه، عملیاتی خواهد شد؛ بنابراین استفاده از کمک‌های مردمی، برای تهیه امکانات دائمی مورد نیاز کار فرهنگی، بیشتر از منابع دیگر حائز اهمیت است.

مسئولان کانون، با اشاره به فرمایش پیامبر اکرم (ص) که خطاب به علی ابن ابی طالب (ع) می‌فرماید: «ای علی! به خدا سوگند، اگر خداوند شخصی را به دست تو هدایت کند، برایت بهتر است از همه آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب می‌کند.»

می‌گویند: «ما برای همکاری و مساعدت با کانون از هیچ کس خواهش نمی‌کنیم، بلکه فقط وظایف شرعی احتمالاً فراموش شده را گوشزد می‌کنیم که اگر در خانه کس است، یک حرف بس است.»

این بیرق هم‌اکنون به دست ما افراشته شده است و ما تکلیف نگه داشتن آن را از شما کفایت کرده‌ایم. اما اگر تندبادی بلند در نوردد و صفحه بیرق را نگستراند، افراشتن آن بیهوده است. یاران! آن تندباد شما بیاید. وزیدن که یادتان نرفته است؟!» ■

کرمانشاه، متنوع و تاحدی متفاوت از دیگر استان‌هاست، درباره مخاطبان کانون می‌گوید: «عموم مردم مخاطب برنامه‌های کانون هستند، اما برای سه گروه سنی کودک، نوجوان و جوان به صورت خاص برنامه‌ریزی می‌کنیم.» مسئول هیئت و کانون امام عصر (عج) گفت: «شعار ما، نمایانگر طرز تفکر ما درباره چگونگی ترویج دین در عصر غیبت است. شعار ما این است:

انتظار، پویاست و انتظار صحیح، انتظاری است که موانع زمانی و مکانی ظهور را به تدریج هموار ساخته، آن قدر پویا باشد که تغییر شرایط و محیط، آن را ناکارآمد و خارج از رده نکند. در واقع تصور ما از انتظار، باید چیزی فراتر از عبادت شخصی و خصوصی باشد.»

وی، چشم‌انداز ۹ ساله کانون را به سه نمای ۳ ساله و ۹ برنامه یک‌ساله تقسیم می‌کند و با اشاره به اینکه روند این چشم‌انداز از ابتدای سال ۱۳۸۷ تا انتهای سال ۱۳۹۵ در نظر گرفته شده، امیدوار است که حداقل تا سال ۱۳۹۵ کانون به اهداف زیر رسیده باشد:

۱. بهره‌برداری از یک مجموعه خاص آموزشی مهد کودک، ابتدایی، راهنمای و دبیرستان (جهت پرورش نخبگان)

۲. تأسیس مجموعه فرهنگی «مهدیه امام عصر (عج)» در شهر کرمانشاه

۳. تربیت علمی ۵۰ نفر از نخبگان به صورت کاملاً تخصصی در رشته‌های مختلف، در زمینه موضوعات مورد نظر کانون برای تدریس و پژوهش و ارائه مطلب در محافل علمی

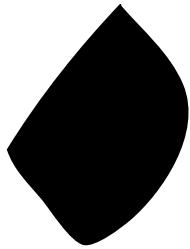
۴. تأسیس دفتر پاسخگویی به سؤالات شرعی و اخذ وجوه در کرمانشاه

۵. تأسیس بنیاد از دواج در کرمانشاه

۶. فرستادن ۵۰ نفر از افراد نخبه و مستعد طلبگی به حوزه علمیه و برنامه‌ریزی و تربیت آنها در مسیر اهداف فرهنگی.

۷. ایجاد نمایندگی کانون در تمامی شهرستان‌های کرمانشاه و جذب صد هزار نفر عضو مرتب

۸. انجام ده‌ها برنامه مفید و پر محتوای دینی در استان و تولید ده‌ها محصول فرهنگی-مذهبی مانند فیلم، نرم‌افزار و نشریه



بخش هفتم

دیدار لحظه به لحظه خدا

محمد رضا سنگری

قصه دارم چند مورد از فضیلت‌ها، ویژگی‌ها و امتیازات اصحاب حضرت اباعبدالله الحسین (ع) را محضر شما تقدیم کنم. یکی از ویژگی‌های یاران اباعبدالله این است که همیشه خود را در محضر خدا می‌دیدند و همه کارها را به نام او آغاز می‌کردند؛ به حق متصل می‌شدند و در همه موارد از خدا کمک می‌گرفتند. این ویژگی عارفان و واصلان است که هیچ کاری را بی‌امضای محبوب انجام ندادند، هیچ سخنی را بی‌یاد خدا نمی‌گویند و هیچ گامی را بی‌توکل به خدا بر نمی‌دارند؛ این خصوصیت از خصوصیات یاران اباعبدالله (ع) است.

«حضور گری همی خواهی از او غایب مشو حافظ!» اگر حضور می‌خواهید نسبت به خدا دچار غیبت نشوید؛ همیشه چنان باشید که گویی خدا شما را می‌بیند و زیر نظر او مشغول فعالیت هستید. وقتی خداوند، در قرآن، به حضرت نوح (ع) می‌فرماید: «کشتی بساز!» می‌فرماید: «زیر نظر من کار کن.» یعنی؛ در لحظه لحظه عملت مرا ببین و به تعبیر امیر المؤمنین علی (ع): «هیچ‌گاه کاری نباشد که پیش از آن و در حین عمل و پس از آن خدا رانینید.»

مثل حضرت زینب (س) که در تمام لحظه‌هایش، با خدا حرف می‌زند. وقتی حسین (ع) را به میدان می‌فرستد یا او را بدرقه می‌کند، با خدا سخن می‌گوید؛ من نمی‌دانم حضرت زینب (س) وقتی وارد قتلگاه شد، با بدن قطعه‌قطعه شده اباعبدالله الحسین (ع) چگونه برخورد کرد!

شاید شما شنیده باشید امام سجاد (ع) وقتی برای دفن حضرت اباعبدالله (ع) آمد، به بنی اسد گفت: «در دفن دیگران شما شرکت کنید، اما حسین عزیزم را فقط خودم می‌توانم بردارم.» چون نمی‌شد اباعبدالله (ع) را برداشت، اباعبدالله (ع) را قطعه‌قطعه روی بویا گذاشت. بدانید هر چه در کربلا بر شهداء گذشته، یک‌جا بر اباعبدالله (ع) وارد آمده است؛ یعنی اگر دست‌ان ابوالفضل (ع) را جدا کردند، دست‌ان اباعبدالله (ع) را هم جدا کردند؛ اگر تیر به گلوی علی اصغر (ع) خورده،

بچه‌ها را روی زانوهایمان بنشانیم و برایشان قرآن بخوانیم. با ابراز محبت، آنها را برای آینده بی‌پروا کنیم، زیرا تشنه کامان محبت به هر کس که اندکی محبت تقدیمشان کند، دل می‌سپارند.

به گلوی اباعبدالله (ع) هم خورده است؛ اگر ضربه بر پیشانی علی اکبر (ع) زدند، به پیشانی اباعبدالله (ع) هم ضربه زدند.

اباعبدالله (ع) به اندازه همه شهیدان کربلا زخم خورده بود. ۳۶۰ زخم بر بدن حضرت اباعبدالله (ع) بود. اکنون شما می‌توانید فکر کنید، خواهری که در تمام زندگیش با این برادر بوده، هنگامی که وارد گودال قتلگاه شده و با این بدن مواجه شود، چه باید بگوید؟! او را نشناخت! چوب‌ها و سنگ‌ها را کنار زد تا به بدن رسید؛ دید سر ندارد، گفت: «تو برادر منی؟! تو پسر مادر منی؟!» بعد هم چون با خدا ارتباط داشت، دست خود را زیر این بدن برد، نمی‌دانست این بدن را از کدام طرف بلند کند که قطعات از هم گسسته

نشوند. وقتی آن را بلند کرد، در پیشگاه الهی عرض کرد: «اللهم تقبل منا هذا القلیل!» «این اندک را از من بپذیر». با خدا صحبت می‌کند. البته این درس را از پدرش یاد گرفته بود؛ چون وقتی پدرش امیر المؤمنین (ع)، حضرت زهرای مرضیه (س) را به خاک سپرد، همین گفت‌وگو را با خدای خویش داشت و این درس را در کودکی از آنجا یاد گرفته بود.

مادران و پدران عزیز و بزرگوار! حضرت زینب (س) وقتی قرآن به دست امیر المؤمنین (ع) می‌داد و از پدر خواهش می‌کرد برایش قرآن بخواند، شرح دهد و تفسیر کند، وقتی یک ساعت برای او سخن می‌گفت، حضرت زینب (س) به او می‌گفت: «پدر بسیاری از این چیزهایی که برای من گفتی، از زبان مادرم زهرا (س) شنیده بودم.» و جالب این است که بدانید، حضرت زینب (س) مادرش را در پنج‌سالگی از دست داده است؛ یعنی تا پنج‌سالگی مادر این مقدار به او آموزش داده بود و شگفت‌تر اینکه برای پدر می‌گفت: «پدر جان! مادرم اینها را برای من می‌گفت تا مرا برای آینده آماده کند.» حضرت زینب (س) در کربلا ۵۵ ساله است؛ یعنی حضرت زهرا (س) در پنج‌سالگی برای نیم قرن بعد دخترش را آماده کرده است.

این درس را یاد بگیریم. با فرزندانمان حرف بزنیم؛ بچه‌ها را روی زانوهایمان بنشانیم و برایشان قرآن بخوانیم و روایت بگوئیم. با ابراز محبت، آنها را برای آینده بی‌پروا کنیم، زیرا تشنه کامان محبت به هر کس که اندکی محبت تقدیم‌شان کند، دل می‌سپارند و از دست رفتگی فرزندان محصول بی‌لبخندی پدر و مادرهاست. مادرانی که لبخند را

شناسند، محبت را نمی‌شناسند و پدرانی که با بچه‌هایشان گفت‌وگو نمی‌کنند، فرزندان‌شان را از دست خواهند داد.

متأسفانه عصر امروز، عصر لالی خانواده‌هاست. ما بعد از ظهرها حرف نمی‌زنیم، چون بچه‌هایمان دعوت‌مان می‌کنند که حرف نزنیم تا کارتون ببینند و شب‌ها ما به بچه‌هایمان می‌گوییم، حرف نزنید تا اخبار یا فیلم‌مان را ببینیم! ارتباط‌های کلامی نسل امروز گسسته شده و والدین چون محبت نمی‌کنند، ممکن است خیلی ساده فرزندان‌شان را از دست بدهند. این درس را از کربلا یاد بگیرید که امام حسین (ع) حتی در راه با بچه‌ها صحبت می‌کند. تا آخرین لحظه با بچه‌ها گفت‌وگو می‌کند. مسئله را از قلمرو اعجاز و کرامت بیرون بیاورید.

یک نمونه زیبا و فوق‌العاده هم در بین یاران امام (ع) وجود دارد. این گسو، از چهره‌هایی است که محبت اباعبدالله (ع) در وجودش تجلی یافته و اتفاقاً ایرانی است. نامش «اسلم بن عمرو» است. من مدتی پیش به شمال رفته بودم تا از آدگاه این شخص را پیدا کنم و بدانم او کجا متولد شده است. جالب اینکه از بومیان کسی او را نمی‌شناخت. در نهایت متوجه شدم که این شخصیت بزرگوار از کجراه افتاده و به اباعبدالله (ع) پیوسته است. اسلم بن عمرو، شاعر و قصه‌گو بود؛ در کربلا بچه‌ها را جمع می‌کرد و برایشان قصه می‌گفت. به‌ویژه شب عاشورا با بچه‌ها بیشتر انس گرفت و مرتب برایشان قصه می‌گفت تا تشنگی را فراموش کنند. دوست صمیمی بچه‌ها و البته یک غلام بود. (تعدادی غلام هم در کربلا بودند) او صبح روز عاشورا خدمت اباعبدالله (ع) رسید و گفت: «آقا اجازه می‌خواهم به میدان بروم.» اما امام (ع) می‌خواست به گونه‌ای فعلاً او را نگه دارد؛ فرمود: «اختیار شما دست پسر م‌علی - امام سجاد (ع) - است.» گفت: «هر چه ایشان بگویند، قبول است؟» امام (ع)

فرمود: «بله، قبول است.» او راه افتاد و نزد امام سجاد (ع) رفت. به امام سجاد (ع) گفت: «به جان پدرت کاری کن. آقا اختیار مرا به شما سپرده است. لطفی کن و مرا پیش نفر سوم نفرست. من می‌خواهم به میدان بروم.» امام (ع) تیسمی کرد و فرمود: «آزادت کردم.» تا گفت آزادت کردم، با سرعت تمام خدمت اباعبدالله (ع) آمد و گفت: «آقا من آزادم و الآن می‌توانم به میدان بروم؛ به من اجازه بدهید!» (یاران اباعبدالله (ع) دو نوع اذن از امام (ع) می‌گرفتند؛ یکی اذن میدان بود و یکی اذن شهادت. می‌گفتند: «آقا میدان بروم؟» امام (ع) می‌فرمود: «برو!» عرض می‌کردند: «آقا بروم شهید شوم؛ کشته شوم در راه خدا و در دفاع از دین؟» امام (ع) می‌فرمود: «برو!» وقتی امام (ع) این را می‌فرمود، آنها خیال‌شان راحت می‌شد که به مقام شهادت می‌رسند، یعنی آقا شهادت آنها را امضا می‌کرد.)

اسلم گفت: «آقا من رفته‌م.» امام (ع) گفت: «بفرما؛ با سرعت به میدان رفت، چون نگران بود، مبادا به دلیلی متوقف شود یا کسی از او پیشی بگیرد. در کربلا، افراد برای شهادت سبقت می‌گرفتند. اسلم به میدان رفت. با سرعتی که او می‌رفت، شمشیر را هم کشیده بود، یک‌باره دشمن عقب نشست. نزدیک دشمن که رسید، دوباره با سرعت تمام برگشت. یعنی با همان سرعتی که رفته بود، دوباره بازگشت. آقا فرمود: «چرا برگشتی؟» گفت: «از دوستان کوچکم خداحافظی نکرده‌ام، می‌خواهم با بچه‌ها خداحافظی کنم.» کنار خیمه‌ها رفت، بچه‌ها را جمع کرد و مدتی خوشحال و سرگرم‌شان کرد و برایشان قصه گفت و آنها را خندانند و بعد به میدان رفت.

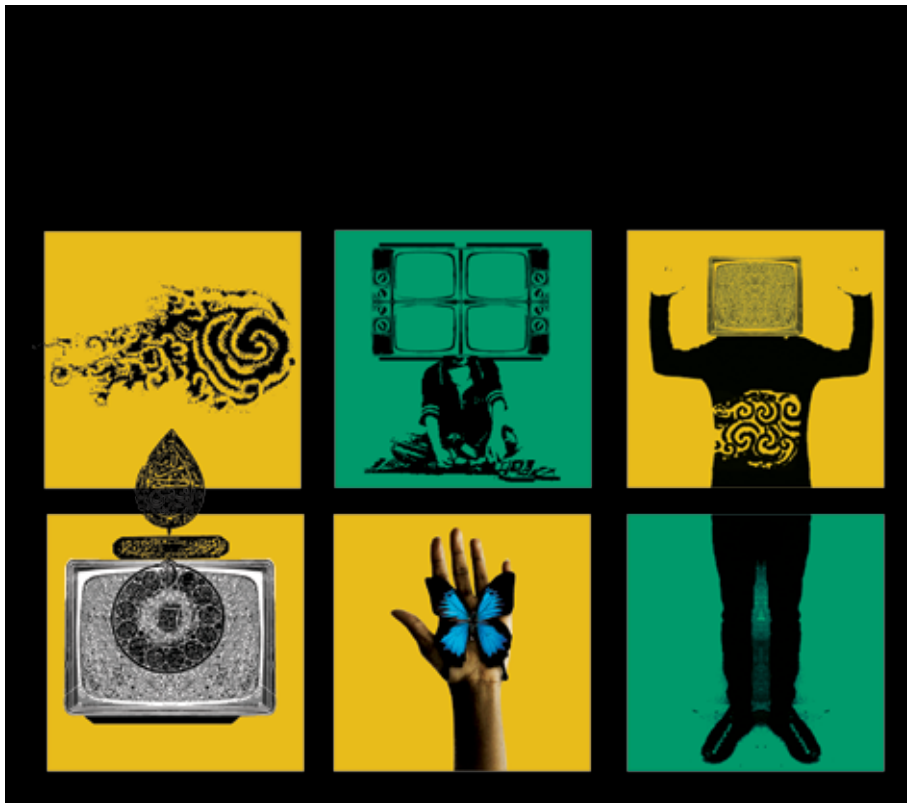
اینها درس‌های کربلاست. از خانه بیرون رفتی، اول بچه‌ها را بخندان تا به هموطن خود اسلم بن عمرو، اقتدا کرده باشی. وارد خانه می‌شوی. باز هم آنها را خوشحال کن.

این کلاس کربلاست که باید زانوزد و این درس‌های عظیم و لطیف را از کربلا آموخت. اسلم وقتی بچه‌ها را خوب شاد کرد و خندانند و قصه گفت، به میدان رفت و این ایرانی عزیز در میدان رجزی خواند که من در مجموعه رجزهای کربلا، رجزی شاعرانه‌تر از این رجز نمی‌شناسم: «البحر من طعنی و ضربی یصطلی / و الجوّ من سهمی و نبلی یمتلی / اذا حسامی فی یمینی ینجلی / ینشق قلب الحاسد المبجلی»

معنی آن بسیار زیباست: «دریا از جزر و مد شمشیر من شعله‌ور می‌شود، دریاایی که هیچ وقت آتش نمی‌گیرد، وقتی من شمشیرم را می‌چرخانم آتش می‌گیرد، فضا از بارش تیرهای من سرشار می‌شود، وقتی شمشیر در دست‌های من می‌درخشد و جلوه‌گری آغاز می‌کند، قلب حسودان بخل‌ورز و آزمند را پاره‌پاره می‌کند» (او از این حرف منظور داشت. حسود، یزید و بخیل، عمر سعد بودند. عمر سعد، این بدبخت آزمندی که به ری و گرگان دل خوش کرد، این زمین‌ها را می‌خواست و بعداً هم به هیچ یک نرسید.)

اسلم بعد از رجز خوانی جنگید و جنگید. وقتی افتاد، امام بالای سرش آمد، سرش را روی زانو قرار داد و او جمله‌ای گفت که از میان تمام صحابه کربلا، شاید جمله هیچ فردی به شکوه جمله این ایرانی نباشد؛ گفت: «چقدر عالی است و چه بزرگ و خوشبختم من که سر بر زانوی آفتاب جان می‌سپارم!» آقا دست کشید روی پیشانی‌اش، که همه یاران گفتند که او عرض کرد: «اوقیت یا ابن رسول الله!» «به عهد خود وفا کردم؟ خوب جانبازی کردم؟» امام (ع) فرمود: «نعم، انت امامی فی الجنة!» «تو پیش از ما به بهشت رسیدی.» خوشا به سعادتت، تو به فوز و فلاح رسیده‌ای.

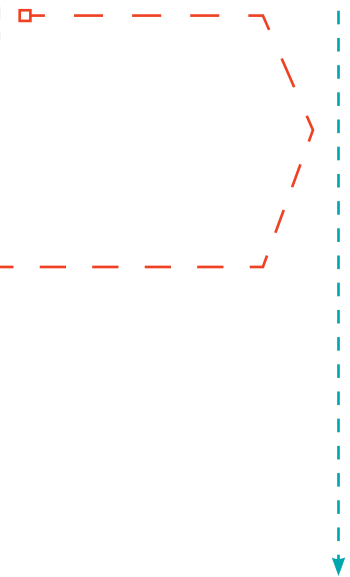
کربلا قصه دیدار لحظه به لحظه خداست. به ما گفته‌اند: «عبدالله کانتک تره!» «خدا را طوری عبادت کن که گویی او را می‌بینی.» ■



ماهنامه فرهنگی اجتماعی خلیما
KHEIMEH Cultural-Social Monthly

پس از پیروزی انقلاب اسلامی هر سال شاهد گسترش پخش برنامه‌های مذهبی در رادیو و تلویزیون به‌ویژه در ماه‌های محرم، صفر و رمضان هستیم. در چند سال اخیر این روند به صورت قابل ملاحظه‌ای شدت گرفته است؛ به‌ویژه شاهد افزایش چشمگیر پخش مداحی‌های مختلف در شبکه‌های مختلف صدا و سیما بوده و هستیم. در این بخش نقش و کارکردهای صداوسیما به‌ویژه تلویزیون در آیین‌ها و مناسک آیینی در گفت‌وگو با کارشناسان حوزه دین و رسانه تحلیل و بررسی شده است.

KHEIMEH
Cultural-Social
Monthly



تاریخ و آینده

چهارم

رسالة

هنر و ادب

پیدا

مردم شنای



تبدیل شدن تلویزیون به حسینیه‌های خانگی

در این نوع ارتباط میان گروهی، پیام‌آفرینان، همواره با دریافت سریع عکس‌العمل‌ها و بازخورد^۱ مخاطب، مؤثرترین شگردها را برای نفوذ و اقتناع بیشتر در نظر می‌گرفتند و بسته به شرایط موجود، انعطاف لازم را در بافت و محتوای پیام ایجاد می‌کردند.

پخش مراسم سخنرانی و به‌ویژه نوحه‌سرایی از رادیو و تلویزیون متنی (Text) محسوب می‌شود که شاید برای هر نوع بافت (Context) و زمانی که مخاطب آن را در پای گیرنده‌های خود دریافت می‌کند، مناسب نباشد. حتی در خود این جلسات مذهبی، سخنوران و مداحان بازمینه‌چینی جلسه را آماده کرده و سپس با در نظر گرفتن حال و هوای مجلس به ذکر مصیبت و نوحه‌خوانی می‌پردازند. در حالی که بیننده و شنونده با زدن یک دکمه و روشن کردن گیرنده، از هر جا و به هر مدتی که صلاح بدانند، از مراسم استفاده می‌کند.

پخش مراسم سخنرانی و به‌ویژه نوحه‌سرایی از رادیو و تلویزیون متنی محسوب می‌شود که شاید برای هر نوع بافت و زمانی که مخاطب آن را در پای گیرنده‌های خود دریافت می‌کند، مناسب نباشد. حتی در خود این جلسات مذهبی، سخنوران و مداحان بازمینه‌چینی جلسه را آماده کرده و سپس به ذکر مصیبت می‌پردازند

۲- هر رسم و آیینی در هر منطقه با توجه به شرایط آن منطقه، قابل پذیرش است و امکان دارد در سایر فرهنگ‌ها بی‌معنی باشد، یا حتی با توجه به اینکه همه افراد از فلسفه موضوع و نشانه‌های آن شناخت ندارند، «تمسخرآمیز» جلوه کند. پخش بعضی از مراسم عزاداری، بدون آشنا کردن مخاطب با فلسفه آن، می‌تواند اثرات منفی در بینندگان داشته باشد.

۳- هر چند نمی‌خواهم مانند مارشال مک‌لوهان، تلویزیون را غسل تممید داده و آن را «پرستشگاه» و امواج آن را «بشارت الکترونیک» بدانم، ولی در جامعه‌ای چون ایران که تنوع رسانه‌ها کم‌رنگ بوده و هنوز به اعتقاد من، نظریه تزیقی پیام^۲ به میزان قابل توجهی در بسیاری از نقاط کشور حاکم است، وسایل ارتباط جمعی، به‌ویژه تلویزیون دارای قدرت فراوان و غیرقابل انکاری

علیرضا کتابدار

چندین سال پیش، روز اربعین، در جلسه‌ای شرکت داشتیم که مداح اصلی آن، «حاج علی انسانی» بود. در این مجلس که چندین مداح برنامه اجرا کردند، بساط فیلمبرداری - آن هم با چند دوربین - داغ بود و حتی بعضی از مداحان در اجرای خود به دوربین نیز توجه می‌کردند. زمانی که نوبت به حاج علی انسانی رسید، مجلس اصطلاحاً به اوج خود رسیده بود. وی در آغاز برنامه‌اش با ادبیاتی بسیار مؤدبانه از فیلمبرداران خواست که دوربین‌ها را خاموش کنند. استدلال او بسیار جالب و در عین حال علمی بود: «مادر اینجا با توجه به شرایطی که در آن قرار گرفته‌ایم، شور و حالی داریم که افرادی که بعدها این برنامه را می‌بینند، متوجه این فضا نیستند و برداشتی از آن می‌کنند که با واقعیت این فضا متناسب نیست.»

پس از پیروزی انقلاب اسلامی هر سال شاهد گسترش پخش برنامه‌های مذهبی از رادیو و تلویزیون، به‌ویژه در ماه‌های محرم، صفر و رمضان هستیم. طی سال‌های اخیر، این روند به صورت قابل ملاحظه‌ای شدت گرفته است؛ به‌ویژه شاهد افزایش چشمگیر پخش مداحی‌های مختلف در شبکه‌های مختلف صدا و سیما بوده و هستیم. هر چند پخش این مراسم از رادیو و تلویزیون به‌خصوص برای افرادی که به هر دلیلی توانایی شرکت در مراسم عزاداری را ندارند، فعالیت مثبتی است، اما توجه به چند نکته در این مورد ضروری به نظر می‌رسد:

۱- مساجد، تکیه‌ها و حسینیه‌ها در ایران از دیرباز جزو مراکز مهم ارتباطات سنتی بوده و هستند که در گردآوری مردم، ایجاد ارتباط، همدلی و همفکری میان آنها، شکل دادن و تفهیم منافع مشترک جمعی و آگاه کردن توده مردم از آنچه پیرامونشان می‌گذرد، نقش بسیار مهمی دارند.



سرچشمه می‌گیرد. محتوای این ارتباطات، نوعاً بیشتر از آنکه جنبه تشریحی و توصیفی داشته باشند، تجویزی و از پیش تعیین شده‌اند.

با توجه به ویژگی‌های هر یک از این نظام‌ها، ضروری است توقعات و انتظارات از آنها با توجه به کارکردهایشان در نظر گرفته شود.

هر چند همان کارکردهایی که برای وسایل ارتباط جمعی می‌توان قائل شد - خبری، آموزشی، تبلیغی، ارشادی و سرگرمی - می‌توان برای نظام ارتباط سنتی نیز برشمرد، ولی باید به این موضوع توجه داشت که هر چند، دامنه و فراگیری ارتباطات سنتی محدودتر است، اما در عوض میزان تأثیر و نفوذ و نیز قابلیت اعتماد به آن، به دلیل چهره به چهره بودن بیشتر است. رابطه چهره به چهره، در اشاعه افکار و عقاید، حتی زمانی که این افکار از رسانه‌های همگانی منشأ می‌گیرد نیز بسیار مهم است.

در هر صورت باید این واقعیت را پذیرفت که تلویزیون امروزه از سویی، با بردن بخشی از مناسک و آیین‌های مذهبی به داخل خانه‌ها و حریم خصوصی افراد، یکی از کارکردهای وسایل ارتباط جمعی؛ یعنی حفظ و انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های آینده را محقق ساخته و از سوی دیگر، ممکن است از میزان مشارکت و حضور مردم در این مراسم بکاهد. مخاطب تلویزیون در مقایسه با بعضی مجالس مذهبی که از حداقل جذابیت برخوردار نیستند، ترجیح می‌دهد با روشن کردن گیرنده خود، به جای رفتن به حسینیه، حسینیه را داخل منزل خود آورده و با توجه به گزینش‌های موجود - که در ایام سوگواری مانند دهه اول محرم تقریباً به تعداد شبکه‌های موجود است - سخنران و مداح مورد نظر خود را برگزیند و یا از برنامه‌های مذهبی در قالب‌های دیگر استفاده کند. مجالس مذهبی در رقابت با این رقیب قدرتمند، باید تغییراتی در خود ایجاد کنند که کوتاه‌تر کردن زمان برنامه‌ها، توجه بیشتر به کیفیت سخنرانی‌ها و مداحی‌ها و استفاده بیشتر و متنوع‌تر از قابلیت‌های جمع و گروه می‌تواند قسمتی از این تدابیر باشد. ■

عقاید سایر اعضای گروه کمک شایانی می‌کند. بنابراین از آنجایی که عزاداری و نوحه‌سرایی، جزئی از مراسم آیینی بوده و از جمله جلوه‌های مهم ارتباط سنتی محسوب می‌شود، رادیو و تلویزیون باید خود را هم‌عرض و نه هم‌طول و وسایل ارتباطات سنتی دانسته و باید برای پررنگ کردن حضور مردم در این مراسم تلاش کنند.

دانیل لرنر، محقق آمریکایی، در کتاب «گذر از جامعه سنتی؛ نوسازی خاورمیانه»^۴ با اشاره به ضرورت تفکیک نظام‌های ارتباطی شفاهی و رسانه‌ای می‌گوید: مطابق الگوی علمی معروف: که می‌گوید؟، چه می‌گوید؟، برای چه کسانی می‌گوید؟ و چگونه می‌گوید؟، دو نظام تاریخی ارتباطات عمومی شامل: «نظام شفاهی» و «نظام رسانه‌ای» از یکدیگر متمایز می‌شود. گونه‌های آرمانی دو نظام مذکور بر مبنای چهار متغیر زیر شامل «منبع»^۵، «محتوا»^۶، «مخاطب»^۷ و «مجرای ارتباط»^۸ با هم تفاوت دارند.

عناصر متغیر چهارگانه

نظام‌های رسانه‌ای	نظام‌های شفاهی	
حرفه‌ای (مبتنی بر مهارت و تخصص)	سلسله مراتبی (مبتنی بر وضعیت اجتماعی)	منبع
تشریحی (اخبار)	تجویزی (دستورها)	محتوا
ناهمگون (توده)	ابتدایی (گروه‌های اولیه)	مخاطب
فراپراکنی (با واسطه)	شخصی (چهره به چهره)	مجرا

در نظام‌های رسانه‌ای، جریان عمده اطلاعات عمومی، به وسیله گروهی از ارتباط‌گران حرفه‌ای

مجالس مذهبی در رقابت با رقیب قدرتمندی چون تلویزیون، باید تغییراتی در خود ایجاد کنند که کوتاه‌تر کردن زمان برنامه‌ها، توجه بیشتر به کیفیت سخنرانی‌ها و مداحی‌ها و استفاده بیشتر و متنوع‌تر از قابلیت‌های جمع و گروه می‌تواند قسمتی از این تدابیر باشد

است؛ از این‌رو با توجه به قدرت این رسانه، باید پیام‌آفرینان به نقش آن در فرهنگ‌سازی بیش از پیش توجه کنند. استفاده از سخنرانان و مداحانی که مباحث و نوحه‌های آنها ترکیبی از واقعیت و خرافات است و بیان مسائل خلاف عقل و مذهب از رسانه تلویزیون که در کشورمان به طور انحصاری در اختیار حاکمیت است، و یروسی در اساس و پیکره دین و مذهب وارد می‌کند که بهبود آن نیازمند زمان و انرژی فراوان است و بر اساس قانون «پیشگیری بهتر از درمان است»، عقل سلیم حکم می‌کند که باید مانع ورود این خرافات به اعتقادات مردم شد تا دیگر نیازی به برنامه‌ریزی برای تصفیه و پالایش سیره از ناسره نباشد.

۴- فردی که می‌خواهد در مراسم مذهبی شرکت کند، هر چند در ابتدا قدرت و اختیار انتخاب دارد و می‌تواند تعیین کند چه مجلسی با کدام سخنران و مداح را انتخاب کند، ولی پس از شرکت در آن مجلس معمولاً تا پایان مراسم حضور دارد و تقریباً حالتی منفعل به خود می‌گیرد. در اینجا دستگاه کوچکی به نام «کنترل تلویزیون» او را از حالت انفعال تا حدودی خارج کرده و به او حق انتخاب می‌دهد. هر چند تا همین چند سال پیش این قدرت انتخاب زیاد نبود، ولی به‌ویژه از امسال تا حدی شاهد ارائه پیام‌های یکسان از مجراها و کانال‌های نسبتاً متنوع بودیم. استقبال قابل توجه مردم از برنامه‌ای مانند «نجوای عاشورایی» به کارگردانی مجیدی، کارگردان نام‌آشنای کشورمان، از این جمله است. این برنامه توانست با فیلمبرداری حرفه‌ای از نوحه‌سرایی تعدادی از مداحان مشهور و استفاده از نماهای مختلف، یک موضوع ساده را که به نظر می‌رسید، نمی‌توان در آن دخل و تصرف زیادی ایجاد کرد، با اعمال حداقل تغییرات برای بسیاری از بینندگان جذاب کند. ضرورت استفاده از برنامه‌های گوناگون برای پاسخگویی به نیازها و سلیقه متنوع مخاطبان، موضوعی است که توجه بیشتر پیام‌آفرینان را می‌طلبد.

۵- تلویزیون هر چقدر هم تلاش کند، نمی‌تواند جای مساجد، تکیه‌ها، حسینیه‌ها و هیئت‌های مذهبی را بگیرد و البته این ناشی از ضعف این رسانه نیست، بلکه کارکرد آن متفاوت است. هر چند نقش تلویزیون در انتقال میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر^۳ غیرقابل انکار است، ولی بینندگان آن، جمع و توده‌ای غیرمجاور هستند و هر یک به تنهایی ارتباطی با دیگری ندارند و از سایر بینندگان نیز تأثیر نمی‌گیرند، ولی در گروه‌هایی مانند هیئت‌های عزاداری، افراد از یکدیگر با ارسال و دریافت بازخورد به شدت تأثیر می‌گیرند و این موضوع به تقویت رفتار و

که بر اساس ضوابط مهارت انتخاب شده‌اند و کار آنان انتقال پیام‌های غالباً تشریحی و توصیفی (اخبار) از طریق رسانه‌های غیرشخصی (چاپ، رادیو و فیلم) برای مخاطبان توده‌وار نسبتاً غیرمتفاوت است، صورت می‌پذیرد.

در نظام‌های شفاهی، اطلاعات عمومی معمولاً از منابعی که به سبب جایگاه آنان در سلسله مراتب اجتماعی، بیشتر با توجه به وضعیت و نه ضوابط مهارت مجاز به سخن گفتن هستند،

پی‌نوشت:

۱- Feedback

۲- نظریه تزرقی پیام بر این پایه استوار است که پیام در صورتی که درست شکل گرفته و با تکرار مناسب به مخاطب منتقل شود، اثر فراوانی در ذهن و رفتار مخاطب می‌گذارد و مخاطب در برابر آن منفعل است.

۳- هارولد لاسول در مقاله‌ای با عنوان «ساخت و کارکرد ارتباطات در جامعه» یکی از مهم‌ترین وظایف وسایل ارتباط جمعی را انتقال میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر می‌داند.

۴- The passing of Traditional Society:

Modernizing the Middle East

Source-5

Content-6

Audience-7

Channel-8

صدا و سیما نباید در انحصار مداحان خاصی باشد



جواد آرین منش*

رادیو، تلویزیون و به طور کلی رسانه‌های ملی باید متناسب با نیاز جامعه، تقویم و جدول سالانه، برنامه تولید کرده، به طوری که این برنامه‌ها همراه با مردم و نیازهای آنان بوده باشند؛ در شادی‌های مردم، برنامه‌های شاد و در سوگواری‌ها برنامه‌های متناسب با آن تدارک ببینند.

با توجه به گستره و فراگیری رسانه‌ها، به‌ویژه رادیو و تلویزیون و تأثیرگذاری آنان بر خانواده‌ها و جامعه بی‌شک ارائه برنامه‌های مذهبی و سوگواری از طریق رسانه‌ها، سبب ایجاد فضایی یکسان و به دور از هرگونه دوگانگی در این زمینه خواهد بود که این امر به طور قطع وظیفه‌ای سنگین بر دوش آنان می‌نهد.

یکی از فواید تهیه و پخش برنامه‌های سوگواری در ایامی چون ماه‌های محرم و صفر در صدا و سیما، الگوسازی مناسب است. در صورتی که صدا و سیما، همه ملاحظات یک عزاداری مطلوب را در چارچوب و معیارهای صحیح و اصولی ارائه کند، می‌تواند نقش الگوسازی برای مردم و هیئت‌های مذهبی در زمینه مداحی و امثال آن داشته باشد و خوراک در خور و مناسبی را به مداحان، سخنرانان و اهل فن ارائه کند.

فایده دیگر آن این است که برنامه‌های رادیو و تلویزیون خلاء و کمبود مداحان، سخنرانان و روحانیون در مناطق محروم و روستایی پر می‌کند. بی‌شک در بسیاری از مناطق کشور مداح، هیئت‌گردان، مدیران مذهبی و منبری‌های توانا حضور ندارند و در نتیجه مردم این نقاط می‌توانند با استفاده از رسانه‌هایی مانند رادیو و تلویزیون که امروزه سراسر کشور را پوشش داده‌اند، این

خلأ را پر کنند.

با این حال در کنار این مزیت‌ها، رسانه‌ای شدن سوگواری‌ها اشکالاتی نیز دارد. یکی از اشکالات این است که این برنامه‌ها می‌تواند مانع حضور و شرکت فیزیکی مردم در مراسم و برنامه‌های مختلف مساجد، هیئت‌ها و تکایا شود و مردم به استفاده از تلویزیون بسنده می‌کنند؛ در حالی که بی‌تردید حضور فیزیکی شخص در این مراسم، توجه بیشتر او و در نتیجه پاداش و صواب اخروی بالاتری هم به همراه خواهد داشت.

نکته دیگر اینکه اگر تلویزیون چارچوب‌ها و معیارهای صحیح و درست یک برنامه سوگواری را رعایت نکند، بدآموزی‌های بسیاری را در متن جامعه تزریق می‌کند. به این ترتیب به دلیل فراگیر بودن این رسانه‌ها، الگوهایی که با دین و سنت ما همخوانی و سازگاری ندارند، وارد جامعه خواهند شد.

اگر تلویزیون چارچوب‌ها و معیارهای صحیح و درست یک برنامه سوگواری را رعایت نکند، بدآموزی‌های بسیاری را در متن جامعه تزریق می‌کند. به این ترتیب به دلیل فراگیر بودن این رسانه‌ها، الگوهایی که با دین و سنت ما همخوانی و سازگاری ندارند وارد جامعه می‌شود

همین‌طور عدم گزینش صحیح مداحانی است که برنامه‌های آنان از رسانه‌های ملی پخش می‌شود. این کار باعث چهره‌سازی‌های کاذب عده‌ای خواهد شد و دسته‌ای دیگر کنار گذاشته می‌شوند. متأسفانه اکنون بیشتر افرادی که برنامه‌هایشان از صدا و سیما پخش می‌شود، در تهران حضور دارند. این در حالی است که در شهرستان‌ها به‌ویژه شهرهای مذهبی، از مداحان و سخنران‌های توانمند بسیار قابلی بر خوردار هستیم.

با این وجود، متأسفانه از توانایی و چهره آنها استفاده نمی‌شود و این به نوعی ضعف صدا و سیما به شمار می‌آید. در واقع غفلت از نمایاندن این چهره‌های پرهیزگار ستم بر آنها و حتی مردمی است که از شنیدن صدا و مداحی آنان محروم مانده‌اند.

برای مثال در دهه اول محرم که چندی پیش پشت سر گذاشته شد، به طور مکرر از یک مداح برنامه پخش می‌شد و گویا در تمام مراسم از حضور این مداح استفاده شده بود. در حالی که ما در کشور چهره‌های بسیار خوب، جوان، متقی و متدینی داریم که در گوشه گوشه کشور با گویش‌ها و لهجه‌های مختلف برنامه اجرا می‌کنند و با این حال هرگز در تلویزیون دیده نمی‌شوند. صدا و سیما نباید حالت چهره‌سازی و انحصاری پیدا کند، زیرا رسانه‌های ملی و متعلق به تمام ایرانیان است.

بنابراین بسیار مناسب خواهد بود که مسئولان صدا و سیما، در عین نظارت و حساسیت بالا برای عدم نمایش بدعت‌ها و بدآموزی‌ها، با استفاده از انواع مختلف و متنوع عزاداری، چه از نظر قومی و جغرافیایی و چه از نظر شکل عزاداری، گوناگونی کافی را برای استفاده عموم مردم با توجه به فرهنگ‌ها و سلیق متفاوت ایجاد کنند.

البته کمیسیون فرهنگی مجلس تلاش می‌کند در جلسات دوره‌ای که با مسئولان صدا و سیما دارد، اشکالات و نقدهای مورد انتظار را به گوش آنان برساند و این کار به شکلی مستمر انجام می‌شود.

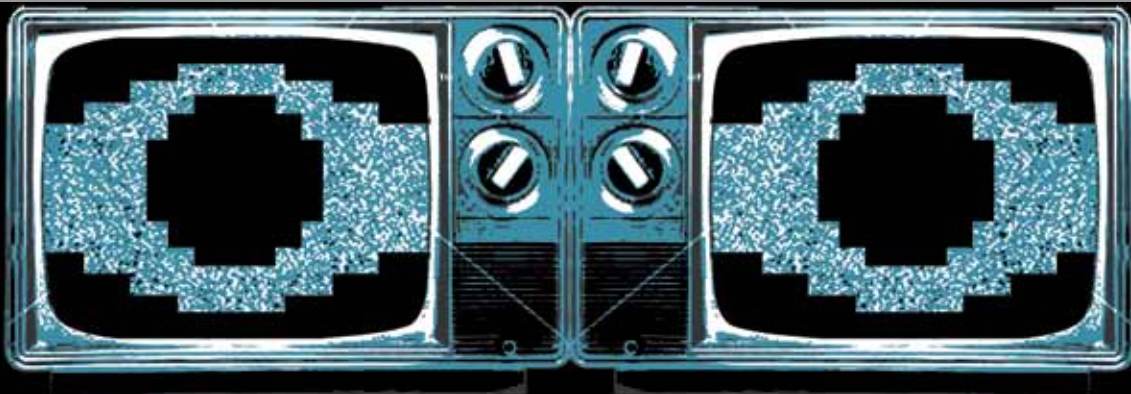
از دیگر سو، دو نفر از اعضای کمیسیون فرهنگی از سوی نمایندگان مجلس انتخاب شده‌اند که عضو شورای نظارت بر عملکرد صدا و سیما هستند و نظرات و پیشنهادات را در قالب شورا به این سازمان تقدیم می‌کنند تا کیفیت برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به‌ویژه در حوزه‌های مذهبی افزایش یابد. ■

* نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی



نگاهی به رابطه دین و رسانه‌ای همچون تلویزیون در انعکاس آیین‌های مذهبی

چشم‌های رسانه؛ نظاره‌گر یا آرایشگر دین؟



رامی‌مانند که برنامه‌ساز باید کشتی معنارابه درستی در هر دو هدایت کند.

دوروی را بطنه دین و رسانه

هر چند که برخی، رسانه‌ها را پدیده‌ای مدرن می‌دانند و دین را نهادی سنتی که هیچ جای آشتی هم با هم ندارند، اما عده زیادی، رسانه‌ها را کمک حال دین تلقی می‌کنند که قرار نیست جای همدیگر را در جامعه تنگ کنند.

دکتر غلامرضا جمشیدی‌ها، رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، در مورد رسانه‌های سنتی و مدرن می‌گوید: «ممکن است، یک روحانی، پیامی را با زبان شفاهی مطرح و یا رسانه با بهره‌گیری از تصویر منتقل کند. این دو زبان در ارائه فرهنگ دینی ممکن است متفاوت باشند، اما مکمل یکدیگرند. از این جهت لازم نیست که ما هر چه در دین و آموزه‌های دینی هست، به طور کامل و به همان شکل که منابع

ما ایجاد کند.

یادمان نرود که گرچه سیمای جمهوری اسلامی سعی می‌کند برای کسانی که امکان شرکت در مراسم عزاداری ندارند، شرایطی به وجود آورد

رئیس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران: ممکن است پیامی را، یک روحانی با زبان شفاهی مطرح و یا رسانه با بهره‌گیری از تصویر منتقل کند. این دو زبان در ارائه فرهنگ دینی ممکن است متفاوت باشند، اما مکمل یکدیگر هستند. مهم این است که ارزش‌های دینی مشترک میان انسان‌ها را بیان کنیم

که آنها در خانه با اشک، میزبان محرم باشند، ولی این را هم نباید فراموش کرد که کار به این آسانی‌ها نیست. مشکل آنجاست که دین، آیین‌های مذهبی و رسانه‌های جدید دو دریا

نمی‌دانم محرم امسال وقتی آن مداح در میانه عزاداری ظهر عاشورا از اهالی هیئت خواست لخت شوند و سینه بزنند، دوربینی در جلسه بود یا نه؛ ولی دوست دارم زود به خودم جواب بدهم که به طور حتم نبوده؛ وگرنه آن مداح به این راحتی‌ها نمی‌توانست از کسانی که لخت نمی‌شوند بخواهد که به انتهای مجلس بروند. بحث ما اینجا این نیست که کار او خوب بوده یا بد، زیرا پاسخ کاملاً مشخص است. نکته اینجاست که آیا آن مداح می‌داند که وقتی دوربین یا در اصطلاح رسانه‌ای در مجلس هست، به این راحتی‌ها نمی‌شود هر حرفی زد؟ دوربین که در مجلس باشد، محدوده حرف‌های او دیگر در همان جمع نمی‌گنجد و آن را خیلی‌ها می‌بینند. اینجاست که دیگر نمی‌شود خیلی راحت اسم تلویزیون شب‌ها و روزهای عزاداری را «حسینیه خانگی» گذاشت و انتظار داشت همان حسی را که حسینیه محل در خود پنهان دارد، در

ذکر کرده‌اند، منتقل کنیم؛ مهم آن است که ارزش‌های دینی مشترک میان انسان‌ها را بیان کنیم.»

دکتر حمید عبداللهیان، استاد علوم ارتباطات دانشگاه تهران، نیز معتقد است: «برای معرفی دقیق جنبه‌های مختلف دین، باید از ابزارهای روز و مرتبط با آن استفاده کرد؛ چراکه رابطه دین و رسانه، رابطه‌ای است که به شکل ریشه‌ای اثبات شده است، در این راستا زمانی که کلمه دین پدید آمد، همواره بین دین و رسانه تعامل وجود داشته است، اما در بعضی برنامه‌ها دیده می‌شود که در رابطه بین دین و رسانه، تعادل بین بُعد اعتقادی و مناسکی دین حفظ نمی‌شود.»

اما دین در عرصه رسانه می‌تواند روی دیگری نیز داشته باشد. برای مثال آیا رسانه می‌تواند دین را از آن خود کند؟ دکتر حسن حسینی، استاد علوم ارتباطات دانشکده صدا و سیما، در پاسخ به این پرسش می‌گوید: «دین رسانه‌ای دیدگاهی ابزار گرایی را پذیرفته است و تنها به انتقال پیام‌های دینی و آموزه‌های انحصاری دین از رسانه‌ها معتقد است، اما رسانه دینی به این مفهوم است که اهداف کلی دین در قالب رسانه‌ها مطرح شود. در این صورت انتقال آموزه‌های انحصاری دینی مد نظر نیست. رسانه‌ای کردن دین اهمیت بسیاری دارد و کسانی که در حوزه کلام و ادیان فعالیت داشته‌اند، باید به دنبال آموزه‌هایی مناسب برای رسانه دینی باشند.»

پس پیام‌های دینی نیاز به بستر و شرایطی مطلوب دارد و در این میان، رسانه تصویری به عنوان فرآیند تأثیرگذارترین رسانه می‌تواند نقش مؤثری در انتقال پیام‌ها و آموزه‌های دینی داشته باشد. به همین دلیل، این بحث مطرح می‌شود که دین را باید با ملزومات و ابزارهای مربوط به آن شناخت.

هر رسانه را بهره‌گیری ساختند

اگر قبول داشته باشیم که رسانه، ابزار یا میانجی میان فرستنده و گیرنده پیام دینی است، پس نمی‌شود آن را ناشناخته‌رها کرد و آن وقت ادعای حرف دینی زدن از طریق رسانه داشت. باید دانست که هر رسانه مقتضیات خاص خود را دارد. برای نمونه نمی‌توانیم هر حرف را هر طور که دلمان بخواهد، از رادیو، تلویزیون یا روزنامه و فضای مجازی بزنیم.

دکتر ضیاء هاشمی، استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، ضمن اشاره به اهمیت رسانه‌های رادیو و تلویزیون در انعکاس پیام‌های دینی تأکید می‌کند: «رسانه‌های تصویری در مقایسه با رادیو توانمندی بیشتری برای انتقال پیام و انعکاس واقعیت‌های دینی دارند، اما چون رسانه تصویری تلویزیون از سوی مخاطب انتخاب نشده، چه بسا

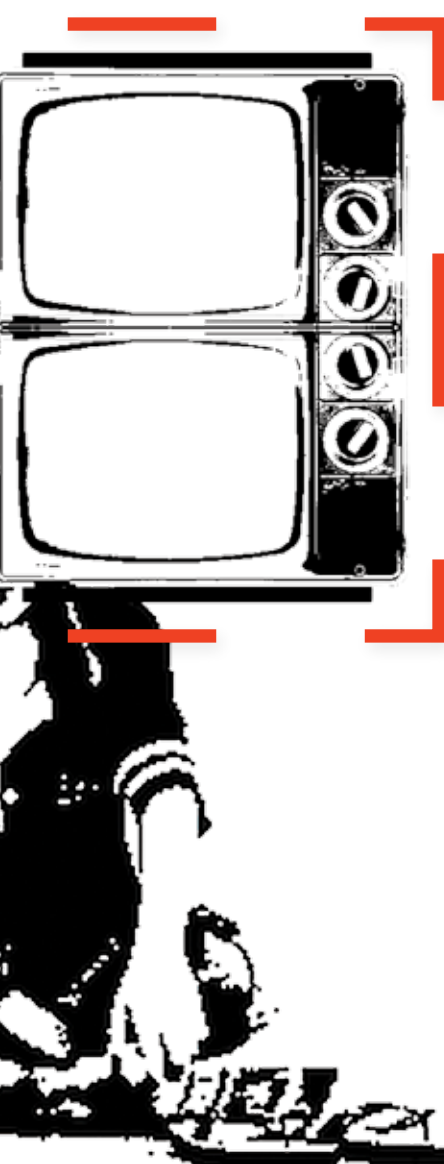
دکتر عبداللهیان: از زمانی که کلمه دین پدید آمد، همواره بین دین و رسانه تعامل وجود داشته است، اما در بعضی برنامه‌ها دیده می‌شود که در رابطه بین دین و رسانه، تعادل بین بُعد اعتقادی و مناسکی دین حفظ نمی‌شود.

نتواند ارتباط کافی با مخاطب برقرار و مطلب را به خوبی منعکس سازد.»

برعکس تلویزیون، رادیو رسانه‌ای انتخابی محسوب می‌شود. بدین معنی که شما با قصد قبلی سراغ آن می‌روید. از آنجا که تصویر خاصی ندارید، می‌توانید در ذهن برای صداها تصویر بسازید و اینجاست که در انتقال پیام‌های معنوی، شاید رادیو بهتر از تلویزیون عمل کند. پس تصویر در تلویزیون در عین اینکه می‌تواند نقطه قوت باشد، نقطه ضعف نیز محسوب می‌شود؛ چون گوناگونی تصویرهای ذهنی ما را از بین می‌برد و تصویری واحد ارائه می‌کند. به عبارت دیگر، با آنکه تلویزیون امکان و قابلیت مهم و تأثیرگذار تصویر را دارد، اما در بیان احساسات و معنویت دینی با نواقصی روبه‌رو است. در این میان، اگر انتقال حس دینی و تجربیات معنوی با دقت و گزینش صورت نگیرد، فعالیت‌هایی که در آن عواطف و احساسات دینی اهمیت دارد، از واقعیت عینی خود فاصله می‌گیرد و به شکل کلیشه‌ای، بی‌محتوا و کم‌ارزش منتقل می‌شود.

دکتر هاشمی، با تأکید بر ایجاد قابلیت انتقال احساسات دینی ادامه می‌دهد: «تجربیات معنوی، قابلیت انتقال از طریق رسانه‌ها را دارند، اما باید با دقت و توجه بیشتری برنامه‌ریزی شده و پرورش یابند. در غیر این صورت، پرهیز از انتقال آنها بهتر است، چون با انتقال این پیام‌ها بدون آنکه آنها را برای رسانه‌ها پرورش داده باشیم، مناسک دینی را از محتوی تهی کرده و به شکل کلیشه‌ای به این مباحث مهم پرداخته‌ایم.»

عدم انتقال صحیح احساسات دینی برای مخاطبان عام که اغلب گزینش شده به سوی رسانه‌ها نمی‌روند، اثرات منفی از خود به جای



باشند، رفتار واقعی خود را در هنگام عبادت با خداوند نشان نمی دهند. به عقیده دکتر راودراد، پخش مستقیم مراسمی نظیر مداحی و مجالس برگزاری ادعیه مختلف، می تواند تأثیرات منفی در پی داشته باشد، چراکه حالت عادی عبادت با خداوند را در خود حفظ نمی کند.

از طرف دیگر، وقتی تلویزیون قرار است در فضای خانه، حسینیه ای کوچک برای ما فراهم کند، مشکلات دیگری به وجود می آید. برای مثال، ممکن است شما در خانه مشغول کارهایی شوید که دیگر نتوانید به نوحه ها و سخنرانی ها توجه لازم را داشته باشید و به صورت ناخواسته تنها در جریان قسمتی از پیام قرار گیرید که با اصل موضوع متفاوت است.

دکتر راودراد، به قصد مخاطبان در تماشای برنامه ها اشاره می کند و می افزاید: «شاید مخاطبی نخواهد از اجرای مراسم دینی به عنوان یک برنامه رسانه ای استفاده کند، چراکه هر چند در زمان های خاصی چون اعیاد، شهادت ها و ... که این برنامه ها افزایش می یابد، بسیاری از مخاطبان که امکان حضور در آنها را نداشته اند، از پخش مستقیم این برنامه ها استفاده می کنند، اما مخاطبانی هم که تمایلی به دیدن این برنامه ها ندارند، چاره ای جز دیدن همین برنامه ها نخواهند داشت، چون جایگزینی وجود ندارد.»

وی ادامه می دهد: «وقتی که مخاطبان چاره ای جز دنبال کردن این برنامه ها ندارند، به آنها با هدف سرگرمی نگاه خواهند کرد و به وجه دینی آن توجه نمی کنند و تنها در جست و جوی نقاط ضعف این برنامه ها خواهند بود و نسبت به مفاهیم دینی دلزده و خسته می شوند؛ از این رو دیده می شود برنامه های ضبط شده ای که نگاهی تمسخرآمیز به این مراسم دارند، به صورت وسیع در بین مردم از طریق اینترنت، تلفن همراه و ... توزیع می شود.»

هر چند هنوز برخی دین داران معتقدند، رسانه، جایگاه دین را در جامعه غصب کرده است، ولی باید دانست که دین و رسانه هر دو باعث تغییرات اجتماعی می شوند و علاوه بر این تغییرات، همسویی را نیز میان انسان ها ایجاد می کنند. به این ترتیب که طرفداران یک رسانه یا یک دین در حوزه های مختلف به هم شبیه هستند و در حقیقت، تعامل دین و رسانه می تواند به رشد رسانه ها و توسعه دین کمک کند.

نباید فراموش کرد که در جامعه دینی ای چون ایران نمی شود از رسانه دینی سخن نگفت، ولی از این نکته نیز نباید غافل شد که همراهی دین و رسانه آدابی می طلبد که اگر رعایت نشود، می تواند عواقب منفی برای هر دو آنها داشته باشد. ■

دکتر حسن حسینی: رسانه دینی به این مفهوم است که اهداف کلی دین در قالب رسانه ها مطرح شود. رسانه ای کردن دین اهمیت بسیاری دارد و کسانی که در حوزه کلام و ادیان فعالیت داشته اند، باید به دنبال آموزه هایی مناسب برای رسانه دینی باشند

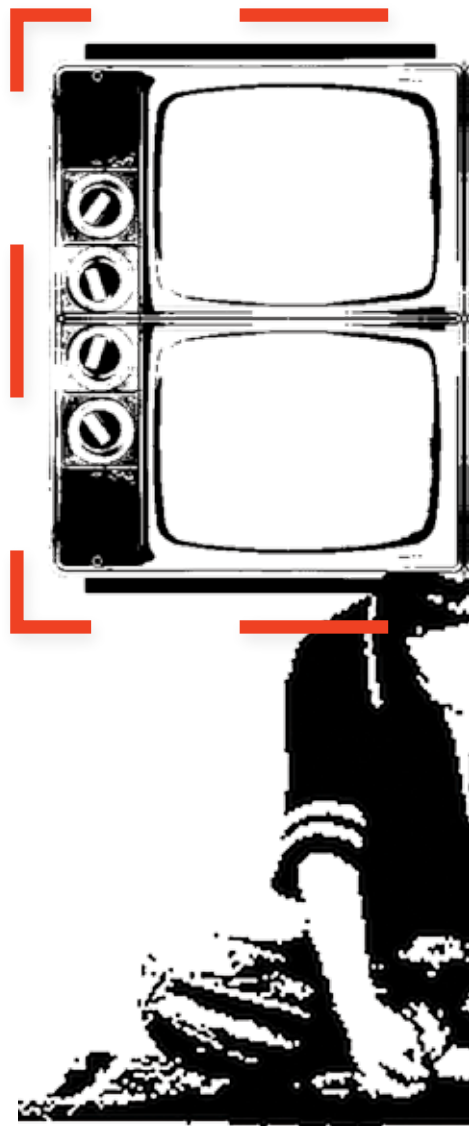
می گذارد و ناهماهنگی به وجود آمده میان حقیقت و واقعیت، باعث انتقال پیام به صورت غلط می شود؛ در این صورت رسانه های مختلف باید پیام ها را برای انتقال از رسانه آماده کنند و پرورش دهند.

از طرف دیگر، ما در رادیو با کلمات سر و کار داریم. کلمات رمزهای نمادینی هستند که این قابلیت را دارند که مفاهیم انتزاعی را منتقل کنند، به همین دلیل بهتر است اعتقادات دینی و موضوعات مرتبط باورها و ارزش های دینی از رادیو منتقل شوند.

امان از سوء تفاهم های تلویزیونی

هر چند به نظر می رسد رسانه ای چون تلویزیون توانسته باشد خیلی از ضعف های رسانه های دیگر را رفع کند، اما ماهیتی دارد که می تواند سوء تفاهم های زیادی به وجود بیاورد. دکتر اعظم راودراد، استادیار گروه ارتباطات دانشگاه تهران با اشاره به اینکه بخشی از مفاهیم دینی قابلیت انتقال از رسانه ها را ندارند، می گوید: «تلویزیون امکان تصویر را داراست و از این جهت که با تصویر همراه است، می تواند مناسب و مراسم دینی را که توسط افراد متدین اجرا می شود به تصویر بکشد، اما این امر مشروط بر آن است که محتوا به صورت غیر مستقیم و در قالب برنامه های هنری منعکس شود و جاذبه دینی در مخاطب ایجاد کند.»

به عبارت دیگر، حضور دور بین در این فضا موجب می شود که خلوص آن از بین برود. وقتی دور بین روی صورت شرکت کنندگان می آید و آنان می فهمند، گروه دیگری هم شاهد آنان هستند، رفتاری تصنعی از خود نشان می دهند. در این میان، آدم ها برای اینکه تظاهر نکرده





مدیر گروه رشته معارف اسلامی، فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع):

دین حق دارد در رسانه حضور داشته باشد

علیرضا کتابدار - علی شاکر

در ایران استادان کمی در حوزه علوم ارتباطات می‌توانید پیدا کنید که مثل دکتر «حسام‌الدین آشنا»، دغدغه و تخصص در دو حوزه رسانه و دین داشته باشند. او در این گفت‌وگو به ضرورت توجه به رسانه‌های دینی و لزوم حضور آنها در جامعه دینی اشاره کرده است. هر چند که از نظر او، باید بین برنامه دینی خوب و بد فرق بسیاری گذاشت و هر برنامه‌ای را نمی‌توان بنا به ظاهر آن «دینی» نامید.

در مطالعات مربوط به دین و رسانه‌ها، دو دیدگاه عمده وجود دارد؛ یک دیدگاه مربوط به کسانی می‌شود که رسانه را تقویت‌کننده دین و دینداری می‌دانند و دیدگاه دیگر، شامل افرادی است که رسانه را مفهومی «مدرن» و دین را نهادی «سننتی» تلقی می‌کنند! این

افراد به نوعی، رسانه را رقیب دین می‌دانند. همین‌طور معتقدند، رسانه از آنجایی که سعی می‌کند جای دین را بگیرد و عرصه آن را تنگ‌تر کند، با مقاومت‌هایی از سوی دین‌داران مواجه می‌شود. هر چند عده دیگری این دورا در کنار هم می‌بینند و نه مقابل هم، اما خود شما در مورد این دو نظریه، چه فکر می‌کنید؟

من به جای که اینکه با نظریه‌ها کار داشته باشم، به واقعیت عمل دین‌داران توجه می‌کنم. به نظر من، کسانی که در دوره پیش از رسانه‌ها، ارتباط‌گرانی فعال بودند، وقتی با رسانه‌ها مواجه شدند، از این فناوری استفاده فعال کردند. آنهایی که فعال نبودند نیز در مقابل این پدیده، برخورد انفعالی داشتند. کسی که مؤسسه آموزش دینی را اداره می‌کند، سازمان خود را قدم‌به‌قدم با تحولات اجتماعی و رسانه‌ای، بازسازی می‌کند. برای

مثال، ۳۰ سال پیش در خیابان شهباز آن زمان (شهدای امروز)، حسینیه‌ای به اسم «حسینیة محلاتی‌ها» بود. نوجوان که بودم به آنجا می‌رفتم. در آنجا روزهای جمعه، روحانی کوتاه‌قد خوشمزهای به اسم آقای راستگو برای بچه‌ها برنامه داشت. شب جمعه هم یک روحانی جوان دیگر به نام آقای قرائتی سخنرانی داشت. این حسینیه مواقعی که جمعیت زیاد می‌شد، برای نمایش سخنرانی حتی از تلویزیون مدار بسته نیز استفاده می‌کرد.

۳۰ سال پیش؟!!

بله؛ هر دوی آن روحانی‌ها تلویزیونی شدند. آن کسی که فعالانه فکر می‌کرد و به دنبال نوآوری بود تا به تلویزیون دسترسی پیدا کرد، ۳۰ سال دیگر نیز آن را رها نکرد. شما تجربه

تغییری ایجاد کرد؟

شما از مقدمات من پرسش بلندی کردید و به این بحث رسیدید. بحثم را تکرار می‌کنم. به نظر شما آیا مسابقه فوتبال و تلویزیون با هم نسبتی دارند یا ندارند؟

از چه نظر؟

یعنی خوب است آن را از تلویزیون پخش کنیم یا نه؟

بد نیست!

با یک دور بین یا ۱۸ دور بین؟

به طور حتم فیلمبرداری با دور بین بیشتر بهتر است، ولی با این فرض، آیا باز هم همان فضای ورزشگاه نزد بیننده ایجاد می‌شود؟

اگر فوتبال را با یک دور بین ضبط کنیم، شمای بیننده فوتبال، از فوتبال است که متنفر می‌شوید، نه از تلویزیون؛ یعنی اگر شما فوتبال تلویزیونی را امروز به ورزشگاه ترجیح می‌دهید، به خاطر این است که در تلویزیون چیزهایی می‌بینید که در ورزشگاه آن را از دست می‌دهید! اما اگر شما یک مسابقه فوتبال را از یک شبکه ماهواره‌ای با هفت یا هشت بلندگو - به صورت دالبی - ببینید و بشنوید، فکر می‌کنید در ورزشگاه حضور دارید. واقعیت این است که ورزشگاه برای مثال، ۱۰۰ هزار نفر بیشتر ظرفیت ندارد و سراسر ایران می‌خواهند آن را ببینند، پس هیچ راهی جز این نیست که اگر آن ۷۰ میلیون می‌خواهند با این ۱۰۰ هزار نفر مشارکت کنند، ما محتاج پخش تلویزیونی هستیم که البته باید متناسب با فضای ورزشگاه باشد. این تفاوت پخش تلویزیونی خوب و بد است؛ امری که به اصل پیام لطمه می‌زند یا آن را بارور می‌کند.

در حوزه دین، امسال مجید مجیدی برنامه‌ای ساخت به اسم «نجوای عاشورایی» و با چند دور بین از مجلس عزاداری فیلمبرداری کرد. شما صحنه‌هایی می‌بینید که هیچ‌گاه در خود حسینیه نمی‌توانید ببینید. مداحی که امسال شما در این برنامه دیدید، با آنچه پارسال دیدید تفاوت زیادی دارد؛ چون به روایت مجیدی فیلمساز او را دیده‌اید. اکنون قضاوت کنید، دیدن برنامه‌هایی با این کیفیت بهتر از اصلاً ندیدن آنها نیست؟

اما این حوزه با فوتبال تفاوت دارد.

کارکردهایشان هم همین‌طور!

فوتبال برای فوتبالی‌هاست و هیئت برای هیئتی‌ها! یعنی برای هر دو اهمیت زیادی دارد.

حجم بزرگ سنت اسلام مکتوب را به شکل دیجیتال تبدیل کنند. من بارها گفته‌ام؛ بیشترین فعالیت در حوزه رایانه‌ها را نه دانشگاه‌ها کرده‌اند و نه دولت، بلکه این کار را حوزه‌های علمیه و جامعه مذهبی انجام داده‌اند. همین‌ها که رویکردشان داشتن



کتابخانه در یک لوح فشرده بود، وقتی اینترنت آمد، نترسیدند.

اینکه می‌بینید قم یکی از پایتخت‌های اینترنتی حتی خاورمیانه تلقی می‌شود، برای این است که فرد، نهاد و دینی که حرفی برای گفتن دارد، نیاز به رسانه دارد و اگر رسانه‌اش

در برنامه‌ای همچون «نجوای عاشورایی» که امسال پخش شد، شما صحنه‌هایی می‌بینید که هیچ‌گاه در خود حسینیه نمی‌توانید ببینید. مداحی که امسال شما در این برنامه دیدید، با آنچه پارسال دیدید تفاوت زیادی دارد؛ چون به روایت مجیدی فیلمساز او را دیده‌اید.

جدیدتر و پویاتر باشد، خوشحال‌تر می‌شود. ولی هر رسانه متقاضیان خاص خودش را دارد؛ اتفاقی که در تلویزیون ما می‌افتد این است که همان تصویربرداری‌ای که از هیئت‌های مذهبی کرده‌ایم، از تلویزیون پخش می‌کنیم. مسلماً باید بین رسانه و دین و رسانه بد و دین فرق بگذاریم.

ولی باید مقتضیات موضوع متفاوت باشد. آیا از این مراسم عزاداری باید تنها فیلمبرداری کنیم و پخش کنیم یا اینکه باید در این شیوه

دیگری همچون «حسینیه ارشاد» را دارید. آنجا مکانی است که در جاده قدیم شمیران با خیمه‌ای شروع به کار کرد. عده‌ای (از جمله، بازاری‌ها، روحانیان، مهندسان، پزشکان و...) که ویژگی تحول‌خواهی داشتند، خواستند حسینیه‌ای تأسیس کنند. این ماجرا به ۴۵ سال پیش برمی‌گردد.

آنها همان زمان فکر کردند که برای جامعه مذهبی آن روز به چه چیزی نیاز دارند. روزنامه کیهان همان موقع در افتتاحیه حسینیه ارشاد گزارشی تهیه کرد و نوشت: «بلندگوهای استریوفونیک در خدمت مذهب». داشتن بلندگوی استریو در آن زمان پدیده‌ای نوآورانه محسوب می‌شد. همان موقع گروه سرود و تئاتر حسینیه ارشاد معنا پیدا می‌کند و شیوه نشست‌ها در حسینیه نیز تغییر کرد و به شکل صدلی درآمد. منبر، جای خودش را به صحنه و تریبون داد.

نوع پیام‌هایی که در حسینیه ارشاد تولید می‌شد، باعث تحولات فکری و فرهنگی در جامعه مذهبی آن روز شد. کسانی که آن طور فکر می‌کردند، طبیعی بود که با رسانه‌های جدید مشکلی نداشته باشند، اما بنده نوعی که حیطة تأثیرگذاری ام‌تها در مسجد، محله یا روستای خودم بوده و بس، تلاش فعالانه‌ای هم برای تأثیرگذاری بر مخاطبان نداشته‌ام، طبیعی است که وقتی به رسانه‌های جدید برسم، بیش از آنکه به استقبال رسانه‌ها بروم باید از آنها بترسم، چون رسانه‌های جدید دو کار می‌کنند؛ هم امکان آشنایی جمعیت وسیعی را با نوع گفتار من فراهم می‌کنند و هم اینکه این افزایش تعداد مخاطبان، انتقادهایی را در پی خواهد داشت که شاید من سخنران، دوست ندارم بشنوم.

یعنی می‌خواهید بگویید، تغییر در رسانه، نوع پیام را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

حرف من این است که بنا به پیشینه دین داران، شما توقع بر خورد با رسانه را دارید. آنهايي که فعالانه با جامعه برخورد می‌کردند، نگاه‌شان نسبت به رسانه هم مثبت بوده است. آنهايي که نشسته‌اند تا جامعه به سمتشان بیاید، با این پدیده جدید مشکل پیدا کردند.

فردی که بانی مجلسی بوده که مخاطب و رویکردش جوانان است، هیچ ترسی از اینکه شبکه ماهواره‌ای تأسیس کند، ندارد. غلط یا درست بودن این کار مسئله دیگری است.

زمانی که امکانات رایانه‌ای فراهم شد، بسیاری از روحانیان به این سمت رفتند که

آیا می‌شود این‌طور تقسیم‌بندی کرد؟
به‌طور قطع می‌شود. مادر دین‌پردازی
از طریق تلویزیون باید مقتضیاتی در نظر
بگیریم. وقتی برای تهیه گزارش از یک
واقعیت دینی که در مسجد، حسینیه و
... اتفاق می‌افتد، اقدام می‌کنید، به‌نظر
نمی‌رسد برای تلویزیونی شدن ارزش

دکتر آشنا معتقد است مبلغانی که فعالانه
با جامعه دینی برخورد می‌کنند، نسبت
به رسانه هم‌نظر مثبتی دارند ولی آنهایی
که در جامعه فعال نیستند، در مقابل
فناوری و رسانه‌های مدرن نیز برخورد
انفعالی دارند

بیشتری دارد؟ آیا مخاطبان سراسر ایران
حق دارند که نخل‌گردانی در یزد را ببینند؟
آیا باید مراسمی که در کشور با بالاترین سطح
کیفی برگزار می‌شود و بیشتر مردم امکان
مشارکت در آن را ندارند، بازتاب تصویری پیدا
کند؟ من می‌گویم بله؛ این حق ماست! وقتی
که روز عاشورا از ۷۰ میلیون نفر، ۴۰ میلیون
نفر به خیابان‌ها آمده‌اند، آیا باید این واقعه را
انعکاس داد یا نه؟ به‌نظر من، آری، باید این
کار انجام شود، حالا چگونگی انعکاس چنین
واقعه‌ای می‌تواند خوب یا بد باشد.

بحث دیگر آن است که آیا ما به این سمت
برویم که یک حسینیه تلویزیونی داشته
باشیم؟ به همان روشی که کلیسای تلویزیونی
درست شده؛ یعنی استودیوی بزرگی که کار
دینی کند. این دیگر کاری دشوارتر است،
چون شما می‌خواهید فضای دینی‌ای را
که مدنظر تان است، بازسازی کنید. چنین
چیزی ضرورت دارد یا ندارد؟ در پاسخ باید
گفت؛ در جایی که می‌خواهید پیام کاملاً
کنترل شده باشد، بله، ضرورت دارد. اگر
شما نمی‌خواهید پیام را خیلی کنترل کنید،
نه، احتیاجی نیست. به‌نظر من، مشکل ما
در برنامه‌سازی دینی، ساختن این برنامه‌ها
به‌صورت سراسری و ارزان است. در آخر هم
اگر بد شود، تقصیر را گردن تلویزیون یا دین
می‌اندازیم.

ولی در بحثی همچون هیئت، برای ما میزان
مشارکت هیئتی‌هاست که اهمیت دارد....
به‌همین دلیل هیئت رسانه دینی نیست، بلکه
یک فضاست. حرف من این است که اگر من
می‌خواهم یک برنامه دینی برای مثال از یک
هیئت بسازم، یا مجبورم آن را درون هیئت



دفن کنیم یا اینکه با کاهش شفافیت عاطفی - مشارکتی اش، امکان دسترسی ۷۰ میلیون آدم را به آن بدهیم. مشارکت، میزان و دامنه محدودی دارد و شما یا کاهش حس حضور را می پذیرید و یا افزایش دامنه بینندگان را! این یک معادله است که گاهی اجازه می دهید، گاهی نه!

بگذارید مثالی بزنم؛ حاج آقا مجتبی تهرانی،

اگر می خواهیم یک برنامه دینی بسازیم، یا مجبوریم آن را درون هیئت دفن کنیم یا اینکه با کاهش شفافیت عاطفی - مشارکتی اش، امکان دسترسی ۷۰ میلیون آدم را به آن بدهیم. شما یا کاهش حس حضور را می پذیرید و یا افزایش دامنه بینندگان را!

سال هاست مجلسی در تهران دارد؛ همواره بحث های مطرح شده در مجلس ایشان ضبط می شود؛ هیچ وقت هم ایشان اجازه پخش تلویزیونی ندادند. می گوید: من برای عوام حرفی ندارم بزنم. منی که دارم در حسینیه لباس فروش ها حرف می زنم، اگر بدانم که دارم برای ۷۰ میلیون نفر سخنرانی می کنم، دیگر مخاطبم را این کسی که در مقابلم نشسته نمی دانم. شما فکر می کنید در مجالس مداحی ای که از آن فیلمبرداری می شود، واقعاً مداح برای اعضای هیئت می خواند؟ ببینید اینکه من خوشم بیاید یا نه، بحث دیگری است، وقتی دور بین در مجلس آمد، نگاه مداح، سخنران و حتی مخاطب عوض می شود.

حالا در چنین فضایی اگر مخاطب ما آنچه مد نظر مداح یا سخنران بوده را کاملاً متفاوت متوجه شود، آیا آن مداح یا سخنران باید دلخور شود؟ برای مثال، تا چند سال پیش عملی کاملاً خرافاتی مانند قمه زنی متداول بود؛ هیچ کس نمی گفت کار خوبی است، اما با این رویداد مثل امروز برخورد نمی شد. از چند سال پیش با این استدلال که از این مراسم فیلمبرداری و خارج از کشور پخش می کنند، مراجع عظام تقلید و سایر علمای دین نسبت به آن موضع گرفتند. وقتی اتفاقی به وسیله رسانه منعکس می شود، کاری که تا چند سال پیش نشانه عشق و ارادت به ابا عبدالله (ع) تلقی می شد، حالا در بستر رسانه (چون فراگیری دارد) خرافی قلمداد می شود.

حالا خوب است یا بد؟
حتماً خوب است.

رسانه خدمت کرد یا نکرد؟

خدمت کرده، ولی شما ابتدای بحث به فعالان دینی اشاره کردید که رسانه را هم در خدمت می گیرند، اما همین فعالان باید این نکته را نیز در نظر داشته باشند که اگر پیام خود را به وسیله رسانه منعکس می کنند، ممکن است به گونه دیگری تفسیر شود.

این امر عمومیت دارد؛ شما ممکن است در خود هیئت هم حضور داشته باشید و گفته های مداح یا سخنران را نوع دیگری تفسیر کنید ...

مسئله اینجاست که اگر واسطه ها بیشتر شود، پیام اصلی با حواشی بیشتر مواجه می شود. از طرف دیگر، رسانه های چون تلویزیون از ابتدا بیشتر به عنوان رسانه ای سرگرم کننده شناخته شده است.

من مثل شما قائل به این نیستم که تلویزیون در همه جوامع معنای مشترکی دارد. از نظر من تلویزیون هم می تواند وسیله سرگرمی، هم القاکننده پیام های ایدئولوژیک و هم وسیله آگاهی و آموزشی باشد. ضعف در جای دیگری است. شما الان تلویزیون ۲۴ ساعته کرپلا دارید که از این ۲۴ ساعت، ۲۰ ساعت تنها لوگو پخش می کند. مردم در دهه محرم خیلی از این شبکه لذت بردند!

گذشته از آنکه شما هرگز نمی توانید به طور کامل از به وجود آمدن سوء تعبیرها جلوگیری کنید. تنها می توانید با مدیریت تصویر بهینه، آنها را به حداقل برسانید. اگر کسی نگران این سوء تعبیرهاست، باید در مورد آنچه که پخش می کند بیشتر نگران باشد و تا می تواند اجازه برداشت های خلاف خواست خودش را از تصویر کم کند. این تنها در حوزه دین است.

شما ممکن است یک سریال بسازید و آنقدر امروز اگر کسی می خواهد سراغ بازسازی جنگ های صدر اسلام برود، باید سطح تکنیکش را از فیلم های کره ای و چینی بالاتر ببرد. نمی تواند تغییر دهد؟ خب نسازد!

بد کار کنید که ضربه های جبران ناپذیری به فرهنگ و تاریخ این مملکت بزند. شما در خیبری در سریال «چهل سر باز» می بینید که دیگر من نمی توانم با بچه ام راجع به خیبر حرف بزنم. می گوید این بود آن در؟ اینکه چیزی نبود! در فضای رسانه ای که فرزند من تکنیک های مبارزه فیلم های چینی و کره ای را می بیند، تکنیک هایی که شما برایش در مورد

جنگ های صدر اسلام ارائه می کنید، دیگر به چشم نمی آید. امروز اگر کسی می خواهد سراغ بازسازی جنگ های صدر اسلام برود، باید سطح تکنیکش را از آن فیلم های کره ای و چینی بالاتر ببرد. نمی تواند تغییر دهد؟ خب نسازد!

اگر بحث در مورد انتقال تجربه معنوی باشد، چه؟ یعنی شما می گویند تنها اگر بلد باشیم این مهم، محقق می شود؟ بحث من خیلی ساده تر از این حرف هاست. دین، حق دارد که در رسانه حضور داشته باشد. هیچ کسی هم حق ندارد، مانع حضور دین در رسانه شود.

در این که شکی نیست ...
اتفاقاً در همین شک است و دعوا از همین جا شروع می شود. فرض کنید من یک تلویزیون تجاری دارم. حق دارم که وقتی ۴۰ میلیون نفر بیرون آمده اند، آن را در شبکه ام نمایش دهم؟

اگر از من پرسید، من می گویم: «نه»؛ چون من یک رسانه تجاری دارم که بر فرض مثال، ممکن است در آن تبلیغ لوازم آرایشی پخش کنم. مخاطب من انتظار دیدن وسایل آرایشی را دارد و نه برنامه دینی را!

جالب است که رسانه های تجاری مثل شما فکر نمی کنند. شما می بینید در روز عاشورا برخی از شبکه های ماهواره ای فارسی زبان پخش برنامه های خود را قطع می کنند؛ این خودش یک نوع باز خورد است؛ چه باز خوردی در یک رسانه بالاتر از اینکه در دهه اول محرم برنامه هایش را تعطیل می کند؟ اما اگر شما یک رسانه تجاری حرفه ای باشید و لوازم آرایشی بفروشید، به محرم از این جنبه نگاه می کنید که در محرم چه می توان فروخت! شما به سمت فروش کالاهای مذهبی در محرم می روید.

پس وقتی جامعه مذهبی دارید، تلویزیون شما به دین توجه خواهد کرد. در اینجا پرسش این است که چگونه به این رویداد توجه کند؟ در این میان، هر آیین، رسم و سنتی که تلویزیونی شود، یک حیات به حیات قبلی اش اضافه می شود، نه اینکه حیات قبلی آن حذف شود!

استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی از سختی‌های انتقال پیام دینی به وسیله تلویزیون می‌گوید:

هدفی سخت برای تلویزیون و دین داران

علی شاکر

آقای دکتر می‌گویند یکی از مداحان معروف ایران در مجلسی که قرار بود از آن فیلمبرداری هم بشود حاضر بود و وقتی نوبت او شد، مؤذبان به از فیلمبرداران خواست دوربین‌ها را خاموش کنند. استدلال او هم این بود که ما اینجا با توجه به شرایطی که در آن قرار گرفته‌ایم، شور و حالی داریم که افرادی که بعدها این برنامه را می‌بینند، متوجه این فضا نیستند و برداشتی از آن می‌کنند که با واقعیت این فضا متناسب نیست. این استدلال از نظر علمی هم درست می‌نماید، چون رسانه‌ای همانند تلویزیون می‌تواند ماهیت پیام را با تغییراتی مواجه کند. نظر شما در این مورد چیست؟

به طور کلی ماهیت رسانه‌ها به گونه‌ای است که هر نوع پدیده‌ای را هنگام انتقال با نوعی دگرگونی مواجه می‌کند، پس هرگز قادر نیست آن واقعیت را بدون دخل و تصرف در اختیار دیگران قرار دهد. شما مثال خاصی آوردید، اما من می‌خواهم مثال خیلی ساده‌تری برنم. فرض کنید شما می‌خواهید یک کوه‌نورد را در حال صعود به قله‌ای بر فراز که سوز و سرما در آن بیداد می‌کند، نشان دهید. آیا تلویزیون می‌تواند کاری کند که ما آن حس سرما و شرایط خاص کوه‌نورد را تجربه و درک کنیم؟ ممکن است این حس در حد خیلی ناچیز در بیننده ایجاد شود. چون

چنین نقل است که گوتنبرگ با ماشین چاپش اولین چیزی که روی کاغذ آورد، انجیل مقدس بود. اولین ایستگاه رادیویی نیز در سال ۱۹۰۶، برنامه‌اش را با وعظ یک کشیش آغاز کرد. خود این دو مثال ساده برای معطوف شدن ذهن متخصصان رسانه و دین به اهمیت پیوند این دو فضا کافی است! اما داستان به این سادگی‌ها نیست، چون رسانه مقتضیاتی دارد که متخصصان دین باید آن را بشناسند. به همین خاطر، نمی‌توان با آوردن تصویر حسینه‌ها به گوشه‌خانه‌ها از طریق تلویزیون به انتقال کامل پیام‌های معنوی و دینی این آیین، اطمینان کامل داشت. در گفت‌وگویی که با دکتر «علیرضا حسینی پاکدهی»، عضو هیئت علمی گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی داشتیم، سراغ برخی از ضعف‌های رسانه‌ای همچون تلویزیون در انعکاس پیام‌های دینی رفتیم.

دکتر پاکدهی خود زمانی از اعضای مرکز تحقیقات و مرکز هماهنگی پژوهش‌های صدا و سیما بوده و پایان‌نامه دکترایش را هم با موضوع نظام مطلوب رادیو-تلویزیونی ایران نوشته است؛ این مطلب حاکی از آن است که رسانه مورد علاقه‌اش تلویزیون است.



موسیقی و ... کاری می‌کند که در اثر تصاویری که منجر به هیجان زیاد می‌شود، تا حدی قلب مخاطب تندتر بزند. آیا استفاده از شیوه‌های غیرمستقیم برای انتقال معانی ضمنی و به‌طور کلی استفاده از هنر در غیرمستقیم جلوه دادن پیام‌ها و تجربه‌های معنوی می‌تواند مؤثر باشد؟

هنر به‌طور مطلق می‌تواند این کار را بکند، ولی کدام هنر و با چه ویژگی‌ها و خصوصیتی؟ وقتی که فناوری میانجی انتقال پیام‌ها می‌شود، خود در ماهیت پیام تغییرات گسترده‌ای ایجاد می‌کند. یعنی هر چند تلویزیون ممکن است مزایای زیادی داشته باشد و حس دقیق‌تری در ما ایجاد کند، ولی در عین حال می‌تواند تحریف‌ها و دگرگونی‌های زیادی هم در محتوای پیام اصلی ایجاد کند.

پس صرف اینکه ما به مجالس عزاداری دور بین ببریم و از آن فیلمی تهیه و پخش کنیم، نمی‌تواند انتقال‌دهنده معانی باشد؟

خیلی کم؛ شما برای انتقال معانی نیاز دارید تا فضای کلی‌ای ایجاد کنید و فردی هم که پیام را دریافت می‌کند، باید در وضعیت روحی و روانی مناسبی قرار داشته باشد تا بخواهد در معرض چنین پیامی قرار گیرد. برای مثال، فرض کنید کسی دوست دارد به مجالس عزاداری برود ولی نمی‌تواند؛ چنین فردی با کسی که مایل به رفتن به حسینیه نیست و دوست دارد از تلویزیون برنامه‌های سرگرمی ببیند، متفاوت است. ما می‌خواهیم با توجه به مناسبت‌های روز، تمامی آن برنامه‌هایی که نفر دوم میل به دیدن‌شان دارد، قطع کنیم و برنامه‌های دیگری برایش پخش کنیم....

چون فرد برای سرگرم شدن سراغ چنین تلویزیونی آمده! ولی برخلاف انتظارش با برنامه

ما در خانه راحت کنار بخاری نشسته‌ایم و در حالت تفریح داریم آن صحنه را می‌بینیم، پس هرگز نمی‌توانیم خودمان را جای آن فرد بگذاریم. حالا این مسئله در مورد انعکاس فضایی روحانی که افراد با شور، انگیزه و نیت خاصی گردهم جمع شدند نیز می‌تواند مصداق داشته باشد. گذشته از آنکه، حسی که در جمع ایجاد می‌شود، نوعی انتقال و سرایت به همراه خود دارد، در حالی که وقتی

شما همین صحنه را از طریق جعبه جادویی می‌بینید، این حس و حال به بیننده منتقل نمی‌شود. به همین خاطر، ممکن است شور و جذبه خاصی در محیطی مشخص در فرد اتفاق بیفتد و او دست به اعمال خاصی بزند که از بیرون غیرقابل درک جلوه کند.

حال اگر جای این دو را عوض کنیم و حاضران در آن جلسه، تماشاگر برنامه شوند، ممکن است به چنین حس و حال و رفتارهایی دست نیابد. پس می‌گوییم رسانه قادر به انتقال تمامی آنچه در حال وقوع است، نیست، بلکه فقط بخشی از آن را منتقل می‌کند. ما هم به یک نظاره‌گر تبدیل می‌شویم و نمی‌توانیم خودمان را در آن فضا قرار دهیم. پس بعضی از مواقع برخی رفتارها ممکن است برای ما غیرعادی تلقی شود. برای کسی که در این فضا حضور ندارد (برای مثال یک غیرایرانی ناآشنا با فرهنگ عزاداری ما)، بر سر و سینه زدن عزاداران ممکن است نوعی رفتار منفی و غیرمنطقی تلقی شود.

شما به مثال کوه‌نورد اشاره کردید؛ من به فیلم‌های ژانر وحشت اشاره می‌کنم. در اینگونه فیلم‌ها، سازنده درست است که نمی‌تواند همان حس وحشت را به‌طور کامل در بیننده القا کند، ولی با استفاده از تکنیک‌های هنری، نور صحنه، گریم،



دیگری مواجهه می‌شود. پس فرق بسیاری وجود دارد بین نفر اول که با قصد و نیت خاص دنبال پر کردن خلاء ناشی از ناتوانی رفتن به مجلس عزاداری است و نفر دوم که تلویزیون را به منظور دیگری به کار می‌برد و متوجه می‌شود که برنامه‌ها برخلاف انتظارش است. به همین خاطر، فرد دوم پیوسته دنبال آن است که از برنامه‌ای که مطابق میلش نیست، اشکال و ایراد بگیرد. بنابراین اگر کوچکترین مشکلی ببیند که با عقل و منطق او جور در نمی‌آید، ممکن است آن را نفی کند. برای نمونه کسانی را دیده‌ام که مراسم نخل‌گردانی در ایام محرم را بی‌معنا دانسته‌اند، چون در آن فضا نبوده‌اند، ماهیت و فلسفه چنین آیینی را نمی‌دانند و کسی هم برای آنها توضیح نداده است. بنابراین با یک عقل ظاهر فریب ممکن است آن را نفی کند و بر ترویج دیدگاه خود بین دیگران اصرار نیز داشته باشند.

حسی که در جمع ایجاد می‌شود، نوعی انتقال و سرایت به همراه خود دارد، در حالی که وقتی شما همین صحنه را از طریق جعبه جادویی می‌بینید، این حس و حال به بیننده منتقل نمی‌شود. به همین خاطر، مشاهده بعضی از اعمال خاص برای بیننده نامفهوم و غیر قابل درک خواهد بود

آیا رسانه‌های مثل تلویزیون مجال عمیق شدن و توضیح دادن راجع به فلسفه آن را دارد؟ باید برنامه به گونه‌ای ارائه شود که اگر تأثیر مثبتی روی بیننده نمی‌گذاردیم، اثر منفی در ذهن او ایجاد نکنیم. می‌توانیم قسمتی از برنامه را به ماهیت و فلسفه چنین آیین‌هایی اختصاص دهیم. در این روزهای عزاداری برنامه‌های تکراری زیادی از آیین‌های مناطق مختلف کشور نشان می‌دهیم، ولی راجع به فلسفه آن صحبت نمی‌کنیم. آن زمان همان فردی که برای سرگرمی جلوی تلویزیون می‌نشیند، بیشتر ممکن است ترغیب به دنبال کردن برنامه شود.

این تنها مشکل تلویزیون نیست؛ شما بر فرض، موقع دیدن برنامه‌های دینی و معنوی می‌توانید با یک دکمه به دنیای مادی برگردید

یکی از ضعف‌های تلویزیون ما همین است؛ یعنی خودش در عمل چنین می‌کند. تلاش می‌کند و شما را به یک فضای معنوی می‌برد و سپس ناگهان بعد از آن برنامه، چیزی

و ممکن است تأثیر منفی روی مخاطبان بگذارد. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که خود آن فردی که پیامی منتقل می‌کند، چقدر به آنچه می‌گوید اعتقاد دارد؟ اینجاست که برخی را می‌بینیم که اگر باز یگری را در نقشی منفی دیده‌اند، نمی‌توانند او را در نقشی مثبت تحمل کنند.

در این میان مشکل از کیست؟ بازیگریا رسانه؟

هر دو؛ خود باز یگر به آن نقشی که بر عهده دارد، ایمان ندارد. او وظیفه‌ای صوری بر عهده گرفته است. به همین خاطر نمی‌تواند به انتقال آن مفهوم بپردازد. مخاطب بخش زیادی از تأثیرپذیری خودش را بر مبنای چهره‌هایی که می‌شناسد و شمایی کلی که از آنها مد نظر دارد، ارزیابی می‌کند، نه فقط همین برنامه! یعنی مجموعه‌ای از پیش‌زمینه‌ها را در نظر می‌گیرد.

تلویزیون در ماه رمضان شمارا با برنامه‌های دینی و مناسک مختلف به فضایی معنوی نزدیک می‌کرد و با «رنا»ی شجریان و اذان به اوج می‌رساند. ولی به محض پایان یافتن اذان شما آهنگ پیام‌های بازرگانی را می‌شنیدید! یعنی یک موقعیت کاملاً مادی!

گاهی دیده می‌شود که برای القای پیام‌های دینی و معنوی از آدم‌های مشهور استفاده می‌کنند

البته اگر درست از این تکنیک استفاده شود، می‌تواند مؤثر باشد، ولی اگر همان افراد به آنچه می‌گویند، اعتقاد نداشته باشند، درازمدت اصرار بر تداوم این شیوه با مشکل مواجه خواهد شد.

آن فرد یا پیامش؟ به طور کلی هر دو! مسئله اینجاست که در تبلیغ، مدام هدفی کوتاه‌مدت دنبال می‌شود و پیام‌های دینی چنین نیستند، چون اهدافی کلی دارند که تغییر نمی‌کنند و شما با آن به طور گذرانی نمی‌توانید برخورد کنید. پس باید خط‌مشی طولانی داشته باشید. این امر با مسئله سرگرمی و تبلیغ متمایز است. شما نمی‌توانید در دستیابی به اهداف دینی از راه‌های غیر اصولی و مخالف با اساس خود دین استفاده کنید، پس باید نوعی صداقت و دوراندیشی در پیام دینی مدنظر باشد. ■



پخش می‌شود که شما را کاملاً از آن فضا جدا می‌کند. برای نمونه تا همین یکی دو سال قبل، چنین بود که در ماه رمضان، تلویزیون شمارا با برنامه‌های دینی، ادعیه و مناسک مختلف به فضایی معنوی نزدیک می‌کرد و با «رنا»ی شجریان و اذان به اوج می‌رساند، ولی به محض پایان یافتن اذان شما آهنگ پیام‌های بازرگانی را می‌شنیدید! یعنی یک موقعیت کاملاً مادی! سپس پیش از شروع سریال یکی از شرکت‌های بازرگانی شمارا دعوت می‌کند به دیدن برنامه بعدی!

یکی از مشکلاتی که برخی در مورد صدا و سیما مطرح می‌کنند، نبود تخصص و مطالعه کافی در ارائه برنامه‌های دینی است؛ یعنی تولیدکنندگان، تخصصی در زمینه رسانه و ارتباطات ندارند.

بله؛ نه در زمینه ارتباطات و نه حتی در زمینه مسائل دینی! بالطبع همان طوری که شما هم در مورد اهمیت هنر در انعکاس برخی موضوعات گفتید، خود هنرمند هر چه توان هنری بیشتری داشته باشد و نسبت به موضوعی که مطرح می‌کند، شناخت داشته باشد، پیام مؤثرتری می‌تواند ارائه کند. در این میان، مانع خود فناوری ارتباطات را می‌شناسیم و نه در موضوعاتی که به آن می‌پردازیم، تخصص داریم. به همین خاطر با سطحی‌نگری‌های خاص، فقط اصرار داریم که در این موضوعات برنامه بسازیم.

در چنین شرایطی است که تلویزیون در جایگاه منبر هم نمی‌تواند بنشیند؟ اگر هم چنین شود، تأثیر کافی نخواهد داشت

خلیما

ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خلیما

KHEIMEH
Cultural- Social
Monthly



در این بخش دو میزگرد در بخش هنرهای نمایشی و هنرهای تجسمی و همچنین مصاحبه با «دکتر مرزیه محمدزاده» ادامه مباحث پیشین است و با نگاهی به برگزاری همایش «تصویر عاشورا»، پای صحبت «فرید فرخنده کیش» دبیر دومین دوره این همایش و داوران آن نشستیم. همچنین با نیم‌نگاهی به کتاب «کاروان شعر عاشورا» اثر «محمدعلی مجاهدی»، بررسی و نقد اشعار آیینی را ادامه داده‌ایم.

KHEIMEH
Cultural- Social
Monthly

تاریخ و اندیشه

چهارموسو

رسالة

هنر و ادب

سپاس

مردم شنای

نسیم سحری روی پر فطرس معراج نفس،
گشته هوایی و سپس رفته به اقلیم رهایی
به همان صحن و سرایی که شما زائر آنید و
خلاصه شود آیا که مرا نیز به همراه خودت
زیر رکابت ببری تا بشوم کرب و بلایی، به
خدا در هوس دیدن شش گوشه دلم تاب
ندارد، نگهم خواب ندارد، قلمم گوشه دفتر
غزلی تاب ندارد، شب من روزن مهتاب
ندارد، همه گویند به انگشت اشاره، مگر
این عاشق بیچاره دلدادۀ دلسوخته ارباب
ندارد؟

گریه کن گریه و خون گریه کن آری که هر آن
مرثیه را خلق شنیده است شما دیده‌ای آن را
و اگر طاقتان است کنون من نفسی روضه ز
مقتل بنویسم و خودت نیز مدد کن که قلم در
کف من همچو عصا در ید موسی بشود چون
تپش موج مصیبات بلند است، به گستر دگی
ساحل نیل است و این بحر طویل است. بگذار
که قلبش بنویسم که ببخشید مرا یوسف زهرا،
در این مخمل خون بر تن تبار حروف است
که این روضه مکشوف لهوف است، عطش بر
لب عطشان لغات است و صدای تپش سطر
به سطرش همگی موج زن آب فرات است،
به ارباب همه سینه‌زنان کشتی آرام نجات
است، ولی حیف که ارباب قتیل العبرات است، ولی
حیف هنوزم که هنوز است حسین بن علی
تشنه آب است و زنی محو تماشا است ز بالای
بلند الف قامت او دال و همه هستی او در کف
گودال سپس آه که الشمر... نه نه خدایا چه
بگویم که دلت تاب ندارد به خدا با خبرم
می‌گذرد از تپش روضه که خود غرق عزایی
تو خودت کرب و بلایی قسمت می‌دهم آقا
به همین روضه که در مجلس ما نیز بیایی تو
کجایی تو کجایی

شب سوم شده باید که گریزی بزنی به یک
مجلس پر شور که این کار صواب است، صواب
است و نفس در نفس سینه هر مستمعش
مثل عذاب است، دل تک‌تکشان وای کباب
است، ببین روضه عجب ساده و ناب است که
بر پا شده در بین خرابه است، بی‌گوش کن
آری سخن از فحطی آب است، ولی یک نفر
آنجاست که بی‌تاب تر از باقی آنهاست، ببینید
ببینید درست است رباب است، ببینید گلم
رنگ ندارد سر جنگ ندارد، چه بزمی است
چه شوری است چه حالی است فقط روضه
وناله است و مداح پر از عاطفه‌اش طفل سه
ساله است که در دست ظریفش، که در دست
نحیفش سر باباست سلام ای شه‌زیبا سر بابا
چه کسی کرده به ویرانه مقیم چه کسی
کرده یتیم. ■



بحر طویل حضرت رقیه (س) و امام زمان (عج)

بمیرم که بمیرم
عصر این جمعه دلگیر وجود تو کنار دل هر
بیدل آشفته شود حس تو کجایی گل نرگس؟
به فدای، نفس‌های غریب تو که آغشته به
حزن است ز جنس غم و ماتم زده آتش به دل
عالم و آدم مگر این روز و شب رنگ شفق یافته
دست روی کدامین غم عظمی به تنت رخت
عزا کرده‌ای ای عشق مجسم که به جای
غم شبنم بچکد خون جگر دم به دم از عمق
نگاهت، نکند باز شده ماه محرم که چنین
می‌زند آتش به دل فاطمه آهت به فدای رخت
ای صاحب این بیرق و این پرچم و این مجلس
و این روضه و این بزم تویی اجرک‌الله عزیز دو
جهان یوسف در چاه کنون شعله آه تو شود
حس تو کجایی گل نرگس؟
دل ما سوخته از آه نفس‌های غریبت، دل‌مان
بال کیوتر شده خاکستر پرپر شده همراه

عصر یک جمعه دلگیر دلم گفت بگویم
بنویسم که چرا عشق به انسان نرسیده است؟
چرا آب به گلدان نرسیده است؟ چرا الحظه
باران نرسیده است؟ به هر کس که در این
خشکی دوران به لبش جان نرسیده است به
ایمان نرسیده است و هنوزم که هنوز است
غم عشق به پایان نرسیده است بگو حافظ
دلخسته ز شیراز بیاید بنویسد که هنوزم که
هنوز است چرا یوسف گم گشته به کنعان
نرسیده است، چرا کلبه احزان به گلستان
نرسیده است، دل عشق ترک خورد، گل
زخم نمک خورد، زمین مرد زمان بر سر
دوشش غم و اندوه به انبوه فقط برد، زمین
مرد خداوند گواه است، دلم چشم به راه
است که در حسرت یک پلک نگاه است، ولی
حیف نصیبم فقط آه است تویی آینه، روی
من بیچاره سیاه است و جا دارد از این شرم



فلسطین؛ کربلایی دیگر

بخش دوم

گفت‌وگو با مرضیه محمدزاده

اشاره:

در شماره قبل، با دکتر مرضیه محمدزاده درباره مجموعه دو جلدی «دانشنامه شعر عاشورایی» گفت‌وگویی داشتیم. تلاش پنج ساله این پژوهشگر، درباره شعر شاعران عرب و عجم انگیزه‌ای شد تا در ادامه گفت‌وگو، سؤالاتی هم در نقد و بررسی شعر عاشورایی معاصر مطرح کنیم. دکتر محمدزاده که معتقد است؛ شاعر امروز، مکتب حسین (ع) را آموزش‌شده مبارزان دانسته، ذلت اعراب و مسلمانان را بر نمی‌تابد و فلسطین را به عنوان کربلایی دیگر معرفی می‌کند، به پرسش‌های خیمه این چنین پاسخ می‌دهد:

فرود و فراز شعر عاشورایی را در شعر معاصر ایران چگونه می‌بینید؟ آیا عناصری چون ذلت‌ناپذیری، عزت نفس، ظلم‌ستیزی، افشای ستم‌جانان، عدالت و برابری، اصلاح جامعه و پیکار با مفسد که در ذات حماسه عاشورا نهفته بوده و همواره الهام‌بخش آزادگان از مکتب عاشورا شده، در ادبیات و شعر عاشورایی هم به قدر شایسته موجود است؟

اگر بخواهیم اشعار عاشورایی را از ابتدا بررسی کنیم، در دوران صفویه، تقریباً دیوان تمام شاعران، مرثیه بود و مرثیه‌سرایی به شدت رواج داشت. ولی از عصر مشروطه به بعد و به‌ویژه در دوران انقلاب، جلوه‌هایی از قیام، حماسه، پیام و عرفان عاشورا پررنگ‌تر می‌شود. اگر چه «رثا» در جریان عاشورا به خاطر عمق فاجعه، هرگز نادیده‌گرفته‌نیست، اما ظلم‌ستیزی، عدالت‌محوری و جلوه‌های انسانی آن در دوران انقلاب و اشعار معاصر - چه عرب و چه فارس - بیشترین نمود خود را دارد؛ هم در شعرهای آیینی و هم در بعضی نوحه‌ها که البته انحراف در نوحه خیلی زیاد است، ولی باز نوحه‌های خوبی هم داریم که بیانگر عزت عاشورا است.

اما عده‌ای معتقدند که اشعار آیینی به‌ویژه «شعر عاشورایی» در مقایسه با کمیت خود از کیفیت پایینی برخوردار است و پرداختن به مضمون عاشورا در مقایسه با مضامین دیگر در شعر هر شاعر، کیفیت کمتری دارد. این مسئله در تمامی موارد صدق نمی‌کند.

از آنجا که من به واسطه حیطة فعالیتیم ناچار به تحقیق فراوان در این زمینه بودم، به خصوص از جهت نیاز به تحقیق و تفحص بیشتر در مورد پایان‌نامه دکترای خود، به مصاحبه‌های حضوری متعدد با شاعران معاصر پرداختم؛ از جمله اشاره می‌کنم به آقای دکتر سنگری که مصاحبه من با ایشان دو ساعت طول کشید و یا آقای موسوی گرمارودی؛ همین‌طور آقای معلم که یک مصاحبه پنج ساعته داشتیم و دیگرانی چون آقای شاهرخی در مصاحبه‌ای چند ساعته یا مرحوم قیصر امین‌پور در «خانه شاعران» که ما سه ساعت در این مورد به گفت‌وگو پرداختیم. آنچه که بعد از انجام این گفت‌وگوها با شعرای معاصر متوجه شدم، فهم عمیق و زیبا از قیام عاشورا از جانب ایشان بود.

درست است که امام حسین (ع) آنقدر بی‌انتهاست که تا روز قیامت هر بار صحبتی از ایشان به میان آید، حرف جدید و کلام تازه‌ای می‌جوشد، اما ره‌توشه‌ای که ما در عصر حاضر داریم، با ارزش و گرانبهاست و نشان از درک عاشقان شعر از عاشورا دارد. هر چند ایراداتی وجود دارد، چنانچه من بحثی را در پایان‌نامه دکترای خود تحت عنوان «تحریف عاشورا» آورده‌ام؛ به عنوان مثال جایی که صحبت از «آب» به عنوان «مهریه حضرت فاطمه (س)» می‌شود، با وجود اشعار بسیاری زیبایی که در این مورد وجود دارد، وقتی به تاریخ مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم مصادیق تاریخی این مطلب، بسیار کم بوده و از اعتبار تاریخی چندانی برخوردار نیست. مثلاً این مطلب که فرزندان امام حسین (ع) در آتش سوخته‌اند، مطرح است، در حالی که در تاریخ گواهی بر این مدعا وجود ندارد. شاید بر من ایراد بگیرد که این طور نیست، اما من با تحقیقات، حقیقت این مطالب را کشف کرده‌ام.

البته چون من در مضامین دیگر کار نکرده‌ام، نمی‌توانم نظری در مورد ضعف کارهای آیینی یک شاعر نسبت به بقیه آثار وی بدهم. این را باید کسانی که در هر دو موضوع تخصص دارند، کارشناسی کنند. من فقط در مورد اشعار عاشورایی کار کرده‌ام و در این حیطة معتقدم برخی از شاعران ما بسیار خوب کار کرده‌اند. به این معنی که زحمت کشیده‌اند و اگر از امام حسین (ع) سروده‌اند، چیزی بوده که به آن دست یافته‌اند و زیبا سروده‌اند.

با تمام این اوصاف، اگر چه گاهی ایرادات تاریخی زیادی بر این اشعار وارد است، باز

هم نمی‌توان گفت که کیفیت کار این دسته از شعرا در حد سایر سروده‌های آنان نیست یا در مقایسه با دیگر آثار ادبی ما ضعیف‌تر است. من چنین چیزی را قبول ندارم و معتقدم که شاعران ما در این زمینه بسیار کار کرده‌اند.

در «دانشنامه شعر عاشورایی» اشاره فرمودید به اینکه: «روش ائمه (ع) در ارج نهادن به شعر شاعران و توجه به شعر آنان، بدون دخالت دادن شخصیت، رفتار و جهت‌گیری سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی مذهبی آنها بوده

است.» روشن است که نگاه ائمه (ع) به مسائل، نگاه خاصی است. آیا در نقد و بررسی اشعار شعرا، این روش با توجه به آسیب‌هایی که ممکن است داشته باشد، برای ما هم باید حجت باشد؟ سعی من بر آن بوده تا در این کتاب با الگوپذیری از دیدگاه ائمه (ع) عمل کنم. از نظر من، وقتی با شعری قوی و بارز که حاوی مفاهیم معنوی ارزنده‌ای است

برخورد می‌کنیم، باید بدون در نظر گرفتن اینکه شاعر که بوده و چه کرده، به تحلیل اثر بپردازیم و از طرح آن اثر اجتناب نروریم. به عنوان مثال، «فرزدق» علاوه بر اشعاری که درباره ائمه (ع) سروده است، اشعار درباری زیادی هم برای بنی‌امیه دارد و وقتی در منزلگاه «صفاح» با امام حسین (ع) روبه‌رو می‌شود، امام بدون در نظر گرفتن عملکرد وی، با حوصله و به نیکویی به مصاحبت با وی می‌پردازد و ما می‌بینیم که این شاعر، چه اشعار زیبایی درباره امام سجاد (ع) دارد که بعدها «جامی» با الهام از همین شعر، شعری در خصوص این حضرت می‌سراید که تقریباً ترجمه آن شعر است.

آیا می‌توان مدعی بود تمام شاعرانی که در مورد ائمه (ع)، دست به قلم برده‌اند در حد «دعبل» یا «کمیت» هستند؟ با این وجود، ائمه (ع) آنان را به نزد خود می‌پذیرفتند، به اشعارشان گوش می‌سپردند و حتی از اطرافیان می‌خواستند تا سروده‌های آنان را حفظ کرده و به فرزندان خود بیاموزند. وقتی

«سفیان عبدی» در حضور امام جعفر صادق (ع) شعر خود را می‌خواند، امام (ع) رو به اهل بیت می‌فرماید: «این شعر را به بچه‌های ما آموزش دهید.»

امروزه نیز «بورسلامه» را می‌بینید که مسیحی است، ولی زیباترین شعر عاشورایی را سروده است. وقتی عشق به امام حسین (ع) وجود داشته باشد، دیگر چه فرقی می‌کند که شاعر در چه مسلک و کسوتی است؟ ما باید به جای طرد این اشعار، به آنها بهاداده و در کتاب‌هایمان استفاده کنیم.



زیبایی است: «... بچه‌های زهر (س) از بین رفتند، ولی نسل سمیه به اندازه ریگزارهای صحراست...» در اینجا ما بدون توجه به شخص شاعر می‌توانیم به سروده زیبای او توجه کرده و بهره ببریم.

فکر می‌کنید ما در جامعه خودمان تا چه حد به این مسئله پایبند هستیم و بر اساس چنین اعتقادی عمل می‌کنیم؟

خیلی کم؛ من خود بسیار در این مورد با مشکل مواجه شده‌ام. من کتاب «امام حسین

(ع)، امام ارزش‌ها» را با وجود آنکه با استقبال خوبی مواجه شده بود و چاپ اول آن به سرعت به پایان رسید، به چاپ دوم نرساندم، تنها به این دلیل که با مخالفت‌هایی در مورد استفاده از کتاب «شهادت جاوید» آقای صالحی نجف‌آبادی مواجه شدم؛ چرا که صالحی نجف‌آبادی در این کتاب قیام امام حسین (ع) را به خاطر حکومت معرفی کرده و این عقیده را از کتاب «تنزیه الانبیاء» سید مرتضی برداشت کرده بود.

به طور یقین قصد من تأیید نظر کسی نبوده، بلکه تنها به عنوان یک محقق وظیفه داشته‌ام نظر همگان را در کتاب خود درج کرده و در نهایت نظر خود را بیاورم که این کار را هم کرده‌ام. شخصی که مخالف استفاده از کتاب «شهادت جاوید» بود، می‌گفت: «حتی نام صالحی نجف‌آبادی بدن مرا به لرزه می‌اندازد. چرا اسم این شخص باید در کتابی که مربوط به امام حسین (ع) است، باشد؟ اگر هم قرار است در این کتاب باشد، باید همراه با کلمه «لعنت» ذکر شده یا بلافاصله همانجا به رد گفته وی پرداخته شود.»

این‌گونه است که می‌بینیم جامعه ما پذیرای نظریه‌های مخالف خود نیست، بدین معنی که با کوچک‌ترین مخالفتی برخورد می‌شود و تنها نظریه‌های موافق است که مورد تأیید قرار می‌گیرد.

با بررسی اشعار عاشورایی مشاهده می‌کنیم به سبب نیازهای هر دوران تحولی در نوع نگاه به عاشورا صورت گرفته، به طوری که تغییر زاویه دید از جنبه احساسی به جنبه

فکر نمی‌کنید آنچه اشعار آیینی ما را با افت کیفی، در عین تولید حجم بالای آن مواجه کرده، نوعی نگاه افراطی با همین طرز تلقی بوده است؟

توجه داشته باشید که منظور من، طرح اشعار قوی و باکیفیت است و برای جلوگیری از این آفتی که ذکر کردید، به طور قطع باید در مورد کیفیت اشعار سخت‌گیری کرد.

بنا بر این منظور شما تنها عدم توجه به شرایط سیاسی شاعر است؟

هم شرایط سیاسی و هم شرایط فردی - اجتماعی آن. ممکن است آن فرد از دیدگاه جامعه چندان مورد تکریم واقع نشود یا حتی انس و الفت چندانی با ائمه (ع) نداشته باشد.

با این وجود موفق شده، شعری بلندپایه و در خور توجه بسراید. مانند «یحیی بن حکم»، برادر مروان بن حکم که بنا به گفته سید جعفر شهیدی، اولین شعر عاشورایی را در خود دربار یزید سروده که بسیار هم سروده

اندازه منفی بوده است؟

به طور یقین تأثیر گذار بوده است. یکی از دلایلی که خود ائمه (ع) تلاش می کردند تا شعر پابر جا بماند، به خاطر ماندگاری عاشورا بود. شعر خیلی کمک می کند. «جاهز» می گوید: «نثر عرب در مورد عاشورا خیلی بیشتر از شعر عرب بوده، ولی از نثر عرب یک دهم آن بیشتر باقی نمانده و از شعر بیش از یک دهم آن از بین نرفته است.» این یعنی شعر پابر جاست. ائمه (ع) هم برای گسترش این امر، در مجالس روضه و دیگر محافل شعرا را تشویق به خواندن اشعار خود می کردند. حتی وقتی «کمیت» در «منا» و «عرفات» خدمت امام جعفر صادق (ع) می رود و عرض می کند: «می خواهم شعری بخوانم.» امام می فرماید: «الآن فرصت مناسبی برای این کار نیست.» و کمیت می گوید: «در باره امام حسین (ع) است.» این بار امام می فرماید: «پس آن را بخوان.» یعنی حتی در آن موقعیت که بهترین زمان برای نجویا خداوند است، امام به خاطر اهمیت این اشعار، توجه به آن را مقدم می داند. همان طور که عاشورا کمک به پابر جایی شعر کرد، شعر نیز به پابر جایی عاشورا کمک کرد. هر دو بر هم تأثیر گذار بودند، اما متأسفانه این اشعار آریه‌هایی را هم به عاشورا نسبت دادند؛ یعنی اگر اتفاقاتی در کربلا و عاشورا در دوران قیام، قبل و بعد آن افتاد، شاعر ما آن قدر به این شاخ و برگ داد که آن را از محتوا خالی کرد. مثلاً اگر ما حمله به خیمه‌ها و به آتش کشیدن آنها را داریم، آن قدر کشتن‌ها و شکنجه‌ها به آن اضافه کردند که بیش از واقعیت بود، ولی باز هر دو به جاودانگی هم کمک کردند. اگر «محتشم کاشانی» جاودانگی خود را از آن ترکیب بندی دارد که برای امام حسین (ع) سروده، عاشورا هم ماندگاری خود را از همین اشعار دارد.

آیا محصول واقعی شعر و ادبیات ما حقیقت عاشورا است؟ بدین معنی که می توان با جست‌وجوگری، مکتب ناب عاشورایی را از دل اشعار آن یافت؟

اشعار به تنهایی نمی توانند گویا باشند، ولی در مجموع، ادبیات حرف‌های زیادی برای گفتن داشته است. کتاب‌های اصلی که به‌ویژه قبل از قرن دهم یا حتی قبل تر از آن در این مورد وجود دارد، ار جاعات قابل قبولی برای آنچه اتفاق افتاد، محسوب می شود، اگر چه در مجموع تمام ابعاد امام حسین (ع) شناخته‌شدنی نیست. عاشورا نمی تواند به این آسانی دست یافتنی شود. ■

عنوان مثال، فرمودید نظریه سید مرتضی این است که امام برای تشکیل حکومت به کوفه رفته است. آیا در بین شعرا کسی که این نظریه را پوشش دهد، وجود دارد؟ تا آنجا که من می دانم در بین شعرای کشورمان کسی که روی خط فلسفی خاصی شعر سروده باشد، نداریم. در حالی که در غرب تمامی آثار یک شاعر تحت الشعاع نظریه‌های فیلسوفی است که از آن پیروی می کند. این طور نیست که اگر شاعر ما سراغ شعر «رثا» می رود، در جای دیگر از «حماسه»، «عرفان» و... نگفته باشد. به همین جهت سنجیدن خط فکری و فلسفی شعرای ما مشکل بوده و نمی توان در مورد نظرات آنان نتیجه‌گیری کلی کرد، اما در بین نظریه‌پردازان و اندیشمندان، ثبات فکری بیشتری مشاهده می کنیم.

به عنوان مثال، «شیخ مفید»، «سید مرتضی» یا «صالحی نجف‌آبادی» - چه درست و چه غلط - بر آنچه می گفتند تا آخر پابر جا بودند. ایشان در مورد هدف امام از رفتن به کوفه

عقل‌گرایی و توجه به عقلانیتی که در اندیشه نظریه‌پردازان این حوزه بود در اشعار شعرا به چشم نمی خورد

صاحب نظریه‌های خاص خود بوده و علت آن را رسیدن به حکومت می خواندند. نظر دکنتر شریعتی هم در اواخر عمر کمی در این مورد تعدیل شده بود و می گفت: «اگر هم امام به حکومت می رسید، چه کسی بهتر از امام بود.» اما امام خمینی (ره) جامع‌تر بحث می کردند و علت رفتن امام به کوفه را هم برای حکومت و هم برای شهادت عنوان کرده و می گفتند: «کی مثل امام حسین (ع) باشد که بتواند حکومت کند؟» یا جایی از شهادت حرف می زدند که البته عین فرموده ایشان را کامل نمی دانم و گفتند: «... این در تقدیرشان بود...». در هر حال عقل‌گرایی و توجه به عقلانیتی که در اندیشه نظریه‌پردازان این حوزه بود، در اشعار شعرا به چشم نمی خورد و من شاعری را نمی شناسم که پیوسته برای سرودن اشعارش دنباله‌رو نظریه یکی از این اندیشمندان بوده باشد.

آیا در کنار تأثیر حماسه عاشورا بر شعر و ادبیات، شعر هم در نوع نگاه مردم به عاشورا تأثیری داشته است؟ تلاش شاعران در پرداختن به موضوع عاشورا چه پیرایه‌ها و آریه‌هایی در حماسه عاشورا داشته و این تأثیرات تا چه اندازه مثبت و تا چه

حماسی - انقلابی و بالعکس است. البته ناگفته نماند که اشعار حماسی و انقلابی هم به نوعی در همان دسته اشعار احساسی، منتهی از جنسی متفاوت قرار می گیرند، اما آیا می توان اشعار را با زاویه دید اندیشه‌ای به عاشورا همچون تک بیت مولانا «پس عزا بر خود کنید ای مردگان / زانکه بد مرگیست این خواب گران» یافت؟ و دیگر اینکه آیا می شود انتظار تعقل‌گرایی از شعر عاشورایی داشت یا چنین توقعی در اصل نادرست است؟

به صراحت می توان گفت، هیچ‌کدام از شاعران معاصر ما شعری در حد آن یک بیت سروده‌اند. مانند این بیت اقبال لاهوری: «در نوای زندگی سوز از حسین / درس آزادی بیاموز از حسین» که شعری در حد آن یافت نمی شود. در واقع هیچ اثری را نمی توان با اینها مقایسه کرد، اما کار هر شاعری را با خود آن می توان سنجید. به عنوان مثال، آن شعر «در ختان را دوست می دارم» از آقای گرمارودی قدرت آن را دارد که در این تراژدی قرار گیرد یا شعر عاشورایی «خوشدل تهرانی» که کار قوی‌ای است. «شفیعی کدکنی» هم ۴ تا ۶ بیت شعر عاشورایی دارد که من در اینجا آورده‌ام و بسیار زیباست.

اما در مجموع، جنبه‌های احساسی در تمامی آثار شاعران معاصر ما بر جنبه‌های عقلانی آن می چربد. این در حالی است که مرثیه در اشعار معاصر ما نسبت به دوره‌های قبل کمتر است.

در هر حال، جای خالی اشعاری با جنبه‌هایی که شما فرمودید در ادبیات ما احساس می شود و نیاز به آن دارد که در آینده حتماً کار شود. باید به دلایل این قیام توجه اساسی شود. آیا اگر مردم کوفه، امام را دعوت نمی کردند، باز ایشان به سمت کوفه حرکت می کردند؟ نظر من این است که بله! حرکت می کردند. من معتقدم که امام راهی به غیر از این نداشتند. تمام اهل بیت را هم با خود همراه کردند تا نشان دهند که کار از این حرف‌ها گذشته و همه چیز تمام شده است.

در غرب، ما شاهد جریان‌های موازی بین شعرا و فیلسوفان هستیم؛ به‌خصوص در فلسفه اروپا یا فلسفه قاره‌ای، این فیلسوفان هستند که به دنبال شعرا حرکت می کنند. چنانچه سرچشمه فلسفه عظیم «هایدگر»، اشعار «هولدرلین» بوده و این نشان‌دهنده ارتباط و تعامل بین شعرا و فلاسفه است. آیا در ایران و در فرهنگ ما چنین مسئله‌ای وجود دارد؟ به



کاروان شعر عاشورا

گفت‌وگو با محمدعلی مجاهدی (پروانه)

تألیف این اثر، کاری کاملاً انفرادی بوده و شخص یا اشخاص دیگری در پژوهشکده تحقیقات اسلامی مطلبی به آن نیفزوده‌اند. در اینجا باید اشاره کنم متأسفانه به‌رغم میل باطنی این جناب و قرار دادی که فی‌مابین اینجانب و پژوهشکده، امضا شده بود، کتابی که قرار بود در سه مجلد و در ۱۵۰۰ صفحه تدوین و منتشر شود، به صورتی که ملاحظه می‌فرمایید درآمد! تأثر من بیشتر بابت بخش پایانی این اثر است که به چهره‌های نام‌آشنای شعر عاشورا در مقطع معاصر تعلق داشت؛ چراکه ناگزیر شدیم از بین ۴۰۰ چهره، فقط به معرفی ۱۰۳ چهره بسنده کنیم! و این

لطفاً بفرمایید تألیف کتاب «کاروان شعر عاشورا» را از چه سالی آغاز کرده‌اید؟ آیا نوع نگاه شما، بیان سیر تاریخی کاروان شعر عاشورا است یا با نوع‌گزینش اشعار، نگاه تحلیلی - انتقادی داشته‌اید؟

در طول چهل سال مطالعات دامنه‌داری که پیرامون شعر و ادب آیینی در زبان فارسی داشته‌ام، صدها فیش موضوعی به تدریج فراهم آمده که در تألیف آثاری از این دست مورد استفاده قرار می‌گیرد. نگاه من در تدوین «کاروان شعر عاشورا» بیشتر بر اساس سیر تاریخی بوده، ولی هر کجا که سخن اقتضا کرده، از جنبه‌های تحلیلی و انتقادی منظومه‌های عاشورایی غافل نمانده و به همین منظور فصل دهم این اثر به معرفی منظومه‌های نادر و دور از دسترس عاشورایی و پدیدآورندگان آنها اختصاص داده‌ام که صبغۀ کاملاً پژوهشی و کتاب‌شناسی دارد.

آیا این کتاب حاصل یک پژوهش انفرادی بوده یا شخص و اشخاص دیگری هم در پژوهشکده تحقیقات اسلامی شما را یاری کرده‌اند؟ و دیگر اینکه اشاره کرده‌اید که به دلیل پاره‌ای از مشکلات تنها به معرفی ۱۰۳ نفر از چهره‌های عاشورایی پرداخته‌اید؛ ممکن است که برخی از مشکلات را عنوان کنید؟

در فراز آغازین پاسخ به پرسش اول، نحوه شکل‌گیری این کتاب را توضیح دادم.



اشاره:

«کاروان شعر عاشورا» عنوان کتابی است که محمدعلی مجاهدی (پروانه) با پشتوانه چهل سال مطالعه دامنه‌دار، درباره ادبیات آیینی به رشته تحریر درآورده است. این کتاب در ۶ منزل و با سیمای امام حسین (ع) در شعر فارسی، منظومه‌های عاشورایی دور از دسترس و چهره‌های نام‌آشنای شعر عاشورایی از سده چهارم تا زمان معاصر به‌گفته مجاهدی، اولین تذکره متقن شاعران عاشورایی سراسر است و جهت تکمیل به جلد دومی نیاز دارد که در آن به آثار برگزیده و عاشورایی شاعران جوان بپردازد.

مجاهدی، «قلمرو شعر عاشورا» را از حوزه «شعر عاشورا» مجزا می‌داند. پاسخ ایشان به پرسش‌های مربوط به «اشعار عاشورایی» در شماره آینده خواهد آمد و آنچه در ادامه می‌آید، پاسخ ایشان به پرسش‌های مربوط به کتاب است.





نارضایتی خود را در پایان مقدمه خود (ص ۱۸) نگاشته‌ام.

گاهی فکر می‌کنم، اگر روزی پشت صحنه‌های فعالیت‌های فرهنگی؛ از جمله تألیف و تولید آثار ادبی، فرهنگی، تاریخی و دینی به تصویر کشیده شود، چه حقایق تلخی که واگو نخواهد شد. من هیچ خاطره خوشی از سه اثری که توسط این ناشر چاپ و منتشر شده، ندارم، بلکه ذهنم درگیر خاطره‌های بسیار غم‌انگیزی است که رهاورد این تعامل و همکاری است!

در اولین کارم، «شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی» که پس از چاپ بلافاصله توسط داوران «شب شعر سراسری شعر عاشورا» در شیراز، (سال ۱۳۸۹) به اتفاق آرا به عنوان کتاب عاشورایی سال برگزیده و معرفی شد، نام اینجانب، روی جلد، به غلط، به جای محمدعلی مجاهدی، علی‌اکبر مجاهدی چاپ شده! و هنگامی که اعتراض کردم و گفتم که نباید یک نهاد فرهنگی این گونه آشکارا حقوق معنوی مؤلف را نادیده بگیرد، یک تکه مقوار روی آن چسباندند! و حاضر به تعویض جلد کتاب نشدند! یا در سومین اثرم، «پژوهشی در مقتل‌های فارسی»، پژوهشکده نسبت به حذف حدود ۱۰ صفحه مطلبی که در مورد «شهید جاوید» نگاشته بودم، به صورت یک طرفه اقدام کرد! حال داوری با شما. کسی که این اثر را می‌خواند و جای شهید جاوید را در آن خالی می‌بیند حمل بر بی‌اطلاعی مؤلف نمی‌کند!؟

این دردهای بی‌درمان زیاد است و اگر این پرسش را مطرح نکرده بودید، به موارد یاد شده هر چند به صورت گذرا اشاره نمی‌کردم، ولی پرداختن به این معضل اساسی در دستور کار من قرار دارد و در اثری که هم‌اکنون سرگرم نگارش آن هستم، به تفصیل از آن سخن گفته‌ام و اگر ناشر این سه اثر غیر از پژوهشکده مذکور بود، عکس‌العمل من ابعاد حقوقی و قانونی نیز به خود می‌گرفت که بنا به مصلحت از آن دو صرف‌نظر کردم.

آیا این امیدواری وجود دارد که با برطرف شدن مشکلاتی که فرموده‌اید، این تحقیق ادامه

پیدا کند و تکمیل‌تر شود؟

همان‌طور که گفتم، چون حقوق مادی این اثر در کل به ناشر واگذار شده، بنابراین به نظر نمی‌رسد تحقیق یاد شده ادامه پیدا کند، مگر اینکه در اثری دیگر و در بخشی مستقل و مجزا به آن بپردازم یا در مجلد دوم ناگفته‌ها را اضافه کنم تا ناشر دیگری توفیق نشر آن را پیدا کند.

گزینش اشعار با چه معیاری صورت گرفته است؟ آیا در انتخاب شعر شاعران معاصر از خود آنها کمک گرفته‌اید؟

آیا با قاطعیت می‌توان گفت که اشعار گزینشی به عنوان بهترین نمونه‌های عاشورایی آن شاعر است؟

گزینش آثار پس از بررسی آثاری که از هر شاعر عاشورایی سرآورد اختیار داشتم، صورت گرفته و در انتخاب آثار تنی چند از شاعران معاصر، نمونه آثارشان را به طور مستقیم از خود آنها دریافت کرده‌ام، ولی بیشتر مواقع گزینش‌ها را از متون منظومی که در اختیارم بود، انجام داده‌ام. در هر حال این ادعا را نداشته و ندارم که آثار برگزیده شاعران بهترین آثار آنان است ولی تا حد امکان سعی کرده‌ام که بهترین‌ها را انتخاب کنم. ای بسا مجموعه‌های شعر عاشورا که در دسترس من قرار نداشتند و نتوانستم از آنها استفاده کنم.

چرا در «کاروان شعر عاشورا» هیچ اشاره‌ای به بحر طویل‌های عاشورایی نشده است؟ عده‌ای معتقدند که بیشتر تحریف‌های عاشورایی - از حیث محتوا - در بحر طویل‌ها دیده می‌شود. به نظر شما این عقیده تا چه میزان

مبنای علمی و تحقیقی دارد؟

بحر طویل‌های عاشورایی در زبان فارسی چندان ریشه‌دار نبوده و کهن‌ترین آنها متعلق به ۱۵۰ سال پیش است. چون در این اثر برای آسیب‌شناسی شعر عاشورا و باید‌ها و نباید‌هایی که در این حوزه به طور جدی مطرح بوده و عوامل الزامی و پرهیزی تعریف شده‌ای دارد، بخش مستقلی در نظر گرفته نشده بود، بنابراین از نقل بحر طویل‌ها که بیشتر مواقع از مطالب اساطیری، باژگونه و گزافه رنج می‌برند، خودداری کردم و به جای آنها از آثار دیگر شاعران بهره بردم.

از این قالب شعری که لحن حماسی و آهنگی «مطنطن» می‌طلبد، می‌توان به صورت کارآمدتری استفاده کرد و این ظرفیت را دارد که قرائت‌های حماسی و مکتبی، از فرهنگ ماندگار عاشورا را به تصویر بکشد.

لطفاً برای معرفی کامل کتاب «کاروان شعر عاشورا» اگر موضوعی در پرسش‌ها مغفول مانده، توضیح دهید؟

«کاروان شعر عاشورا» را می‌توان اولین تذکره متقن شاعران عاشورایی سرا تلقی کرد و برای تکمیل کردن آن، مجلد دومی را در نظر گرفت تا آثار برگزیده عاشورایی شاعران معاصر به‌ویژه شعرای جوان که در مجلد اول مجال پرداختن به آنها را پیدا نکرده‌ام، در آن منعکس شده و بدین ترتیب این شرمساری بیش از این آزارم ندهد. نقد شعر عاشورا را در کتاب «شکوه شعر عاشورا در زبان فارسی» انجام داده‌ام که در صورت تمایل می‌توان به آن مراجعه کرد. ■

نخمسون



خورشید بی غروب

فریاد زد: امیر! در آن گرمگاه خون
آینه در محاصره سنگ خاره بود

خون بود و شعله بود و عطش بود و خیمه‌ها
در معرض هجوم هزاران سواره بود

خورشید سربریده غروبی نمی شناخت
بر اوج نیزه، گرم طلوعی دوباره بود

دریایی از گدازه سیال، موج موج
در عمق خاک منتظر یک اشاره بود

روزی که رفت این خیر شوم تا به شام
چشم فرشته‌های خدا پرستاره بود

بانگ اذان بلند نمی شد ز مأذنی
آن روز شهر، شاهد بغض ستاره بود

با ضربه‌ای که حادثه بر طبل می نواخت
فریاد «یا حسین» بلند از نقاره بود

راه گریز اغلب «قاضی شریح»‌ها
آن روز در بد آمدن استخاره بود

شهر فریب و وسوسه تا دیرگاه شب
میدان پایکوبی هر باده‌خواره بود

یک لحظه از ترنم شادی تهی نماند
گویی که در تدارک عیشی همواره بود!

تعداد زخم گرچه ز هفتاد می گذشت
اما شمار زخم زبان بی شماره بود!

وقتی رسید قافله کربلا به شام
آغاز برگزاری یک جشنواره بود!

آن شب که آسمان خدا بی ستاره بود
مردی، حضور فاجعه را در نظاره بود

در سوک خیمه‌های عطش، زار می گریست
مشکی که در کنار تنی پاره پاره بود

سهم کبوتران حرم از حرامیان
یال شکسته، زخم فزون از شماره بود

زخمی که تا همیشه به نای «رباب» ماند
از شور لای لایی یک گاهواره بود

چیزی که برد قافله با خود ز کربلا
چشم به خون نشسته، دلی پر شراره بود

می دوخت چشم حسرت خود را به قتلگاه
انگشتی که همسفر گوشواره بود

راهی که کوچه کوچه به بن بست می رسید
در طول این مسیر فقط راه چاره بود!

از کوچه‌های شب زده کوفه می گذشت
پیکی روان به جانب دارالاماره بود

از دشت لاله پوش خبرهای تازه داشت
مردی که نعل مرکب او خون نگاره بود

موعود

من شک ندارم می رسد آن فرصت موعود
سر سبزی می گردد زمین از برکت موعود

من شک ندارم آسمان هم رام خواهد شد
روزی به زیر گام‌های قدرت موعود

می آید آن مردی که می گویند می بارد
از آسمان دست هایش رحمت موعود

گفتند می آید و روشن می کند یک روز
چشمانمان را آفتاب قامت موعود

اما دل من این دل مشتاق و شیدایی
طاقت ندارد بیش از این بر غیبت موعود

در انتظارم تا طلوع صبح آدینه
ای کاش باشم در رکاب حضرت موعود

الهام امین - برای او - مرکز مطالعات راهبردی خیمه

محمد علی مجاهدی (پروانه) - کاروان شعر عاشورا

دروغ، ممنوع است

چقدر حرف بیافیم و قیل و قال کنیم؟
 چقدر روضه بسازیم و عشق و حال کنیم؟
 چقدر قصه بگوییم: زید و خالد و بکر؟
 چقدر بر سر این قصه‌ها جدال کنیم؟
 چقدر باورمان را به خلق بفروشیم؟
 چقدر رزق خداداد را سؤال کنیم؟
 خدا نیارزد آن روز را که ساده شویم
 خیال ساده خود را خدا، خیال کنیم
 رسالتی که به دوش من و تو افتاده است
 مگر نه امر ز مولاست؟ امثال کنیم
 بهل که ساده بگوییم: دروغ، ممنوع است
 حرام دین خدا را چرا حلال کنیم؟
 مباد فاصله افتد دوباره بین صفوف
 امام هست، بجنبیم اتصال کنیم
 برای جوجه فقط آب و دانه، کافی نیست
 قفس، رفیق! شکسته است، فکر بال کنیم

امید مهدی نژاد

در مصیبت حضرت محمد بن عبدا... (ص)

زد شرر بر جان هستی رحلت ختمی مآب
 سنگ بیداد عدو از او در دندان شکست
 تا صدای رحلت جانسوز احمد شد بلند
 در عزای احمد مُرسل نبی ابطحی
 ماتم عظمی این فخر دو عالم مصطفی
 تا ابد آتش گرفته جان امت زین ستم
 رحمت اللعالمین هست و برفت از این جهان
 باشد او فلک نجات و رهبر خیل بشر
 چونکه او رحلت نمود از این سراسوی جنان
 هر کسی شد باخبر از این مصیبت (بی‌ریا)

کرده پر خون رحلتش از غم دو چشم شیخ و شاب
 شد از این ظلم و ستم ارکان دینداری خراب
 خون جگر شد فاطمه با اهل بیت بو تراب
 از دو چشم عالم و آدم چکد خون جای آب
 برده از چشم جهان آرامش و بگرفته خواب
 شد دل اهل ولا از آتش این غم کباب
 متصل از این مصیبت امتش در پیچ و تاب
 محیط وحی الهی معنی ام‌الکتاب
 دین او شد بعد مرگش بین مردم باب باب
 می‌کشد از سوز دل در زندگی رنج و عذاب

رضا رضایی (بی‌ریای اصفهانی)

در و دیوار، چه گویاست، تماشا نکنید
 خواب، چشم همه دنیا است، تماشا نکنید
 می‌درد گرگ، بدن‌های غزالان چمن
 جای گل، خون چمن آراست، تماشا نکنید
 گر همه عالم و آدم ز جفا خاموش‌اند
 سنگ در شورش و غوغاست، تماشا نکنید
 چه نشستید، ببینید که در آتش و خون
 کودک غزه چه تنهاست، تماشا نکنید...
 دهه عشق و عزاداری ارباب آمد
 کربلا منتظر ماست، تماشا نکنید
 کاش می‌شد که حسینه‌ای احداث شود
 در دل غزه، چه زیباست، تماشا نکنید

حسین بزرگی (حامد)

روزنامه قدس، یکشنبه ۱۳۸۷/۱۰/۲۹

نگاه متفاوت متولیان دولتی و اهالی سینما به سینما

بخش دوم

اما اگر همچون کسانی که نقطه شروع فعالیت خود را عرصه «دفاع مقدس» برگزیدند، برخی از جوانان، موضوعات مذهبی را بهانه ورود خود به سینما قرار دهند، کار بسیار خطرناکی انجام داده‌اند. زیرا تاکنون مشاهده کرده‌ایم که با آثار ضعیف خود به هر دوی این حوزه‌ها لطمه وارد ساخته‌اند. این، در واقع خطرپذیری بدی بود که برخی از مراکز دولتی، به ویژه «صدا و سیما» انجام داد که نتایجی برخلاف انتظار به بار آورد. معمولاً در تمام دنیا فیلم‌هایی از این دست، چه در بعد تاریخی، چه در بعد مذهبی توسط کارگردان‌های مطرح و باتجربه ساخته می‌شوند و به همین جهت، پس از نمایش آثار آنان، همه می‌خواهند مثل آن فیلم‌ها را بسازند. این آثار، تأثیر خود را در جهان بر جای خواهد گذاشت و این در شرایطی است که ما هیچ کاری انجام نداده‌ایم، چراکه درست حرکت نکرده‌ایم. برخی مجموعه‌های مذهبی، از نبود عوامل باتجربه و حتی متوسط هم رنج می‌برند و این مسئله لطمه‌ای بر هنر دینی و مخاطبان آن وارد می‌سازد که به مراتب از فیلمی که ضد موضوعات مذهبی ساخته می‌شود، بیشتر خواهد بود.

مادر برابر این مجموعه‌ها نه تنها نتوانستیم پاسخ

ظاهراً در کارهای مذهبی به خاطر حساسیت زیادی که روی آن وجود دارد، سرمایه‌گذاری‌های خوبی هم انجام می‌شود. ممکن است این دلیل وسوسه‌کننده‌ای باشد که عده‌ای غیر حرفه‌ای وارد سینمای دینی و مذهبی شوند. به نظر شما آیا درست است، بودجه زیادی صرف شده و در نهایت هم کار ماندگاری تولید نشود؟

علی‌اکبری: تصور اینکه سرمایه‌گذاری در کارهای مذهبی بهتر بوده و برای سینماگران، به پشتوانه حمایت مالی سفارش دهندگان این قبیل کارها، منعفت مالی در پی خواهد داشت، تصویری غلط و نابجاست که من به عنوان یک تهیه‌کننده آن را قبول ندارم.

اشاره: در بخش نخست این میزگرد که با حضور علیرضا رضاداد، مدیریت سابق بنیاد سینمایی فارابی، محسن علی‌اکبری، تهیه‌کننده و امیر قادری، منتقد، برگزار شد، به «تعریف سینمای دینی»، «سینمای دینی به عنوان یک ژانر»، «سینمای دینی و سینمای تاریخی»، «ضرورت حضور افرادی به عنوان کارشناس مذهبی» و ... پرداختیم. در ادامه این بحث که سعید شاپوری، فیلمنامه‌نویس که در کارنامه سینمایی‌اش نویسندگی «تولد یک پروانه» را دارد هم به این جمع اضافه شد، مسائل مربوط به «حضور سازمان‌های دولتی در کارهای مذهبی»، «گردش مالی در آثار نمایشی مذهبی» و ... می‌پردازیم.



خود را از حوزه فرهنگ مستمر کند و اتفاقاً فقط حمایت کند. امروزه ما گرفتار این هستیم که آنهایی که باید حمایت کنند، باز خواست می کنند و کسانی که باید حمایت شوند، مورد مؤاخذه قرار می گیرند. سینمای دینی و مذهبی باید مانند هر گونه دیگری از سینما با مخاطب زنده باشد و اصلاً سینما به مخاطب زنده است. پس اگر ما بتوانیم، برای این رویکرد مخاطب داشته باشیم، می تواند ادامه حیات دهد و اگر نتوانیم مخاطب آفرینی کنیم، به طور کلی کار عبثی انجام داده ایم.

بعد از این، ما احتیاج به افراد و سازمان های دلسوز و علاقه مندی داریم که اعتقاد دارند در این حوزه باید همه امکانات خود را قرار دهند. در نهایت می رسیم به حامیانی که باید به جای مانع بودن، کمک کنند. در اینجا می خواهیم از آن صحبتی که به میان آمد، استفاده کنیم، مبنی بر این که سازمان هایی که سرمایه گذار هستند، به خود حق می دهند نظرات خود را در کار دخیل کنند. در حالیکه سرمایه گذار باید تنها به تحقق اندیشه های هنرمند باری رساند. چراکه آنچه اهمیت دارد، اندیشه هنرمندانه است و نه سازمانی که سرمایه گذاری کرده است.

متأسفانه نگاه ما در حوزه مسئولیت های فرهنگی، نگاه غلطی است و گاهی وقت ها جایمان عوض شده است. متوجه نشده ایم که هنرمند مهم است و فکر می کنیم سفارش دهنده مهم است. این هنرمند است که سفارش می گیرد و ما کمک می کنیم که سفارش او بتواند محقق شود.

اگر دیدگاه مدیریت فرهنگی اصلاح شود، حامیان وظایف خود را به درستی انجام می دهند. حال اگر بخش خصوصی هم بتواند روی پای خود بایستد، حامیان می توانند ابعاد آن را گسترش دهند و از منابع و امکانات خود استفاده کنند تا کار فیلمساز شکل گیرد. اگر چنین نگاهی وجود داشته باشد، یعنی من به عنوان مسئول فرهنگی بدانم کسی که تابلویی را خلق می کند، مهم است و نه منی که تنها قرار است بودجه خرید امکانات او را پرداخت کنم، آن گاه می توانیم ادعا کنیم «سینمای دینی» حامی دارد، ولی اسم این حامی «دلسوز» است، نه کسی که «مانع تراشی» می کند.

شاپوری: شاید بد نباشد، مسئولان و ما نگاهی به کتاب «جمهور» ارسطو که به ترسیم «مدینه فاضله» آرمانی بشر پرداخته، ببیند از یم که به عنوان مثال، می گوید مدیران بخش های هنری باید آنقدر در زمینه مدیریتی خود تخصص داشته باشند تا قدرت اظهار نظر درباره آثار هنرمندان جامعه را کسب کرده و استادانه آنها را هدایت کنند.

بنابراین مدیران بخش فرهنگی ما نیز اگر

می گویم که آنها باید کنار بروند و بگذارند سینما با یک تجربه سی ساله، بدون نیاز به حامی و متولی، خودش مسیرش را پیدا کند.

نظر تان در مورد «فارابی» چیست؟ آیا لزوماً فیلم ها، در آستانه تولید باید از صافی «فارابی» هم بگذرد؟

علی اکبری: هر نهادی که خودش را متولی تولید در امور دینی می داند، در اصل به تولید آن ضرر به وارد خواهد کرد. هیچ کدام از آنها دیگر به نفع سینما نیستند، چراکه سینما به آن رشد کامل و کافی خود رسیده است.

شاید هر نهادی که بخواهد بودجه در اختیار سینماگر قرار دهد، این حق را برای خود قائل باشد که چنین نقشی هم داشته باشد. در واقع زمانی سینما می تواند مستقل از نهادها عمل کند که نیاز مالی به آنها نداشته باشد.

رضداد: امروزه آنهایی که باید حمایت کنند، باز خواست می کنند و کسانی که باید حمایت شوند، مورد مؤاخذه قرار می گیرند.

علی اکبری: در حال حاضر، «فارابی» دست تهیه کننده را برای صادرات فیلم بسته است و باید برای فروش فیلم در خارج از طریق سازمان های «فارابی» و «تلویزیون» عمل کرد که الآن این قضیه کمتر شده، ولی تا چندی پیش هم واردات فیلم خارجی، هم صادرات فیلم های ما و هم تجهیزات سینمایی کاملاً در اختیار نهاد های دولتی بود. اکنون تجهیزات سینمایی کم کم به بخش های خصوصی واگذار می شود. به طور کلی اگر همین طور شرکت های خصوصی در سایر بخش های سینمایی هم وارد میدان شوند، دست سینماگران هم در مورد مسائل مالی باز می شود و دیگر نیازی به سرمایه گذاران غیر سینمایی نخواهند داشت. بنابراین مسلماً در چنین شرایطی سینما موفقیت بیشتری خواهد داشت.

رضداد: این خیلی حرف بزرگی است که یک تهیه کننده به جایی رسیده باشد که بتواند بگوید، نیاز مالی ندارد و تنها خواسته اش این است که بدون وجود مانعی به کارش ادامه دهد تا آن سینمای آرمانی را محقق کند.

اما من فکر می کنم که سینمای ایران، هنوز در شرایطی قرار نگرفته که تنها با اتکا به منابع بخش خصوصی و بدون کمک دولت و نهاد های عمومی بتواند این کار را انجام دهد و به طور کلی در همه زمان ها و مکان ها دولت باید حمایت های

مناسبی بدهیم، بلکه بر عکس هم عمل کرده ایم. به نظر شما برای اینکه شاهد یک روند منسجم در حوزه سینمای دینی و مذهبی باشیم، باید متولی خاصی در این حوزه وجود داشته باشد؟

علی اکبری: به نظر من بحث متولی غلط است. در هیچ جای دنیا ما متولی فیلم دینی نداریم. چرا که فیلمسازان خودشان باید تصمیم بگیرند در این حوزه کار کنند و نیازی به متولی خاص وجود ندارد. اتفاقاً بهتر است، سازمان هایی که خودشان را متولی می دانند نباشند. من به عنوان کسی که ۲۵ سال در این حوزه کار کرده، آرزو دارم کاش روزی بشود که ما نیازمند این سازمان ها نباشیم و خودمان به عنوان شرکت های فیلم سازی وارد عمل شده، این قدر دستان باز باشد که بتوانیم به راحتی سرمایه گذاری کنیم و از بازگشت سرمایه خود اطمینان داشته باشیم که این مستلزم وجود گردش مالی اقتصادی درست در جامعه است.

تا زمانی که سینمای ما درگیر برخی از این متولیان است که نام خودشان را حامی گذاشته اند و در واقع جز ضربه و ضرر رهاورد دیگری برای ما نداشته اند و تا زمانی که سینما وصل به این حامیان است، ما هیچ رشدی نخواهیم کرد و شاید جلوی پیشرفتمان هم گرفته شود.

در سینمای مذهبی، گردش مالی به درستی انجام می شود؟

علی اکبری: اگر آن متولیان بگذارند، می تواند گردش مالی درستی داشته باشد. دولت باید قدری اعتماد کند و ما سینماگران را به حال خودمان بگذارد تا خودمان وارد این بازار شویم و برای خودمان بازار بایی کنیم. چرا که این دخالت، دست و پای همه را بسته است.

اگر سینمای مذهبی به خود سینماگران واگذار شود، نتیجه اش به نظر شما از آن چیزی که در این سی سال دیدیم، بهتر خواهد شد؟

علی اکبری: قطعاً بهتر خواهد بود. شاید در سال های ۵۹-۵۸ که هنوز ابتدای راه بودیم و یک خال برای سینماگر وجود داشت، حضور عده ای که در حمایت از سینما در جایی به نام «حوزه هنری» دور هم جمع شدند و به دنبال آن هم مجموعه ای به نام «سازمان تبلیغات اسلامی» تشکیل دادند، کار ساز بود. اما الآن و در سال ۸۷، در شرایطی که سی سال از انقلاب می گذرد، دیگر کافی است و اگر ما تا امروز می گفتیم سینما نیاز به حمایت، متولی و حامی دارد، الآن



زیادی دارد، به سختی پذیرفته می‌شود. به طور کلی نگاه‌ها به شخص فیلمنامه‌نویس در حد یک فرد «قلم به دست» است که نیاز به صرف هیچ‌گونه هزینه‌ای هم ندارد. این در حالی که است برای هر کاری، به خصوص در حوزه دین، باید حداقل ۲۰ کتاب خوانده باشی و ۲۰ کتاب دیگر هم بخوانی و این جدا از تسلط بر مسائل تکنیکی کار است.

از نظر من جلسه امروز ما باید بتواند به سه سؤال جواب دهد: «چه می‌خواهی؟ چرا می‌خواهی؟ چگونه می‌خواهی؟» آنچه می‌خواهیم ساخت فیلم دینی است؛ چرا می‌خواهیم؟ قصدمان این است که در تقویت پایه‌های دینی جامعه مؤثر باشیم و به آن کمک کنیم تا حفظ و متحول شود؛ چرا که قرآن همه چیز ماست و باید برای آن کاری انجام دهیم. چگونه خواستن ما هم در گرو ابزاری است که برای این کار نیاز داریم و باید در اختیار ما قرار گیرد.

اما متأسفانه می‌بینیم در حوزه دین هم مانند حوزه دفاع مقدس، تنها به موضوعاتی بها داده می‌شود که در جهت اهداف خاصی قرار دارند و به نوعی استفاده ابزاری می‌شود. زمانی بود که در فیلم‌های دفاع مقدس، بیش از هر مسئله‌ای به آنچه شور و هیجان ایجاد می‌کرد، بها می‌دادند و امروز مسائل دیگری مد نظر است. در حیطه مسائل دینی هم در دوران انقلاب و دفاع مقدس، آیتاتی که درباره جهاد و شهادت و... بود، مورد توجه بود و اکنون نیز هر آنچه تنها به نمایش خوبی و بدی بپردازد، ارزش کار پیدا کرده است؛ گویا می‌خواهیم جامعه را همین طور که هست حفظ کرده و ارتقا ندهیم. آنچه که حائز اهمیت است و باید مدیران ما آن را در نظر بگیرند، این است که بیاوریم مفاهیم عمیقی که در تمام ادیان

شاپوری: آنچه که لطمه شدیدی خورده چه در حوزه تئاتر، چه سینما، کار دینی و به خصوص نویسنده‌ای است که در این حوزه پژوهش می‌کند.

شاپوری: مشکل این است که وقتی فیلمنامه‌نویسی کار دینی می‌نویسد، او را اصلاً هنرمند به حساب نیاورده و فکر می‌کنند از سر ناتوانی به این مسئله روی آورده است. این اشتباهی بسیار فاحش است که بعضی از کارها نیز به آن دامن می‌زند. مگر ما چند نفر داریم که بر روی نوشتن فیلمنامه‌های دینی فعالیت می‌کنند؟ اولین و آخرین کاری که در سینما از من کار شد، همان «تولد یک پروانه» بوده که مربوط به ۱۲ سال پیش است. من همان کسی هستم که آن کار را ارائه دادم و امروز دانسته‌هایم نسبت به آن زمان افزایش یافته و در تکنیک هم تجربه‌های بیشتری کسب کرده‌ام. چرا این اتفاق نیفتاد؟ در حالی که می‌توانستم متن‌های بیشتری بنویسم، کما اینکه این کار را هم انجام دادم. اما باز دهی‌ای که در این زمینه باید می‌داشتم تا حد زیادی فروکش کرد. البته من هرگز به فیلمنامه‌نویسی به عنوان یک حرفه نگاه نکرده و آن را به مثابه همان هویتی که دارد، یعنی یک هنر و دغدغه دیده‌ام.

اما حقیقت این است که در حوزه کارهای دینی بیش از هر جای دیگری اشکال به وجود می‌آید و من این را به قاطعیت می‌گویم. حتی علت آن از جنبه‌های مالی هم نیست و ما می‌بینیم که کاری که طنز بوده و انرژی چندانی هم نیاز ندارد به راحتی ساخته می‌شود؛ اما کارهای دینی که نیاز به پژوهش، قبول مسئولیت بالا و صرف انرژی

از تخصص‌های لازم و معلوماتی فراتر از حد معمول یک هنرمند، در مورد حیطه فعالیت خود برخوردار باشند، جای نگرانی نیست و می‌توانند نظرات کارشناسانه خود را ارائه دهند، چه بسا هنرمندانی که از این نوع انتقادات استادانه و دلسوزانه استقبال هم به عمل آورند. اما جای تأسف زمانی است که می‌بینیم مدیران بعضی از بخش‌های فرهنگی، از حد معمول دانش در بخشی که تصدی آن را به عهده گرفته‌اند برخوردار نیستند. اینجاست که وقتی نظری ارائه می‌دهند، نسنجیده است و جدا از آنکه برای هنرمند گران تمام می‌شود، ممکن است با برخی مانع‌تراشی‌ها از بروز آثار ارزشمند هم جلوگیری شده و به پیکره هنر ضربه وارد سازد.

من به عنوان فیلمنامه‌نویس پله اول فیلمسازی هستم و به تعبیری شاید جزو کسانی باشم که دیده نمی‌شوند. چرا که اتفاق می‌افتد، فیلمنامه‌نویس بارها و بارها به نوشتن ببردازد و مورد قبول واقع نشود. به همین دلیل، فیلمنامه‌نویسی از مظلوم‌ترین قسمت‌های فیلمسازی است. گذشته از آنکه یکی از قسمت‌هایی است که متحمل بیشترین سهم اعمال سانسور بوده و از این منظر بسیار آسیب می‌بیند. جا دارد بگویم، آنچه که در حوزه تئاتر و سینما لطمه بسیار شدیدی خورده، کار دینی و نویسنده‌ای است که در حوزه مسائل دینی پژوهش می‌کند.

علی‌رغم اینکه دین، مذهب و مفاهیم الهی در همه جای دنیا، موضوع بسیار خوبی است که دست‌مایه فیلمنامه‌نویسی قرار گیرد، چرا در ایران این اتفاق کمتر رخ داده است و فیلمنامه‌نویسان به این موضوعات در ظاهر علاقه‌ای نشان نمی‌دهند؟

حال حاضر چند هنرمند را می‌شناسید که بتواند این مفهوم را تجسم دهد؟ اینها مسائلی است که حتماً باید مطرح شده و به آن پرداخته شود.

علی‌رغم حساسیت‌هایی که در مورد ساخت فیلم دینی در کشور وجود دارد و برنامه‌هایی که در این خصوص برگزار می‌شود؛ اعم از جشنواره‌ها، همایش‌ها و ... حول این موضوع، کارنامه قابل قبولی از آن ارائه نشده است. چرا؟ این در حالی است که همه‌ما دغدغه دین را داریم و بیشتر نهادهای ما عنوان «اسلامی» را یدک می‌کشند.

قادری: دغدغه‌ای که مادر مورد دین داریم بیشتر ظاهری است. در واقعیت چنین احساس نمی‌شود.

رضاداد: این مسئله چندان صحت ندارد، چرا که سینمای ما در این سی سال، دو قله ارزشمند دارد که یکی «سینمای دینی» و دیگری «سینمای دفاع مقدس» است و اگر در دنیا حرفی برای گفتن داشته باشد، در همین دو قله و در فیلم‌هایی مانند «بچه‌های آسمان» و «تولد یک پروانه» است. اتفاقاً در ایران از این نوع فیلم‌ها ساخته شده و به آرامی ما را در جهان با چنین فیلم‌هایی می‌شناسند. «رنگ خدا» پر فروش‌ترین فیلم ایران در خارج از کشور بوده است. کدام فیلم اجتماعی ما به اندازه «مریم مقدس» توفیق داشته است؟ درست است که خیلی اشکالات، به خصوص در آن گفتمان در درون سینما و خارج از آن به چشم می‌خورد، اما حرف‌هایی چون نبود کارنامه قابل قبول در سینما، حرف‌هایی است که در محافل غیر حرفه‌ای زده می‌شود و انعکاس آن در حالی که پایه و اساسی هم ندارد، در جامعه می‌پیچید. سپس ما به جای آنکه در ابتدا نقدش کنیم، باورش می‌کنیم.

چنین برداشت‌های سطحی‌ای نباید باعث شود، ما به دنبال رفع اشکال برای بهتر شدن و یک قدم به جلو برداشتن نباشیم. سر ما در حوزه «سینمای دینی» در تمام دنیا بالاست. ممکن است در معنای کلیشه‌ای آن سرافکننده باشیم، اتفاقاً ضربه‌ای که به «سینمای دینی» وارد شده در همان بحث کلیشه‌ای آن است. اما در معنای مفهومی آن باید سرافزار باشیم که آثار درخشانی هم داریم. در اینجا باید علت را در انتظاراتی که از سینماگران دارند، جست‌وجو کرد. وقتی حد انتظاراتی که از سینماگران در حوزه «سینمای دینی» می‌رود، در حد همان «سینمای کلیشه‌ای» و ظاهری است، تولیدات ما در برخی موارد به این سمت می‌روند و این آسیب را به سینما وارد می‌کنند. مسلماً با نگاه کلیشه‌ای، آثار درخشانی تولید نمی‌شود.

آقای رئیس جمهوری می‌فرمایند: «الگوی ما باید سینمای آمریکا باشد» من به جرأت می‌گویم،

سرمايه‌گذاران و به اصطلاح همان حامیانی که می‌شناسیم، با عملکردهای غیر اصولی خود بین مدیران فرهنگی و سینماگران ایجاد کرده بودند، از بین ببریم و بتوانیم به زبان سینما نزدیک‌تر شویم. این عبارت جایگزینی برای «سینمای دینی» و جهانی‌ترین تعریف از آن بود تا با افق پهنآوری که به اهالی سینما ارائه می‌داد، ارتباط بهتری با آنان برقرار کند؛ از آن جهت که بتواند فرصت توجه بیشتر به ساختار از یک سو و فرصت توجه بیشتر به سینما از سوی دیگر را ایجاد کند. قصد ما این بود که با این تعریف، «سینمای دینی» به مصادیق و کاربردهای گسترده‌تری دست یابد. پاسخ ما به منتقدان این جریان، این بود که نمونه‌های ایرانی این نوع از سینما را در «رنگ خدا» و «تولد یک پروانه» که فیلمنامه آن را آقای شاپوری تهیه کرده‌اند و نمونه‌های خارجی آن را هم در «بی‌خوابی»، «مسیر سبز» و «دیگران» می‌توان دید. اولین جرقه‌های شکل‌گیری این لفظ، نه

رضاداد: سرمايه‌گذار تنها باید به تحقق اندیشه‌های هنرمند یاری رساند زیرا آنچه اهمیت دارد هنرمند است نه سازماني که سرمايه‌گذاري کرده است.

در فارابی، بلکه حدود ۱۰ سال پیش در «سینما فیلم» در ذهن من و آقای حیدریان به وجود آمد. یکی از وظایف مدیر فرهنگی، ایجاد افقی جدید و توسعه معناست. ما هم برای انجام این وظیفه تلاش می‌کردیم. بدین معنی که ابزار و تکنولوژی جدید در سینما قادر است جهان غیرمادی را که تا دیروز قادر به ترسیم آن در سینما نبودیم، به تصویر کشد. در جایی که در دنیا «هری پاتر» توانسته چنین کاری کند، بنابراین ای سینماگر ایرانی، بیا و از ما این را مطالبه کن! به همین ترتیب می‌گفتیم که «سینمای معناگر» در عقبه خود «سینمای مجازی» را دارد. در واقع ابزار و لازمه آن «سینمای مجازی» است و می‌خواستیم متون محرک جریان سینمای استاندارد کشور شود. اما پس از شکل‌گیری این عبارت، عده‌ای مصداق آن را آثاری ضعیف معرفی کردند که منظور ما هرگز آن نبود.

قادری: آسیبی که همواره متوجه بحث‌هایی از این دست می‌شود، این است که سینماپردازان، منتقدان و نظریه‌پردازان ماعادت کرده‌اند، در بیشتر موارد، تقصیرها را به گردن مسئولان بیندازند. البته در بین مردم هم این اتفاق بسیار می‌افتد که حتی وقتی کسی زمین می‌خورد، دولت را مقصر می‌داند که چرا آنجا چاله کنده است! بنابراین برای پذیرش چنین مفاهیمی، ابتدا باید ظرفیت هنری آن در جامعه وجود داشته باشد. در

مد نظر بوده درک کنیم، نه ظواهر آن را. اینگونه می‌شود که مفاهیمی که مولوی، عطار، ابن سینا و ... گفته‌اند، اصلاً فهم نمی‌شود و مانع تراشی‌هایی برای بیان افکار آنها هم شکل می‌گیرد. دین بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر از آداب ظاهری آن است و جای تعمق بسیاری دارد. از همان شروع قرآن که در سوره بقره از ابتدای خلقت صحبت به میان آمده تا جایی که از بازگشت انسان به سوی خدا گفته می‌شود، مراحلی برای آن رشد انسان در نظر گرفته شده که باید مورد تحلیل و تفکر قرار گیرد. این مفاهیم از یاد همه ما رفته است و رسالت ما این است که این مفاهیم را که در دل جامعه گم شده است، یادآوری کنیم.

اگر قرار باشد تنها به نماز خواندن در فیلم‌هایمان بپردازیم، مادر «قیصر» هم در فیلم وقتی فرزندش بعد از سال‌ها از سفر باز می‌گردد، سر از سجده بر نمی‌دارد و همچنان مشغول نماز خواندن است. اما چگونه خواستن است که شکل این ظواهر را تغییر می‌دهد و معنای جدیدی ایجاد می‌کند.

این ظواهر بدون پشتوانه مفاهیم معنوی خود می‌توانند در طول تاریخ دستخوش تحولات شوند. وقتی پرداختن به مفاهیم از یاد می‌رود، یعنی پژوهش، مطالعه و نویسنده‌گی در مورد دین از یاد رفته است.

این اصل که باید کارهایی انجام داد تا مخاطب جذب شود تا حدی قابل قبول است که آسیبی به محتوا وارد نکند. من هم به عنوان یک فیلمنامه‌نویس حق دارم مخاطب خود را انتخاب کنم و تنها این کار نباید از سوی مخاطب صورت گیرد. بنابراین من ناچار نیستم دست به هر کاری بزنم تا مخاطب جذب شود. من نمی‌خواهم ۵۰ هزار نفر کار مرا ببینند. اگر هزار نفر هم آن را ببینند، اما با آن رابطه برقرار کنند، برای من کافی است.

به طور کلی، شرایط بسیار آزار دهنده است. من بارها خواسته‌ام به سمت کارهای دیگری روی آورم. اما دغدغه من همواره همین موضوعات بوده و نمی‌توانم حول محور مسائل دیگری کار کنم؛ همین طور نمی‌خواهم تاوان علاقه‌ام به کار کردن در این حیطه را با تن دادن به هر شرایطی که از سوی دیگران دیکته می‌شود، بپردازم.

اصطلاح «سینمای معناگرا» از چه زمانی توسط چه کسی و چگونه در «فارابی» متداول شد؟

رضاداد: این اصطلاح در زمانی که مدیریت مؤسسه «فارابی» به عهده من بود، شکل گرفت. اما باید بگویم که خود من بهره‌چندان از آن نبردم؛ چرا که ابتدا تلاش ما بر آن بود که با جداختن این عبارت در سینما، فاصله‌ای را که



دارند و ما اعتقادات خود را از دست داده‌ایم. هنرمند ما از درون تهی شده است. و این ربطی به سینمای معناگرا ندارد. نمی‌تواند حتی یک رابطه پدر و فرزندی خوب را شکل دهد. ابتدا باید ما این مسائل را بررسی کنیم و بعد به سینمای دینی بپردازیم. وقتی من کتاب روابط پیامبر (ص) و علی (ع) را می‌خواندم، دیدم در خارج از ایران با چه ایمانی این روابط شکل گرفته و ما حتی در ابتدایی‌ترین فیلم‌های خود نتوانسته‌ایم کاری انجام دهیم چه برسد به عرصه سینمای روشنفکری و تفکر برانگیز. این وابسته به شرایط است که در حال حاضر ما از آن شرایط دور هستیم.

رضاداد: آقای قادری به درستی به نقش فضای عمومی بر خلق آثار اشاره می‌کنند. من اشاره می‌کنم به یک تجربه در مورد خانم طاهر پور زمانی که می‌خواستند فیلم «وقتی همه خواب بودند» را بسازند. به فارابی مراجعه کردند و ما صحبت‌های اجرایی را شروع کرده بودیم. بعضی از دوستان شورا معتقد بودند که اتفاقی که در پایان فیلم رخ می‌دهد، تلفیقی بین واقعه مجازی و حقیقی است و حجتی است که از نظر قهرمان داستان رخ می‌دهد. از همین جهت، مخالف سرسخت ساخت فیلم بودند.

تصمیم‌گیری برای ما مشکل شده بود. به هر حال فیلم ساخته شد و از نظر من یکی از بهترین قسمت‌های آن همان بخش پایانی فیلم بود. ما می‌توانیم این فیلم را فیلمی بارویکرد دینی بدانیم چرا که از یک فضای کودکانه فزاینده و مفهومی را به آن اضافه کرده است. این تجربه را به عنوان تجربه «حق با فیلمساز است» بیان می‌کنم که موفق بود و با اعتمادی که به فیلمساز کردیم، نتیجه مؤثری داد. این یک حمایت درست است.

البته منتقدان هزاران اشکال از آن فیلم می‌گیرند، ولی این اشکالات به زبان سینما و به زبان فریدون حسن پور و فرشته طاهر پور است. در گفتمان درون سینما حرف‌های بسیاری می‌توان درباره این فیلم زد. اما برخی افراد، این حرف‌ها را به عنوان نقطه ضعف آن فیلم قلمداد می‌کنند که اصلاً این طور نبوده است. ■

تا چه حد مختار بوده، صادقانه تجربه‌های معنوی خود را حتی اگر اشتباه بوده باشد، به تصویر کشد و به این ترتیب به آزمون و خطا بپردازد و آن‌گاه پیش از آنکه بخواهیم بررسی کنیم چقدر از راه را طی کرده و چقدر جای پیشرفت داریم، ببینیم که آیا اصلاً در مسیر درست قرار داریم یا خیر؟ یک‌بار وقتی کتابی در مورد رابطه پیامبر (ص) با حضرت علی (ع) مطالعه می‌کردم، احساس کردم از هر زاویه‌ای که به این داستان نگاه کنیم،

قادری: در اینجا دیگر بحث «سینمای دینی» نیست. بحث آن است که ما نمی‌توانیم یک داستان تعریف کنیم. داستان را در جاهای دیگر تعریف می‌کنند و ما گوش می‌دهیم. آنها به قهرمانان آثار خود و یک سری ارزش‌ها اعتقاد دارند و ما اعتقادات خود را از دست داده‌ایم. هنرمند ما از درون تهی شده است و این ربطی به سینمای معناگرا ندارد.

چه ملودرام، چه دراماتیک و ... حتی اگر قصد کار در حیطه دینی و معناگرای نداشته باشید، بسیار جای کار دارد و من در آثار مایکل مان نزدیکی بیشتری با چنین موضوعاتی می‌بینم تا در سریال‌های معناگرای خودمان. یعنی ما تصمیم داریم چنین کاری انجام دهیم، در حالی که آمریکای آن را ساخته و صادقانه هم ساخته و بسیار تأثیرگذار بوده است. من الان به این باور رسیده‌ام که ما بیش از ۳ سال است که نمی‌توانیم داستان تعریف کنیم. برای داستان تعریف کردن، ابتدا باید یک سری اعتقادات اولیه داشت. به نظر من هنرمند ما چه به دلیل مشکلات شخصی و چه مشکلات اجتماعی بر خسی اعتقادات خود را از دست داده است. شاید بتوان گفت تنها در «مهمان مامان» یا در «سنجوری» به دلیل اعتقاداتی که خود فیلمساز به برخی مسائل داشته و توانسته آنها را حفظ کند، می‌بینیم که موفق شده به یک فیلمنامه داستانی، شکل دهد. در اینجا دیگر بحث «سینمای دینی» نیست. بحث آن است که ما دیگر نمی‌توانیم یک داستان تعریف کنیم. داستان را در جاهای دیگر دنیا تعریف می‌کنند و ما صرفاً گوش می‌دهیم. آنها به قهرمانان آثار خود و یک سری ارزش‌ها اعتقاد

سینمای ما در این سی سال، در مقایسه با امکانات ناچیزی که داشته است، توانسته به اندازه یک سال از سینمای آمریکا با تمام ابعاد آن موفق باشد. هنوز خیلی راه است تا به موفقیت برسیم، در این سینمایی که هنوز در حلیت و حرمت آن بحث است، عملکردها قابل قبول بوده است. در واقع اگر امام (ره) و آقا، رهبر معظم انقلاب نبودند، همین راه هم به دست نمی‌آوردیم. باید سر تعظیم در برابر تک‌تک افرادی که در این راه قدم برداشته‌اند، فرود آورد. بنابراین من می‌گویم؛ یک بار دیگر این سؤال را بپرسیم که در چه وضعیتی قرار داریم؟ اگر واقعاً به این نتیجه رسیدیم که در وضعیت مناسبی قرار نداریم، آن‌گاه پرسیم چرا؟ شاید بتوانیم بگوییم که در صنعت سینما حرفی برای گفتن نداریم. ولی در این دو حوزه، بچه‌های ما کارهای بسیاری انجام داده‌اند. رابطه متقابل بین امکانات و عملکرد در سینما وجود دارد که غیر قابل انکار است. بسیاری از فیلمنامه‌نویسان ما، فیلمنامه‌های بلندپروازانه‌ای نوشته‌اند که در جاهایی خاک می‌خورد. در واقع امکان اجرا وجود نداشته است. سینماگری به خود جرات نداده که به سراغ آن برود. به طور میانگین هر سینماگر قادر است، در هر ۸ سال یک فیلم بسازد. با در نظر گرفتن تمام این مسائل، اگر باز به این نتیجه رسیدیم که وضع بدی داریم، آنگاه پرسیم، چرا؟

قادری: همان طور که آقای رضاداد گفتند، اینکه ما دستور خود را انکار کنیم، کار اشتباهی است. سؤالی که مطرح است، این است که مسیری که طی می‌کنیم تا چه حد درست بوده است؟ همین طور با بحث‌هایی که در این جلسه مطرح شد، ببینیم که چقدر به بخشنامه‌ها و توجه به ظواهر عمل کرده و تا چه حد به اصالت‌ها توجه کرده‌ایم؟

یادم می‌آید، زمانی بخشنامه‌ای وجود داشت، مبنی بر اینکه در هر سریالی که ساخته می‌شود، حتماً یک سکانس نماز وجود داشته باشد و می‌دیدیم که در تمام سریال‌ها حتی در فضاهایی که هیچ ربطی به موضوع نداشت، سکانسی از نماز وجود داشت.

با توجه به چنین اتفاقاتی باید ببینیم، هنرمند ما

نگاهی به برگزاری همایش «تصویر عاشورا»



اشاره: همایش «تصویر عاشورا» امسال برای دومین سال متوالی برگزار شد تا شاهد برگزاری چندمین نوع از سلسله همایش‌ها و جشنواره‌هایی باشیم که محوریت و موضوعیت خود را مضامین و مفاهیم دینی قرار داده‌اند.

این همایش با هدف معرفی فیلم‌های برتر با مضامین عاشورا و نهضت حسینی (ع) در روزهای پایانی سال هجری قمری برگزار می‌شود که در سال گذشته به نمایش فیلم‌های عاشورایی در دو بخش «مستند» و «داستانی» پرداخت و امسال نیز با اضافه شدن بخش «پویانمایی» با جدیت بیشتری در میان مسئولان برگزارکننده و فیلمسازان جوان به جریان افتاد.

در این پرونده پای صحبت فرید فرخنده‌کیش، دبیر دوره دوم این همایش و داوران آن نشستیم تا چگونگی روی آوردن به برگزاری این همایش، اقبال فیلمسازان نسبت به آن و وظایف جشنواره‌هایی از این دست در قبال سینماگرانی که دغدغه اصلی‌شان به تصویر کشیدن چنین مفاهیمی است، دنبال کنیم.

دبیر دومین همایش «تصویر عاشورا» معتقد است ویژگی‌های اصلی این همایش، شناسایی هنر کاربردی سینما به اهالی هنر و مخاطبان، شناسایی واقعه عاشورا و اتفاقاتی که در این روز رخ داده، کشف و شناسایی استعدادها و سرمایه‌های هنری و تولید فیلم‌های مرتبط در این زمینه است.

کمی درباره این دوره از همایش «تصویر عاشورا» صحبت کنید و از آمار و ارقامی که میزان استقبال و علاقه‌مندی فیلمسازان نسبت به این مقوله را نشان دهد، بگویید.

امسال، با یک رشد نسبی مطلوب، تعداد آثار رسیده به همایش به حدود ۱۵۰ فیلم رسید. البته تا پایان آن مقطع زمانی که تعیین کرده بودیم، حدود ۱۲۷ فیلم به دبیرخانه رسید و مابقی نیز چون پس از آن تاریخ بود، به دلیل رعایت مقررات اجازه شرکت نیافتند و برای شرکت در سال آتی نگه داشته شدند.

داشته باشیم، سینمای پویانمایی خیلی می‌تواند به بازسازی بخشی از آن اتفاقات که نمی‌تواند به صورت واقعی تصویر شود، کمک کند. آنجا که فیلمساز قدرت حرکت و نمایش ندارد و ذهن اوست که فعالیت می‌کند، می‌توان با کمک پژوهش، چنین صحنه‌هایی را بازسازی کرد. یعنی عملاً می‌توان این واقعه را از مناظر مختلف و به شکل‌های متفاوت ثبت و ضبط کرد که تنها بخشی از آن در سینمای مستند خبری می‌گنجد و اتفاقاً در سایر انواع سینمایی، می‌توان بیشتر و بهتر از این ماجرا بهره گرفت.

نوع نگاه در فیلم‌های شرکت‌کننده در این همایش چگونه بوده است؟ چقدر نگاه نودر آثار فیلمسازان دیده شد؟ و آیا نسبت به سال اول برگزاری همایش تقویت شده است؟

این نگاه جدید در سینماگران نسبت به سال گذشته خیلی تقویت شده است و عملاً تنوع پنجره‌هایی که امسال به این ماجرا باز شد، بیشتر شده بود که امیدواریم با برنامه‌ریزی‌های ما، این نگاه متفاوت در سال آینده تکرار شود. ضمن آنکه ما به عنوان متولیان دولتی باید در ابتدای مسیر، حمایت

از لحاظ کیفی فیلم‌ها چگونه بوده‌اند؟ به نظر شما اینکه رقابتی باشد و عده‌ای به قصد شرکت در مسابقه و تقدیر و برگزیده شدن شروع به ساخت فیلم‌هایی از این دست کنند، باعث افت کیفیت آنها نمی‌شود؟

علاوه بر افزایش کمی، فیلم‌ها از لحاظ کیفی و تنوع موضوعی هم وسعت پیدا کرده بودند. یعنی سال اول اغلب فیلم‌ها به گونه‌ای فقط به «ثبت و روایت واقعه» پرداخته بودند و دور بین صرفاً در دسته‌ها حرکت می‌کرد و اشکال مختلف آیین‌ها را نشان می‌داد که به آن حالت یک «فیلم خبری» داده بود، ولی امسال از آن جهت که گرایش «خلاقانه و نوآورانه» را هم به بخش‌های همایش اضافه کرده بودیم، نگاه‌های مختلف در فیلم‌ها به نمایش درآمده و به گونه‌ای دیگر به ماجرا نگرین شده بود و شما می‌توانستید بسیاری از منظرهایی که به طور معمول دیده نمی‌شود یا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، در آنها مشاهده کنید. ضمن این که بخشی از این ماجرا، فیلم‌هایی است که از ذهنیت‌ها سرچشمه می‌گیرد و این اتفاق زیباست. اگر ما بخواهیم به واقعه کر بلا نگاه نوو جدیدی

خودمان را از این جریان داشته باشیم؛ یعنی تقویت و حمایت سینماگری که با جان و دل در این ماجرا گام برمی‌دارد، یکی از وظایف اصلی ماست.

اقبال سینماگران را نسبت به عاشورا و مفاهیم عاشورایی چگونه می‌بینید؟

جالب است بدانید که از ۱۲۷ فیلمی که به هیئت داوران داده شد، ۸۲ فیلم تهیه‌کننده خصوصی داشت و در آن فیلم‌هایی هم که دولت حمایت کرده، تنوع‌سازمان‌ها بسیار محدود بود. این عدد برای من خیلی جالب بود، زیرا در این بخش که جزو یکی از وظایف فرهنگی-هنری و تخصصی ماست، حمایت‌ها این قدر کم‌رنگ است.

در حقیقت این بخش از تولید «دلی» است و آدم‌هایی که در این زمینه کار می‌کنند، شاید به دلیل کم‌توجهی سیستم‌های دولتی و مدیریت دولتی، به اندازه کافی مورد حمایت و توجه قرار نگرفته‌اند. هر چند که فرهنگ ملی ما با نهاد دینی آمیخته شده است و عملاً «فرهنگ عاشورایی» به فرهنگ ملی، آیینی و مذهبی ما تبدیل شده است و من فکر می‌کنم هر ایرانی با هر گرایش، نسبت به این ماجرا احساسیت دارد.

البته مهم نیست که امام حسین (ع) تنها در دل‌های ما جا داشته باشد، بلکه مهم این است که ما بتوانیم مکنونات قلبی خودمان را از طریق رسانه سینما و با شناخت زبان این رسانه به جهان‌نیان بیان کنیم.

ما به دنبال این امر هستیم و معتقدیم برای جهانی شدن، باید ابزارهای آن را داشت تا ضمن آن که جهانی صحبت می‌کنیم، بتوانیم فرهنگ خودمان را نیز تبلیغ کنیم. ما نیز دوست داریم که این اتفاق بیفتد ولی با وجود کم‌توجهی‌هایی که ظاهر آنها ناخواسته رخ داده، شاید تولیدات در این جریان، غنای لازم را ندارند.

آیا خود فیلمسازان هم علاقه‌مند هستند بدون توجه به اینکه مسابقه یا همایشی برگزار شود یا نه، روی چنین موضوعاتی کار کنند؟ یعنی دغدغه خود آنها این باشد که به چنین مسائلی بپردازند.

حتماً همین‌طور است. وقتی آمار به ما می‌گوید ۶۵ درصد فیلم‌هایی که به همایش رسیده بخش خصوصی تولید کرده، یعنی خود سینماگر هزینه کرده است. خود او بابت کاری که تولید می‌کند، پول، سرمایه و وقت گذاشته و این نشان‌دهنده همان علاقه و دغدغه است.

شود اتفاقی در کنارش می‌افتد که ابعاد بسیار وسیعی دارد.

امسال من خوشبختم که در بسیاری از دوستان، علاقه‌مندی‌ای را می‌بینم که در جهت آماده کردن شرایط تولید، در ماه محرم و عاشورا قدم برمی‌دارند. این نشان‌دهنده اقبالی است که به این ماجرا داشته‌اند. در کل نگاه ما این است که «موضوع»، «اهمیت» و «جوانب» مختلف آن را در ذهن دوستان روشن کنیم و امید داریم به هدفمان برسیم.

فیلم‌ها چگونه با زبانی و برای شرکت در بخش مسابقه انتخاب می‌شوند؟ فاکتورهای شما چه بود؟

سال گذشته، حدود ۵۰ فیلم به دست ما رسید و سعی کردیم همه آنها را نمایش دهیم. امسال نیز پیش‌بینی ما برای نمایش فیلم‌ها طی دو روز بود، اما با توجه به بالا بودن تعداد آثار باکیفیت، سه روز را به نمایش آنها اختصاص دادیم.

بنابراین در ابتدا یک گروه چهار نفره که منتخب خود داوران بودند، همه فیلم‌های رسیده به دبیرخانه همایش را تماشا کردند و در نهایت از مجموع ۱۲۷ فیلم، ۳۳ فیلم انتخاب شد که به نمایش درآمد و هیئت داوران در حالی به تماشا و داوری فیلم‌ها نشستند که تماشاگران در طول فیلم همراه آنها بودند.

البته همه فیلم‌هایی که به دست ما برسد در همایش شرکت داده نمی‌شود، چرا که برخی موضوعات و مفاهیم مانند «قمه‌زنی»، اصلاً مورد توجه فرهنگی ما نیست و مراجع نیز آن را تأیید نمی‌کنند. طبیعی است که ما با این نگاه سعی می‌کنیم چنین بخش‌هایی را کم‌رنگ‌تر کنیم تا نمایش فرهنگی ما تبدیل به تبلیغ فرهنگ سوء نشود که البته این کار ممیزی نیست، رعایت اصول فرهنگی، اعتقادی و مذهبی است.

برخی از داوران چه در محتوا و مضمون، چه در ساختار و تکنیک، از فیلم‌ها رضایت کافی نداشتند و حتی برخی معتقد بودند که بهتر بود در برخی بخش‌ها برگزیده‌ای انتخاب نمی‌شد. نظر شما راجع به کیفیت فیلم‌ها چیست؟

داوران چون از صنوف مختلف فرهنگی هستند، نسبت به تولید آثار هنری در سینما «مدینه فاضله»‌ای مد نظر دارند. طبیعی است که این امر به دلیل عدم پشتیبانی‌های لازم اتفاق نیفتاده است. آنها به سبب نوع نگاه آرمان‌گرایانه‌ای که در ذهن دارند، شاید توقعشان این بوده که حجم تولیدات علاوه بر بالا رفتن، غنای بیشتری هم پیدا کند. ما نیز

پس به نظر شما این همایش جای خودش را در بین سینماگران باز کرده است؟

بله بسیار زیاد؛ من احساس می‌کردم شاید در سال‌های اولیه برگزاری این همایش، زیاد مورد اقبال قرار نگیریم، ولی خوشبختانه دیدیم این‌گونه نیست. بسیاری از فیلمسازان ابراز لطف و علاقه کرده‌اند. ما هم در جهت تقویت این ماجرا برای سال آتی برنامه‌های وسیع‌تری داریم و قصدمان این است محصولاتی که در تاریخ سینمای کشورمان، در مورد این موضوع تولید شده را کندوکاو کنیم و اگر بتوانیم سینمای بلند را هم در این ماجرا وارد کنیم.

در سینمای بلند اگر چه نگاه، بیشتر به گیشه است، اما تولیدات نسبتاً مناسبی در این سال‌ها تولید شده است. یعنی نمی‌توانیم بگوییم سینمای بلند ما به این ماجرا پشت کرده و از واقعیت‌های این رخداد چیزی منعکس نمی‌کند. خوشبختانه در تولیدات سال‌های اخیر، نمونه‌های بارز و شاخصی نیز تولید شده است.

وظیفه خود را در این همایش چه می‌دانید؟ ما می‌خواهیم به گونه‌ای شعله‌ی درونی سینماگران را نسبت به این موضوع تقویت کنیم تا هم حرارت آن و هم فضایی که روشن می‌کند، گسترده‌تر شود. سعی ما در دو دوره‌ای که این همایش برگزار شد، همین بود که تلنگری به فیلمساز بزنیم تا متوجه

آغاز این حرکت، محرم و واقعه عاشورا است. ما همان طور که به ایجاد هیئت‌های عزاداری امام حسین (ع) کمک می‌کنیم، باید به هیئت‌هایی که از مناظر مختلف، اهداف آن حضرت را تبلیغ می‌کنند، نیز کمک کنیم و سینما یکی از آن رسانه‌هاست که می‌تواند این کار را انجام دهد و فیلمسازان می‌توانند مبلغی برای این ماجرا باشند. مرکز گسترش نیز در این جریان قرار گرفته است تا بذریه اولیه را بپاشد، ولی محصول نهایی متعلق به جامعه و همه آدم‌هایی است که نسبت به این موضوع علاقه‌مند هستند.

سیاست کلی همایش «تصویر عاشورا» چیست؟

سیاست کلی ما این است که سینماگران را تشویق کنیم تا از مضامین مرتبط با عاشورا و محرم برای تولید استفاده کنند و در مرحله دوم نیز بتوانیم از رسانه‌ای تأثیرگذار مثل سینما در معرفی واقعه عاشورا استفاده کنیم. اگر ما بتوانیم تعامل سینما و مسائل مذهبی و در رأس آن عاشورا و محرم را برقرار کنیم، به خواسته‌مان رسیده‌ایم.

آیا این همایش به فیلمسازان ایده و سفارش کار هم می‌دهد؟

یکی از خوشحالی‌های من این است که زمان برگزاری همایش «تصویر عاشورا»، بسیاری از فیلمسازان را می‌بینم که در تلاش و تکاپو هستند تا شرایطی برای خودشان مهیا کنند که بتوانند در ماه محرم فیلم بسازند. بیشتر آنها هم از ما می‌پرسند که درباره چه چیزی فیلم بسازیم و چه نگاهی داشته باشیم و سفارش شما چیست؟

پاسخ ما به آنها این است که سفارش ما، سفارش دل شمامست. یعنی با توجه به عشقی که نسبت به این مسئله دارید، آنچه که دل شما سفارش می‌کند، بسازید. اینکه ما بخواهیم به فیلمساز بگویم در مورد فلان مراسم عزاداری در فلان شهر فیلم تهیه کن، اصلاً آن چیزی نیست که می‌خواهیم. انتظار ما این است که فیلمساز با توجه به علایق خود از مناظر مختلف، تصاویری را که در این رویداد رخ می‌دهد، صید کند و در کنار آن حتماً قوت و قدرت تکنیکی نیز داشته باشد، زیرا اگر ما امید داشته باشیم که بتوانیم این واقعه را به صورت جهانی مطرح کنیم، از لحاظ تکنیک رسانه‌ای و سینمایی نیز باید جهانی عمل کنیم. یعنی موقعیت سینمای خود در جهان را که امروزه آن را با عنوان «سینمای سیاه» می‌شناسند، با سینمایی که سرشار از امید و

بعید می‌دانم از تمام جشنواره‌های دینی ما چنین چیزی درآید، یعنی حتی «بسترسازی» را هم انجام نمی‌دهند. تنها کاری که می‌کنند این است که فیلم‌های تولید شده در مورد موضوع جشنواره را جمع‌آوری می‌کنند و آنها را در روزهای معینی نمایش می‌دهند. البته «از کیسه دیگران خوردن» خیلی راحت است، ولی شما اگر برای جشنواره‌ای هدف‌گذاری کردید، باید در جهت تحقق آن اهداف نیز به لحاظ زمانی، مالی، روانی و ... هزینه کنید. اگر فقط یک جشنواره برگزار شود و تنها دسترنج برخی از هنرمندان در آن به نمایش گذاشته شود، ۹۹ درصد هزینه‌های جشنواره که صرف این امور می‌شود، منطقی ندارد.

منطق این است که اگر شما جشنواره موضوعی برگزار می‌کنید، به تولید فیلم‌هایی با آن محتوا کمک کنید یا حداقل در جهت



ایجاد بستری برای آن تلاش کنید. آن زمان است که این جشنواره و همایش می‌تواند تأثیرگذار باشد. صرف برگزاری یک همایش، نمی‌تواند اهداف را محقق کند. اگر همایش «تصویر عاشورا» اینگونه بود دو ماه مانده به زمان برگزاری همایش، به فکر می‌افتادیم تا فیلم‌هایی را که در این زمینه ساخته شده است جمع‌آوری کنیم که این موضوع، به طور کلی از هدف ما دور است.

چه چیزی باعث شد همایش «تصویر عاشورا» را راه‌اندازی کنید؟

نگاه اولی این همایش با آقای آفریده، مدیریست مرکز بود که ما هم آن را دنبال کردیم. پارسل جلسات متعددی در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی برگزار شد و ما فکر کردیم که باید به گونه‌ای از «سینمای ایده‌آل» برسیم و در نهایت نتیجه گرفتیم، بهترین نقطه برای

تأیید می‌کنیم و امیدواریم روزی به آن نگاه و مقطع برسیم، ولی به نظر من این همایش در سال دوم موفق شده است، به یک نقطه مثبت و مطلوب برسد و امیدوارم در آینده نیز به جایی برسیم که نظر داوران را تأمین کند.

با این حال نگاه داوران به تولیداتی از این دست، مثبت بود. هر چند ممکن است آمال و آرزوهای آنها خیلی بالاتر باشد، ولی اگر به ماجرا «واقع‌گرایانه» نگاه کنیم، با توجه به شرایط و امکاناتی که به ما داده می‌شود؛ تقویت موضوعی، گردش ریالی و بسیاری مسائل اثرگذار دیگر که در این امر دخیل هستند، احساس من و بیشتر اعضای هیئت داوران این بود که تولیدات ما با امکانات هماهنگی دارد. البته من قبول دارم که آثار در بخش «پژوهش» ضعیف و محدود به پژوهش میدانی و بسیار ناقص بودند و ما مجبور شدیم جایزه این بخش را حذف کنیم تا فیلمسازان ترغیب شوند، سال آینده در تولیداتشان توجه بیشتری به پژوهش‌های کتابخانه‌ای و میدانی نشان دهند تا به آنها در خلق یک اثر برتر کمک کند. اما این که بخواهیم جایزه‌مان را در تمام بخش‌ها حذف کنیم و هیچ اثری را انتخاب نکنیم، نه در شأن این ماجرا، نه واقعی و نه حتی منصفانه است. در واقع انصاف این بود که ما به چند کار دیگر هم جایزه می‌دادیم.

در کشور ما همایش‌های دینی در حوزه آثار نمایشی کم نیستند. آیا این امر باعث موازی‌کاری نمی‌شود و بهتر نیست که همه آنها در قالب یک همایش کلی و جامع درآیند؟ اگر این جشنواره‌ها جمع شوند، خیلی خوب است. یعنی اگر همه کسانی که به کار روی چنین موضوعاتی علاقه دارند، در کنار هم جمع شوند، طبیعتاً این جریان قوت می‌گیرد، ولی اصل اساسی اتفاقات این چنینی، همان است که «بستر تولید» مهیا شود. تازمانی که در این جشنواره‌ها، همایش‌ها و برنامه‌هایی نظیر آن، بسترسازی مناسب برای تولید اتفاق نیفتد، آنها «مهمانی» بیشتر نیستند. اینکه می‌گوییم ما می‌خواهیم دبیرخانه همایش «تصویر عاشورا» را در تمام سال فعال نگاه داریم، برای این است که برخی از طرح‌هایی که دوستان در ذهن دارند، در هر موقع سال ممکن است رخ دهد، بنابراین دبیرخانه همایش باز است تا ما بتوانیم حمایت کافی و وافی از آنها داشته باشیم.

سعی ما بر این است که حداقل در شروع هر سال قمری و پیش از آغاز ماه محرم، شرایطی برای این اتفاق مهیا کنیم تا هر کسی که می‌تواند بار خودش را از بابت تعهداتی که به سینما و این مسئله دارد، ببندد.

آرزو و نشانگر فرهنگ ملی ماست جایگزین کنیم؛ بخشی از این نوع سینما نیز «سینمای عاشورایی» است. به عنوان مثال؛ شما بتوانید شخصیت حضرت عباس (ع) را به گونه‌ای معرفی کنید که در وهله اول تکنیک بالای فیلم آنها را جذب کند و سپس پیامی را که می‌خواهید، به آنها انتقال دهید.

ولی به هیچ وجه بد نیست، اگر مرکز به کسانی که علاقه‌مند کار در این حوزه هستند، سفارش بدهد تا در نهایت کارهای ارسالی به این همایش، یکدست باشد. زیرا اگر ما به طور واقعی دغدغه حفظ چنین آیین‌ها و مناسکی را داریم، چه اشکال دارد گروهی در مرکز باشد که مراسمی را که در شهرهای مختلف به صورت‌های متفاوت برگزار می‌شود، رصد کند؛ به عبارتی خود مرکز هم باید نقش پررنگی در این زمینه داشته باشد.

در اصل سیاستی که مرکز در این زمینه دنبال می‌کند، این نیست که ما فیلم‌ها و موضوعات خاصی را به فیلمساز سفارش دهیم. بلکه نظر ما این است که فیلمسازان علاقه‌مندی خود را به ما منتقل می‌کنند و سپس ما آن را هدایت و حمایت می‌کنیم.

ما تنها امیدی که برای فیلمسازان جوان علاقه‌مند به کار در این زمینه به وجود می‌آوریم، این است که آنها را در جهت تقویت بنیه مالی حمایت می‌کنیم. ما باید فیلمسازان را تشویق کنیم که ایده‌های خود را با توجه به علاقه‌شان پرورش دهند، ذهنشان پرواز کند و دست آنها را باز بگذاریم.

من مسلم می‌دانم، اگر آنها حمایت شوند، با توجه به اعتقاداتی که دارند به بهترین شکل می‌توانند، پرواز کنند و ما را به جایی خواهند برد که شاید در مخیله‌مان هم ننگد.

خوشبختانه فیلمسازان جوان ما آنقدر باهوش و درایت هستند که با نگاه حساس خودشان، بسیاری از نقاطی را که مدیران و مشاوران در پشت میز نمی‌توانند ببینند، شکار می‌کنند.

اگر ما بخواهیم یک بانک ایده در مورد ماجرای عاشورا و محرم تدوین کنیم، بسیار گسترده خواهد شد.

چه تمهیداتی اندیشیده‌اید تا فیلم‌هایی که به این جشنواره می‌رسند، در معرض دید دیگران هم قرار گیرند؟

یکی از جاهایی که این بخش سینمایی می‌تواند خیلی خوب دیده شود، سیمای جمهوری اسلامی ایران است و امسال هم یکی از همراهان ما در این همایش، شبکه

اول بود که قرار است فیلم‌های برگزیده این همایش در بخش‌های مختلف را از برنامه‌هایی که در طول ماه محرم پخش می‌کند، به نمایش درآورد.

در واقع در همه دنیا، تلویزیون‌ها بهترین خریداران محصولات فرهنگی و تصویری هستند و در بازارهای جهانی فیلم، بزرگ‌ترین مراجعه‌کنندگان برای خرید فیلم تلویزیون‌ها هستند، اما در کشور ما این اتفاق نمی‌افتد و صدا و سیما خودش متولی تولید است، در حالی که اگر بخش بازرگانی‌اش را برای شناسایی و خرید کارهایی که تولید می‌شود، تقویت کند، من فکر می‌کنم برای آنها به صرفه‌تر است و هزینه تولید به مراتب پایین‌تر خواهد آمد.

اگر چنین اتفاقی بیفتد، بسیاری از این محصولات به صورت خودکار سر از تلویزیون درمی‌آورند.

ما باید حساسیت زیرگروه‌های تلویزیون را در این مقوله بالا ببریم، زیرا تلویزیون برای نمایش مجموعه فیلم‌های کوتاه، مستند و پویانمایی بهترین مکان است که البته بخشی از این اتفاق به سیاست‌های کلان صدا و سیما برمی‌گردد که باید بیشتر از آن که تولیدکننده باشد، تقویت‌کننده باشد.

با این وجود شبکه اول این قول را به ما داده است که بخشی از این فیلم‌ها به‌ویژه فیلم‌های برگزیده را حداقل با پرداخت حق یک بار نمایش از صاحبان آن بخرد تا برای برنامه‌های ماه محرم سال جاری، آنها را از شبکه‌های مختلف نمایش دهد و ان شاء الله این جریان همیشگی شود.

برنامه‌ای برای بین‌المللی کردن این همایش دارید؟

هدف ما این است که پیاممان را جهانی کنیم، اما در گام اول باید کشورهای حاشیه منطقه را درگیر کنیم و کشورهای را که شیعیان در آنها زندگی می‌کنند، نسبت به این ماجرا حساس و علاقه‌مندی آنها را تهییج کنیم و فیلم‌های مناسب و بامحتوا از کشورهای که با آنها دارای ارتباطات مشترک فرهنگی هستیم، داشته باشیم.

ما باید از این قابلیت‌ها استفاده کنیم و در صورت استفاده مطلوب خواهیم توانست فرهنگ خود و نگاه فرهنگی خود را جهانی‌تر کنیم و به گوش بسیاری از مردم سراسر جهان برسانیم. ■

نگاهی به فیلم‌های برگزیده نخستین و

دومین دوره همایش «تصویر عاشورا»

دوره نخست:

- «پولکه، یک آیین مذهبی» مجید صباغ بهروز، اثر اول

- «ذوالجنح روز ۵۰ هزار سال» محمدرضا وطن دوست، اثر دوم

- «کاروان» محسن امیر یوسفی، اثر سوم

- «مش ممد» عباس خسرو جردی، برنده جایزه ویژه هیئت داوران

دوره دوم:

- «خاک پای خورشید» وحید چاووش، بهترین فیلم همایش

- مستند «ماه بر بام» علیرضا جهانی‌فر، بهترین فیلم نوآور و خلاق

- «نقشی بر زمان» جمال اسکویی، بهترین فیلم انیمیشن

- «عروس نینوا» پناه بر خدارضایی، بهترین فیلم کوتاه داستانی

- «یک روز پس از دهمین روز» نرگس آبیاری، بهترین فیلم مستند

- «یک شب سرد زمستانی» جمشید مجددی، برنده جایزه



داور همایش «تصویر عاشورا»:

نگاه فیلمسازان مؤمنانه و عاشقانه بود

اشاره:

محمد سلیمانی که به عنوان داور در دومین همایش «تصویر عاشورا» حضور داشت، نظر خود را درباره فیلم‌ها، کیفیت آثار و انتظارات موجود می‌گوید و پیشنهادهایی برای بهتر شدن تولیدات این چینی بیان می‌کند.

بود که سطح کیفی برخی آثار، حتی در بخش مسابقه، مطلوب نبود. اما جوایز، با نظر بیشتر اعضای هیئت داوران، به منظور حمایت و دلگرمی از فیلمسازان جوان، اهداء شد. اما در بیانیه هیئت داوران، به این مسائل به طور جدی، صریح و شفاف، اشاره کردیم.

اقبال عمومی سینماگران به مسائل دینی و مذهبی را جدا از همایش‌ها و جشنواره‌هایی که با این موضوعات برگزار می‌شود چطور می‌بینید؟ در ۱۰ سال اخیر، با توجه به حمایت‌هایی که به صورت مادی و غیرمادی از طریق برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌ها انجام می‌شود، اقبال بیشتر شده است. در همین همایش «تصویر عاشورا» تا آنجا که من مطلع هستم، فیلم‌های رسیده به جشنواره، رشدی معادل دو برابر سال گذشته خود داشته است. بنابراین، رشد کمی آثار، حاکی از اقبال سینماگران از پرداخت به موضوعات مذهبی است.

نگاه فیلمسازان در بیشتر موارد کلیشه‌ای و در قالب فیلم‌های مستند-داستانی است که در کارهای عاشورایی سال گذشته دیده شده و متأسفانه، امسال جز یک یا دو مورد نگاه جدیدی نداشتیم.

در واقع تا از نظر کیفی نتوانیم به سطح قابل قبولی برسیم، توجه به کمیت بی‌فایده است.

البته کار روی این موضوعات، حساس و دشوار است و بنابراین نمی‌توان بر اساس آمار فیلمسازی در این مقولات، نسبت به احساس، شناخت و ایمان فیلمساز قضاوت کرد.

برای کمک به بالا رفتن سطح کیفی آثار، چه تدابیری اندیشیده‌اید؟ در جلسه هیئت داوران همایش، تصمیمی مبنی بر برگزاری کارگاه‌های آموزشی دو الی سه روزه با رویکرد آموزش اصول اولیه فیلمسازی و بر طرف کردن مسائلی چون مشکلات فنی و تکنیکی موضوع و محتوا گرفته شده و از کسانی که مستعد و علاقه‌مند باشند، دعوت به عمل خواهد آمد که از نظر من مهم‌ترین و کاربردی‌ترین وجه همایش، همین برنامه‌های آموزشی خواهد بود.

آیا سطح کیفی آثار، در مقایسه با افزایش کمی آنها، رضایت‌بخش بوده است؟ به نظر می‌رسد، برگزاری چنین همایش‌هایی، در برخی موارد نتیجه عکس داده و بر سطح کیفی آثار ضربه وارد می‌سازد.

اگر منظور همین همایش «تصویر عاشورا» است، صحبت این بود که اصلاً در برخی بخش‌ها برگزیده‌ای انتخاب نکنیم. این به آن جهت

از آثار برگزیده شده چه حمایت‌هایی صورت خواهد گرفت؟

برای سال آینده، قرار است هم از نظر مادی و هم غیرمادی، حمایت‌ها پررنگ‌تر از امسال باشد و تنها به اهدای جوایز اکتفا نشود.

آیا فیلم‌ها، نمایش عمومی هم خواهند داشت؟ قطعاً از طریق سیما نمایش عمومی خواهند داشت. در این خصوص پیشنهاد من نیز این است که «مؤسسه رسانه‌های تصویری» فیلم‌های برگزیده را در قالب لوح فشرده در بازار منتشر کند. این امر، برای کسانی که علاقه‌مند به کار در این حیطه هستند، به مثابه راهنمایی برای سنجش سطح کیفی آثار و نشان دادن وضعیت فعلی فیلمسازی در این عرصه خواهد بود.

نوع نگاه فیلمسازان شرکت‌کننده در این همایش، به چنین مقولاتی چگونه بود؟

روشن است که نگاه آنان، نگاهی مؤمنانه و عاشقانه بوده و تردیدی در آن وجود ندارد. ضعف اصلی این آثار در تکنیک‌های فنی فیلمسازی است. در سینما، تنها نمی‌توان به لحاظ موضوع فیلم‌ها را مورد بررسی قرار داد. می‌توان گفت فیلم‌ها محتوا کم ندارند. ولی نگاه، در بیشتر موارد کلیشه‌ای و در قالب فیلم‌های مستند-داستانی است که در کارهای عاشورایی گذشته دیده شده و متأسفانه، امسال جز یک یا دو مورد نگاه جدیدی نداشتیم.

در کدام بخش کیفیت آثار بهتر بود؟ طبیعتاً بخش مستند بیشتر مورد اقبال قرار گرفته بود. اما متأسفانه در بخش داستانی، موردی که به اتفاق آراء بخواهیم انتخاب کنیم وجود نداشت. به طور کلی می‌توانم بگویم، فیلم‌های این دوره از نظر کیفی با دوره قبل تفاوت چندانی نداشت. البته چون این همایش، دومین دوره برگزاری خود را سپری کرد، نمی‌توانیم به طور صریح و قاطع از میزان تأثیرگذاری آن در بالا رفتن سطح کیفی آثار صحبت کنیم. اگر در دوره‌های بعد هم آثار از کیفیت قابل توجهی برخوردار نباشند، آن‌گاه می‌توان گفت برگزاری چنین همایش‌هایی نمی‌تواند کمکی باشد.

آیا این همایش در میان سینماگران به اندازه کافی شناخته شده است؟

فکر می‌کنم امسال با توجه به تبلیغات مناسبی که پیرامون این همایش، صورت گرفته، فیلمسازانی که تمایل دارند بر روی این مسائل کار کنند، کاملاً آن‌را می‌شناسند. مسلماً اگر حمایت‌ها بیشتر باشد، شاهد حضور آنها هم خواهیم بود. ■



داور همایش «تصویر عاشورا»:

«عاشورا» را باید به فیلمساز آموزش داد

اشاره: مجید صباغ بهروز در دومین همایش «تصویر عاشورا» به عنوان عضو هیئت انتخاب و هیئت داوران حضور داشت. او همچنین در نخستین دوره این همایش با فیلم «پولکه؛ یک آیین مذهبی» شرکت کرد که توانست به عنوان بهترین اثر انتخاب شود. نظر او درباره این همایش و فیلم‌های حاضر در آن را در این گفت‌وگو می‌خوانید.

همایش‌هایی که با موضوعات دینی برگزار می‌شود و به طور اختصاصی همایش «تصویر عاشورا»، اگر چه به نظر می‌رسد، انگیزه فیلمسازی را در هنرمندان افزایش داده است، اما در افزایش سطح کیفی آثار تأثیر چندانی نداشته است. آیا در مورد این همایش نیز این گونه بوده است؟

تجربه کلی ما اینطور ثابت کرده که هر گاه همایشی به صورت «موضوعی» برگزار می‌شود - که در اینجا بحث صرفاً در خصوص «فیلم» است - چون همه می‌خواهند با محوریت یک موضوع مشخص فیلمسازی کنند، سطح کیفی آثار خود به خود کاهش می‌یابد. من در این همایش هم به عنوان عضو هیئت انتخاب و هم عضو هیئت داوران حضور داشتم و معتقدم متأسفانه کیفیت فیلم‌هایی که در این همایش حضور داشتند، بسیار پایین بود؛ هر چند که ما با

همین تصور که قطعاً سطح فیلم‌ها پایین خواهد بود، به سراغ این همایش آمدیم. ببینید، در طول یک سال، ۱۲۰ فیلم ارائه شده است. آیا می‌توان انتظار داشت که این تعداد فیلم در طول یک سال، همه، فیلم‌های قوی‌ای باشند؟

به طور قطع، چنین نیست. ولی گویا کیفیت فیلم‌ها در حدی بوده که ابتدا تصمیم بر آن بوده که هیچ فیلمی به عنوان فیلم برتر برگزیده نشود. از نظر شما این نشان دهنده ضعف آثار نیست؟

مسلماً باید تدابیری برای این امر اندیشید. نظر من این است که باید فرهنگ‌سازی شود؛ فرهنگ‌سازی در خصوص «فرهنگ عاشورایی» و «فرهنگ ساخت فیلم» که هر دو باید به موازات هم پرداخته شود. «عاشورا» را باید به فیلمساز آموزش داد تا بداند «عاشورا» واقعاً به چه معناست؟ «عاشورا» تنها خیمه، تعزیه و شبیه‌خوانی نیست. بیشتر فیلم‌هایی که به همایش آمده بودند، از همین موارد کمک گرفته بودند و با نگاهی کلیشه‌ای به سراغ آن رفته بودند.

فیلم عاشورایی می‌تواند، درباره نقاشی باشد که طرح عاشورایی می‌زند. این صحنه عاشورا نیست، بلکه روحی از عاشورا را در خود دارد؛ یا آنکه کسی در جایی باشد که به نوعی به مبارزه باستم برخاسته و جهاد کند. این هم روح عاشورا را در خود نهفته دارد. فیلم عاشورایی تنها نشان دادن شهادت امام حسین (ع) و مظلومیت ایشان نیست.

مشکل اصلی فیلم‌هایی که از سطح کیفی بالایی برخوردار نبودند، بیشتر در حوزه نگاه فیلمساز به عاشورا بوده یا از نقطه نظر ضعف در تکنیک‌های فیلمسازی؟

در هر دو مورد ضعف و نارسایی وجود داشت. بعضی با دغدغه موضوعات مذهبی و به ویژه عاشورایی آمده بودند و از ناحیه کمبود معلومات و تجارب سینمایی آسیب دیده بودند و برخی دیگر صرفاً عاشق فیلمسازی بوده، اما از معلومات مذهبی و نگاه معنوی بی‌بهره و کم‌مایه بودند.

انتظار ما از چنین همایش‌هایی، جدا از جمع‌آوری آثاری در موضوعات خاص، وجود کارکردهای دیگری در حوزه ارتقای سطح کیفی آثار، هم از طریق کمک به ایجاد خلاقیت در دیدگاه‌های مذهبی و هم از طریق آموزش تکنیک‌های سینمایی است. آیا چنین رویکردهایی در این همایش وجود داشت؟

دقیقاً. این اتفاق هم می‌افتد. ببینید ما سال گذشته، فیلم‌های دهه ۸۰ را نمایش می‌دادیم و ۱۴ فیلم هم انتخاب شد که به گفته اهل فن، فیلم‌های خوبی هم بودند.

آمار فیلم‌های امسال هم گویای آن است که همایش در ایجاد شور و شوق میان فیلمسازان موفق بوده است. مطمئن باشید، سال آینده

هم تعداد فیلم‌ها افزایش خواهد یافت و هم فیلمسازانی که امسال آثار متوسطی داشتند، با فیلم‌های بهتری در همایش حضور می‌یابند.

چنین همایش‌هایی مقبول سینماگران حرفه‌ای تر قرار می‌گیرد؟

دیدگاه همایش این است که حتماً فیلمسازهای حرفه‌ای هم حضور داشته باشند. کما اینکه سال گذشته هم فیلمسازان حرفه‌ای عرصه سینما در بخش فیلم کوتاه نیز حضور داشتند. البته همایش بر خلاف امسال که در سه حوزه مستند، پویانمایی و داستانی فعال بود، سال گذشته، تنها در حوزه مستند کار شد که در این حوزه، مفهوم حرفه‌ای به آن معنا چندان جافاده نیست.

به نظر می‌رسد موضوعات این چنینی از طرف مستندسازان بیشتر مورد توجه است.

بله، امسال هم تعداد فیلم‌های مستند شرکت‌کننده از دو گروه دیگر بیشتر بود و در انتخاب نهایی ما هم مستندها بیشتر بودند.

اگر بخواهید به این همایش، هم به لحاظ تربیت نگاه دینی و هم ارتقای سطح فیلمسازی سینماگران، نمره بدهید، چه نمره‌ای می‌دهید؟

من با نمره دادن به این شکل مخالف هستم. اینجا که کلاس درس نیست. مهم، نیت فیلمساز است.

آیا نیت به تنهایی می‌تواند منتج به یک کار خوب شود؟

چرا نمی‌تواند؟ آقای کامران شیردل (بنیانگذار جشنواره بین‌المللی فیلم مستند کیش) در اولین دوره‌ای که برگزار کرد، خود برای جمع‌آوری فیلم‌ها اقدام می‌کرد. ولی پس از شش دوره برگزاری، آثار خیلی از فیلمسازان برتر، کنار گذاشته می‌شد. این همایش هم چند سالی که برگزار شود، آرام‌آرام قوی‌تر خواهد شد. ما همه باید از برگزاری چنین همایش‌هایی خوشحال باشیم؛ چرا که جایی است که جوان‌ها می‌توانند فیلم‌های خود را مطرح کنند. چه دیده بشود و چه دیده نشود، حداقل اعضای ۵ نفره هیئت انتخاب که فیلم‌ها را خواهند دید. همین بر سازندگان آنان تأثیرگذار خواهد بود. این همایش‌ها انگیزه فیلمسازی را بالا می‌برد. خود من پس از این همایش، علاقه‌مند شدم تا ساخت فیلمی را شروع کنم.

به طور کلی نظر داوران درباره همایش چطور بود؟

نظرات داوران مختلف بود. جوان‌ترها معتقد بودند جایزه ندهیم، اما ما اعتقاد داشتیم که باید جوایز اهدا شود. در نهایت، جوایز به بهترین فیلم‌ها تعلق گرفت و کسانی برنده شدند که باید برنده می‌شدند و نظر جمع داوران را جلب کرده بودند. ■

شخصیت موجود در تصویر احساس می‌شود. آنچه مسلم است، همان طور که از عنوان این کلمه برمی‌آید، این تصاویر «شمایل» هستند و خود نگارنده هم به خوبی می‌داند که قرار نیست به طور واقعی، تصویر آن شخصیت باشند. در واقع «شمایل»، تنها عناصری از تصویر است که متناسب به شخصیت مورد نظر بوده و تصویرگر با سلوکی که داشته و با بهره‌گیری از آدابی که خود را ملزم به رعایت آن می‌دانسته، سعی در نشان دادن برخی سجایای اخلاقی و خصوصیات روحانی فردی از اولیای خدا داشته است.

تأثیرگذاری این تصاویر تا حدی است که گاه شاهد هستیم برخی از علما و فقها، آنان را در خلوت خود حفظ می‌کردند؛ به عنوان نمونه می‌توان به حضرت امام (ره) اشاره کرد که یکی از این شمایل‌ها را که متناسب به پیامبر (ص) بود، نگاه می‌داشته و به آن علاقه داشتند. این حاکی از آن است که درون انسان مشتاق، نیازی خاص و مبهم برای احساس نزدیکی به مقدسات وجود دارد که باید مرتفع شود. اکنون به واسطه سوءاستفاده‌های برخی از متخلفان، نباید به طور کلی ترسیم شمایل را منع کرد و دل‌های مشتاق را رنجاند.

با اشاره به این دو مورد که مثال‌هایی از انواع شاخه‌های «هنرهای تجسمی» در مورد عاشورا هستند، به خوبی می‌توان پی برد که برای هر کدام از این شاخه‌ها می‌توان پرونده‌ای برای بحث، تحلیل و نتیجه‌گیری باز کرده، نقش و جایگاه آن را در انتقال معارف فرهنگ عاشورا مشخص سازیم؛ نقشی که همچنان در گذر تاریخ عهده‌دار شده و به خوبی از پس ایفای آن برآمده است. این در حالی است که هیچ ارگان، سازمان و وزارتخانه‌ای هم متولی پویایی آن نبوده و بودجه‌ای نیز برای آن اختصاص نیافته است. با این وجود می‌بینیم که همواره این اتفاق، پررنگ‌تر از همیشه در حال وقوع است.

در حال حاضر چقدر از مجموعه‌های دولتی و غیردولتی در صدد حمایت از خلق این آثار برآمده و در این حوزه قبول مسئولیت کرده‌اند؟ مجموعه‌هایی که مسئولیت فرهنگ‌سازی جامعه را بر عهده داشته و متولی امور دینی، فرهنگی و هنری ما بوده‌اند، در این عرصه وارد نمی‌شوند. حال آنکه می‌بینیم جریان‌های هنری و مردمی‌ای که از بطن جامعه می‌جوشند، به زیبایی قابل تقدیری به منصف ظهور رسیده‌اند.

جای تأسف است که گاه دیده شده این جوشش‌های مردمی هم از سوی کسانی که وظیفه اصلی آنها حمایت از تولید آثاری این‌چنینی است، مورد بی‌مهری و تخریب قرار می‌گیرد. به نظر من چنین مسائلی قابل



بازتعریف هنر آیینی

بخش دوم

محمود مکتبی

شریفی: در بحث «هنرهای تجسمی» و نسبت آن با نهضت عاشورا، باید دوره‌های مختلفی را به طور مجزا از هم مدنظر قرار داد. به عنوان مثال، با توجه به ممنوعیتی که در مورد «تصویرگری» از واقعه عاشورا در دوره خاصی از تاریخ وجود داشت؛ این طور به نظر می‌رسد که ممانعت خاصی در حوزه «کتابت» و در قالب «تصویرسازی» به عمل نمی‌آمد. به همین دلیل ما اکنون گنجینه نفیسی از تصویرسازی نوحه‌های عاشورایی داریم که به نوعی، مرجعی برای هنرمندان معاصر هستند و از سوی دیگر، فضای بکر، صمیمی و بی‌آلایش آنها با وجود یک حس و حال ابتدایی که بر این گونه آثار حاکم است، برای ما تأثیرگذار خواهد بود.

در زمینه نقاشی‌هایی که در تکابا، حسینیه‌ها و مساجد نیز ترسیم شده است، گفتنی‌های بسیار وجود دارد. با توجه به اینکه ترسیم «شمایل» در دوره ما از طرف همگان قابل پذیرش نیست، می‌بینیم که در گذشته این «شمایل»‌ها به تصویر کشیده می‌شد و با جلوه روحانی‌ای که در دل این تصاویر قابل رؤیت است، نسبتی بین نگارنده و

در بخش نخست این نشست با حضور ناصر سیفی، محمد خزایی، حمید شریفی آل هاشم، به بحث درباره هنر آیینی و ویژگی‌های آن پرداخته و گفته شد همچنان که «دانایی» و «توانایی» دو بال برای صعود هستند، «مهارت» و «معرفت» نیز دو بال برای «هنر» به حساب می‌آیند. حال این «معرفت» در هنرهای آیینی و ادیان مختلف جایگاه خود را داشته و برای رسیدن به آن باید سیر و سلوکی طی شود. همچنین در ادامه بحث، از نهضت عاشورا به عنوان یکی از تأثیرگذارترین موضوعات هنرهای آیینی یاد شد که هنر امروز ما نیز از برکات آن بی‌نیصیب نبوده است.

با تشکر از استادان محترم، پس از مقدمه‌ای که داشتیم، در مرحله دوم این میزگرد، قصد داریم به طور تخصصی‌تر «هنرهای تجسمی» را مورد تحلیل قرار دهیم. لطف کنید نظرات خود را با محوریت این موضوع، بیان فرمایید!

بررسی است. ما می‌توانیم سرفصل‌ها و عناوینی داشته باشیم که در ابعادی گسترده به شرح آنها بپردازیم.

از جمله این سرفصل‌ها، می‌توان به نهضت امام (ره) که تجلی‌گر «هنر انقلاب» بوده و بعد از آن هم دوران جنگ تحمیلی که «هنر دفاع مقدس» را به دنبال داشته، اشاره و تأثیر فرهنگ و هنر «عاشورایی» را بر هنرمندان و آثار آنان در این دو دسته، جست‌وجو کرد. به این ترتیب، به روشنی ردپای «عاشورا» در جای جای آثار هنرمندان دیگر دیده می‌شود.

سیفی: حتی با نگاهی کلی به تأثیرات عاشورا بر فرهنگ و هنر این مرز و بوم، افق‌های متعدد و بی‌شماری روشن می‌شود که این امر نشان‌دهنده تأثیرگذاری عمیق و تدریجی آن بر جامعه خواهد بود، اما این طیف گسترده با برخورد‌های تخریبی و سوءاستفاده‌هایی که گاهی اوقات پیش می‌آید، محدود می‌شود که این از آفات آن است. به عنوان مثال، وقتی سلطان محمود غزنوی می‌خواهد که شعری برای وی بسرایند، فرخی سیستانی چنان مرثیه سوزناکی در مورد وی می‌سراید که گویی این شخص از اولیاء... است. وقتی چنین انحرافات پیش می‌آید،

ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره این فرهنگ وارد می‌شود.

شاید بتوان گفت یکی از ویژگی‌های «هنرهای آیینی» حرکت‌های دسته‌جمعی مردمی در تحقق و شکل‌گیری آن بوده است. بنا بر این در سبک نقاشی «قهوه‌خانه‌ای» هنرمندانی را می‌بینیم که به طور کامل برخاسته از دل مردم بوده و از همان جنس‌اند. پرسش این است که آیا امروزه در قشر دانشجو و فرهنگی ما که قصد دارند تصویرگران «هنرهای آیینی» باشند، همان دغدغه‌ها وجود داشته و می‌توان این نوع کار را هم برگرفته از دل مردم دانست؟

شریفی: یکی از بحث‌هایی که همواره دست‌اندرکاران «هنر» را به خود مشغول داشته، این است که «هنر چیست؟» آیا همان تکنولوژی یا نوآوری و خلاقیت صرف است؟ اگر چه تعابیر گوناگونی از هنر وجود دارد، اما به طور یقین می‌توان گفت، هنر ودیعه‌ای است که خداوند به همگان اعطا کرده است؛ این ودیعه را نه می‌توان در دانشگاه تدریس کرد و نه می‌توان به شکل

تجربی آموخت.

آنچه می‌آموزیم را شاید بتوان فن‌آوری هنر، کارشناسی یا تکنیک هنر بنامیم، اما این هنر نیست. مصداق آن را در رابطه میان روح و جسم می‌توان یافت. مایه اصلی و جنس هنر «عشق» است. در جایی که «عشق» محرک اصلی هنرمند باشد، حاصل کار وی «هنر» خواهد بود. ممکن است در این کار، پرسپکتیو، حجم‌نمایی و ...



بخشی از این قبیل آثار، حاوی فرهنگ بومی و تصویری ماست و بخش مهم‌تر آن، ماهیت ذاتی آن اثر هنری است که دارای جانی است که بیننده را مفتون خود می‌سازد. به همین ترتیب، ما هم اگر به کشور دیگری سفر کنیم، به سراغ آثاری می‌رویم که این «جان» را داشته باشد. گاهی ممکن است اثری به لحاظ تکنیک، چنان حیرتی در ما برانگیزد که ما خود را در برابر قدرت آن کوچک ببینیم، ولی برخی آثار ما را در خود جذب می‌کنند و این دو با هم خیلی فرق می‌کنند. در واقع برای انسان‌ها، از آنجا که همگی دارای فطرت واحدی هستند، روح چنین آثاری قابل درک بوده و ماندگاری بیشتری هم خواهد یافت؛ این همان دلیل ماندگاری «هنرهای آیینی» در طول تاریخ است، از آن جهت که اتصال به نقطه‌ای دارد که تمام‌شدنی نیست.

خزایی: اینکه به «هنرهای آیینی» با نگاهی عامیانه نظر کنیم، درست نیست. «هنر» به شرایط زمانی و مکانی تقید فراوانی دارد. گاهی جامعه به لحاظ اجتماعی در شرایطی قرار می‌گیرد که فقر حاکم است و به تبع آن «نقاشی» نمی‌تواند رشد چندانی داشته باشد؛ اما به هر حال معنا و مفهوم وجود دارد. به قول یکی

از استادان: «از یکی از نقاشان پرسیدند، بابت این نقاشی چقدر مزد دریافت کرده‌ای؟ پاسخ داد: در ازای یک هفته نهار (آبگوشت).»

البته هنرمندانی چون «آغاسی» یا «مدبر» کسانی نیستند که قلمی به دست گرفته و مشغول کار شده باشند. آنان سال‌ها شاگردی کرده‌اند تا به این درجه رسیده‌اند.

در دوره سلطنت شاه طهماسب، از سلاطین دوره صفویه، که تعصب بیشتری به وجود می‌آید، از جمله کارهایی که انجام شد این بود که می‌گویند کتابی از شرح حال ائمه (ع) تحت عنوان «احسن الکبار» نوشته شده و مصور شود. وقتی این کار را می‌بینید، متوجه می‌شوید تا چه اندازه هم از نظر تکنیک و هم از نظر معنا و مفهوم، قوی و قابل تقدیر است. همین‌طور کار «سلطان محمد» که درباره «معراج» است. این کار تا مرز «هنر قدسی» هم پیش می‌رود. «هنر قدسی»، کلام قرآن است و مربوط به زمانی است که «هنر» به طور مستقیم با وحی ارتباط برقرار می‌کند. بنابراین، اینکه تصور شود «هنرهای آیینی» خالی از تکنیک است، تصور نابجایی است. ■

وجود نداشته باشد؛ البته ما ثابت کرده‌ایم که این مقولات قابل یادگیری برای همگان‌اند. شاید همین مدعایی بر تعمدی بودن عدم رعایت این نکات از سوی هنرمند باشد، چرا که وی، قصد و نیت دیگری داشته که مهم‌تر از این مسائل بوده است. در واقع پایه‌های اصلی، همان «عشق» است؛ اتفاقی است که ناخودآگاه رخ داده و هنرمند به سراغ آن نرفته، بلکه آن به سراغ هنرمند آمده و در واقع چشمه‌ای است که می‌جوشد، نه چاهی که به طور تعمدی کنده می‌شود.

به همین دلیل جنس «هنرهای آیینی»، از آن جهت که تنها از «عشق» بوده، با شاخه‌های دیگر هنر تفاوت داشته و از منبعی ناب و خالص سرچشمه می‌گیرد. در «هنرهای آیینی» جلوه‌هایی از هنر دیده می‌شود که با فطرت انسان نزدیکی بیشتری داشته و عامه مردم پذیرای آن هستند. حتی زمانی که از کشورهای دیگر برای دیدن آثار هنرمندان ایرانی به کشور ما سفر می‌کنند، با دیدن آثار تکنیکال و برگرفته از هنر غرب روبرو گردانده و از اثری عکس می‌گیرند که به لحاظ فنی قوی نیست، اما جزو «هنرهای آیینی» ما به حساب می‌آید.

خلیما

ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
آرپیمه

KHEIMEH
Cultural- Social
Monthly



در این بخش گفت و گویی با حجت الاسلام و المسلمین «علی نظری منفرد» درباره کتاب «قصه کربلا» آمده است؛ پس از آن حجت الاسلام و المسلمین «عندلیب همدانی» با مقاله ای به نام «ضرورت بحث اربعین» به تبیین و تحلیل صحیح و فنی «واقعه کربلا» به عنوان یکی از مهم ترین راه های مبارزه با تحریف و دروغ پردازی در بیان این حادثه پرداخته است؛ در این بخش به مقوله ادعیه و زیارت، مفهوم شناسی و آسیب های این حوزه نیز پرداخته ایم.

KHEIMEH
Cultural- Social
Monthly

تاریخ و اندیشه

چهارم

رسالة

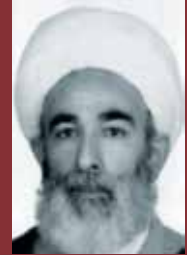
هنر و ادب

پیدا

مردم شناسی



قصه کربلا



گفت و گو با حجت الاسلام علی نظری منفرد

اشاره:

عبرت آموزی از رویدادهای گذشته در بسیاری از آیات قرآن مورد تأکید قرار گرفته است و از این روست که حجت الاسلام والمسلمین «علی نظری منفرد» با اشاره به اینکه واژه «قصه» به معنای «تتبع اثر» و مراجعه به آثار و حوادث گذشته است و حادثه کربلا و نهضت امام حسین (ع) یکی از بزرگترین قصه‌های تاریخ اسلام است، عنوان کتاب توصیفی-روایی اش را «قصه کربلا» گذاشته است. این کتاب در ۱۱ فصل به همراه ضمیمه اش که «قصه انتقام» نام دارد، از منظر توجه به ترتیب وقایع کربلا نگاشته شده است. آقای منفرد علت قیام امام حسین (ع) را رفتن به سوی شهادت و انجام فریضه الهی می‌داند و به پرسش‌هایی که درباره کتاب از ایشان پرسیدیم، این گونه پاسخ می‌دهد:

عنوان کتاب طوری القا می‌کند که گویی؛ یک بیان روایی از حادثه کربلاست. آیا واقعاً این طور است یا اینکه شما نگاه تحلیلی و انتقادی هم در کتاب داشته‌اید؟

خیلی کم؛ نگاه من بیشتر روایی و توصیفی است. علت آنکه در نگارش کتاب، شیوه ترتیب وقایع کربلا را انتخاب کرده‌اید، چیست؟

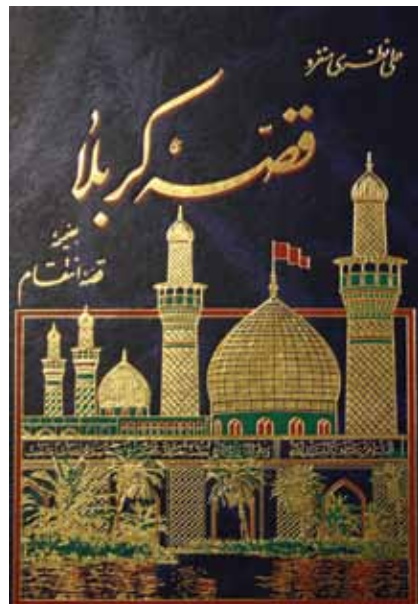
چون در مقاتل دیگر این نوآوری وجود نداشت و به طور عمده مطالب به هم ریخته بود، تصمیم گرفتم مطالب را دسته‌بندی و مرتب کنم تا برای کسی که می‌خواهد اتفاقات واقعه کربلا را دسته‌بندی شده به دست بیاورد، مقدور باشد.

مهم‌ترین منابع شما در نگارش کتاب، چه بوده است؟

بیشتر از منابع دست اول استفاده کرده‌ام، اما گاهی از غیر دست اول‌ها هم استفاده شده است، چون می‌خواستیم کتاب جامع

باشد. مثل تاریخ طبری، کامل ابن اثیر و

در صفحه ۲۸ اشاره کرده‌اید که «حسین (ع) در آن مقطع حساس تاریخی نمی‌توانست شاهد پایمال شدن اصول مسلم اسلامی و جان گرفتن



بدعت‌ها و رواج بازار فساد باشد و ...» همچنان که در صفحه ۷۴ هم به آگاهی امام از شهادت اشاره کرده‌اید؛ به نظر می‌رسد یک نوع نوسان بین نگاه صالحی نجف‌آبادی و مرحوم شریعتی وجود دارد. این طور نیست؟

بله؛ این نگاه را قبول نداشتیم. کدام نگاه؟ به طور مشخص نوع نگاه شما به قصه کربلا چیست؟

امام حسین (ع) با فدا کردن جانش آن توطئه‌ها را خنثی کرد و می‌دانست کشته می‌شود؛ شواهد بسیار قوی و محکمی هست که می‌گوید امام

می‌دانست کشته می‌شود. حتی عبدالله بن عمر هم می‌دانست، یعنی قرائن و شواهد نشان می‌داد که امام کشته می‌شود و هر کس که به امام می‌رسید، می‌گفت نرو که کشته می‌شوی؛ بنابراین نگاه تفاوت می‌کند. اگر بگویند کشته شدن چه فایده‌ای برای دین داشت؟ باید گفت؛ این کشته شدن باعث شد بساط بنی امیه بر چیده شود، بنابراین عبدالملک دو سال بعد از یزید سر کار آمد و بساط آنها بر چیده شد. او به تمام عمالش اطلاعیه داد و بخشنامه کرد که شما متعرض حال علی بن حسین (ع) نشوید، اما آنها متعرض شدند و از میان رفتند.

درباره اینکه چرا امام از همه مکان‌ها کوفه را برگزیده است، از جانب امیرالمؤمنین (ع) به عنوان یکی از دلایل نقل کرده‌اید که «کوفه گنج ایمان و جمعه اسلام و شمشیر و نیزه خداست که در هر کجا که بخواهد، قرار می‌دهد»، اما در باور عمومی کوفه و کوفیان نماد بی‌وفایی و خیانت هستند. علت این تناقض چیست؟

متأسفانه این اشتباه در اثر بدآموزی‌هایی است که تاکنون وجود داشته است. امسال خیلی در صحبت‌ها گفتیم. آن کسانی که جمع شدند و امام حسین (ع) را کشتند، بر اساس روایت امام صادق (ع) که می‌فرماید: «اجتمع علیه خیل اهل الشام»، یعنی کشندگان امام حسین (ع) سپاهی بودند که بیشتر از شام آمده بودند، البته نه اینکه اهل کوفه نبودند، برخی از این شامی‌ها در کوفه حضور داشتند. کوفه شهری جدیدالاحداث بود که زمان خلیفه دوم تأسیس شد تا مسلمانان حملاتی را که از طرف دولت کسری می‌شد، دفع کنند و در این سوی فرات ملیت‌های مختلف حجازی، عراقی، یمنی، شامی و ایرانی را در خود جای داده بود. این شهر شیعیان زیادی داشت و این زیاد حدود ۶۰ هزار نفر از آنها را توسط رؤسای قبایل زندانی کرده بود، طوری که اجازه خروج

نداشتند، و گرنه به امام می پیوستند.

استاد شهید مطهری در کتاب «حماسه حسینی» با نقد کتاب «روضه الشهداء»، مسائلی چون عروسی حضرت قاسم (ع) را نادرست می داند و درباره حضور طفلان مسلم و اساساً وجود چنین طفلانی تشکیک‌هایی هست؛ شما هم در کتاب به اختلاف بین تعداد شهدای واقعه کربلا بین ۷۲، ۸۷، ۶۱، ۷۸، ۸۲، ۱۴۵ اشاره کرده‌اید؛ منشأ این اختلاف نظرها در کجاست؟ متقن‌ترین و جامع‌ترین روایات درباره زندگانی امام حسین (ع) و واقعه عاشورا را در کدام مقتل باید دید؟

مقتلی که قابل اعتبار است، مقتل لوط بن یحیی مشهور به «ابی مخنف» است.

شهید مطهری کتاب روضه الشهداء را نقد کردند، اما این طور نیست که همه مطالب این کتاب باطل باشد. خیلی از مطالب آن در کتاب‌های دسته اول خاصه و عامه آمده است. البته بعضی نادرست و ضعیف است، مثل عروسی حضرت قاسم (ع)، اما درباره قصه طفلان مسلم، اصل قضیه درست است و جای تردید نیست. چون صدوق در مجلس ۲۱ امالی، جریان را نقل کرده است. منتها اختلاف این است که این‌ها فرزندان عقیل هستند یا نوه‌های جعفر طیار. فقط این اختلاف وجود دارد و الا، اصل مسئله درست است. در جنگ هشت‌ساله نیز با تمام امکاناتی که داشتیم اختلافاتی در روایات جنگ وجود دارد. گویندگان مختلفی بوده‌اند که ممکن است اطلاعات را متفاوت گفته باشند. این طبیعی است. منتها انسان از لابه‌لای آن به یک اجماعی می‌رسد که اصل بوده و جمعیتی در این حول و حوش بوده است. مثلاً در رفتن پیامبر به حجة الوداع نیز از ۷۰ تا ۱۲۰ هزار نفر نوشته‌اند.

از میان مقاتلی که وجود دارد شما کدام را جامع‌تر و معتبرتر می‌دانید؟

این مقاتل هر کدام یک ویژگی دارند و از یک جهت خاص به قصه امام حسین (ع) پرداخته‌اند. برخی از مقاتل مختصر است؛ مثل لهوف سید و مثیر الاحزان و برخی متوسط هستند؛ مثل مقتل شیخ مفید در ارشاد. برخی هم مفصل هستند، اما مقتلی که معتبر است، مقتل لوط بن یحیی است که در قرن دوم می‌زیسته و متوفی سال ۱۷۰ هجری قمری در عصر امام صادق (ع) و تاریخ‌نگار قوی‌ای بوده است. کنبه‌اش «ابومخنف» است و طبری هم بیشتر از او نقل می‌کند. البته تمام مطالب مقتل مربوط به او نمی‌شود. مثلاً ابن اعثم

کوفی مقتلی دارد که از دیگری نقل کرده یا شیخ صدوق در مجلس بیستم امالی که تمامش مقتل است، از شخص دیگری نقل می‌کند ولی مقتلی که قابل اعتبار است، مقتل لوط بن یحیی مشهور به «ابی مخنف» است.

همان طور که شما اشاره کرده‌اید از ویژگی‌های حماسه کربلا ثبت و ضبط شدن شعرها و رجزهای اصحاب و یاران امام (ع)، نام اصحاب و ترتیب شهادت آنها، خطبه‌ها و سخنرانی اهل بیت (ع) در طول سفر است. این موضوع در کنار تأیید و تأکید بر اهمیت موضوع و تأثیر شگفت‌انگیز آن در تنویر افکار و ترغیب احساسات، این ظن را نیز به همراه خود دارد که چطور ممکن است درگیر و دار جنگ و در آن شرایط سخت، شخص یا اشخاصی این اشعار، رجزها، خطبه‌ها و سخنرانی‌ها را به یاد سپرده باشد یا ضبط کند؛ و این منجر به تشکیک در صحت مطالب می‌شود؛ پاسخ شما به چنین گمان‌هایی چیست؟

پاسخ این است که نگارنده حادثه کربلا یک نفر نبوده و افراد مختلفی قصه کربلا را بیان کرده و نگاهشته‌اند. ما شاید در پاورقی‌ها به این امر اشاره کرده باشیم. بعضی از آنها مانند «حمید بن مسلم» در سپاه دشمن بودند؛ بعضی دیگر مانند «عقبه بن سمرعان» که غلام بوده و به همراه امام حسین (ع) بوده و آخر کار از ایشان جدا شده و کشته نشده است، همین طور «ضحاک بن عبدالمطلب» که با حضرت پیمان بسته بود که تا آخر بماند و بعد جدا شود؛ برخی حوادث از زبان امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) بیان شده است؛ روایتگران مختلفی بوده‌اند که هر کدام به شرح بخشی از ماجرا پرداخته‌اند.

درباره این موضوع استبعاد در صورتی می‌تواند درست باشد که تمام ماجرا توسط یک نفر شرح داده شده باشد. تنها در این صورت است که استبعاد می‌کنیم و می‌گوییم مگر ممکن است تمام این ماجرا را یک نفر به یاد داشته باشد؟ اما از آن جهت که برخی از روایتگران جریان کربلا مانند «کعب بن مالک» که قاتل «بُریر» است، خود جزو «قتله» امام حسین (ع) بوده‌اند، اطمینان بیشتری از وقوع حادثه و چگونگی آن می‌توان حاصل کرد.

درباره علت و ریشه قیام امام حسین (ع)، اظهار نظرهای متفاوتی وجود دارد. به عنوان مثال، «شیخ عبدا... علائی» در کتاب «سمو المعنا فی سموذات» ریشه این قیام را در تاریخ عرب و تعصبات تاریخی اعراب می‌داند. دکتر «زرگری‌نژاد» در کتاب «نهضت امام حسین (ع) و قیام کربلا» ریشه کربلا را در فتوحات بعد از رحلت پیامبر (ص) می‌داند و ...

در کتاب شما، اشاره‌ای شده به موضع‌گیری کسانی مانند «حسن بصری» که صاحب نام بودند. به این صورت که وی پس از شنیدن خبر شهادت به شدت گریست و گفت: «خوارترین امت‌اند که فرزندان نابکار آنها، فرزند پیامبرشان را به قتل رساند.» صرف‌نظر از آنکه اشخاص مورد قبول ما باشند یا نه، به طور کلی از کتاب این طور برمی‌آید که علت قیام را نوعی مسخ‌شدگی به اصطلاح نخبگان جامعه و بی‌تفاوتی آنها نسبت به آنچه که در جامعه می‌گذرد می‌بینید؛ آیا این برداشت صحیح است؟

اگر بخواهیم برای تحلیل قیام عاشورا به سراغ حواشی رفته و پس از بررسی نظریه‌های مختلف به یک نتیجه‌گیری کلی برسیم، راه را اشتباه رفته‌ایم. درست‌ترین داوری، رجوع به حرف‌های خود امام حسین (ع) است. نامه‌هایی که ایشان برای اطراف مرقوم کرده‌اند، نشان‌دهنده علت اصلی قیام است. به عنوان مثال، نامه‌ای که به مردم بصره نوشته‌اند: «... اینک که سنت پیامبر اکرم (ص) به دست فراموشی سپرده شده و بدعت‌ها یکی پس از دیگری ظاهر شده، من فرستاده خود را همراه این نامه به سوی شما فرستادم...» و در هنگام حرکت از مدینه می‌فرمایند: «انی لم اخرج اشرأ و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً و

با توجه به فرمایش‌های امام در مواجهه با حُر و بسیاری موارد دیگر، هدف قیام مشخص می‌شود که همانا حرکت به سمت شهادت و قیام برای انجام فریضه الهی است.

انما خرجت لطلب الاصلاح امت جدی اریدان آمر بالمعروف و نهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابیطالب؛ همچنین با توجه به فرمایش‌های امام در مواجهه با حُر و بسیاری موارد دیگر، هدف قیام مشخص می‌شود که همانا حرکت به سمت شهادت و قیام برای انجام فریضه الهی است.

اگر برای معرفی بهتر کتاب «قصه کربلا» مطلبی برای تکمیل این بحث دارید، بفرمایید؛ تنها می‌توانم بگویم یکی از ویژگی‌های این کتاب، دسته‌بندی شدن مطالب است. در هیچ مقتلی ندیده‌ام که گفتارهای امام در تمام منازل این گونه مرتب دسته‌بندی شده باشد. آنچه در کتاب‌ها موجود است، به صورت پراکنده است و از این ویژگی بر خوردار نیست. ■

ضرورت بحث «اربعین»

اساس و ریشهٔ اختلاف‌های موجود در بیان حادثهٔ کربلا را باید در عظمت بی‌مانند واقعه و در نتیجه، مبهوت ماندن گزارشگران نخستین، سعی دشمن در سانسور و تحریف، کمبود وسایل اطلاع‌رسانی دقیق و صحیح در آن زمان، بی‌دقتی و اشتباه‌های راویان و نویسندگان و ... جست‌وجو کرد.

روش بررسی گزارش‌های تاریخی

نویسنده تأکید دارد که باید در بررسی روایت‌های تاریخی این نکات را در نظر داشت:

۱. همهٔ منابع نخستین در اختیار نویسندگان کتاب‌هایی همچون ارشاد و ... نبوده است.
۲. چه بسا اگر به متنی هم دسترسی داشته‌اند، هنگام نگارش از مراجعه به آن غفلت ورزیده‌اند.
۳. مرحوم مفید در ارشاد و نیز دیگران، از شیوهٔ گزینشی استفاده کرده‌اند؛ یعنی روایت‌هایی را برگزیده‌اند که هم آنها را مهم می‌دانسته‌اند و هم از راوی و یا راویان نخستین، سند داشته باشند؛ پس صرف نیامدن یک گزارش در کتاب‌هایی مثل ارشاد و ... دلیل بر سستی آن نخواهد بود.

پیام‌رسانی در گذشته‌های دور

نویسنده، به جهت ارائه فهم صحیحی از سرعت حرکت کاروان، به معرفی مفهومی



حجت الاسلام عندلیب همدانی

یکی از مهم‌ترین راه‌های مبارزه با تحریف و دروغ‌پردازی در بیان واقعهٔ کربلا تبیین و تحلیل صحیح و فنی این حادثه است و تنها در صورت روشن شدن مرز بین دروغ و واقعیت است که بحث‌های آموزندهٔ اخلاقی و تربیتی آن معنا پیدا می‌کند.

بررسی دقیق این مسئله، مستلزم ارائه نگرشی صحیح از مدت اقامت آل ... (ع) در کوفه و شام، ترسیم مسیر حرکت از کوفه به شام و از آنجا به مدینه، زمان و چگونگی دفن سر مقدس سیدالشهداء (ع)، تعیین تاریخ و چگونگی زیارت جابر بن عبدالمطلب ... انصاری از کربلا و ... است.

ریشهٔ اختلافات در چیست؟

به نام «برید» می‌پردازد. یکی از راه‌های پیام‌رسانی در صدر اسلام استفاده از اسب‌سواری چالاک و تیزپا به نام «برید» بوده است.

برید و چپار سرعت خیره‌کننده و شگفت‌آوری داشته، به گونه‌ای گفته‌اند: «هیچ جنبنده‌ای از آن سریع‌تر حرکت نمی‌کرده تا آنجا که «دُرنا» نیز نمی‌تواند به سرعت چپارها حرکت کند و اگر این، گفته‌ای اغراق‌آمیز باشد، مسلم است که کسی نمی‌تواند به سرعت چپارها مسافرت کند.

نمونه‌هایی از سرعت سیر در مسافرت‌های گذشته

کاروان‌های همراه مسافر و بار، حتی با مرکب‌های غیربرید، مسیرهای طولانی‌تری را در یک روز طی می‌کرده‌اند. بسیاری از مورخان نوشته‌اند: «حضرت سیدالشهداء (ع) به همراه اهل بیت (ع) و یارانش، روز یکشنبه ۲۸ رجب سال شصت هجری، از مدینه خارج و در شب جمعه، سوم شعبان، وارد مکه شدند.»^۱ همین‌طور گفته‌اند: «فاصله این دو شهر، ۸۶ فرسنگ بوده»^۲ نیز نوشته‌اند: «بین

دادن اسیران و سرهای شهیدان عجله داشته باشد. حال اگر این حقیقت را اضافه کنید به اینکه هیچ مدرک معتبری نداریم که اهل بیت (ع) را حداکثر بعد از بیستم محرم هم در کوفه نگاه داشته باشند، پس باید زمان خروج آل... (ع) را بین هجدهم تا حداکثر بیستم^۸ محرم دانست.

مدت سفر از کوفه تا دمشق (شام)

قبل از پرداختن به مدت زمان سیر کوفه تا شام، به بیان شیخ مفید^۹ مبنی بر اینکه سرهای شهداء زودتر از کاروان به شام فرستاده شده است، پاسخ داده می شود. وی می گوید: «با مراجعه به تاریخ درمی یابیم که در مسیر کوفه به دمشق سرهای شهیدان همراه با کاروان اسیران حرکت داده می شده، بلکه از برخی منابع معتبر برداشت می شود که از همان هنگام حرکت از کوفه نیز به همراه هم بوده اند.»^{۱۰} در مورد نوع مرکب کاروان دو نظریه مطرح است. دیدگاه نخست، نظر مرحوم عمادالدین طبری^{۱۱} است که کاروان اهل بیت با چارپایان خود، کوفه تا شام را سفر کردند و دیدگاه دوم که نویسنده آن را نظریه صحیح می داند و دیگری نظر مرحوم آیت... قاضی است که مرکب آنها را همان مرکب برید می داند.^{۱۲} روشن است که کوفیان فاتح! می خواستند هر چه زودتر به دمشق برسند و این خبر مسرت آور! را به یزید پلید برسانند. به علاوه، چون احتمال شورش هم داده می شد، از این رو باید اسیران را بر مرکب هایی سوار کنند که بتوانند در موقع لزوم از معرکه فرار کنند. نویسنده در باره مسیر کاروان می گوید: «در هیچ مدرک معتبری، مسیر دقیق حرکت قافله اسیران تبیین و ترسیم نشده است»، اما باید این نکات مهم را نیز از نظر دور نداشت:

■ سرهای مقدس شهیدان، همسفر

این دو مکان مبارک، ۱۰ منزل قرار داشته است.^{۱۳} آن گونه که از سفرنامه^{۱۴} «رفعت پاشا» برمی آید: «او این راه را در چهارده روز پیموده است.»^{۱۵} روشن است طی کردن مسیری که به صورت معمولی حداقل ۱۰ روز وقت می طلبد، در مدت چهار یا پنج روز، به دلیل در امان ماندن از یزیدیان و فرار از بیعت بوده است.

نویسنده، در ادامه برای تقطیع زمان ها و دستیابی منطقی به زمان چهل روزه بعد از دهم محرم ۶۱ هجری تا بیستم صفر به تقطیع فواصل مکانی می پردازد. به این صورت که:

۱- مدت سفر از کربلا تا کوفه

۲- مدت اقامت در کوفه

۳- مدت سفر از کوفه تا دمشق (شام)

۴- مدت توقف در دمشق

۵- مدت سفر از دمشق تا کربلا

۶- مدت سفر از کربلا تا کوفه

اهل بیت (ع) را بعد از ظهر روز یازدهم محرم، از کربلا به سمت کوفه حرکت دادند.^{۱۶} مرحوم مفید می فرماید: «فردای روزی که سر مقدس را به کوفه وارد کردند، کاروان اهل بیت (ع) به آن شهر رسیدند.»^{۱۷} کاروان هنگامی که به دروازه کوفه رسید دروازه شهر را بسته دید.

اکنون به سخنان شیخ مفید برمی گردیم که فرمود: «فردای روز ورود سر مبارک به کوفه، اسیران را وارد کوفه نموده و در مجلس ابن زیاد حاضر ساختند.» بنابراین تاریخ ورود آل... (ع) به شهر کوفه، روز دوازدهم بوده است.

مدت توقف آل... (ع) در شهر کوفه

پیش تر اثبات کردیم که روز ورود اسیران به کوفه، روز دوازدهم محرم بوده است و در وضعیتی که با توجه به زندانی بودن آل... (ع) و ندامت مردم کوفه، هر آن احتمال برپایی انقلاب و شورش مردمی می رود بسیار طبیعی است که ابن زیاد برای حرکت

اسیران بوده است و در برخی از شهرها، مکان هایی به نام «مشهد رأس الحسین (ع)» مشاهده می شود و این تسمیه از آن روست که در مسیر حرکت، مدتی سر مقدس در آنجا قرار داشته و چه بسا کرامتی از آن ظاهر شده است. در نتیجه باید اعتراف کنیم که قافله اسیران نیز از این شهرها عبور کرده اند.

■ با در نظر گرفتن مخالفت هایی که با حکومت یزید شروع شده بود، تغییر مسیر دادن و گاهی از بیراهه رفتن قابل توجیه است.

■ ما هرگز نمی توانیم با گزارش هایی که مبتنی بر توقف کاروان در بین راه، بیش از آنچه برای استراحت نیاز بوده، موافقت کنیم، زیرا:

اولاً: در هیچ منبع کاملاً معتبری به آن اشاره نشده است.

دوم: عجله دشمن برای رسیدن به دمشق بسیار طبیعی و قابل توجیه است. و مهم تر اینکه؛ باید حرکت قافله را به گونه ای ترسیم کرد که آنها روز اول صفر در دمشق حاضر باشند.

مدت توقف در دمشق

محبوس بودن اهل بیت (ع) برای مدتی در خرابه و یازدانی که آنان را از سرما و گرما محفوظ نمی داشت، مسلم است.^{۱۸} آن گاه که یزید پلید از شعله ور شدن آتش خشم مردم و تزلزل ارکان حکومت نامشروعش هراسان شد، دستور داد اهل بیت (ع) را از زندان آزاد کنند و در بخشی از کاخ خود استقرار دهند.^{۱۹}

تمام مدت اقامت آن بزرگواران در شهر دمشق، شش یا هفت روز بیشتر نبوده است و آنان حداکثر هشتم صفر، آنجا را ترک کرده اند.

جابر اولین زائر حسینی

اصل تحقق زیارت جابر، مسلم است برخلاف سید بن طاووس که می فرماید:



«چگونه ممکن است جابر پس از گذشتن مدتی که خبر شهادت به مدینه رسیده است، از آنجا حرکت کند و این مسیر طولانی را طی کند و در روز اربعین در کربلا باشد؟»^{۱۵}

نویسنده در پاسخ به این استبعاد سید می گوید:

اولاً: جناب جابر از دوستان مخلص اهل بیت (ع) بوده و طبیعی است در همان روزهای نخستین با توجه به گزارش های غیر رسمی (که به آن اشاره کردیم) جزو گروهی باشد که از ماجرا آگاه شده و بار سفر را بسته باشد. در این صورت زمان برای رسیدن به کربلا بسیار زیاد است.

ثانیاً: گفتیم پیک رسمی دستور داشت خود را سریع به مدینه برساند، پس حتی اگر جابر پس از انتشار خبر به صورت رسمی هم حرکت کرده باشد، باز به خوبی می توانست به کربلا برسد.

ثالثاً: حتی اگر بر فرض بپذیریم پیک، ۲۴ روز پس از شهادت به مدینه رسید و بر فرض بپذیریم که جابر تا آن موقع حرکت نکرده باشد، باز پیمودن مسیر حدود بیست مرحله ای، در حدود چهارده روز، در آن زمان امری مرسوم بوده و ابدأ بعید نیست. نویسنده در ادامه راز زیارت اربعین و تأکید امام سجاد (ع) و کاروان اهل بیت (ع) بر آن را دانسته نه تاسی به اولین زائر حسینی که جابر باشد.

مدت سفر از دمشق تا کربلا

کاروان اهل بیت (ع) پس از توقف حداکثر هفت روزه در دمشق و آزاد شدن از قید اسارت، به همراهی نعمان بن بشیر به سوی مدینه الرسول (ص) حرکت کردند.^{۱۶}

طول مسیر دمشق - مدینه

بانگاهی به نقشه پی خواهید برد که راه مستقیم شام (سوریه) به حجاز (عربستان)، هرگز از عراق عبور نمی کند و این دو مسیر قدر مشترکی ندارند که با دوراهی از یکدیگر جدا شوند، ولی در عین حال باید در نظر داشت اگر کسی به قصد حجاز و شهر مدینه از دمشق خارج شد و مقدار زیادی هم سیر کرد، ولی بعد تصمیم او عوض شد و خواست به عراق و شهر کربلا برود، به طور قطع این شخص مجبور نیست، همه مسیر را دوباره برگردد و از دمشق به عراق برود.

جمع بندی گزارش ها درباره مسیر دمشق (شام) تا مدینه

درباره مسیر شام تا مدینه هفت دسته روایت و گزارش متفاوت وارد شده که جمع بندی آنها به این صورت است:

از آنجا که دسته اول درباره همه حوادث و وقایع بین راه و نیز تاریخ ورود به مدینه ساکت است، پس هیچ گونه تعارضی با بقیه روایات ندارد.

از دسته دوم روایات استفاده می شود که آل... (ع) روز بیستم صفر وارد شهر مدینه شده اند. نهایت این است که در کلام این دو بزرگوار، دو احتمال داده می شود: یکی اینکه اهل بیت (ع) در روز بیستم از دمشق به سوی مدینه خارج شده باشند و دوم اینکه، آنان در این روز وارد مدینه شده باشند، در این صورت عبارت مجمل می شود و دیگر هیچ کس توان استشهاد به آن را نخواهد داشت.

اما دسته سوم تا ششم؛ نه تنها هیچ گونه تعارضی بین این روایات نیست، بلکه هر یکی مکمل و مؤید دیگری است و نتیجه مجموع اینها چنین است: امام سجاد (ع) به همراه اهل بیت (ع) و نیز به همراهی سر مقدس پدر از دمشق خارج شدند و امام سجاد (ع) در همان روز سر مبارک پدر را به بدن ملحق ساخت و در همین سرزمین با جابر بن عبدالله انصاری ملاقات کردند.^{۱۷}

و اما دسته هفتم که می گویند سر مقدس حسین (ع) به همراه اهل بیت (ع) به مدینه برده و پس از آن به بدن ملحق شد؛ این گزارش به طور اساسی پذیرفتنی نیست.

دو عامل مؤثر در سرعت سیر

به نظر ما دو عامل بسیار مهم در سرعت سیر اهل بیت (ع) دخالت داشته است:

۱- آن داغدیدگان هنوز مزار شهیدان خود را زیارت نکرده بودند و آزادانه در کربلا مجلس سوگواری تشکیل نداده بودند. حال که خود می توانستند مسیر کاروان را تعیین کنند، دل آنها برای رسیدن به کربلا پرمی زد.

مهم تر اینکه راز اصلی استحباب زیارت اربعین، در خود عدد چهل نهفته است.

۲- دومین محرک برای عجله داشتن و سرعت در سیر، این بوده که باید هر چه زودتر این سر به بدن ملحق شود، چراکه قطعاً مسامحه در این امر، جسارت به سر مطهر خواهد بود.

حرکت شبانه

به گفته مورخان، یزید به «نعمان بن بشیر» (کاروان دار) دستور داد، شبانه حرکت کنند.^{۱۸}

این دستور یزید چند علت داشته است:

۱- یکی اینکه با تظاهر به مهربانی بگوید: «آنها شبها حرکت کنند تا پس از این

همه رنج و مشقت، از گرمای روز در امان باشند.»

۲- دیگر آنکه در مناطقی که اکثریت با حامیان بنی امیه بود (بیشتر محدوده شام شامل عده ای بود که از موضع جدید یزید آگاه نبودند) به کاروانیان جسارت نورزند که نتیجه این عمل، تشدید خشم محبان اهل بیت (ع) و در نتیجه، سست تر شدن حکومت او بود.

۳- حرکت شبانه و آرام در محدوده کربلا-مدینه با حال و وضع آل... (ع) سازگارتر بود، چون چندان عجله ای نداشتند، علاوه بر اینکه به این وسیله، کاروان از حرارت خورشید و گرمای روز آسیبی نمی دید.

نتیجه مطالب فوق، این است که می پذیریم حرکت کاروان تا آن هنگام که در شام حرکت می کردند، شبانه بوده و قبول می کنیم قافله در مسیر بازگشت از کربلا به مدینه، شبانه حرکت کرده است.

اهل بیت (ع) دیگر اسیر نبودند که فقط کاروان دار تصمیم بگیرد، بنابراین هیچ مانعی نیست که بگوییم از آن هنگام که پیشنهاد رفتن به کربلا مطرح شد، در روز هم حرکت می کردند تا هر چه سریع تر به آرزوی خود، یعنی زیارت

مرفد شهیدان برسند و هر چه سریع تر سر امام را به بدن ملحق سازند.

بررسی اشکالها

چکیده همه این اخبار این است که امام سجاد (ع) به همراه اهل بیت (ع) و سر نورانی سیدالشهداء (ع) و به گفته ابن اعثم در فتوح و دیگران، سرهای دیگر شهیدان را نیز با خود بردند. از دمشق خارج شدند و در مسیر بازگشت، پیش از آنها همانی روز، گروهی اندک از جمله جابر بن عبدالله انصاری به همراه عطیه برای زیارت آمده اند، آن گاه همگی به مزار شهیدان رفتند و به سوگواری جانسوزی پرداختند و در همان روز امام سجاد (ع) سر پدر را به بدن ملحق ساخت. جابر و عطیه، همان

است که در اینجا به سه اشکال عمده آن پرداخته شد.

فرجام سخن

نتیجه اینکه اهل بیت (ع) بزرگوار امام حسین (ع) در مسیر بازگشت از شام به سوی مدینه در روز اربعین سال ۶۱ هجری (اولین اربعین) وارد کربلا شده‌اند و همه احتمال‌های سست و بی‌مدرکی که گروهی ادعا کرده‌اند از جمله:

۱- ورود اهل بیت (ع) در اربعین سال ۶۲ بوده است.^{۱۹}

۲- ورود آنان در اربعین سال ۶۱ بوده است، منتها قبل از رفتن به شام.^{۲۰}

۳- ورود آنان در اربعین دوم یعنی چهل روز دوم (۸۰ روز بعد از عاشورا) بوده است که مرحوم قاضی این احتمال را از بعضی نقل کرده و آن را رد می‌کند.^{۲۱}

و... احتمال‌های دور از ذهن و غیر مستند دیگر، قطعاً و جزماً مردود و باطل است، بلکه دوباره می‌گوییم حتی اگر دو کتاب شریف «ملهوف» و «مثیر الاحزان» را نداشته باشیم، باز می‌شود با استناد به مدارک محکم دیگر، این مطلب را اثبات کرد. ■

پاورقی:

۱. الارشاد، ج ۱، ص ۳۵ و ۳۴. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۳۴۱ و ۳۴۲.
۲. نزهة القلوب، ص ۱۶۹.
۳. مسالک الممالک، ص ۲۷.
۴. مرآة الحرمین، ص ۳۹۵ و ۴۰۹.
۵. الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۴: الملهوف، ص ۱۸۹ و تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۵۵.
۶. الارشاد، ج ۲، ص ۱۱۴.
۷. اربعین الحسینیه، ص ۲۵۵.
۸. تحقیق درباره اربعین حضرت سیدالشهدا (ع)، ص ۳۷.
۹. الارشاد، ج ۱، ص ۱۱۹.
۱۰. الکامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۸۳ و ۸۴.
۱۱. کامل بهایی، ج ۲، ص ۲۹۱.
۱۲. تحقیق درباره اربعین حضرت سیدالشهدا (ع)، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.
۱۳. امالی (شیخ صدوق)، ص ۱۶۷، الملهوف، ص ۲۱۹، بصائر الدرجات، صص ۳۳۸ و ۳۳۹.
۱۴. الکامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۸۶، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۶۲، البدایه.
۱۵. اقبال الاعمال، ص ۵۸۹.
۱۶. تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۲، الارشاد، ج ۲، ص ۱۲۲ و الکامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۸۷ و ۸۸.
۱۷. تاریخ حبیب السیر، ج ۲، ص ۶۰، الملهوف، ص ۲۲۵ و مثیر الاحزان، ص ۱۵۷.
۱۸. الارشاد، ج ۲، ص ۱۲۲ و روضه الواعظین، ص ۳۳۱.
۱۹. مقام زخارج، ص ۵۸۶.
۲۰. ناسخ التواریخ، ج ۶، ص ۳۵۴.
۲۱. تحقیق درباره اربعین حضرت سیدالشهدا، صص ۱۹۵ و ۱۹۶.

دمشق - کربلا هم به راه افتاده باشند، اگر هر شب هشت فرسنگ راه بروند، ۲۲ روز باید بگذرد تا به مقصد برسد، آن‌گاه چگونه روز بیستم صفر در کربلا باشند؟

پاسخ

در جواب این ایراد باید گفت: کاروانی که از هر لحاظ بسیار مجهز بوده، کاروانی که محافظانی داشته و مصیبت دیدگانی که هنوز آلام آنها تسکین نیافته و آنچه آرامش نسبی به آنها می‌دهد، زیارت مرقد امام حسین (ع) است، قافله‌ای که سر مقدس حسین (ع) را همراه دارد که باید هر چه زودتر آن را به بدن ملحق سازند، بزرگوارانی که می‌خواهند هر چه سریع‌تر به فیض بی‌مانند زیارت اولین اربعین برسند، قافله‌ای که دیگر اسیر نیست و خود می‌تواند تصمیم بگیرد، اگر هم بر فرض همه مسیر را شبانه حرکت کرده باشند، این چنین کاروانی از هر مسیری که برود به خوبی می‌تواند خود را روز اربعین به کربلا برساند و چنان که همین قافله مسیر ۱۰۰ م حله‌ای مدینه - مکه را به نصف تقلیل داد، اینجا هم می‌تواند چنین کند.

اشکال سوم

اگر عطیه که به همراه جابر بوده، امام سجاد (ع) را ملاقات کرده، چرا تنها به ذکر کلمات جابر به هنگام زیارت می‌پردازد، ولی هیچ‌گونه اشاره‌ای به نحوه خواندن زیارت از طرف امام نمی‌کند؟ آیا حق این نبود که عطیه، این مطلب مهم را هم می‌گفت؟ و چون چنین چیزی در گزارش عطیه نیست، پس باید گفت او امام سجاد (ع) و اهل بیت (ع) را ملاقات نکرده است.

پاسخ:

باید توجه کرد در روز اربعین نخست جابر و عطیه وارد شدند و زیارت کردند و آن‌گاه خاندان نبوت وارد شدند؛ از این رو عطیه گزارش زیارت جابر را نقل کرده است؛ اما پس از آنکه اهل بیت (ع) داغدار وارد شدند و پس از آنکه بر اساس گفته مرحوم سید در مصرع و مقتل شهیدان به سوگواری عمومی مشغول شدند، بسیار طبیعی است که نامحرمان از جمله جابر و عطیه به کناری بروند تا بانوان داغ‌دیده و رنج‌کشیده بهتر بتوانند زیارت و سوگواری کنند و در این هنگام بوده که امام سجاد (ع) به همراه اهل بیت (ع) به زیارت و سوگواری خانوادگی پرداخته‌اند و عطیه حاضر نبوده تا گزارش کند.

توضیح:

در کتاب «ثارالله» هفت اشکال بررسی شده

روز کربلا را به سمت کوفه ترک کردند، اما خاندان داغ‌دیده، چند روزی در آن سرزمین ماندند و مجلس سوگ تشکیل دادند و در مجلس عزاداری آن بانوان محترم، زنان روستاهای اطراف هم حاضر شده و هم‌نوا با آنان گریستند.

اشکال نخست

اهل بیت (ع) خود تصمیم‌گیرنده نبوده‌اند و باید رضایت یزید برای حرکت سمت به کربلا جلب شود و با خبث‌پینتی که در این پلید سراغ داریم، گمان نمی‌رود او این اجازه را به آنان داده باشد.

پاسخ

ما در جواب، سه گزینه مطرح می‌کنیم:

گزینه اول: خود یزید پیشنهاد رفتن به مدینه از سمت عراق را داده باشد و احتمال قوی هم می‌داده که در این صورت، اهل بیت (ع) به کربلا خواهند رفت. در توجیه این احتمال می‌گوییم: چه مانعی دارد یزید که پایه‌های حکومت نامشروع خود را سست و ویران می‌بیند، چنین دستوری بدهد تا بتواند با مهربانی ظاهری با خاندان نبوت از بی‌اعتمادی مردم بکاهد؟

گزینه دوم: پیشنهاد اصلی رفتن از مسیر دمشق - عراق - مدینه، از طرف خود اهل بیت (ع) مطرح شده باشد و

یزید هم می‌داند که این پیشنهاد به منظور رفتن به کربلاست، ولی باز موافقت می‌کند؛ به همان دلیلی که در گزینه پیشین اشاره کردیم.

گزینه سوم: اهل بیت (ع) به صورت طبیعی از دمشق در جاده دمشق - مدینه، به حرکت درآیند و در بین راه تصمیم خود را نسبت به رفتن به عراق و آن‌گاه کربلا مطرح سازند. یعنی در دمشق به طور کلی صحبتی از رفتن به عراق و کربلا در میان نیامده باشد.

اشکال دوم

کاروانی که در آن بانوان و کودکان، خسته و زجر کشیده بودند، کاروانی که بانهایت احترام و وقار حرکت می‌کردند، کاروانی که شبانه سیر می‌کردند، اگر در مسیر مستقیم



خون حسین علیه السلام
در رگهای اسلام
آیت‌الله شیخ حسن فتاحی همدانی

طریقی غیر از صراط مستقیم می خوانند که جز تباهی و یأس ثمره‌ای برای مریدان خویش ندارند. کمی به جملات رایج در این مسلک‌ها دقت کنید:

«اماگاه سخن درباره سلوک دیگری است که «اویسی» نامیده می‌شود که سلوکی بی‌وجود پیر و امام است. این نوع سلوک ویژه انگشت‌شماری از اولیای خداست که پیشاپیش به مدارجی عالی از تقوا رسیده‌اند و در مسیر زندگی در جست‌وجوی یک آموزگار روحانی، ناکام مانده‌اند و بنا بر این خداوند آنان را به واسطه رویاها و از نزد خودش هدایت می‌کند؛ درست مثل خود اویسی قرنی که در عالم رؤیا حضرت رسول اکرم (ص) را دیدار نمود و در ارادت وی قرار گرفت.»

نکته مهم این انحراف، دوری از شریعت و بدون توجه به دستورات دین قدم نهادن در طریقت بدعت‌آلود است.

با توجه به این مقدمه به نسبت طولانی، در این نوشته بر آنیم تا سلوک یک ساله یک انسان مسلمان شیعی را با استفاده از کتب ادعیه معتبره با محوریت وجود مقدس امام حسین (ع) بیان کنیم.

در ابتدا، برخی کتب ادعیه معتبره را بر شمرده تا مؤمنان با منابع ادعیه شیعه آشنا شوند. در ادامه زیارت‌ها و ادعیه‌ای که ورود آنها درباره امام حسین (ع) است، مانند زیارت عاشورا معرفی می‌شوند.

در بخش بعدی، ایامی که در طول سال ارتباطی به آن حضرت دارند، معرفی می‌شوند؛ چه به لحاظ زیارت آن یا اتفاق خاص دیگر در مورد آن حضرت معرفی می‌شوند. در پایان، ادعیه یا اذکاری که از محضر آن امام به ما رسیده، مرور می‌کنیم.

جوامع روایی ادعیه و زیارات

از بین علمایی که فراوان در عرصه موسوعه‌نویسی ادعیه کار کرده‌اند می‌توان از سید بن طاووس، ابن فهد حلی، شیخ کفعمی، علامه مجلسی، شیخ بهایی، شیخ طوسی و ابن قولویه و در قرن اخیر شیخ عباس قمی (رحمه‌الله...) نام برد.

کتاب‌های معروف این بزرگواران به ترتیب عبارتند از:

اقبال الاعمال، عُدّه الدّاعی و نجاح الساعی، البلد الامین و الدّرع الحصین من الادعیه و الاعمال و الاوراد و الاذکار، زاد المعاد، مفاتیح الفلاح، مصباح المتهجد، کامل زیارت و مفاتیح الجنان.

۱- معرفی زیارات و ادعیه وارده در خصوص امام حسین (ع)



سلوک یک ساله در محضر حسین بن علی (ع)

سید حجت سجادی زاده

پیشگفتار

بر اساس دیدگاه صدر المتألهین در حکمت متعالیه که مبتکر این نظریه نیز خود ایشان است، جهان هستی و ذرات عالم در حال حرکت هستند؛ حرکتی از مادون به مافوق و اعلاء یعنی دارای حرکتی به سمت خدا است «تَسْبِیحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيمًا غَفُورًا» (۴۴/۱۷)

انسان طبق نظر فلسفی حرکت جوهری، موجودی پویا و دارای حرکت و تغییر و تحول است که این تحولات درونی و بیرونی یا رو به انحطاط و تباهی است و یا مسیر تعالی و سعادت را طی می‌کند. این حرکت رو به جلو طریقی خواند و یاد در نظر فقها سیر متشرعان را بی‌مورد.

از آنجایی که یک سالک نیازمند برنامه است

تا سلوک خویش را در قالب یک دوره و فرایند زمانی خاص انجام دهد، بسیاری از فقیهان عارف شیعی که در فقه آل محمد (ص) آشنا به بیان و مذاق شارع مقدس شده‌اند، کتاب‌هایی را اختصاص به بیان برخی اعمال و ادعیه داده‌اند.

در این میان عده‌ای از مقلدین غیر عالم در هنگام مواجهه با برخی مسلک‌های غیر دینی و شیعی، کمبودی در آیین‌های نیایشی یا سلوکانه مذهب خود (تشیع) احساس کردند که همین امر موجب ورود برخی اعمال غیر دینی در اسلام شد. همان‌گونه که تذکر داده شد، کار عارفانی که در درجه نخست، فقیهانی چیره‌دست، متعبد و متشرع بودند، زدودن این‌گونه خرافات، اذکار، اوراد و آیین‌های غیر دینی از سلوک معنوی مسلمانان بود. به همین علت کتاب‌های ادعیه فراوانی در این زمینه نگاشته‌اند.

امروزه افراد مختلفی را می‌بینیم که خود را پیر طریقت معرفی کرده، ولی مردم را به



۱-۱- زیارت عاشورا

صفوان که از یاران امام باقر (ع) و امام صادق (ع) است، می‌گوید: «من روز عاشورا در خدمت امام باقر (ع) بودم که این زیارت را قرائت فرمودند.»^۱

همچنین می‌گوید: «امام صادق (ع) پس از زیارت امیرالمؤمنین (ع) به طرف کربلا اشاره کردند و این زیارت را قرائت کردند، اما در واقع این زیارت از ناحیه خود خداوند متعال نازل شده و از احادیث قدسی است. از امام صادق (ع) نقل شده است: آن حضرت از پدر بزرگوارش و ایشان از اجداد طاهرینش و آنان از پیامبر اکرم (ص) و آن حضرت از جبرئیل و جبرئیل از خداوند متعال نقل می‌کنند که حضرت احدیت به ذات مقدس خود قسم خورده که هر کس امام حسین (ع) را با این زیارت، از دور یا نزدیک زیارت کند، زیارت او را می‌پذیرم، خواهش و حاجت او را برآورده می‌کنم، فوز بهشت و آزادی از جهنم را به او عطا می‌کنم و شفاعت او را در حق هر کس که بخواهد، قبول می‌کنم.»^۲

در مورد زیارت عاشورا شرح‌های فراوانی از علمای بزرگ نگاشته شده که پرداختن به آنها یا بحث‌های سندی^۳ این زیارت شریف مجال دیگری می‌طلبد.

۱-۲- زیارت وارث

این زیارت معتبر و پرمحتوا، ابراز علاقه و همبستگی با سیدالشهداء و شهدای دیگر کربلاست و سلسله نورانی نیاکان امام حسین (ع) و دودمان رسالت را به یاد می‌آورد و پیوند زائر را با اهل بیت (ع) عصمت تحکیم می‌کند. یکی از زیارت‌های سیدالشهداء (ع) که آن حضرت را به عنوان وارث آدم (ع)، نوح (ع)، ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع)، محمد (ص)، علی (ع)، فاطمه زهرا (س) و خدیجه کبری (س) خطاب می‌کند. زیارت وارث از امام صادق (ع) روایت شده و همراه آداب خاصی است و فضیلت بسیار دارد.

«زیارت وارث به زائر می‌آموزد که اسلام، رسالت تاریخی ادیان توحیدی را بر دوش دارد و به همین دلیل، خاتم ادیان و پیامبرش خاتم الانبیاء است و در اینجا است که معنای امامت را می‌یابد. زائر در این زیارت، رسالت همه پیامبران بزرگ تاریخ را بر دوش امام حسین (ع) می‌یابد و چنین می‌فهمد که گویی عاشورا نقطه اوج نبرد همه توحید تاریخی با همه شرک تاریخی است.»^۴

۱-۳- زیارت ناحیه مقدسه

زیارت‌نامه‌ای است که به امام زمان (ع) نسبت

داده شده و شیخ طوسی باسندهای خود آن را روایت کرده است. به این صورت که در سال ۲۵۲ هجری از ناحیه مقدس حضرت حجت (ع) این روایت به دست شیخ محمد بن غالب اصفهانی صادر شده است. متن زیارت خطاب به سیدالشهداء و شهدای کربلاست و نام یکایک آنان، اغلب با ذکر اوصاف و خصوصیاتشان، همین‌طور اسامی قاتلان آن شهداء در آن آمده است. آغاز زیارت این‌گونه است: «السلام علیک یا اول قتیل من نسل خیر سلیل...». متن زیارت در کتاب اقبال سید بن طاووس، ص ۵۷۳ و نیز در بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۶۹ نقل شده است. زیارت رجبیه نیز مشتمل بر اسماء شهداست که در بحار (ج ۹۸، ص ۳۴۰) ذکر شده است. در این زیارت به برخی حوادث پس از شهادت امام حسین (ع) و اوضاع کربلا و اهل بیت (ع) و ذوالجناب و سراسیمه شدن عترت پیغمبر در آن صحرانیز اشاره شده است.^۵

۱-۴- زیارت رجبیه

زیارت‌نامه‌ای که با کیفیت خاص خطاب به حسین بن علی (ع) و شهدای کربلا در روز اول ماه رجب و نیمه شعبان خوانده می‌شود و متن آن در کتب دعا و زیارت آمده است. در ادامه این زیارت‌نامه، متنی خطاب به شهدای کربلا با ذکر نام آنها آمده است و شامل ۷۵ اسم است. منبع این زیارت، «اقبال» سید بن طاووس است و با زیارت ناحیه مقدسه که آن هم مشتمل بر اسامی شهدای کربلاست، نقاط مشترک و اسامی متفاوت دارد.

در پایان این زیارت‌نامه، تعبیرهایی چون ربانیون، برگزیدگان خدا، ویژگان الهی، شهدای در راه دعوت به حق، یاوران وفادار و جان نثار، سعادت‌مندان کامیاب و شرافتمندان آخرت درباره اصحاب امام حسین (ع) به کار رفته است. این زیارت و زیارت ناحیه مقدسه از منابع شناسایی نام آن اصحاب شهید به شمار می‌آیند.^۶

۱-۵- زیارت اربعین

امام حسن عسکری (ع) در حدیثی علامت‌های «مؤمن» را پنج چیز شمرده است: نماز ۵۱ رکعتی، زیارت اربعین، انگشتر کردن در دست راست، پیشانی بر خاک نهادن و «بسم...» را در نماز آشکارا گفتن: «علامات المؤمن خمس: صلاه احدی و خمسين و زیارة الاربعین...»^۷ زیارت اربعین که در این روز مستحب است، در کتب دعا آمده است و این‌گونه شروع می‌شود: «السلام علی ولی... و حبیبه...» که این متن از طریق صفوان جمال از امام صادق (ع) روایت شده است. زیارت دیگر آن است که جابر بن عبد... انصاری در این روز خوانده است و متن زیارت به عنوان زیارت‌نامه آن امام در نیمه ماه رجب نقل شده و با جمله «السلام علیکم یا آل الله...» شروع می‌شود.^۸

برخی زیارت‌های دیگر نیز برای وجود مقدس امام حسین (ع) در مجامع دعایی ذکر شده‌اند که ورود آنها مخصوص همان زمان خاص است، از جمله: زیارت مخصوصه امام حسین (ع)، زیارت امام حسین (ع) در اول رجب، زیارت امام حسین

(ع) در شب‌های قدر، زیارت امام حسین (ع) در عید فطر و عید قربان، زیارت امام حسین (ع) در روز عرفه و زیارت عاشورای غیر معروفه.

۲- اوقات زیارتی امام حسین (ع)

اوقات زیارتی به این علت آورده شد تا شامل شب و روز نیز شود.

نکته دوم اینکه، برخی اعمال و زیارت‌های روزانه یا به صورت هفتگی در طول سال تکرار می‌شود و ارتباطی به ماه خاصی ندارند. اما برخی زیارت‌ها، زمانی خاص و در ماهی خاص وارد شده‌اند که به فراخور آن زمان، نوع زیارت نیز خاص و ویژه روایت شده است. از جمله زیارت‌هایی که هفتگی در طول سال قابل انجام است:

۱-۲- زیارت حضرت امام حسین (ع) در روز دوشنبه

فرازی از این زیارت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَآمَرْتِ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا وَجَاهَدْتِ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى آتَيْتِ الْيَقِينَ.

به لحاظ تقسیم‌بندی زمانی، بیشتر کتب ادعیه از جمله اقبال سید و مفاتیح محدث قمی بر اساس ماه‌های قمری اعمال هر ماه را جداگانه ذکر کرده‌اند.

در اینجا به دلیل اینکه سال قمری با ماه محرم آغاز می‌شود.

۲-۲- اعمال ماه محرم

اعمال شب و روز عاشورا

۳-۲- ماه صفر

اعمال روز اربعین

۴-۲- ماه رجب

شب اول رجب

روز اول رجب

روز سیزدهم

اعمال شب نیمه ماه رجب

اعمال روز نیمه رجب

۵-۲- ماه شعبان

روز سوّم

شب نیمه شعبان

۶-۲- ماه رمضان

اعمال مشترک شب‌های قدر

۷-۲- ماه شوال

اعمال شب عید فطر

اعمال روز عید فطر

۸-۲- ماه ذی‌الحجه

اعمال شب عرفه (هشتم ذی‌الحجه)

اعمال روز عرفه (نهم ذی‌الحجه)

اعمال شب و روز عید قربان (دهم ذی‌الحجه) اعمال و دعای روز مباحله (۲۴ ذی‌الحجه)

۳- ادعیه مروی از امام حسین (ع)

امام حسین (ع) در اهمیت دعا و ذکر می‌فرماید: اعجز الناس من عجز عن الدّعا؛ ناتوان‌ترین انسان‌ها کسی است که از دعا کردن ناتوان است.^۹

۱-۳- دعای عرفه

بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده‌اند که عصر روز عرفه در عرفات در خدمت امام حسین (ع) بودیم که آن حضرت با گروهی از خاندان، فرزندان و شیعیان خود از خیمه بیرون آمدند و با کمال تضرع و خشوع به دامن کوه رحمت روی آوردند و در سمت چپ کوه ایستادند و به جانب کعبه روی گردانیدند و دست‌ها را مقابل صورت مبارک برداشتند و این دعا را خواندند.

دعای عرفه از مشهورترین دعاهاست که شامل مضامین عارفانه‌ای چون شناخت پروردگار و تضرع به درگاه لایزال اوست.

راویان^{۱۰} گویند: در پایان دعا و ذکر یارب یارب آن حضرت، چنان حاضران تحت تأثیر قرار گرفتند که از دعا کردن برای خودشان به آمین گفتن به دعای امام حسین (ع) بسنده کردند و صدای گریه مردم صحرای عرفات را پر کرده بود تا این که آفتاب غروب کرد و به سوی مشعر الحرام رفتند.

در روایت کفعمی^{۱۱} دعای عرفه با جمله: و أنت علی کل شیء قدیر. یارب یارب یارب یارب یافته است. اما به نقل از سید بن طاووس در

اقبال^{۱۲}، دعای عرفه پس از آن با جمله: الاهی أنا الفقیر فی غنای فکیف لا اکون فقیراً فی فقری، ادامه می‌یابد. پایان دعا چنین است: و أنت الرقیب الحاضر انک علی کل شیء قدیر و الحمد لله وحده.^{۱۳}

۲-۳- دعای هنگام پوشیدن لباس نو

شیخ طوسی (ره) در کتاب امالی دینی نقل می‌کند تا به دعبل خزاعی و در ادامه به امام رضا (ع) تا سندر را به امام حسین (ع) می‌رساند، بدین مضمون که:

روزی امیر المؤمنین علی (ع) پیراهنی را از پیر مردی به سه درهم خریداری کرد و در همان هنگام، پیراهن را پوشیده، در مسجد دو رکعت نماز در لباس نو خواند و بعد از نماز این گونه دعا کردند:

«الحمد لله الذی رزقنی من الریاش ما أتجمل به فی الناس، و أؤدّی فیہ فریضتی و استر به عورتی.» ترجمه: سپاس آن خدایی را سزا است که لباس زیبا و تمیزی را روزی ام ساخت تا در او در میان مردم نیکو بزیسم و در آن واجباتم را انجام دهم و خود را نیز با آن ببوشانم.^{۱۴}

۳-۳- دعای حضرت در قنوت نماز وتر

اللهم انک تری ولا تری، و انت بالمنظر الاعلی،

و انّ الیک الرجعی، و انّ لک الاخره و الاولی، اللهم انا نعوذ بک من ان نذل و نخزی: بار الها! یقیناً تو می‌بینی [همه موجودات را] ولی دیده نمی‌شوی و تو در چشم‌انداز دست نیافتنی هستی و بازگشت همه به سوی توست و آخرت و دنیا از آن توست خدا یا! از خواری و رسوایی [دنیوی و اخروی] به تو پناه می‌بریم.^{۱۵}

۴-۳- دعای حضرت برای طلب باران

«اللهم اسقنا سقیا واسعاً و ادهه، عامه، نافعه، غیر ضاره، تمم بها حاضرنا و بادینا، و تزیید بها فی رزقنا و شکرنا، اللهم اجعله رزق ایمان، و عطاء ایمان، ان عطاءک لم یکن محظوراً، اللهم انزل علینا فی ارضنا سکنها، و انبت فیها زیتها و مرعها»^{۱۶}

و بسیاری ادعیه دیگر از جمله: دعای عشرات^{۱۷} و دعای صباح و دیگر ادعیه که به علت اینکه در مقام بیان همه نیستیم عزیزان را به کتاب موسوعه کلمات امام حسین (ع) بخش ادعیه ماثور از حضرت ارجاع می‌دهیم.

جمع‌بندی

در آخر تذکر این نکته ضروری است که سلوک و تربیت دینی جز با تمسک به الگوهای کامل دینی میسر نیست. شیعه با اصطلاحات و عناوین مشکلی ندارد. مشکل اساسی در دوری از سرچشمه حیات معنوی است که همان انسان‌های کامل هستند که شیعه از آنها با نام معصومین و تالی تلو معصوم یاد می‌کند. ■

پی‌نوشت:

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی (ره)، ج ۹۸، ص ۳۰۰.
۲. مصباح المتجهّد، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی، متوفی ۴۶۰ هـ. ق. طبق نقل بحار الانوار، ج ۱۰۱، صص ۲۹۹ و ۳۰۰.
۳. برای آشنایی بیشتر با مباحث رجالی بسند زیارت عاشورا، به دو کتاب ارزشمند «شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور» تألیف آیت‌... میرزا ابوالفضل تهرانی (قدس سره) که از شاگردان میرزای شیرازی بود و نیز «اللؤلؤ التضیّد فی شرح زیارة مولینا ابی عبدالله الشهدید» نگارش آیت‌... شیخ نصر... شیبستری مراجعه فرمایید.
۴. دانشنامه حوزه، موضوع زیارت.
۵. همان، برای تحقیق پیرامون بسند این زیارت و صحت آن، رک: «انصار الحسین»، ص ۱۴۶ تا ۱۶۲. در ضمن درج ۴۵، بحار الانوار، ص ۱۵ نیز این زیارت آمده است.
۶. همان، کامل‌الزیارات، ابن قولویه، ص ۱۷۴، المزمار، شیخ مفید، ص ۵۲.
۷. بحار الانوار، علامه مجلسی (ره)، ج ۹۸، ص ۲۲۹، چاپ بیروت.
۸. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی (ره)، زیارت اربعین، ص ۷۷۶.
۹. بحار الانوار، علامه مجلسی (ره)، ج ۹۳، ص ۲۹۴، حدیث ۲۳.
۱۰. زاد المعاد، علامه مجلسی (ره)، ص ۱۴۶.
۱۱. بلد الامین، کفعمی (ره)، ص ۲۵۱.
۱۲. اقبال الاعمال، سید بن طاووس (ره)، ص ۳۳۹.
۱۳. دایرة المعارف تشیع، جلد هفتم، صص ۵۲۹ و ۵۳۰.
۱۴. موسوعه کلمات الامام الحسین (ع)، ص ۷۱۸.
۱۵. کنز العمال، ج ۸، ص ۸۲، حدیث ۲۱۹۹۲.
۱۶. عبون الاخبار، دینوری، ج ۲، ص ۲۷۸.
۱۷. بحار الانوار، علامه مجلسی (ره)، ج ۸۶، ص ۳۱۳، حدیث ۶۵؛ مهج الدعوات، سید بن طاووس (ره)، ص ۱۵۷؛ مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی (ره)، ص ۱۲۳.

و نهی است.

در بخشی از روایات ما، در مورد اشخاصی هم که ما به ملاقات آنها می‌رویم توصیه شده است. روایتی است از امام جعفر صادق (ع) که او از پیامبر (ص) و او از حضرت عیسی (ع) نقل می‌کنند که حواریون از حضرت عیسی (ع) سؤال کردند که: «مَنْ نُجَالِسُ؟» با چه کسانی ما مجالست بکنیم؟ حضرت عیسی (ع) سه ویژگی بیان کردند:

۱. «مَنْ يُدَكِّرُكُمْ اللَّهُ رُؤْيَيْتَهُ» یعنی: ملاقات با او شما را به یاد خدا بیندازد.

۲. «وَيُرِيكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلَهُ» یعنی: عمل و کردار او، شما را به سمت آخرت متمایل کند و سوق دهد.

۳. «وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنَاطِقَهُ» یعنی: سخن گفتن او بر دانش شما بیفزاید.

پس، اولاً توصیه به دیدار و ملاقات مؤمنین در حیاتشان شده است و بعد اینکه ما با چه افرادی دیدار داشته باشیم. در روایات می‌بینیم تأکید بر سه حوزه خداباوری، معادباوری و علم‌مداری شده است.

کسانی که انسان را به تعالی و معنویت دعوت می‌کنند و همچنین بر دانش انسان می‌افزایند.

معلوم می‌شود از بستر این دیدارها چنین نتایجی مدنظر است، چون وقتی شما به دیدار کسی می‌روید که از سطحی از ایمان برخوردار است، حداقل ثمره این دیدار این است که یا درسی از او می‌گیرید یا درسی به او می‌دهید، چون در واقع از یک هم‌افقی برخوردار

خیمه گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی نصیری از استادان علوم قرآنی دانشگاه، در زمینه مفهوم‌شناسی زیارت و آسیب‌های این حوزه داشته که از نظر شما عزیزان می‌گذرد.

از آنجایی که خاستگاه بیشتر انحرافات، دوری از اصل مفاهیم است، لطف کنید، ابتدا در مورد مفهوم اولیه زیارت در متون دینی توضیح دهید.

مرحوم کلینی در «کتاب العشره» از اصول کافی در باب زیارت برادر مؤمن آورده است؛ هنگامی که دو برادر مؤمن به یکدیگر می‌رسند و با هم مصافحه می‌کنند و دست می‌دهند، گناهان آن دو همچون ریزش برگ درختان می‌ریزد.^۱

این زیارت چه در زمان حیات و زندگی مؤمنان و چه بعد از مرگشان نیز معنا پیدا می‌کند.

برای قسم اول که زیارت و ملاقات مؤمنین در زمان حیاتشان است هم آثار دنیوی مثل تقویت روابط اجتماعی و انسانی و هم یک سری آثار معنوی تعریف شده است.

ما این منطق را در قرآن تحت عنوان نواصی به حق و صبر و یا مفهوم امر به معروف و نهی از منکر هم داریم.

در ذیل سوره مبارکه والعصر آمده که وقتی این سوره نازل شده بود، مسلمانان هر موقع به یکدیگر می‌رسیدند این سوره را برای هم می‌خواندند، چون

در واقع این سوره دعوت

به این است که انسان از خودش بیرون بیاید، چون صرفاً «الذین آمنوا و عملوا الصالحات» هم نیست، بلکه یعنی همدیگر را ملاقات کنند و یکدیگر را دعوت به حق و صبر کنند که این همان فرایند امر به معروف و نهی از منکر است، منتها این نواصی به حق و صبر، مرحله رقیق‌تر آن امر

مفهوم‌شناسی زیارت

گفت‌وگو با دکتر علی نصیری

هستید؛ یعنی اینکه یا شما در او تأثیر می‌گذارید و او را به آخرت دعوت می‌کنید و بر علمش می‌افزایید یا او در شما تأثیر می‌گذارد.

در متون دینی، بخشی از توصیه به ملاقات و دیدار مربوط به مؤمنان هم‌سطح و هم‌افق است. یک پله بالاتر از آن در باره دیدار و ملاقات با عالمان است که مرحوم کلینی این قسم را در کتاب العلم باب «فضل العلم والعلماء» آورده است که چرا این قدر تأکید می‌شود که با عالمان بنشینید و یا در مواردی آمده که نگاه به عالم و یا نگاه به در خانه عالم عبادت است و یا نشستن در جلسه و محفل او ذکر است و امثال این تعابیر و توصیه‌های مکرری که متون دینی بر این مطلب دارند که با عالم ربانی ملاقات کنید؛ در این قسم دیگر هم افقی وجود ندارد و آن عالم از افق بالاتری بهره‌مند است. همان گونه که در ابتدا گفتیم هدف از دیدار این بود که ما در سه حوزه معرفت، علم و ایمان پیشرفت کنیم. در قسم اول هم افقی در مآثر دارد، ولی وقتی با یک شخصی که از افق بالاتری برخوردار است دیدار داشته باشیم، نتایجی که از دیدار حاصل می‌شود، نتایج بالاتری است.

یعنی او چون علمش از ما بیشتر است، وقتی به دیدار او می‌رویم، بر دانشمان افزوده می‌شود و او چون در عمل و تقوا و معنویت پیشگام‌تر است، این نیز باعث می‌شود ما در ایمان و معنویت نیز از سطح خود فراتر رویم.

در قرآن، فرهنگی که تعریف شده، آن است که خداوند می‌فرماید: «واجعلنا للمتقین اماماً»^۲ یعنی مؤمن کسی است که در واقع حالت پیشوایی پیدا می‌کند، بنابراین در این صورت هر چه در جه علم و معنویت آنها بالاتر باشد، تأثیر دو چندان می‌شود. حافظ می‌گوید:

طی این مرحله بی‌همری خضر مکن
ظلمات است بترس از خطر گمراهی

اشاره به همین است که تا می‌توانید خودتان را به انسان کامل نزدیک کنید با او همراه شوید و از او خط بگیرید.

مرحله سومی نیز وجود دارد و آن در دیدار و ملاقات با اولیای الهی - نه عالمان دین - است. این اولیای الهی می‌توانند انبیاء یا ائمه طاهران (ع) باشند؛ یعنی تمام عارفان، سالکان و بزرگان معنوی را در حوزه عالمان دینی می‌بینیم و انبیاء و امامان معصوم را در دایره اولیای الهی قرار می‌دهیم.

این دیدار ممکن است، در زمان حیات یا در زمان مماتشان باشد.

چند نکته مهم را باید در این قسم اولیای الهی بدانیم و آن اینکه؛ کسی مانند پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) اولاً از نظر مقام علمی به مقام «وَعَلَّمَانٍ لِّدُنَا عِلْمَاءُ» دست یافته است.^۳ شما اگر دقت کنید از اولین فیلسوفان اسلامی مثل کندی تا فارابی، ابن سینا و غزالی همه این مسئله را پذیرفته‌اند که ما انسان‌ها یا از راه اکتساب که همان تلاش علمی

و تعلیم و تعلم است، دانشی می‌آموزیم و یا از طریق مجاهدت و ریاضت که همان کاری است که عارف انجام می‌دهد و همه اقرار کرده‌اند که علم سومی نیز وجود دارد که همانا علم لدنی باشد که خدا به انسان تفویض می‌کند و با بقیه تفاوت دارد. نبی و همچنین امام که مقام تحدیث دارد به نحوی از آسمان بهره مستقیم می‌برد، بنابراین سطح دانش امام با سطح دانش عارفان و عالمان دین قابل قیاس نیست. اگر کسی بخواهد اسرار عالم، ملکوت، قبر و قیامت را بداند، دانش عارف و عالم تا یک مرحله‌ای قطع و تمام می‌شود، ولی در مورد نبی و امام جز در موارد استثنایی (مثل حوزه خدانشناسی و...) اگر نگوئیم نامحدود ولی بسیار گسترده است؛ پس در مقام زیارت یعنی شخص خود را در مسیر فیض چنین دانشی قرار دهد. چرا امام صادق (ع) و امام باقر (ع) می‌فرمایند: «هَلَكَ اِنَّ مُؤْمِنًا اَل فِرْعَوْنُ مَا زَالَ الْعِلْمُ مَكْتُومًا مُنْذُ بَعَثَ اللهُ نُوْحًا فَلْيَذْهَبِ الْحَسَنُ يَمِينًا وَ شِمَالًا فَوَاللهِ مَا يُوْجَدُ الْعِلْمُ اِلَّا هَاهُنَا»^۴ یعنی: حسن بصری اگر به شرق و غرب عالم برود، دانشی نخواهد یافت، چرا که علم در خانه ماست.

چون اهل بیت (ع) با آسمان ارتباط دارند، مقام تحدیث دارند و محدث هستند و این ارتباط یا از طریق عقل فعال و یا جبرئیل صورت می‌گیرد و معارف به آنها می‌رسد.

نکته دیگر اینکه، امام (ع) یا پیامبر (ص) صرفاً یک انسان عادل نیستند؛ صرفاً انسانی پاک و معنوی نیستند، بلکه این حضرات معصوم هستند، یعنی در حوزه اخلاق و عمل به جایی رسیده‌اند که ذره‌ای در رفتارشان لغزشی نیست. حافظ در ماجرای شیخ صنعان اشاره می‌کند به این موضوع که:

گر مرید راه عشقی فکر بدنامی مکن
شیخ صنعان خرقه رهن خانه خمار داشت

یعنی، گاهی اوقات انسان به دنبال عارف و عالمی می‌رود، ولی چون معصوم نیست، ممکن است لغزش فکری یا عملی داشته باشد و اثر منفی روی پیروان خود بگذارد. ولی وقتی در مسیر امام راه بیفتد، دیگر این مشکلات وجود ندارد، چون امام دارای عصمت محض است؛ هم در افکار، اندیشه‌ها و بینش‌ها و هم از نظر اخلاقیات، بنابراین زیارت یعنی ملاقات با انسانی (شخص عادی، عالم یا عارف و یا امام معصوم)

برای رسیدن به هدف خداگونه شدن انسان از طریق تحصیل علم و ایمان و عمل که به جود و عفو کرم الهی و همه صفات جمال و کمال الهی در حوزه انسانی دست یابد. چون معتقدیم امام تجلی‌گاه اسماء و صفات الهی است، بنابراین وقتی به امام متوسل می‌شویم یا به زیارت او می‌رویم، می‌خواهیم خود را در معرض تجلی اسماء و صفات الهی قرار دهیم.

تا اینجا بحث مربوط به دوره حیات این سه سطح از انسان‌ها بود. مثل همین زیارت را در زمان فوت آنها نیز می‌توانیم داشته باشیم.

یکی از آسیب‌های مقوله زیارت، معنویت‌جویی و عرفان‌هایی است که هیچ پایه معرفتی ندارد. دیدگاه اسلام در باب ملاقات‌ها و زیارت‌های معنویت‌طلبانه، اما بدون داشتن درکی عمیق از معرفت چیست؟

به تعبیر شهید مطهری انسان با دو بال ایمان و علم باید حرکت کند که اگر ایمان همراه علم نباشد، همان سخن حضرت علی (ع) است که فرمودند: «هَلَكَ فِیْ اِنْسَانٍ مُّجِبُّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالٍ»^۵، یعنی حضرت را دوست داشته است، ولی چون علم و آگاهی نداشته است، دچار غلو شده است. نتیجه‌اش می‌شود همان حسن بصری که آن همه مشکل را به بار آورد. بنابراین در این روایت پیداست که منطق ایده‌آل بر دو اصل ایمان و علم استوار است. در مقام دعوت انبیاء، جوهره دعوت‌شان بر دو بحث خدانشناسی و معاد استوار است.

در مورد انسان‌هایی که از دنیا رفته‌اند در قسمتی که هم‌سطح و هم‌افق با آن شخص از دنیا رفته می‌رویم، در واقع طبق روایات به زیارت قبور رفته‌ایم. چرا که در روایات بابی است تحت عنوان «زیارت القبور» و در آیات قرآن هم می‌بینیم درباره «اصحاب کهف» بحث زیارت قبر مطرح است، آنجا که خدا می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»^۶ و «وَعَدَّ اللهُ حَقًّا وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّلُ عَنَّا بِرَبِّهِمْ فَأَقْبَلُوا بُنُوًّا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا رَبَّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ»^۷ قَالَ الَّذِينَ عَلِمُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»^۸ بحث «لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» مطرح می‌شود.

یا وقتی به قبرستان می‌رویم این گونه آنها را خطاب می‌کنیم «یا اهل التربه، یا اهل الغریبه، یا اهل الوحده، یا اهل الوحشه، انتم لنا فرط سابق و نحن لكم تبع لاحق»^۹ در اینجا هم دوباره هم پیام می‌دهیم و پیام هم می‌گیریم.

پیام ما این است که حقوق برادر دینی را انجام داده‌ایم و به دیدار شما آمده‌ایم، پیام آنها به ما این است که شما نیز به دنبال ما خواهید آمد. در این زیارت‌های هم‌افق بیشتر از این چیز دیگری نیست، ولی وقتی به دیدار عالم یا عارفی که از دنیا رفته است، می‌رویم، به اندازه در جه علم و عرفان او، آن دو اصل علم‌افزایی و معنویت همچنان در این سطح جریان دارد، مثلاً وقتی ما به زیارت شیخ بهایی و یا علامه مجلسی و یا ابن سینا و... می‌رویم، باز هم می‌بینیم همچنان از آن قبر دو پیام علم و معنویت به گوش می‌رسد.

من یک نمونه ذکر کنم. به مناسبت کنگره‌ای، سفری



به هستی اش بیشتر می شود، بنابراین عرفا جهان برزخ را در مقایسه با دنیا به دنیا و رَجَم مادر تشبیه می کنند. بنابراین اگر امام در این دنیا با علم، قدرت معنوی و ولایت تکوینی بود، در آن عالم این شئون افزوده تر می شود. برهان فلسفی بود، اما برهان نقلی از خود قرآن استدلال به این آیه است که هم مفسران آن را پذیرفته اند. این آیه است: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا»^۷

اگر به خودشان ستم کردند و به نزد تو آمدند، بیایند. ابتدا از خدا طلب مغفرت کنند، بعد از تو طلب مغفرت کنند، خداوند را توبه پذیر می یابند.

این آمدن به نزد پیامبر (ص) هم در دوره حیات ایشان بوده و هم زمان بعد از رحلت، ادامه داشته است. تنها گرایش مخالف این آیه، وهابی ها هستند که معتقدند در عالم برزخ حیاتی وجود ندارد و هیچ چیزی رد و بدل نمی شود و من در کتابخانه مسجد پیامبر (ص) در مکه کتابی دیدم از ابن قطیبه دینوری که استدلال این کتاب این بود که حیات برزخی هست و ادامه دارد و عجیب اینکه ملاحظه کردم آن قدر فکر و هایت در آنجا حاکم است که با خود کار حاشیه زده بودند که به کتاب های قرون اخیر و دوران حاضر نیز مراجعه کنید، چرا که این کتاب دقیقاً ضد خودشان است. یا کتاب دیگری دیدم از ابن تیمیه در باب حیات برزخی؛ ابن تیمیه ای که به عنوان تنور یسین وهابی ها مطرح است. او در این کتاب دلایل فراوانی برای اثبات حیات برزخی اقامه کرده است و این شیوه دقیقاً خلاف فطرت و قرآن حرکت کردن است، اما در میان اهل سنت نگاه اثباتی به بحث حیات برزخی وجود دارد. به عنوان نمونه در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»^۸

بسیاری از مفسران اهل سنت آورده اند که این حکم صدا بلند نکردن در محضر رسول اکرم (ص) هنوز نیز جاری است و اختصاص به زمان حیات دنیوی حضرت ندارد. پس شئون پیامبر (ص) از نظر آیات و روایات استمرار دارد. یا آیه دیگر که می فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^۹ این حضور پیامبر (ص) را برزخی گفته اند که حتی بعد از مرگ نیز شامل می شود.

نکته دیگر اینکه، همان شئونی که برای پیامبر (ص) قائل هستیم، همان شئون را در سطح دیگری برای ائمه (ع) قائل هستیم. پس یک سنی که بر اساس مبنای خودش بداند شئون پیامبر (ص) در دوره حیات چیست، باید بپذیرد که همین پیامبر (ص) بعد از مرگش همان مقامات را داراست و به همین علت است که داریم پیامبر (ص) سلام ها را بعد از مرگش جواب می دهد و تفاوت ما با اهل سنت در این است که در مصادیق افراد دسته بعدی اختلاف

باشند، بعد از مرگشان هم که به زیارت قبورشان برویم، می بینیم برای ما پیام دارند؛ ما را به علم آموزی و معنویت جوایی دعوت می کنند. البته هر چه در جه معنویت و عرفان آن شخص بالاتر باشد، علاوه بر الهام بخشی تأثیر تکوینی هم می تواند بگذارد. مثلاً بسیاری از بزرگان بر سر قبر آیت... ملکی تبریزی، استاد اخلاق حضرت امام و استاد بسیاری از رجال حوزوی و استاد سیدعلی آقای قاضی و دیگران می روند. ایشان اگر چه در عالم برزخ است، اما در همانجا تأثیر روحی بر افراد می گذارد. این افراد می توانند برخی از حوایج انسان ها را به اذن الهی پاسخ دهند و هدایت معنوی انجام دهند. در اینجا تمام آن موارد الهام و مسائل دیگر را به محضر امام معصوم (ع) و پیامبر (ص) ببریم. این حضرات همان گونه که در زمان حیاتشان می توانند از طریق علم و معنویت تأثیر بگذارند، از طریق ولایت تکوینی و ولایت تشریحی نیز در اوج هستند. آنها هم می توانستند باذن... از ضامائر افراد مطلع شوند و هم می توانستند باذن... بر افراد تأثیر بگذارند. این تأثیر در زمان حیاتشان تا زمان مرگشان و بعد از آن نیز برقرار است. شواهد متعددی وجود دارد که حتی مفسران سنی پذیرفته اند که چنین مسئله ای وجود دارد.

بحث دانش افزایی یا معنویت جوایی از محضر معصومین در زمان حیاتشان قابل درک و پذیرش است، اما بعد از مرگ که دیگر جسمی در ظاهر نیست که از او علم افزایی یا کسب معنویت صورت گیرد. شیوه عمل بعد از مرگ آن ذوات مقدسه چگونه است؟ به عبارت ساده تر، چه کنیم وقتی وارد حرم هر کدام از ائمه (ع) می شویم فقط محو در دیوار نباشیم و بتوانیم به آن سه موردی که در زیارت گفته شد برسیم، دست یا بی؟

مسئله افزایش علم و افزایش معنویت در حوزه تأثیر ولایی امام است، چون آن سه بخش را در زمان حیات امام پذیرفتیم. این قضیه هم شاهد فلسفی دارد و هم شاهد نقلی دارد. شاهد فلسفی این است که در آنجا گفته می شود که حقیقت وجودی انسان به روح است، نه جسم و تعالی و دریافت این آثار در مورد روح بود که در این دنیا کسب کرد و با مرگ اتفاق خاصی بر سر روح نمی آید، چون یا به بدن مثالی منتقل می شود و روح ثابت است. این گونه نیست که اگر کسی عالم از دنیا رود، در آنجا جاهل باشد، بلکه در آن عالم، عالم تر می شود، بنابراین در سوره مبارک مدثر وقتی خطاب می شود: «مَا سَأَلَكُمْ فِي سَقَرٍ» [بهشتیان از آنان می پرسند: چه چیز شمارا به جهنم کشانید؟! آنها پاسخ می دهند نماز نمی خواندیم و... ادامه می دهند تا این عبارت که: «حَتَّىٰ آتَانَا الْيَقِينُ» تا اینکه مرگ به سراغمان آمد، یعنی انسان وقتی از دنیا می رود، دانش او عمیق تر می شود. پس احاطه علمی هر کسی در عالم برزخ نسبت

به استان همدان داشتیم و در این سفر به زیارت قبر ابن سینا هم رفتیم. ابن سینا خدمات علمی فراوانی در طب، فلسفه و خدمات دیگری در حوزه هایی مانند منطق، ریاضیات، نجوم و بیشتر علوم ارائه کرده است، اما با همه این اوصاف او عارف نبود. حتی فلسفه ای که ابن سینا آورد، فلسفه مشاء است و فلسفه اشراق نیست. البته در اشارات علاقه وافر خودش را به اشراق نشان داده است.

بعد از آن قبر باباطاهر عریان را دیدم. در مورد او کسی گزارشی نداد که او فلسفه نوشته یا دانشنامه علایی و... نوشته است، بلکه تمام حاصل عمرش یک سری رباعیات خیلی محدود است. خب چرا این قدر ارزش پیدا کرده است؛ او با عرفان و معنویت خودش به ما پیام می دهد. او نماد علم نیست، ولی نماد عرفان هست.

آنجا که اوج خداشناسی را در این اشعار نشان داده است:

به دریا بنگرم دریا ته بینم
به صحرا بنگرم صحرا ته بینم
به هر جا بنگرم، کوه و در و دشت
نشان از قامت رعنا ته بینم

که همه هستی تجلی خداوند هستند یا آنجایی که دعوت به معاد می کند:

به قبرستان گذر کردم صبحی
شنیدم ناله و افغان و آهی
شنیدم کله ای با خاک می گفت
که این دنیا نمی آرزد به کاهی

به قبرستان گذر کردم کم و بیش
بدیدم قبر دولتمند و درویش
نه درویش بی کفن در خاک خفته
نه دولتمند برده یک کفن بیش

و یا آنجا که می گوید:

خوشا آنان که الله یارشان بی
که حمد و قل هو الله کارشان بی
خوشا آنان که دائم در نمازند

بهشت جاودان بازارشان (ماوایشان) بی
که همان غرق در عبودیت است. می بینیم خیلی تأثیر گذار است.

پس می بینیم در این طبقه دوم که عالمان و عارفان

داریم. اهل سنت مصداق را منحصر در رسول (ص) می دانند، البته در لایه های پایین تری برای عرفایشان نیز قائلند و شیعه همان را در لایه بالاتر برای ائمه (ع) قائل است.

مشکلی که الآن وجود دارد که به آن هم اشاره کردید این است که اصل معرفت و امام شناسی ما، چه در زمان حیات امام و چه در ممات او، ضعیف است. چون همین زائری که امروز بی هدف در حرم می چرخد و فقط به دنبال حاجت است، اگر در زمان حیات امام هم به زیارت ایشان نائل می شد، تغییر خاصی در او رخ نمی داد، چون ظاهر امام که مانند دیگر انسان هاست و مانند بقیه مردم زندگی می کند. در این حال این زیارت شاید چیز فوق العاده ای به نظرش نیاید، بنابراین افراد باید مطالعاتشان به حدی برسد که بتوانند به یک شناخت حداقلی نسبت به امام برسند. به همین علت است که در روایاتی که در باب زیارت آمده است، بلافاصله شرط شده «بقدر المعرفه».

هنگامی که شخصی از دنیا می رود روح در همه جا وجود دارد و محدود به قبر خودش نیست و شاهد و ناظر است. می توانیم در منزل یا هر جای دیگری غیر از قبرستان باشیم و فاتحه یا هر عمل خیری برای او انجام دهیم. با این ویژگی روح، دیگر چه نیازی به زیارت قبور است؟

یک مبنایی در روایات اهل تسنن و شیعیان آمده که کسی که از دنیا می رود، آیا همه بدن او از دنیا می رود؟ در روایات شیعه آمده است که همه بدن متلاشی می شود، الا طینت و معنای طینت نیاز به بحث مفصل دارد که باعث می شود آن روح به این قبر یک ارتباط و تعلق پیدا نکند، چنانچه در عالم خواب وقتی روح از بدن فاصله می گیرد، سایه روح بر بدن باقی است، بنابراین تنفس و اعمال حیاتی بدن برقرار است.

در مورد مرگ، وقتی انسان می میرد روح از بدنش جدا می شود، ولی ارتباطش را با بدن قطع نمی کند و در مورد انسان های صالح و شایسته به مراتب شدیدتر است، به گونه ای که به عنوان نمونه در مورد مرحوم صدوق داریم که بدن او بعد از هزار سال از هم نپاشید، حتی رنگ حنای دستانش تازه مانده بود؛ این نشان از این دارد که سایه افکنی روح در درجه بالایی است، بنابراین اگر کسی به بالای سر قبر مرحوم صدوق برود درست است که روح بر بالای جسد نیست، اما روح به خاطر اشرفی که بر بدن خودش دارد و تعلق خاطری که دارد که از آن تعبیر به عشق شده است. چون با همین بدن است که نماز خوانده و اطاعت و بندگی خدا کرده است. بنابراین ارتباط ما با آن روح از طریق این قبر برقرار شده است. در مورد ائمه (ع)، روایت بیان می دارد که جسد امام در قبر نیست و به محض اینکه بدن در قبر نهاده می شود، جسد برمی خیزد و با روح همراه است. در عین حال فرموده اند که امام به قبر خودش کاملاً اشرف و حضور دارد، به همین علت

است که وقتی به زیارت امام رضا (ع) می رویم، عرضه می داریم: «اشهد انک تشهد مقامی و تسمع کلامی و تزد سلامی» و مالدت مناجات باشما را می فهمیم.

آیا به طور کلی حاجت خواهی از اهل بیت (ع) ممدوح است یا مذموم؟ و اگر مجاز شمرده شده، شیوه حاجت خواهی مورد تأیید اسلام کدام شیوه است؟ اصل تفکر شیعه بر جواز حاجت خواهی است و هیچ وجوبی در کار نیست و قرار بر این نیست که حتماً به نزد امام برویم و حاجتی بخواهیم و حتماً متوسل شویم، چون ممکن است انسان متوسل نشود.

من با این تفکر که هر حاجتی حتماً باید با توسل به امام باشد، مخالف هستم و این روش غیر منطقی است. در خود دعای کمیل داریم که «اسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيَّ نَفْسِكَ» من تو را شفیع خودم در برابر تو قرار می دهم. چه اشکالی دارد که ما به حدی برسیم که سهم خودمان را از حاجت تأمین کنیم و وقتی به نزد امام می رویم، هیچ احساس نیازی که چیزی به ما داده شود، نداشته باشیم و صرفاً انسان به دنبال این باشد که امام، او را لایق دیدار بداند و به دنبال مسائل معنوی و در پی هم سخنی و هم آوایی با امام باشد. حس اینکه انسان با یک انسان کامل هم زبان شود، حسی جاودانه است.

اما اگر کسی رفت و حاجتی خواست حرام نیست، منتها به شرط ها. به این شرط که نپندارد کسی در هستی غیر از خداوند، مستقل در تأثیر است و به توحید فاعلی و توحید ربوبی معتقد باشد. بنابراین مرحوم مجلسی در بحار در فصل تفویض آورده است کسانی که فکر می کنند کارها به صورت مستقل به ائمه (ع) واگذار شده و خدا به کنار رانده شده که با کم و زیاد دیدگاه یهود منطبق است یا اینکه فکر کند که خداوند مدیریت عالم را به ائمه (ع) تفویض کرده است، این دو عقیده شرک است. دیدگاه صحیح این است که بگوییم مدیریت و ربوبیت عالم دست خداست و امام با اذن و اجازه الهی می تواند در این عالم دخالت کند، چنانچه در مورد حضرت عیسی (ع) داریم: «أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا يَأْتِي اللَّهَ وَأُنْبِرِي الْأُمَمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْتَبِئَكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدْخُرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» خلق و آفرینش دست خداست ولی حضرت عیسی (ع) می گوید که من هم می توانم خمیر مایه ای از گل درست کنم و در آن بدمم و پرنده شود، یعنی گل تبدیل به پرنده شود. این سیر کار خداست، لذا است که حضرت عیسی (ع) می فرماید: «بإذن الله» یا می گوید: «أحيى الموتى» یعنی مرده رازنده می کنم و کور مادرزاد و یا بیماری را علاج را شفا می دهم و از آنچه در خانه های پنهان است خبر می دهم.

در مورد امام هم می توان گفت که امام می تواند به اذن و اجازه الهی حاجتی را بر آورده کند، اما به این نکته مهم هم توجه داشته باشیم که امام نمی تواند کسی را ببخشد، یعنی ما حق نداریم به امام بگوییم تو گناه مرا

ببخش. به همین علت در پایان زیارت جامعه و زیارت امام رضا (ع) می خوانیم: «يا حجة الله ان بيني وبين الله ذنوباً قد أنقلت ظهري ومعتنتني من الرقاد وذكرها يقلل أحشائي وقد هربت إلى الله واليك فبحق من ائمتكم على سره واستر عاكم امر خلقه و قرن طاعتكم بطاعته لئلا استوهبتم ذنوبي..... لجلعتهم شفعاي»^{۱۱}

استیهاب کنید، یعنی طلب بخشش کنید از خداوند نه اینکه خودتان مرا ببخشید، چون حق چنین کاری اختصاص به خدا دارد و امام اجازه چنین کاری ندارد. دقیقاً مثل همان تقاضایی که برادران یوسف داشتند که از پدر خواستند برای آنها طلب بخشش کند: «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»^{۱۲}

گویا در واقع کار کار خداست و امام جنبه واسطه ای دارد. نکته حائز اهمیت در جریان رفتارشناسی مؤمنین چه شیعه و چه سنی که باید دقت شود، این است که رفتار جاهلان و عوام یک دین را نباید به حساب اصل دین و عقیده دین مداران گذاشت و نباید به سراغ توده مردم رفت. مثلاً شخصی در بدو ورود به حرم امام رضا (ع) سجده می کند. قفل زدن، شمع روشن کردن و عریضه نوشتن و اعمالی از این قبیل از آن جهت که در نصوص دینی نیامده است، اگر یک عامی انجام داد، آن را نباید به شیعه یا علمای شیعه نسبت دهیم.

در حجاز کتابی چاپ شد تحت عنوان «مفاهیم يجب ان تصحح» از نویسندگان اهل تسنن عربستان که در آن اثبات شده که این سخنان مبنی بر اینکه توسل شرک است و زیارت قبور ممنوع است، در واقع جهالت محض است و توده اهل سنت و علمای آنها با حقیقت توسل مخالف نیستند. ■

پی نوشت ها:

۱. اصول کافی ج: ۳، ص: ۲۶۰، روایه: ۴. «عَلَيْ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْخَدَّاءِ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّمَيَّأَ فِتْصَافِحًا أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمَا يُوَجِّهُهُ وَتَسَاقَطَتِ عَنْهُمَا الذُّنُوبُ كَمَا يَتَسَاقَطُ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ»
۲. فرقان / ۷۴ «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»
۳. کهف / ۶۵ «فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»
۴. اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۶۴، روایه: ۱۵
۵. کهف / ۲۱
۶. نهج البلاغه/ کلمات قصار شماره ۱۳۰
۷. نساء/ ۶۴
۸. حجرات/ ۲
۹. انفال/ ۳۳
۱۰. آل عمران / ۵۰
۱۱. تعبیر زیارت جامعه «یا اولیاء الله ان بیني وبين الله عز وجل ذنوباً لا یاتی علیها الا رضاکم»
۱۲. یوسف / ۹۷

خلیما

ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خیمه

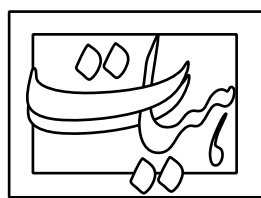
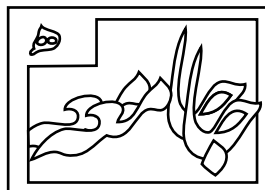
KHEIMEH
Cultural- Social
Monthly



KHEIMEH
Cultural- Social
Monthly

در این بخش به صورت‌های فرهنگی بسیار متنوع، غنی و قابل تعمق برگزاری مراسم روز «اربعین» در مناطق شیعه نشین اشاره شده است؛ طیف وسیعی از تولیدات علمی درباره ابعاد و ساحت‌های گوناگون «چهل‌مین روز شهادت امام حسین (ع)» وجود دارد که در این بخش به گوشه‌ای از آن اشاره می‌شود.

ماهنامه فرهنگی اجتماعی خیمه
KHEIMEH Cultural- Social Monthly



مردم‌شناسی تصویری اربعین حسینی در جهان شیعه

پیمان اسحاقی

تصویر سوم: اربعین حسینی در عراق



تقدیم می‌کنم. این تصاویر به نحوی انتخاب شده‌اند که بتوانند تصویری عمومی از برگزاری این مراسم ارائه کنند. در این تصاویر، اشکال و صورت‌های مختلفی از مناسک سوگواری در این روز نشان داده شده است.

تصویر اول: اربعین حسینی در عراق



مراسم سوگواری اربعین حسینی، قرن هاست که به طور عمده، در کشورها و مناطق شیعه‌نشین در اشکال گوناگون فرهنگی برگزار می‌شود.

شیعیان به سبب مصایب وارده بر امام حسین (ع) و یاران ایشان و نیز اینکه چهلمین روز پس از شهادت امام حسین (ع) از روزهای زیارتی مخصوص آن امام است، به زیارت ایشان می‌پردازند و بایدهای اعتقادی خود را به انجام می‌رسانند. درون‌مایه این مراسم، برگزاری آداب سوگواری بر امام حسین (ع)، خانواده و یاران ایشان، یادآوری مصایب وارده بر ایشان و اطرافیانشان و گرامی‌داشت یاد و مقام آنان است. این مراسم با توجه به فرهنگ‌های محلی، صورت‌ها و اشکال مختلفی می‌پذیرد.

مناسک روز اربعین در کشور عراق، بیش از هر نقطه دیگری با شدت و جدیت برگزار می‌شود. حضور شیعیان کشورهای دیگر در این مراسم و سنت پیاده‌روی به سوی شهر کربلا و زیارت مرقد شهداء (ع) مهم‌ترین ابعاد مناسک سوگواری روز اربعین در این کشور است. روز اربعین در ایران، به عنوان بزرگترین کشور شیعه‌نشین جهان، تعطیل رسمی است. در این روز در اقصی نقاط ایران، مراسم سوگواری امام حسین (ع) با تنوع و همراه با به کارگیری ایده‌های فرهنگی بسیار گوناگون برگزار می‌شود. این مراسم در بسیاری از نقاط دیگر جهان نیز برگزار شده که شبه‌قاره هند نمونه خوبی از این نقاط است. شیعیان شبه‌قاره هند (هندوستان، پاکستان و بنگلادش) بسیار پرشور در این مراسم شرکت می‌کنند. روز اربعین بار دیگر امام‌باره‌ها، عاشورخانه‌ها و امام‌بارگاه‌ها مملو از جمعیت می‌شوند؛ این روز را در پاکستان «چهلیم» می‌نامند. با افزایش روند مهاجرت شیعیان به کشورهای صنعتی جهان و به وجود آمدن جماعت (community) های شیعی در اقصی نقاط عالم، مراسم سوگواری اربعین در این کشورها نیز برگزار می‌شود.

عزاداران عراقی به کربلا می‌رسند. در روز اربعین، مناسک عزاداری چهلمین روز شهادت امام حسین (ع) به اوج خود می‌رسد. در اربعین حسینی سال گذشته که این تصویر گوشه‌ای از آن را به تصویر کشیده است، ۹ میلیون نفر شرکت کردند.

منبع عکس:

<http://www.daylife.com/photo/07qH6pM2Ad31b/arbaeen>

تصویر چهارم: اربعین حسینی در عراق



حضور در حرم امام حسین (ع) و قرائت زیارت‌نامه وارده برای روز اربعین جزو اصلی مناسک این روز است.

در این تصویر، سوگوارانی نمایش داده شده‌اند که گاه از چند صد کیلومتر دورتر خود را برای حضور در این مراسم به کربلا رسانده‌اند.

منبع عکس:

<http://www.daylife.com/photo/07qH6pM2Ad31b/arbaeen>

<http://flickr.com/photos/31910792@N05/3151846864/>

تصویر دوم: اربعین حسینی در عراق



در عراق، زنان مشارکت فعالی در مراسم اربعین حسینی دارند، حضور بازماندگان بنی‌هاشم در این مراسم چشمگیرتر است. این عکس، تصویری از زنان سیده است که به سوی کربلا در حرکت هستند.

منبع عکس:

<http://www.daylife.com/photo/03Gy7LG4oyaOr/arbaeen>

در شهر راولپندی پاکستان نشان می دهد.

منبع عکس:

http://www.jafariyaneews.com/2k8_news/feb/29arbaeen_pak.htm

تصویر دهم: اربعین حسینی در سوئد



مشارکت جمعی در آیین های عبادی روز اربعین، جزو مهمی از واقعیت های فرهنگی شیعیان است.

حضور در مجامع عمومی و حمل پرچم هایی که هر یک معنایی نمادین دارند، در این مراسم چشمگیر است. تصویر حاضر شیعیان سوگوار را در شهر مالمو سوئد نشان می دهد.

منبع عکس:

http://www.jafariyaneews.com/2k7_news/mar/13sweden_arbaeen.htm

تصویر یازدهم: اربعین حسینی در سوئد



زنان و کودکان همواره مشارکت مهمی در مناسک سوگواری حسینی داشته اند. در این تصویر، عناصر مهمی از این مناسک از جمله حضور زنان، کودکان و سالمندان به همراه خانواده شان قابل مشاهده است.

این عکس گوشه ای از مراسم سوگواری اربعین حسینی در شهر مالمو سوئد را به نمایش می گذارد.

منبع عکس:

http://www.jafariyaneews.com/2k7_news/mar/13sweden_arbaeen.htm

در ایران نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه حتی در روستاهای کوچک و دورافتاده نیز مراسم سوگواری اربعین حسینی برگزار می شود.

این عکس گوشه ای از مراسم سوگواری حسینی را در روستای فروی، از توابع شهرستان نائین، در استان اصفهان نشان می دهد.

منبع عکس:

<http://www.farvi-ir.blogfa.com>

تصویر هشتم: اربعین حسینی در پاکستان



نمادهای عزاداری در میان سوگواران اربعین حسینی در پاکستان بسیار است. در این تصویر برخی از این اشیای نمادین مشخص شده اند که هر یک به نحوی مشارکت کنندگان را با چهلمین روز شهادت امام حسین (ع) مرتبط می کنند. «تعزیه» که در میان شیعیان شبه قاره هند همان ماکت حرم امام حسین (ع) است، در مرکز این عکس قابل مشاهده است.

منبع عکس:

http://www.jafariyaneews.com/2k8_news/feb/29arbaeen_pak.htm

تصویر نهم: اربعین حسینی در پاکستان



مراسم اربعین حسینی در پاکستان با جدیت بسیار برگزار می شود. این مراسم شامل مناسک نمادین بسیاری است. در تصویر حاضر، اسبی که نماد «ذوالجناح» است، همراه با عزاداران حرکت داده می شود. تصویر حاضر عزاداران حسینی را

تصویر پنجم: اربعین حسینی در عراق



این عکس عزاداران را در عراق نشان می دهد که برای حضور در مراسم اربعین حسینی به هر وسیله که ممکن بوده، خود را از بغداد به کربلا رسانده و سپس به بغداد باز می گردند. در عراق حضور در کربلا در روز اربعین حسینی از اهمیت خاصی برخوردار است. عکس حاضر در تاریخ ۲۸ فوریه سال ۲۰۰۸م (سال گذشته) برداشته شده است.

منبع عکس:

<http://www.daylife.com/photo/01e1ecD4yUeWi/arbaeen>

تصویر ششم: اربعین حسینی در ایران



در اصفهان روز اربعین، کاروان نمادین اسرای کربلا به حرکت درآمده است ...

تصویر هفتم: اربعین حسینی در ایران



مآخذشناسی اربعین حسینی

قبور شهدای کربلا در این روز است. از این رو، بهترین اثر منتشر شده در این زمینه است.

پیمان اسحاقی

چهلمین روز شهادت امام حسین (ع) به سبب اهمیتی که در عقاید و تاریخ اسلام داشته، همواره مورد توجه محققان و پژوهشگران اسلامی بوده است. به این سبب، هم‌اکنون شاهد طیف وسیعی از تولیدات علمی درباره ابعاد و ساحت‌های گوناگون این موضوع هستیم. این آثار از سویی از نقطه نظر الهی و تاریخی، ویژگی‌ها و خصوصیات این روز و اعمال و مسائل مربوط به آن را مورد توجه قرار داده و از سوی دیگر، با رویکردی اجتماعی و به طور عمده مردم‌شناختی، سعی داشته تا شناختی از مراسمی که در این روز برگزار می‌شود، ارائه کند.

در این مآخذشناسی، منتخبی از آثار و پژوهش‌ها در این باره را گرد آورده‌ام. از این رو باید گفت که این مآخذشناسی را هرگز نمی‌توان اثری جامع در شناخت ادبیات علمی تولید شده در این مورد دانست. همین‌طور از اشاره به چاپ‌های مختلف یک اثر - جز آنکه چاپ بعدی دارای ویژگی خاصی باشد - صرف‌نظر کرده‌ام. علاوه بر آن، ثبت اثر به صورت کتاب را نسبت به ثبت همان اثر به صورت مقاله در صورتی که پیش از چاپ به صورت کتاب، به عنوان مقاله چاپ شده باشد، ترجیح داده‌ام. نیز تنها کتاب‌ها و مقالاتی را که درباره این موضوع نوشته شده بوده گرد آورده‌ام (یک نمونه استثنایی شامل فیلمی هستند هم در این مآخذشناسی وجود دارد). مهم‌ترین بررسی‌ها و نقدها درباره برخی آثار منتشره نیز آمده است. آثار این مآخذشناسی بیشتر به زبان فارسی و گاهی به زبان عربی است. هر جا توضیحی لازم بوده، در پایان هر جز این مآخذشناسی اضافه شده است. برای سهولت کار محققان و علاقه‌مندان، کل آثار درباره اربعین شهادت امام حسین (ع) را به دو بخش آثار در حوزه الهیات، تاریخ و ادبیات و حوزه علوم اجتماعی تقسیم کرده‌ام. در پایان امیدوارم این اثر بتواند زمینه را برای افزایش پژوهش‌ها درباره اربعین حسینی به مقداری ولو اندک بگشاید.

آثار در حوزه الهیات، تاریخ و ادبیات

- ارباب قمی، محمدبن محمدتقی، *الاربعین الحسینیة*، تهران، اسوه، ۱۳۷۹، ص ۳۵۰.
- پورامینی، محمدامین، *اربعین حسینی: پژوهشی در بازگشت اهل بیت (ع) از شام به کربلا*، قم، حسین (ع)، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴.
- جعفریان، رسول، *پژوهش پیرامون اربعین امام حسین (ع)*، قدس، ۲۲ فروردین ۱۳۸۳، ص ۱۰.
- جعفریان، رسول، *چهل روز اشک و آه مهر و سپهر*، رسالت، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۶.

- جعفریان، رسول، *دلیل بزرگداشت اربعین چیست؟*، رسالت، ۱۷ اسفند ۱۳۸۵، ص ۱۷.
- جعفریان، رسول، *نخستین اربعین*، رسالت، ۲۴ خرداد ۱۳۷۷، ص ۵ و ۱۱.
- جعفریان، رسول، *جایگاه اربعین در فرهنگ شیعی و عاشورا: در گفت‌وگو با استاد رسول جعفریان...*، رسالت، ۱۸ اسفند ۱۳۸۶، ص ۶.
- جوادی آملی، عبدالله، *اسرار معنوی اربعین حسینی*، اطلاعات، ۲۷ اسفند ۱۳۸۴، ص ۶.
- حسینی طهرانی، سیدمحمد محسن، *اربعین در فرهنگ شیعه*، قم، عرش اندیشه، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷.
- رنجبر، محسن، *پژوهشی در اربعین حسینی علیه السلام*، تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۵، بهار ۱۳۸۴، صص ۱۵۷-۱۹۲.
- سبحانی‌نیا، محمدتقی، *تحقیقی درباره اربعین حسینی*، تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۴، صص ۱۴۷-۱۸۲.
- سوری، محمود، *اربعین حسینی و روز زیارتی حضرت اباعبدالله الحسین (ع)*، گلبرگ معرفت، شماره ۷۳، فروردین ۱۳۸۵، صص ۳۶-۴۰.
- شمس، محمدجواد، *تأملی تاریخی-تحقیقی در نخستین اربعین امام حسین (ع)*، سروش، سال ۱۹، شماره ۴۱، خرداد ۱۳۷۶، صص ۲۲-۲۵.
- احمدی فقیه، محمدحسن، *زیارت اربعین: آینه عرفان و آیت ایمان*، قم، دارالتفسیر، ۱۴۲۳ق، ص ۴۸.
- عناصری، جابر، *تجلی اربعین حسینی در دیوان برخی از شعرای عاشورایی اردبیل*، آذر مهر، سال ۴، شماره ۴۵، تیر ۱۳۷۴، ص ۳.
- فاضل، محمد، *تحلیل مبنای تاریخی اربعین حسینی*، رواق هنر و اندیشه، شماره ۱، خرداد ۱۳۸۰، صص ۵-۳۲.
- قاضی طباطبایی، محمدعلی، *تحقیق درباره روز اربعین حضرت سیدالشهدا*، تبریز، بی‌جا، ۱۳۵۲، ص ۶۸۱.

ویرایش دیگر

قاضی طباطبایی، محمدعلی، ... تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا سلام‌الله علیه، [ویرایش دوم]، تبریز، بی‌تا، پانزده + ص ۹۷۳.

چاپ اخیر

قاضی طباطبایی، محمدعلی، *تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا (ع)*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۵۵ + ص ۴۷۸. این اثر بدون شک دقیق‌ترین، مستندترین و جامع‌ترین اثر در زمینه اربعین شهادت امام حسین (ع)، بازگشت کاروان اسرای اهل بیت (ع) و زیارت

معرفی و توصیف

- *اربعین سیدالشهدا (ع)*، خیمه، شماره ۴۰ و ۴۱، خرداد و تیر ۱۳۸۷، صص ۳۶-۳۷.
- *کتاب تحقیق درباره اولین اربعین*، حوزه، شماره ۲، آذر ۱۳۶۲، صص ۱۱۸-۱۲۳.
- *نگاهی به کتاب تحقیق درباره روز اربعین حضرت سیدالشهدا (ع)*، کیهان فرهنگی، شماره ۸، آبان ۱۳۶۳، ص ۴۸.
- کامرانیان، عباسعلی، *دیدگاه‌های مختلف درباره اربعین*، کیهان، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۶.
- مهاجرانی، عطاءالله، *اربعین و بازگشت کاروان کربلا*، اطلاعات، ۲ اردیبهشت ۱۳۸۲، ص ۷.
- محمدی، محمدابراهیم، *اربعین حسینی*، فرهنگ کوثر، شماره ۶۴، دی ۱۳۸۴، صص ۲۹-۳۵.
- محمدی همدانی، اصغر، *اربعین سید شهیدان کربلا*، تهران، گلزار کتاب، ۱۳۸۴، ص ۹۶.
- مهدوی یگانه، مرتضی، *اربعین و چهل درس از کاروان آزادی‌آفرین کربلا*، تهران، جمهوری، ۱۳۸۷، ص ۱۲۳.
- نظری، عبداللطیف، *اربعین نور: اربعین حسینی*، گلبرگ معرفت، شماره ۶۱، فروردین ۱۳۸۴، صص ۴۹-۵۳.
- نمازی شاهرودی، حسن، *اربعین امام حسین علیه السلام*، تهران، دانشوران، ۱۳۷۸، ص ۱۶.

آثار در حوزه علوم اجتماعی (بیشتر مردم‌شناسی)

- *اربعین*، ۱۳۴۹، کارگردان ناصر تقوایی، محصول سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران، ۱۶ میلی متری، رنگی، ۲۱/۱۸ دقیقه
- این فیلم مستند مراسم اربعین حسینی در بوشهر را نشان می‌دهد. نوحه‌خوان این دسته‌عزاداران «بخشو» نام دارد.
- سینه‌زنی توسط هیئت عزاداران مسجد دشتی انجام می‌شود و سنج و دمام توسط هیئت عزاداران مسجد بهبهانی نواخته می‌شود.

معرفی و توصیف

- *صدایی واحد از سینه‌هایی عاشق*، همشهری، ۲۱ خرداد ۱۳۷۴، ص ۱۰.
- نصیری، مهدی، *مستند مذهبی کم‌داریم: بانیم‌نگاهی به مستند اربعین...*، قدس، ۱۸ فروردین ۱۳۸۴، ص ۴.
- جلالی، احمد، *ظرافت روح ایرانی در انطباق مذهب و ملیت: گفتاری در باب تقارن نوروز و اربعین*، ایران، ۲۷ اسفند ۱۳۸۴، ص ۱۷.
- *شیعیان زنگبار و مراسم اربعین*، وقف میراث جاویدان، شماره ۳۹-۴۰، مهر ۱۳۸۱، ص ۹۱-۹۳.



WWW.YAHOSEIN.ORG



خیلیا

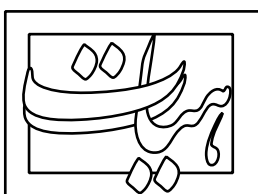
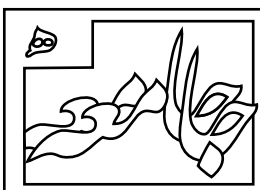
ماهنامه
فرهنگی
اجتماعی
خیمه

KHEIMEH
Cultural- Social
Monthly



در بخش رسانه به بررسی اهمیت و نقش رسانه‌ها به ویژه رادیو در انسجام ملی و نقش آن در پیوند زدن اقلیت‌های دینی پرداخته‌ایم. معرفی وبگاه عاشورایی «یا حسین» و بررسی مطبوعات در دهه آغازین محرم سال جاری از دیگر موضوعات بررسی شده در این بخش است.

KHEIMEH
Cultural- Social
Monthly



هر سال با آغاز محرم، بحث‌های رسانه‌ای ایران نیز به سمت واقعه بزرگ عاشورا تمایل پیدا می‌کند. هر رسانه‌ای با توجه به ویژگی‌هایش به بررسی ابعاد این قیام می‌پردازد و ویژگی هر رسانه ایجاب می‌کند، موضوعات را در قالب‌های خاصی به مخاطب ارائه دهد.

روزنامه‌ها و نشریات نسبت به رسانه‌های دیداری و شنیداری، قدرت بیشتری در ارائه تفسیر و تحلیل خبر دارند. مخاطب روزنامه با گزینش خبرهایی از آن، وقت خود را صرف خواندن مطالب می‌کند، اما در رادیو و تلویزیون این مخاطب است که در بند رسانه گرفتار است و اگر در همان زمان به رسانه توجه نکند، دیگر پیام را از دست می‌دهد. رسانه‌های مکتوب نسبت به رسانه‌های شنیداری و دیداری، میرایی کمتری دارند، اما ضرب نفوذ رادیو و بعد از آن، تلویزیون در جامعه ایران بیشتر است.

با توجه به ویژگی‌های هر رسانه، موضوعات مورد توجه در ۱۱ روزنامه را در دهه اول محرم امسال مورد بررسی قرار داده‌ایم. گزیده‌های مرتبط با امام حسین (ع) و قیام عاشورا و آیین‌های مذهبی را در روزنامه‌های قدس، کیهان، اطلاعات،

دهه اول محرم در آینه مطبوعات



همشهری، جام جم، آفتاب، جمهوری اسلامی، حزب...، خراسان، ایران و رسالت مشاهده کردیم.

در دهه اول محرم امسال، موضوعاتی که در همه روزنامه‌های فوق به چشم می‌خورد، مقالاتی درباره خرافه‌های اضافه شده به واقعه کربلا، تعزیه به عنوان یک هنر ملی، معرفی آیین‌ها و مراسم عزاداری مناطق و شهرهای مختلف ایران و پیوند عاشورا و غزه بود.

در روزنامه حزب... موضوعات برجسته شامل پیوند عاشورا و غزه، پیام‌های عاشورا، بررسی فلسفی قیام امام حسین (ع)، نبود دایرةالمعارف امام حسین، گردهمایی شیرخوارگان حسینی، بررسی علل خرافات، آداب عزاداری صحیح، فلسفه عزاداری، تعزیه‌خوانی و شیوه‌های تبلیغ فرهنگ عاشورا بودند. در این میان به موضوع بررسی خرافات و پیوند عاشورا و غزه، بیشتر از موضوعات دیگر پرداخته شده بود.

سپاه پاسداران با صدور اعلامیه‌ای مسلمانان جهان را به وحدت در برابر تعدی‌های اخیر رژیم غاصب صهیونیستی فرا خواند و در بخشی از اعلامیه خود چنین آورد: «تقارن ایام سوگواری سالار شهیدان و جنایات اخیر رژیم صهیونیستی در غزه ثابت کرد که صدای مظلومیت حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، صدای مظلومیت انسان‌های آزاده طول تاریخ در برابر یزیدیان زمان است.» عکس‌هایی از مردم غزه، سوژه صفحه‌های روزنامه‌ها شده بود که نوشتند: «غزه امروز عاشوراست.»

جام جم در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۰ در مطلبی با عنوان «غزه، کربلای امروز است» به بررسی تشابهات این دو واقعه پرداخت و خواستار اتحاد ملت‌های عربی و اسلامی در برابر رژیم اسرائیل شد.

مدیر کل ثبت آثار تاریخی، طبیعی و فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با اعلام خبر ثبت آیین‌ها و مراسم تعزیه تا ربیعین حسینی در فهرست آثار ملی کشور، نگاه مطبوعات را به این سمت سوق داد.

روزنامه جمهوری اسلامی در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۶ از تشکیل ستاد تعزیه توسط اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران خبر داد و تبلیغ بزرگی از این ستاد را در صفحه ۱۴ خود جای داد و همچنین در روزنامه‌های دیگر نیز به موضوع تعزیه

پرداخته شد. روزنامه همشهری صفحه فرهنگ همان روز را کامل به تعزیه اختصاص داد و از لزوم ثبت ملی این هنر سخن گفت.

در بخش خرافات و تحریفات، روزنامه‌ها بیشتر با مقاله‌های کامل و مصاحبه‌هایی، لزوم جایگزینی تفکر عقلانی بر احساس را ضروری دانستند. در این میان، بسیاری از مقالات رنگ و بوی کتاب حماسه حسینی شهید مطهری را می‌داد.

کیهان، با مصاحبه‌ای مجازی با شهید مطهری به بررسی آسیب‌ها و تحریفات صورت گرفته، پرداخت.

جام جم، در ستون «مکتب» خود با عنوان «خرافه‌زدایی از عاشورا» نوشت: «عزاداری عاشورای حسینی برای زنده نگهداشتن اهداف این حماسه (واقعه عاشورا) است و به همین دلیل عزاداران نباید کاری کنند که باعث وهن شهدای کربلا و خاندان عصمت و طهارت (ع) شوند.»

روزنامه ایران در یادداشتی با عنوان «زنگار خرافات از چهره عزاداری‌ها بشویم» نوشت: «در سوگواری‌های امام حسین (ع) برخی غلوها و خرافات ورود پیدا کرده است و برخی ناهنجاری‌ها مانند قمه‌زنی و زمین‌بوسی رواج پیدا کرده است.» در این مقاله آموزش مداحان، یکی از راه‌های مقابله با رواج خرافه‌پرستی عنوان شده است.

روزنامه آفتاب، سرمقاله روز تاسوعای خود را به کلیت مکتب امام حسین (ع) اختصاص داد و بر لزوم درک پیام قیام امام حسین (ع) تأکید کرد و نوشت: «بسیاری از ما توفیق داریم که نام خویش را در خیل عزاداران حسینی ثبت کنیم، اما با نگاهی به رفتار روزمره خود در عرصه‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی می‌توانیم به راحتی به دور افتادن خود را از راه حسینی درک کنیم.»

روزنامه قدس در صفحه ۷ و در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۵ در مصاحبه‌ای با مصطفی محدثی خراسانی با عنوان «نواهای آسمانی، قربانی آهنگ‌های زیرزمینی» به بررسی خطرات پیش روی مداحی‌های پاپ پرداخت و نوشت: «باید به سمتی برویم که انضباط عقلانی در نوحه‌سرایی‌ها وجود داشته باشد و این امر مستلزم همکاری مردم و رسانه است تا با ارتقای آگاهی در فضای اجتماعی، هر کسی که صدای خوب و بلندگوداشت، تا زمانی که صلاحیت و توانمندی او در این عرصه به اثبات برسد،

خود را مداح نداند.»

از چهره‌های روحانی که یادداشت‌ها و مصاحبه‌های وی در روزنامه‌ها بسیار فراوان کار شده بود، آیت‌الله جوادی آملی بود.

روزنامه همشهری با نشریات زیرمجموعه‌اش، از ابعاد مختلف، قیام امام حسین (ع) را مورد بحث قرار داده بودند.

«همشهری مسافر» که ضمیمه روزنامه همشهری است، از دید مسائل ترافیک شهری و تمهیدات شهرداری در جابه‌جایی عزاداران، مخاطبان را آگاه کرد. در یادداشتی با عنوان «قلیان و سی دی و چک‌بازی به جای تعمق و تفکر»، با موضوع پایدها و نیایدهای تاسوعا و عاشورا، نویسنده برخی از بی‌حرمتی افراد در هیئت‌ها را یادآوری می‌کند و می‌نویسد: «هیئت که تمام می‌شود، بچه‌های این محل انگار فراموش می‌کنند تا همین چند دقیقه پیش چه سینه‌ای می‌زدند و چه تلاشی برای انجام صواب داشتند. بساط قلیان‌کشی راه می‌افتد و به جای توجه به معرفت این روزها، جوک و داستان و خاطره جایگزین می‌شود.»

علاوه بر لزوم تعقل و بحث‌های فلسفی درباره قیام حسینی، آیین‌ها و مراسم شهرهای مختلف در روزنامه‌ها انعکاس یافت. آیین حرکت نخل در نایین در روزنامه اطلاعات، مراسم تشت‌گذاری اردبیل در روزنامه کیهان و... از جمله مراسمی بودند که در صفحات مطبوعات به چشم می‌خوردند.

روزنامه جام جم با توجه به حوزه فعالیت خود، به انعکاس برنامه و سریال‌های عاشورایی پرداخت و خبرهایی درباره فیلم‌کوتاه‌های تولید شده، مستندات عزاداری و بحث درباره آنها را بیان کرد.

از میان روزنامه‌های فوق، روزنامه آفتاب حجم کم و محدودی از مطالب خود را نسبت به مطبوعات دیگر به موضوع امام حسین (ع) و مناسک آیینی اختصاص داده بود.

انتشار ویژه‌نامه‌های تاسوعا و عاشورا، کار دیگر برخی از مطبوعات از جمله روزنامه‌های قدس، همشهری، کیهان و... بود که به صورت ویژه، این رویداد تاریخی مذهبی را از ابعاد مختلف مورد بحث قرار داده بودند. امسال نوع مطالب بارویکرد عقلانی به آیین‌ها و درک فلسفی از اهداف قیام توأمان بود و علاوه بر خبررسانی، تعمق و مباحث تحلیلی نیز بیشتر شده بود.

نقش رسانه در انتقال مفاهیم دینی و تحولات آن عمیق و تعیین کننده است. دست کم دو نظریه مهم در این مورد وجود دارد. از دیدگاه نخست، رسانه می تواند ابزار انتقال دهنده مفاهیم دینی باشد و از دیدگاه دوم، رسانه عاملی فرهنگی است که علاوه بر انتقال می تواند روی مقوله های فرهنگی - دینی نیز اثرگذار باشد.

اقلیت های دینی به عنوان بخشی از ملت ایران، یعنی افرادی که در چارچوب سرزمینی به نام ایران زندگی می کنند و کسانی که هویت ایرانی بودن را برای خود افتخار می دانند، از حقوق و احترام

برخوردارند. رادیومی تواند با قابلیت های خاص خود در حفظ و تحکیم این حقوق گام بردارد و مهم ترین گام در این راه، یافتن نقاط مشترک در فرایند برنامه سازی است.

در کشور ما ۳ اقلیت دینی زرتشتی، مسیحی و یهودی و یک اقلیت مذهبی سنی دارای اهمیت بیشتری نسبت به سایر اقلیت ها هستند.

رسانه به عنوان یک عامل وحدت بخش می تواند راهکارهایی را برای جلب مشارکت، همکاری و همدلی اقلیت های دینی و مذهبی به کار گیرد و از شیوه های گوناگونی برای عملی ساختن این هدف بهره برد.

امروزه موضوع جامعه شناسی دین از اهم مباحث جامعه شناسی است و اندیشمندان علوم اجتماعی با دیدگاه های گوناگون آراء و اندیشه های خود را در این زمینه مطرح ساخته اند. چالش های برون دینی از یک سو و از سوی دیگر، چالش های درون دینی که می توان آن را چالش های مذهبی نامید، چشم انداز خاصی را پیش روی ما می گشاید تا با شناخت دقیق قابلیت ها و

رسانه، عاملی وحدت بخش در همدلی اقلیت های مذهبی

محمد مهدی لیبی *

محدودیت ها در این وادی قدم بگذاریم. از جنبه ای دیگر امکانات مدرن ارتباطی امروز شرایط را برای طرح مباحث و موضوعات دینی تسهیل کرده و نسل جدید با مطالبات جدیدتری پابه این عرصه گذاشته است. در عین حال این نسل جدید است که با هجوم فرهنگی گسترده تری نیز روبه رو است و سکولاریسم، امروزه بسیار قوی تر و گسترده تر از گذشته دین را هدف گرفته است. امروزه ما با دوره جدیدی از سکولاریسم روبه رو هستیم که باید آن را سکولاریسم ستیزه گر (Militant

Secularism) نامید. ریشه های این سکولاریزم را باید در باطل شدن تزیهای گذشته جست و جو کرد، ادیان نه تنها افول پیدا نکردند، بلکه روز به روز قدرت بیشتری یافتند، حجاب امروزه به موضوعی هویتی تبدیل شده و همین هویت یابی در اقلیت های دینی نیز پیدا شده است.

(سروش، ۱۳۸۶)

از اینجا است که باید به موضوع اقلیت های دینی از دیدگاهی جدید نگریست، موضوعی که می تواند چالش بزرگی فراهم سازد و وحدت و انسجام ملی را تهدید کند؛ در حالی که برخورد درست و منطقی با این پدیده نتیجه ای معکوس به بار خواهد آورد. طبیعی است که بین ادیان و مذاهب گوناگون شاهد تفاوت هایی باشیم. این تفاوت ها می تواند ناشی از اعتقادات دینی یا مسائل فرهنگی باشد و بر نگرش افراد نیز مؤثر واقع شود. به عنوان مثال، بررسی ها در استان



می‌شود، جدانگه داشته و جامعه کلیمیان ایران همواره جنایات رژیم صهیونیستی را محکوم کرده است. با وجود امکانات فراوانی که حکومت اسرائیل در اختیار یهودیان سایر کشورها قرار می‌دهد و سیاست مهاجرپذیری این کشور که در جهت افزایش جمعیت و تقویت بنیان‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، یهودیان ایران در عمل نشان داده‌اند که ایرانی بودن اصل مهمی است که همواره به آن افتخار می‌کنند.

زرتشتیان

زرتشتیان ایران اقلیت بومی - دینی کشور محسوب می‌شوند. جمعیت اصلی زرتشتیان در مرکز ایران و در استان‌های یزد و کرمان است و در سایر استان‌ها از جمله تهران به صورت پراکنده زندگی می‌کنند. معبد «چک‌چکو» از جمله عبادتگاه‌های مهم زرتشتیان در ایران است که هر ساله زرتشتیان سراسر جهان را برای انجام مراسم دینی به این محل می‌کشاند و در واقع ایران را می‌توان مرکز اصلی آیین زرتشت قلمداد کرد.

همزیستی مسالمت‌آمیز زرتشتیان ایران با مسلمانان بسیار روشن است و تبادل فرهنگی آیین زرتشت و اسلام در بسیاری موارد به صورت پیوندهای ملی شکل گرفته است. اقلیت‌هایی مذهبی ایران شامل مذاهب گوناگونی می‌شوند، اما امروزه هنگامی که از اقلیت‌های مذهبی سخن می‌گوییم به مسلمانان سنی مذهب اشاره داریم. اقلیت بهایی با توجه به ضدیتی که با احکام دین اسلام و نبوت پیامبر (ص) دارد، در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده است و در واقع غیرقانونی محسوب می‌شود.

در بخش‌هایی از ایران نیز فرقه‌های مذهبی خاص دیده می‌شوند که از انشعابات شیعه است. معروف‌ترین این فرقه‌ها اسماعلیه و زیدیه هستند، اما تعداد آنها بسیار کم است.

مسلمانان سنی

اقلیت سنی را می‌توان تنها اقلیت مذهبی ایران دانست که از نظر جمعیت با سایر اقلیت‌های مذهبی کاملاً متفاوت است و تعداد بیشتری را شامل می‌شود. مسلمانان سنی مذهب ایران بیشتر در استان‌های مرزی زندگی می‌کنند. استان‌های کردستان، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، گلستان، خراسان جنوبی و بخش‌هایی از هرمزگان و جزایر خلیج فارس از این جمله‌اند.

رسانه‌ها و اقلیت‌های دینی و مذهبی

عملکرد رسانه با موضوع اقلیت مذهبی اهل سنت در چارچوب «انسجام اسلامی» و با ادیان

حضور دارد و جامعه مذهبی خاص خود را دارند و محدودیت‌هایی که در بسیاری از کشورها برای اقلیت‌های دینی در نظر گرفته شده است، در مورد آنها وجود ندارد. در حال حاضر، در سازمان صدا و سیما افرادی از این اقلیت‌ها وجود دارند که در بخش‌های گوناگون گویندگی، تهیه‌کنندگی و ... مشغول به کارند.

ارامنه

شمار کل ارامنه در جهان حدود ۹ میلیون نفر برآورد شده است که ۳ میلیون نفر از آنان در کشور ارمنستان و بقیه در کشورهای همجوار مانند ایران، ترکیه، عراق و سایر نقاط جهان زندگی می‌کنند. جمعیت ارامنه ایران نیز حدود نیم میلیون نفر برآورد شده است. در بعضی استان‌ها مانند آذربایجان غربی، اصفهان و تهران عده بیشتری از ارامنه زندگی می‌کنند و در بعضی استان‌ها مثل سیستان و بلوچستان و هرمزگان تقریباً ارامنه حضور ندارند.

پراکندگی حضور ارامنه در شهرها تابع قانون خاصی نیست. مثلاً ارامنه تهران بیشتر در اطراف خیابان کریم‌خان زند سکونت دارند؛ کلیسای معروف شورای خلیفه‌گری ارامنه نیز در همین محله و در ابتدای خیابان استاد نجات‌الهی واقع شده است.

ارامنه ایران سابقه خوبی در همزیستی و دوستی با مسلمانان دارند و این اقلیت از دید مسلمانان نیز به انسان‌های راستگو، درستکار و امانتدار مشهورند. ارامنه ایران با پذیرش برخی از نمادهای دینی مسلمانان، خود را به آنها نزدیک کرده‌اند و این نزدیکی، ارتباط آنان را با مسلمانان ایران بیشتر کرده است. موضوع تثلیث و به صلیب کشیدن عیسی (ع) از جمله موارد اختلاف مسلمانان و مسیحیان است که در قرآن کریم به صراحت بدان اشاره شده است.

اقلیت آشوری

اقلیت آشوری نیز با سابقه‌ای کهن‌تر از ارامنه وضعیت مشابهی دارند. از آشوریان بیش از ۹۰ کلیسا بر جای مانده است که تقریباً تمامی آنها امروزه بنای تاریخی محسوب می‌شوند. برخی کلیساها در نقاط روستایی واقع شده‌اند که امروزه حتی یک خانواده آشوری نیز در آن محل وجود ندارد، اما بنای کلیسا همچنان پابرجاست و معمولاً در ایام خاصی از سال در آن مراسم برگزار می‌شود. تعداد آشوریان حتی به تعداد جمعیت یک شهر نیست، اما آنان در مجلس شورای اسلامی یک نماینده دارند.

یهودیان

کلیمیان ایران خود را از آنچه صهیونیسم خوانده

سیستان و بلوچستان بیانگر متفاوت بودن نگرش گروه‌های قومی - مذهبی در مورد هنجارهای خانواده و رفتارهای باوری است، به طوری که نگرش شیعیان (غیر بلوچ) به خانواده حول محور ارزش‌های فردگرایانه و استقلال خانواده با عملکرد جمعیتی پایین است، در حالی که اهل سنت (بلوچ‌ها) بیشتر به الگوهای سنتی ارزش‌های خانوادگی گرایش دارند. (طالب، ۱۳۸۲: ۱۴۲)

در اینجا است که باید به دیدگاه‌های کلی‌گرا و عاری از تعصب بپردازیم. به قول شهید مطهری: «جهان‌وطنی اسلامی یعنی هر جا اسلام است، آنجا وطن است و در نتیجه تعصبات نژادی تا حدود زیادی از بین می‌رود، به طوری که نژادهای مختلف با یکدیگر همزیستی دارند و احساس اخوت و برادری می‌کنند، در گذشته شاگرد، خراسانی و استاد، مصری یا شاگرد، مصری و استاد، خراسانی بود.» (مطهری ۱۳۶۳: ۱۶۰)

اقداماتی چون نشر کتاب آیات شیطانی در گذشته و چاپ کاریکاتورهای پیامبر (ص) در نشریات دانمارکی و سخنان پاپ بندیکت شانزدهم در مورد تاریخ اسلام توانست فزق و مذاهب درون اسلام را یکپارچه ساخته و آنها را حول محوری مشترک متمرکز سازد. از سوی دیگر، تألیفات شیخ عثمان خمیس در پاکستان، سخنان پادشاه اردن در مورد شکل‌گیری هلال شیعی و فتوای برخی از علماء در مورد تخریب قبور ائمه شیعه در عراق و تخریب عملی بارگاه امامین عسکریین (ع) موجب گسترش شکاف بین شیعه و سنی شده است. در ایران اقلیت‌های دینی را هم می‌توان در چارچوب «اتحاد ملی» مورد بحث قرار داد و هم در چارچوب «انسجام اسلامی» و حداقل می‌توان به مثابه یک اقلیت مذهبی نیز به آن پرداخت.

اقلیت‌های مذهبی در ایران

در ایران اقلیت‌های مذهبی نیز وجود دارد. بر اساس آمار ۹۸ درصد جمعیت ایران مسلمان و ۹۱ درصد آنها نیز شیعه اثنی عشری‌اند؛ ۷ درصد از جمعیت مسلمان کشور، سنی مذهب‌اند. البته آمار جدیدتر، جمعیت ایرانیان سنی مذهب را تا ۱۲ درصد برآورد کرده است.

سه اقلیت زرتشتی، یهودی و مسیحی مهم‌ترین اقلیت‌های دینی ایران محسوب می‌شوند. یهودیان ایران را با نام «کلیمیان» و مسیحیان را نیز با دو نام «ارامنه» و «آشوریان» می‌شناسیم. این سه اقلیت در ایران عبادتگاه‌های خاصی دارند و در انجام دادن مناسک دینی آزادند. همچنین مدارس خاصی داشته و از کتاب‌های دینی خود در تدریس فرزندانانشان استفاده می‌کنند. در مجلس شورای اسلامی نماینده‌ای از آنان

سه‌گانه در چارچوب «وحدت ملی» است. از آنجا که جمعیت اهل سنت بیشتر در معرض فضاهای بیرونی واقع شده‌اند، این جمعیت اهمیت بیشتری دارد. آنچه مهم است تعیین خطوطی است که می‌تواند ما را به این مجموعه نزدیک کند و آنچه نمی‌تواند در ایجاد این زندگی مؤثر باشد، اصول و اعتقاداتی است که از دست دادن آنها حتی کم‌رنگ شدن آن پایه‌های یک مذهب را از بین می‌برد. بنابراین باید اصول و پایه‌ها را شناسایی کرد و سپس مواردی را که می‌توان در مورد آنها انعطاف نشان داد، مشخص کرد و بنا را بر مشترکات پایه‌ریزی کرد؛ بنایی که مورد قبول طرفین یا چندین طرف باشد. هر چقدر این بنا از ترکیب قوی‌تری حاصل شده باشد، استحکام و دوام آن نیز بیشتر خواهد بود.

اقلیت‌های دینی و مذهبی به سبب تعلقات خاصی که به یکدیگر دارند، می‌توانند در قالب تشکلهای یا گروه‌های غیررسمی شکل بگیرند. در بعضی از شهرها مانند سنج که اکثریت جمعیت آنها را اهل سنت تشکیل می‌دهد، فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز متأثر از همین تعلقات است. در بعضی شهرها مانند زاهدان که حدود نیمی از جمعیت سنی و نیمی دیگر شیعه است، این تعلقات بیشتر به صورت هویت‌یابی مطرح می‌شود؛ در حالی که در شهرهایی مانند تهران که تعداد اهل سنت در مقابل شیعیان ناچیز است، این احساس خودنمایی نمی‌کند.

در تبیین دین‌داری باید به دو اصطلاح «باورها» و «تعلقات» توجه کرد. آنچه به راحتی تغییر می‌کند، باورهای فردی است. افراد ممکن است به باورهای جدیدی برسند، اما در برابر آن، تعلقات، حالتی جمعی دارد و بسیار دشوار تغییر می‌کند. (شریعتی: ۱۳۸۶)

تفاوت‌های مذهبی می‌توانند موجب تفاوت در رفتارهای اجتماعی نیز بشود. به عنوان مثال، باروری علاوه بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی تحت تأثیر اعتقادات دینی نیز هست. در واقع می‌توان پذیرفت که اعتقادات دینی تفاوت‌های رفتاری خاصی ایجاد کرده است، اما ترکیب فرهنگی اقلیت‌های دینی و مذهبی در ایران به گونه‌ای است که «ایرانی بودن» به عنوان یک هویت اصلی، سایر متغیرها را تحت تأثیر خود قرار داده است. مراسم عروسی مسلمانان ایرانی را با همین مراسم در میان مسلمانان مثلاً لبنانی و پاکستانی مقایسه کنید؛ این عروسی‌ها به جز خواندن خطبه عقد و جه مشترک دیگری ندارد و از نظر نحوه دعوت، جشن، تغذیه و نحوه بروز شادی و خوشحالی کاملاً متفاوتند. برعکس مراسم عروسی یک ایرانی مسلمان با یک ایرانی

ارمنی به جز در مراسم خاص مذهبی جاری کردن صیغه عقد، بسیار شبیه است. (آر جایی، ۱۳۸۲: ۱۳۶)

نقش ویژه رادیو

رادیو به شکلی خاص قابلیت آن را دارد که در عرصه مباحث دینی مورد توجه قرار گیرد. در بیشتر کشورهای عربی و اسلامی، رادیو قرآن رسانه‌ای شناخته شده است، چرا که تلاوت قرآن نیاز به تصویر ندارد. در ایام ماه مبارک رمضان، افراد زیادی با شنیدن تلاوت قرآن آن را با قرائت همزمان از روی قرآن، تکمیل می‌کنند.

همچنین بحث‌های دینی که برای مثال، نمونه آن را از رادیو معارف می‌توان شنید، نیاز به تصویر ندارد. در مواردی که تلویزیون اقدام به پخش این‌گونه مباحث می‌کند، تنوع خاصی در تصویر دیده نمی‌شود و تصاویر تکراری و بدون تنوع است، بنابراین نقص تصویری در رادیو در مباحث

انتظار ما از رادیو این نیست که برنامه‌های آن مطابق با خواسته‌های اقلیت‌های دینی باشد، زیرا این انتظار نه معقول و نه عملی است، اما این انتظار وجود دارد که تلاش‌های مؤثری برای حفظ همبستگی ملی انجام شود

دینی چندان حائز اهمیت نیست.

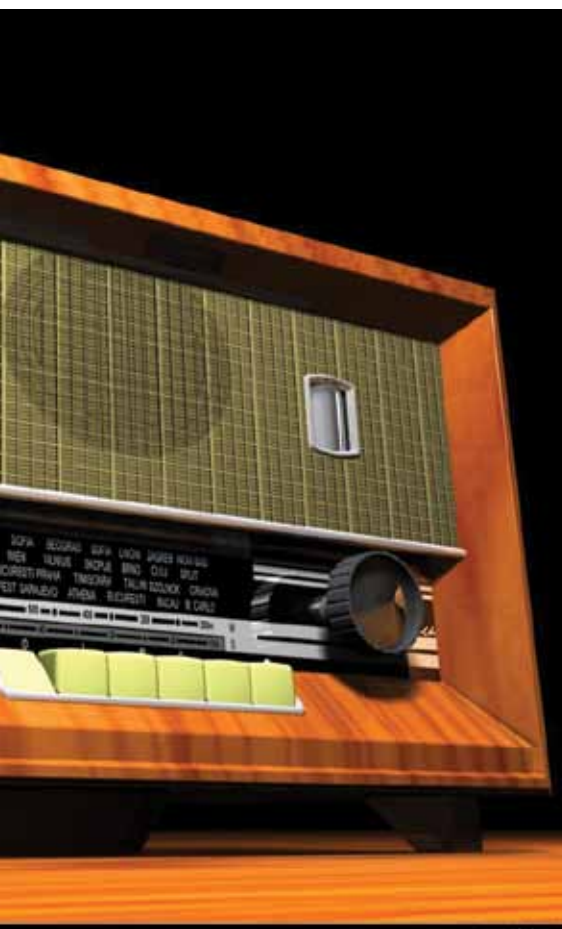
اما از قابلیت‌های رادیو در این زمینه، هنوز هم استفاده کامل نشده است. برای نمونه، ارتباط عامه مردم با مراجع تقلید و طرح سوالات دینی و شنیدن پاسخ از زبان آنان پیشنهادی مناسب در این زمینه است. این ارتباط، رابطه مردم را با مراجع دینی نزدیک‌تر می‌سازد. موضوع دیگر، مزیت نبودن تصویر است. گاه بعضی از مراسم به علت وجود تصویر، قابلیت پخش ندارد. مثلاً شکل اعمالی که در کلیسا در مراسم مذهبی انجام می‌شود، ممکن است همراه با تصویری باشد که پخش آنها با مبانی اسلامی مغایرت دارد. حتی پخش نماز اهل سنت به علت شکل خاص نماز، محدودیت‌هایی دارد. در صورتی که در رادیو این ضعف، قوت محسوب می‌شود. پخش تلاوت قرآن با صدای قاریان کشورهای گوناگون گامی در جهت انسجام اسلامی است. همین موضوع هم‌اکنون در پخش اذان نیز دیده می‌شود و اذان با صدای موزنان ایرانی و عربی پخش می‌شود.

«مزیت نداشتن تصویر» را می‌توان در مسائل دیگری نیز مورد استفاده قرار داد. حتی در مطرح کردن برخی از مشاهیر هنری، علمی و... می‌توان از این مزیت رادیو به خوبی استفاده کرد. ممکن است نبودن تصویر، میزان تأثیر‌گذاری

را در بعضی موارد کاهش دهد. به عنوان مثال، پخش یک سریال دینی یا مذهبی از تلویزیون می‌تواند بسیار مؤثرتر از برنامه‌ای رادیویی باشد، اما باید این موضوع را جامع‌تر مورد توجه قرار دهیم. رادیو می‌تواند در زمینه تولید نمایش‌هایی با موضوع بزرگان دینی و پیامبران الهی، گامی مهم در تحکیم وحدت دینی درون کشور بردارد. اقدام برای ساخت سریال‌هایی مانند حضرت ابراهیم (ع)، حضرت یوسف (ع)، اصحاب کهف، حضرت مریم (س) از سیما، هم در بُعد داخلی و هم در بُعد خارجی، مثبت ارزیابی می‌شود. اگر چه در همین موارد نیز، نه در محتوا بلکه در شکل و صورت، اختلاف نظر‌هایی وجود دارد که باید به آنها توجه کرد.

از آنجا که مسائل دینی با تحولات جامعه متحول می‌شود، طرح مسائل و پاسخ به آنها از رادیو اهمیت زیادی دارد.

این مسائل نباید تنها حوزه احکام دینی را دربرگیرد، بلکه می‌توان با استفاده از آن در برنامه‌های تخصصی‌تر به سایر حوزه‌ها نیز پرداخت. در هر شبکه می‌توان محتوای خاصی برای آن تعریف کرد. برای مثال، رادیو سلامت هم‌اکنون با برنامه «سلامت و شریعت» فقط به مسائلی می‌پردازد که موضوع دین و سلامت جسم در آنها مطرح است و به فتاوی شرعی نیازمند است. شاید در حوزه جوانان مسائل خاصی مطرح باشد که تنها به همین گروه سنی مربوط می‌شود، در صورتی که رادیوهای معارف و قرآن می‌توانند مطالب عام را مورد توجه قرار



۳- نگرش‌های حاشیه‌ای

در بخش نخست، رسالت رادیو، تقویت و استحکام باورهای دینی است، زیرا این اصول زیربنای اعتقادی بیشتر مردم را تشکیل می‌دهند. در بخش دوم، باورهایی جای می‌گیرند که می‌توانند به صورتی متعادل تر مطرح شوند تا موجب تقویت وحدت ملی و انسجام اسلامی شوند و در بخش سوم باید از نگرش‌هایی که جزو اصول دینی نیست و طرح آنها می‌تواند عوارض و پیامدهای منفی به بار آورد، خودداری شود.

راهکارهای برنامه‌سازی رادیویی برای انسجام اقلیت‌های دینی در ایران:

توجه به مناسبت‌ها و آداب و رسوم
 توجه به شهداء و شخصیت‌های برگزیده
 توجه به مکان‌های تاریخی، مذهبی
 پرهیز از پررنگ کردن مسائلی که زمینه‌ساز اختلاف می‌شود
 استفاده از کارشناسان، متخصصان و هنرمندان
 اقلیت‌ها در برنامه‌های خاص رادیویی

انتظار ما از رادیو این نیست که برنامه‌های آن مطابق با خواسته‌های اقلیت‌های دینی باشد، زیرا این انتظار نه معقول و نه عملی است، اما این انتظار وجود دارد که تلاش‌های مؤثری برای حفظ همبستگی ملی انجام شود و البته باید توقع برآمدن هر آرزو یا اجابت هر دعایی را از سر بیرون کنیم و البته عبودیت و بندگی اقتضا می‌کند که به هر حال همه چیز، بدی یا خوبی را از خدا بدانیم و در عین اینکه همه چیز را از او می‌خواهیم، وظایف خود را فراموش نکنیم. (سروش ۱۳۸۷: ۱۰۴)

*مدیر رادیو تجارت

منابع:

- آرلینج، جوانا. (۱۳۸۴)، برنامه‌ریزی در رادیوهای خصوصی، ترجمه معصومه عصام، انتشارات تحقیق و توسعه رادیو.
- جوادی یگانه، محمدرضا و کلانتری، عبدالحسین (۱۳۸۴)، رسانه دینی، مخاطب دیندار و رضایت نسبی، globalmediajournal.com دانشگاه تهران.
- خجسته، حسن (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی رادیو، رسانه، دفتر پژوهش‌های رادیو.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲)، مشکل هویت ایرانیان امروز، نشر نی.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۶)، سخنرانی در خانه دانشجویان بلژیک، کوی دانشگاه پاریس.
- شریعتی، سارا (۱۳۸۶)، پروژه اجتماعی اصلاح دینی، سخنرانی در دومین همایش دین و مدرنیته، حسینیه ارشاد.
- شقایق، ویدا (۱۳۸۴)، درست و غلط در زبان، مجموعه مقالات زبان و رسانه، انتشارات تحقیق و توسعه صدا.
- طالب، مهدی و گودرزی، محسن (۱۳۸۲)، قومیت، نابرابری آموزشی و تحولات جمعیتی، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۱.
- مظهری، مرتضی (۱۳۶۲)، سیری در ائمه اطهار.

کلی شناخت مخاطبان باشد.

مخاطبان بیشتر بر مبنای شباهت‌های بین نیازها، علاقه‌مندی‌ها و سلیقه‌های فردی تشکیل می‌شوند و بسیاری از آنها منشأ اجتماعی یا روانشناختی دارند. انواع نیازهای اصلی افراد عبارتند از نیاز به اطلاعات، آرامش، همراهی و تفریح یا فرار. (خجسته، ۱۳۸۶: ۱۳۸)

چه اطلاعاتی مورد نیاز اقلیت‌های دینی است؟
 پرسش اینجاست که چه اطلاعاتی مورد نیاز اقلیت‌های دینی است؟ و یا طرح چه موضوعاتی نمی‌تواند برای آنها ایجاد آرامش کند و حتی همراهی با آنها چه معنایی دارد؟ تشخیص نادرست نیازها در برنامه‌های عادی رادیو نیز روی می‌دهد، به طوری که ممکن است تصویری که از مخاطب در ذهن ما شکل می‌گیرد با واقعیت منطبق نباشد و همین موضوع به بی‌توجهی بخشی از مخاطبان به برنامه‌های رادیویی منجر شود.

در رسانه‌های صوتی، برنامه‌سازان، مخاطبان

رادیو می‌تواند در زمینه تولید نمایش‌هایی با موضوع بزرگان دینی و به صورت بسیار روشن پیامبران الهی، گامی مهم در تحکیم وحدت دینی درون کشور بردارد

مسئورتر را در نظر دارند که تنها با یک زبان آشنا هستند و به علل گوناگون جوان‌ترها به برنامه‌های آنان توجه ندارند. (شقایق، ۱۳۸۴: ۴۱۰)

از سوی دیگر، قابلیت‌های رادیو در سال‌های اخیر تحول وسیعی یافته است. عادات گوش دادن به رادیو در مردم طی پنج تا ده سال گذشته تغییر کرده است. تنوع سلیقه و علاقه بیشتر شده، زیرا قالب‌های رادیویی بیشتری عرضه شده‌اند. (آرلینج ۱۳۸۴: ۲۹۶) بنابراین می‌توان از این قالب‌های متنوع که حاصل تجربیات ارزشمندی در حوزه برنامه‌سازی رادیو بوده است، برای به حداکثر رساندن توانمندی این رسانه در جلب و جذب اقلیت‌های دینی نیز بهره برد. گاهی اوقات شنیدن صدایی خاص می‌تواند این جاذبه را ایجاد کند.

راهبرد رادیو در اتحاد و انسجام ملی قومیت‌ها
 رادیو به عنوان یک رسانه باید اصول اعتقادی حاکم بر جامعه را به ۳ بخش متفاوت تقسیم کرده و برای هر یک برنامه‌ریزی مناسبی انجام دهد. این ۳ بخش عبارتند از:

- ۱- اصول ثابت و غیر قابل تغییر
- ۲- باورهای قابل انعطاف

دهند. بوداییان، یهودیان و زرتشتیان در سطح جهانی چندان علاقه‌ای به تبلیغ دین خود ندارند، اما مسیحیت در این مورد استثناست. حضور چندین شبکه تلویزیونی و رادیویی که تنها به تبلیغ دین مسیح می‌پردازد، از این جمله است و اهل سنت نیز به مثابه یک مذهب، تلاش‌های عملی برای تبلیغ مذهب خود به کار می‌برد.

این تلاش‌ها هم در قالب رادیو، هم در قالب اینترنت و هم در قالب تلویزیون انجام می‌شود و بعید نیست در سال‌های آینده با تنوع زبانی بیشتری نیز ادامه یابد. با توجه به گونه‌شناسی مک کوئیل، رسانه دینی در ایران انواع و جنبه‌های گوناگونی دارد. هم رسانه دینی خاص وجود دارد (رادیو معارف و رادیو قرآن) و هم برنامه‌هایی را می‌توان یافت که دارای مضامین آشکار یا نهان دینی هستند. (جوادی یگانه: ۱۳۸۴: ۲)

به عبارت دیگر، رادیو هم به صورت مستقیم (مانند پخش تلاوت قرآن یا مداحی یا سخنرانی) مفاهیم دینی را منتقل می‌کند و هم به شکل غیرمستقیم در قالب مضامین گوناگون دیگر سعی در طرح و انتقال مفاهیم دینی دارد. رادیو می‌تواند دایره طرح مفاهیم دینی را به گونه‌ای توسعه دهد که در بسیاری از مناسبت‌ها و موضوعات، اقلیت‌های دینی را نیز دربرگیرد. طرح درست موضوعات مناسب مشترک این کارکرد را دارد، اما مهم چگونگی بیان و گفتار است. باید فهم درستی ایجاد کرد و پس از آن گفتار مناسب با آن فهم را ایجاد کرد. نگرش رادیو به اقلیت‌های دینی و مذهبی می‌تواند در چارچوب



معرفی اجمالی پایگاه اینترنتی «یا حسین»

WWW.YAHOSEIN.ORG

برهان محمودی

یکی از معروفترین و پربینندهترین سایت‌های شیعی که فعالیت آن بیشتر به زبان عربی است، پایگاه اینترنتی یا حسین (موقع یا حسین) است. این پایگاه که بیش از هفت سال است به نشر فرهنگ شیعی می‌پردازد، تاکنون بیش از ۲۰ تا ۲۵ میلیون بازدید داشته است. هر چند که این رقم در صفحه نخست آن (اگر همین روزها سری به آن بزنید) رقم پنج میلیون و اندی ثبت شده، اما به گفته «محمد المصري»، مدیر این پایگاه اینترنتی، از آنجا که بسیاری از فایل‌های صوتی و تصویری آن انحصاری و تولیدی همین سایت است، بسیاری از وبلاگ‌ها و سایت‌های دیگری نیز که در نشر اندیشه عاشورایی فعال هستند، مطالب و فایل‌های این سایت را به عنوان مرجع و منبع مطالب خود ذکر کرده‌اند (به اصطلاح لینک داده‌اند) که همین مسئله سبب افزایش بازدیدهای آن شده است.

علت استقبال شدید کاربران اینترنتی از این پایگاه، نبود شبکه‌های دینی و به‌ویژه شیعی برای مسلمانان و شیعیان اروپا و آمریکاست. به همین دلیل، تنها مرجع رفع نیازهای دینی آنها، شبکه جهانی اینترنت خواهد بود.

یکی دیگر از دلایل این امر می‌تواند تهیه دامنه‌های «دات کام»، «دات ارگ» و «دات نت» برای ورود به این سایت باشد. به این معنی که کاربر اگر عبارت yahosein یا yahoseyn را با هر کدام از پسوند‌های فوق جست‌وجو کند، به طور حتم، وارد همین پایگاه اینترنتی خواهد شد که در نوع خود جالب توجه است.

در صفحه نخست سایت، عبارت «یا حسین» به همراه تصویری از ضریح آن حضرت، تقریباً حجم زیادی از فضای بصری را به خود اختصاص داده است. البته در کنار و اطراف آن هم جملاتی از زیارت عاشورا

(السلام علی الحسین...) و احادیثی از رسول اکرم (ص) درباره حضرت اباعبدالله (ع) زیور صفحه اول شده است.

در دو ستون کناره‌های راست و چپ سایت بخش‌های مختلفی نام برده شده که پس از ورود به هر کدام از این بخش‌ها، با حجم انبوهی از مطالب روبه‌رو می‌شویم که واقعاً گاهی مواجهه با یک شبکه تلویزیونی را برای مخاطب تداعی می‌کند.

بسیاری از سایت‌ها و وبلاگ‌های شیعی لینک مطالب و ویدیوهای «یا حسین» را در سایت خود قرار داده‌اند.

به عنوان مثال، بخشی که به گفته مدیر این سایت، به متبرک‌تر شدن آن کمک فراوانی کرده، بخش «القرآن الکریم» است. با ورود به این بخش با بیش از بیست قاری مواجه می‌شویم که بسیاری از آنها دوره کامل قرآن را به «ترتیل» و تعدادی هم به «صوت و لحن» به مخاطب ارائه می‌دهند و مجموع آن به بیش از ۱۰۰۰ فایل صوتی می‌رسد که شاید در بسیاری از سایت‌های ایرانی که فعالیت تخصصی در حوزه قرآن دارند، شبیه آن را نتوان دید. قاریانی چون «شهریار پرهیزگار»، «محمد المنشاوی»، «شحات انور»، «عبدالباسط عبدالصمد» و «شاطری» از جمله قاریان معروف این بخش هستند.

مطمئناً مهم‌ترین و پربیننده‌ترین بخش «موقع یا حسین» بخش ویدیوی آن (قسم الفیدیو) است. مصری می‌گوید: «حجم این بخش در ابتدا بیش از سیصد ساعت بود که محرم امسال تا حدود ۲۰۰ ساعت دیگر نیز فایل‌های ویدیویی جدید به آن اضافه شد.»

بخش «مجالس حسینی» که یکی دیگر از پر مخاطب‌ترین بخش‌های این سایت است، (هر چند تنها برای کاربران عرب‌زبان)

شامل بیش از چند هزار فایل صوتی از مجالس سخنرانی استادان و سخنرانان مشهور عرب در بسیاری از کشورهای اسلامی و غیراسلامی است که حجم آن به بیش از ۱۰ هزار فایل می‌رسد.

سخنرانانی چون «شیخ دکتر احمد الوائلی»، «شیخ دکتر فاضل المالکی» (از مراجع تقلید عراقی مقیم قم)، «شیخ هادی کربلایی» (از سخنرانان معروف و محبوب عراقی در دهه‌های گذشته)، «شیخ مرتضی شاهرودی» و «سید محمدباقر فالی» (از روحانیان سرشناس کویت) از جمله این سخنرانان هستند که برای هر کدام بیش از چند «گیگابایت» فایل صوتی و تصویری در سایت موجود است.

به گفته محمد المصري، تنها در محرم سال گذشته بیش از ۲۵۰ «گیگابایت» دریافت مطالب (دانلود) از سوی کاربران صورت گرفته است که نشان از قدرت پهنای باند این سایت دارد.

قرار است بخش جدیدی به سایت اضافه شود که در نوع خود اگر نگوییم بی‌نظیر، حداقل کم‌نظیر است: «کتابخانه دیجیتال اسلامی»

تا پایان امسال فایل‌های الکترونیکی کتاب‌های بی‌شمار شیعه در زمینه تاریخ، فقه، عقاید، ادبیات، اصول، حدیث، علوم قرآن و... روی سایت قرار خواهد گرفت تا زمینه استفاده عموم شیعیان و غیر شیعیان از آنها فراهم شود.

یکی از جذاب‌ترین بخش‌های این سایت «قسم المنتديات الحوار» است. این ستون که یکی از نوآوری‌های فعالیت رسانه‌ای در زمینه دین است، محلی است برای گفت‌وگو (و به قول عرب‌ها حوار) در زمینه سؤالات و شبهات دینی و شیعی. در حال حاضر بیش از ۶۰ هزار نفر عضو این بخش هستند. تنها حسن عضویت در بخش گفت‌وگو این است که از آنجا که تنها شیعیان می‌توانند عضو این بخش شوند، بسیاری از شبهاتی که آسیب برای شیعیان است و ممکن است عمومی کردن آنها آفتی برای شیعه شود، در میان خود شیعیان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. اما بسیاری از مباحث و مسائل دیگری که مورد سؤال سایر مسلمانان و حتی غیر مسلمانان است، ممکن است در این بخش مورد بحث و بررسی قرار گیرد که به آنها به صورت مباحثه‌ای پاسخ داده می‌شود.

در ادامه، سایر بخش‌های موجود در «المنتديات الحوار» را به صورت گذرا معرفی

شیعیان جنوب در حال عزاداری و قمه‌زنی بودند که نیروهای ارتش اسرائیل در حال نظاره آنها بودند. در همین حال عزاداران حسینی با قمه‌ها و زنجیرهای خود به سمت اسرائیلی‌ها حمله‌ور شدند که به درگیری و فرار موقت اسرائیلی‌ها انجامید. از آن زمان به بعد تا زمانی که اسرائیل جنوب لبنان را غصب کرده بود، هر ساله ماه محرم، دیگر نیروهای ارتش اسرائیل جرأت نزدیک شدن به عزاداران را نداشتند.

برای آشنایی بیشتر با این پایگاه اطلاع‌رسانی به آدرس <http://www.yahosein.org> مراجعه کنید.

کامپیوتر»، «کودک و خانواده»، «نوجوانان و دانش‌آموزان» و «جوانان و دانشجویان» می‌پردازند. یعنی هر کدام از گروه‌های فوق می‌توانند با مراجعه به محل مورد نظر خود، مباحث دلخواه‌شان را انتخاب و استفاده کنند.

۶. این سایت دو بخش هم به دوزبان انگلیسی و فارسی دارد که برای کاربرانی که به این دوزبان سخن می‌گویند می‌تواند مورد استفاده باشد که البته همه بخش‌ها و به‌ویژه سخنرانی‌ها و عزاداری‌ها را ندارند.

شاید این یکی از ضعف‌های این وب‌سایت باشد که به گفت‌مدیر پایگاه قرار است به‌زودی هم بخش‌های موجود در پایگاه به این دوزبان هم ترجمه شده تا قابل استفاده برای همگان باشد.

اما یکی دیگر از ضعف‌های موجود در این سایت که احتمالاً به یکی از آفت‌های این سایت تبدیل شده نشان دادن چند قطعه از مراسم «قمه‌زنی» در «قسم الفیدیو»

می‌کنیم:
۱. المنبر الحر: همان چیزی است که در فارسی به آن «تربیون آزاد» می‌گوییم. این بخش که بیشتر به مسائل سیاسی و اجتماعی روز می‌پردازد، در واقع جایی برای به‌روز بودن و اظهار نظر کردن‌های سیاسی جهان اسلام و به‌ویژه تشیع است.
۲. العقائد والسيره والتاریخ: این بخش برای اعضاست که با حضور در این بخش می‌توانند موضوعات جدیدی را که به نظر آنها جالب است اضافه کرده و پس از تأیید مدیر وب‌سایت، دیگران هم می‌توانند از آنها استفاده کنند و همان قسمتی است که شیعیان و غیر شیعیان در آن درباره موضوعات مهم ادیان گفت‌وگو و به عبارتی مناظره دارند.

۳. منتدی الفقه: با توجه به اینکه قرار است این وب‌سایت یک سایت جامع و پاسخگو باشد، حتماً بخشی هم برای پاسخ به سؤالات شرعی و فقهی باز دید کنندگان

WWW.YAHOSEIN.ORG



خود است. مدیر پایگاه می‌گوید که مراسم قمه‌زنی یکی از محبوب‌ترین مراسم عزاداری نزد شیعیان عراق، لبنان و پاکستان است که البته بیشترین باز دید را هم به خود اختصاص داده‌اند. او درباره حرام بودن قمه‌زدن از نظر مراجع شیعه می‌گوید: «البته این حرکت از نظر مراجع گذشته نه تنها تقبیح نشده که بسیار هم استقبال می‌شده است. زیرا حکم اولیه آن جایز و شاید واجب هم باشد. اگر علمای امروز آن را تحریم کرده‌اند، به خاطر بازتاب‌های بین‌المللی آن است که سبب ورود حکم ثانویه (حرمت) بر آن شده است.» او خاطره‌ای هم تعریف می‌کند: زمانی که جنوب لبنان در دست ارتش رژیم صهیونیستی بود، در ماه محرم

دارد که «منتدی الفقه» آن را پاسخگوست.
۴. «فی رهاب المرجعیه» و «استضافه العلماء والباحثین»: بخش‌هایی هستند که به سؤالات مردم از علماء و مراجع در زمینه‌های گوناگون پاسخ داده می‌شود. شاید بتوان این دو بخش را دنبال همان منتدی الفقه دانست، با این تفاوت که سؤالات مردم از مراجع و علماء (در بخش اخیر) هم سؤالات فقهی و شرعی و هم غیر از آن را در زمینه‌های کلامی و تاریخی شیعه را شامل می‌شود.

۵. چند بخش دیگر در این سایت است که ادعای ما درباره جامع و کامل بودن آن را اثبات می‌کند. بخش‌هایی که به مباحثی چون «سرگرمی»، «فناوری اطلاعات و

● به اهالی آسمان هم سری بزیند

در شماره پیشین این ماهنامه، گزارشی با تیتیر فوق و با موضوع «حضور طلاب مبلغ در مناطق محروم» آمده بود که به دلیل ایجاز، تخلیص و کمی وقت، اندکی از محتوای اصلی دور شده است. به عنوان مثال، مبلغ ۸۰۰ میلیارد تومان یاد شده در متن ۱۸۰ میلیارد تومان است.

● هزار کتاب با موضوع امام حسین (ع) ثبت شده است

حجت الاسلام و المسلمین «محسن الویری» عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) گفت: «۳ هزار کتاب با موضوع امام حسین (ع) در الذریعه به ثبت رسیده است.»

وی در همایش «عاشورا، هویت اجتماعی و سیاسی شیعه» که در محل سالن همایش‌های دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی برگزار شد، بیان کرد: «تعداد ۱۰۰ کتاب از این ۳ هزار کتاب ثبت شده، مقتل و مابقی مانند «ریاضة الشهداء» به طور غیر مستقیم پیرامون امام حسین (ع) و قیام عاشورا هستند.»

الویری با بیان اینکه «بخش قابل توجهی از منابع مکتوب تاریخی ما در باب عاشورا است»، افزود: «تاریخ و میراث تاریخی شیعیان به منابع مکتوب خلاصه نمی‌شود، بلکه بقاع و اماکن متبرک کر بلا و شام، تکیه‌ها، حسینیه‌ها و زینبیه‌ها در مجموع تاریخ و میراث تاریخی شیعه را تشکیل می‌دهند.»

این استاد دانشگاه، آموزه‌های دینی و مذهبی، روحیه ایرانی‌ها و تاریخ و میراث تاریخی را از سرمایه‌های فرهنگی شیعیان و عاشورا دانست و در خصوص دستاوردهای فرهنگی شیعه و عاشورا خاطر نشان کرد: «هنرهای نمایشی، معماری، آیین‌ها و مراسم، علوم و سبک زندگی کنونی همه و همه از دستاوردهای فرهنگی شیعه و عاشورا است که نشان از عدم تأثیر گذاری تبدیل زندگی روستایی به شهری بر رویکرد عاشورایی فرهنگ شیعی، تأثیر پذیری فرهنگی همه اقشار، طیفها و رده‌های سنی از عاشورا، تأثیر پذیری همه ابعاد، اجزاء و اضلاع فرهنگ شیعی از عاشورا و پایایی تأثیر پذیری فرهنگ شیعی از عاشورا دارد.»

رئیس مؤسسه شیعه‌شناسی نیز در این همایش، به بیان کارکرد اجتماعی عاشورا پرداخت و گفت: «چرایی تداوم آیین و رفتارهای سوگوارانه در جامعه همزمان با ایام محرم، با بیان کارکرد اجتماعی عاشورا روشن می‌شود.»

حجت الاسلام و المسلمین «محمود تقی‌زاده داوری» افزود: «کارکردهای اجتماعی زمانی مطرح می‌شوند که جامعه به صورت یک کل

واحد در نظر گرفته شود و در این میان جامعه سیستمی دارای اجزای متعدد است که ایفای نقش هر یک موجب بقای کل می‌شود.»

وی این نظریه را در علوم اجتماعی «کارکردگرایی» خواند و خاطر نشان کرد: «سیر تحول جوامع از سنتی به مدرن موجب بی‌نیازی جوامع از دین و اخلاق نشده و هنوز در جوامع مدرن غربی افرادی وجود دارند که نیاز جامعه به دین را نیازی تام می‌دانند.»

رئیس مؤسسه شیعه‌شناسی با تأکید بر نیاز جوامع مدرن به دین به عنوان عامل همبستگی جامعه، تصریح کرد: «احیای شبهای قدر و مراسم عاشورا و محرم، آیین‌های دینی اسلامی‌ای است که اگر به خوبی به آن رسیدگی شود، نقش یکپارچه‌کننده و فراگیری را ایفا می‌کند.»

تقی‌زاده داوری، در پایان این همایش بیان کرد: «امروز و در دنیای معاصر شیعه با مراسم عزاداری امام حسین (ع) شناخته می‌شود و کارکردهای فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی و بین‌المللی آن نیازهای مهم اخلاقی، حقوقی، اجتماعی و عاطفی ما شیعیان را برآورده می‌کند.»

● نمایشگاه «ملکوت خون» در موزه امام علی (ع) تمدید شد

نمایشگاه «ملکوت خون» از مجموعه‌نو نگاره‌های عاشورایی که از ۱۴ دی ماه در موزه هنرهای دینی امام علی (ع) دایر بود، تا ۳۰ بهمن ماه تمدید شد. نمایشگاه «ملکوت خون» در برگیرنده ۲۵ اثر عاشورایی «مهدی فرخی» است که به تجسم متفاوتی از حماسه عاشورای می‌پردازد.

همچنین با تمدید این نمایشگاه، چهار اثر جدید این هنرمند نیز با نام‌های «خون عزت» با موضوع شهادت حضرت ابوالفضل (ع)، «شکوفه‌های خون» با موضوع شهادت حضرت علی اصغر (ع)، «فرود ملاتک» و «شکوفه‌های درون» پیرامون زندگی حضرت فاطمه (س) به نمایش درمی‌آید. تاکنون جمعی از استادان برجسته دانشگاه هنر از جمله «محمدباقر ضیایی»، «علی رامین» و «محمدعلی رجبی» از این نمایشگاه بازدید کرده‌اند.

● نمایش رادیویی «زمانی برای مردن» پخش می‌شود

نمایش رادیویی «زمانی برای مردن» با موضوع حاشیه قیام مختار ثقفی از آغاز ماه صفر پخش شده است.

این نمایش به نویسندگی «عباس اکرمی» و کارگردانی «شهرام نیوری‌زاده»، توسط گروه نمایش واحد سمعی و بصری روابط عمومی سازمان تبلیغات اسلامی در استودیو عرفان کهن ضبط شد.

متن این نمایش با موضوع حاشیه قیام مختار

ثقفی به نگارش درآمده که توسط گروه نمایش واحد سمعی و بصری روابط عمومی سازمان به قالب اجرای رادیویی درآمده است.

نمایش «زمانی برای مردن» با بازی «عباس لهراسبی»، «محمد عبدالهادی»، «احسان بالایی» و «محمدحسن حبیبی»، به صورت نسخه لوح فشرده تکثیر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. نمایش «زمانی برای مردن» سال‌های گذشته در تماشاخانه مهر حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی اجرا شد.

● ارتباطات دینی از مؤلفه‌های جامعه اسلامی است

شرکت‌کنندگان در چهارمین نشست «هم‌اندیشی ارتباطات دینی» با اشاره به اینکه گسترش دانش و آگاهی‌های دینی منجر به افزایش گرایش به دین است، تأکید کردند که ارتباطات دینی از مؤلفه‌های جامعه اسلامی است. استاد دانشگاه باقرالعلوم قم در چهارمین هم‌اندیشی ارتباطات دینی با عنوان «آثار اجتماعی ارتباطات دینی» گفت: «اگر منظور از آثار اجتماعی پیامدهای اجتماعی در علوم اجتماعی است، مفهومی جاافتاده است که باید جامعه اسلامی را مقابل یک جامعه غیراسلامی و یا ارتباطات اسلامی را مقابل ارتباطات غیراسلامی مورد توجه قرار داد که در این باره، هنوز مطالعه و پژوهشی شکل نگرفته و نیاز به تحقیقات میدانی گسترده و مقایسه میان انواع ارتباطات و جوامع دارد.»

حجت الاسلام و المسلمین «کریم خان محمدی» با بیان اینکه «باید آثار اجتماعی را میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب جامعه اسلامی در نظر گرفت»، افزود: «باید وضعیت مطلوب را از درون احادیث و روایات با یک درون‌کاوی و درون‌فهمی دریافت؛ به طوری که تمامی علوم علم ارتباطات را مورد بررسی قرار می‌دهند. بنابر این آنچه مهم است این است که ارتباطات اسلامی حکمت محور است.»

وی با اشاره به اینکه بر اساس حکمت می‌توان ارتباطات اسلامی را ترسیم کرد، افزود: «در حکمت محوری باید اصول حکمت اجرا شود که در مقوله حکمت محوری در پیام، پیام محوری حاکم است و نه شخصیت محوری.»

استاد دانشگاه باقرالعلوم تصریح کرد: «با بررسی ویژگی پیامبر اکرم (ص) به عنوان الگوی انسانی، متوجه می‌شویم که همواره تأکید بر حکمت و پیام بوده نه تأکید بر خودش؛ در قرآن هم هر جانا می از حضرت محمد (ص) برده شده نه بر محوریت شخصیت ایشان، بلکه بر رسالت او تأکید شده است. از سوی دیگر معجزه قرآن در خود قرآن است و استدلال محوری در این مسئله اهمیت بسیاری دارد که پیامبر اکرم (ص) مردم را

به استدلال در کلام دعوت می‌کرد.

استاد دانشگاه و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران نیز در سخنانی با عنوان «ارتباطات دینی اجتماعی و رسانه‌ای با توجه به آثار» اظهار داشت: «ارتباطات دینی به هر ارتباطی که با واسطه یا بی‌واسطه، با هدف گسترش و توسعه دینی ایجاد شده و گرایش نسبت به دین را افزایش داده و به ترویج رفتارهای دینی بپردازد، گفته می‌شود.»

دکتر «مهدی منتظر قائم» با اشاره به اینکه گسترش دانش و آگاهی‌های دینی منجر به ایجاد گرایش مثبت به دین است، به بررسی ارتباطات بین فردی، ارتباطات گروهی و ارتباطات رسانه‌ای یا جمعی پرداخت و تصریح کرد: «هر کدام از اینها شرایط و الزامات متفاوتی دارند. در ارتباطات درون فردی، فرد، مخاطب است و عرصه وجودی تفکر احساسی عقلانی را با خود حمل می‌کند؛ در این نوع ارتباط علاوه بر در نظر گرفتن ارتباط، مهارت، دانش و آگاهی‌های فردی شاخص‌های عاطفی نیز مطرح است که فرد با طرف مقابل با توجه به جایگاهی که دارد با خشوع و احترام برخورد می‌کند.»

در ادامه، استاد حوزه علمیه قم نیز طی این هم‌اندیشی با عنوان «شیوه‌های اثرگذاری و جذب مخاطب» سخنرانی کرد و اظهار داشت: «امام سجاد (ع) ۵۱ حق را در نظر می‌گیرند که تنها یکی از آنها برای خداوند است و بقیه ارتباط انسان با خود، اشیاء، طبیعت، انسان‌های دیگر و هستی را مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع غایت ارتباط دینی به همسویی منتهی می‌شود. احکام در راستای تنظیم ارتباط فردی و فیما بین افراد جامعه وضع شده‌اند که باید به وحدت عبادی و پرستشی برسند.»

حجت الاسلام والمسلمین «احمد ستاره» تصریح کرد: «پیش از خلقت، خداوند خلافت را رقم زد که خلق نبوده، اما خلیفه بوده است. در حکومت ابزاری وجود دارد که باعث قبض و بسط می‌شود و موجب می‌شود روح اطاعت فردی و جمعی به وسیله ایجاد رفعت و محبت شکل گیرد و این به نوبه خود منجر به حراست از ارزش‌های دینی می‌شود که این خود نتیجه امر به معروف و نهی از منکر است؛ حکومت باید تجلی گر رفعت، رحمت و الفت الهی باشد.»

در این هم‌اندیشی اثرهای رسانه‌ای در راستای ارتباطات دینی مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

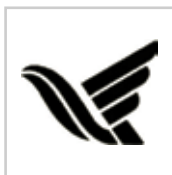
۵۲ هزار تشکل دینی در کشور ثبت شده‌اند

معاون امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی از ثبت ۵۲ هزار تشکل دینی در کشور خبر داد.

حجت الاسلام والمسلمین «حسین روحانی نژاد» در نشست خبری تشریح برنامه‌های این کمیته در سی‌امین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با اشاره به ثبت ۵۲ هزار تشکل دینی در کشور گفت: «برنامه‌ریزی و تعیین ۳۰۰ هزار فعالیت برای عملیاتی کردن برنامه‌های دهه فجر توسط ۵۰ هزار تشکل دینی در ۳۵۰ شهرستان در کشور از برنامه‌های کمیته انجمن‌های اسلامی، هیئت‌های مذهبی و کانون‌های اسلامی ستاد دهه فجر است.»

این مسئول فرهنگی افزود: «برپایه ۱۵ نمایشگاه در استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، تهران، خراسان رضوی، خوزستان، زنجان، فارس، قزوین، قم، گیلان، مازندران، مرکزی، هرمزگان و یزد با عنوان نمایشگاه فرهنگ مناسبت‌های مذهبی با شعار نوآوری و شکوفایی در پر توفر فرهنگ عاشورایی و اختصاص غرفه ویژه سی‌امین سال انقلاب با همکاری مرکز اسناد انقلاب اسلامی و سوره مهر از دیگر برنامه‌های این کمیته است.»

وی از اعزام ۲۷ هزار و ۵۰۰ مبلغ به اقصی نقاط کشور برای اشاعه فرهنگ غنی عاشورایی و تبیین گفتمان انقلاب اسلامی در ایام محرم (بهمن ماه) خبر داد. روحانی نژاد، دیدار مسئولان کانون مداحان سراسر کشور با مراجع تقلید در آستانه محرم، توجه مداحان در مراسم محرم و صفر به مقوله انقلاب و دیدار مسئولان شورای هیئت‌های مذهبی سراسر کشور را با مسئولان فرهنگی نظام در بهمن ماه از دیگر برنامه‌های این کمیته، همزمان با سی‌امین سالگرد پیروزی



پست جواب قبول نیازی به چسباندن تمبر ندارد

هزینه پست بر اساس قرارداد شماره ۳۷۱۸۴-۳۷ پرداخت شده است.

صندوق پستی: تهران، ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰

تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳-۴

ما به عاشقان سیدالشهدا اعتماد داریم

مشخصات فرستنده: نام و نام خانوادگی:

استان: شهرستان:

آدرس دقیق پستی:

.....

.....

تلفن: کد / صندوق پستی:

شماره و تاریخ فیش واریزی:

فرم اشتراک

هزینه اشتراک ماهیانه خیمه

پست سفارشی

پست عادی

شش شماره ۷۵۰۰۰ ریال

شش شماره ۵۱۰۰۰ ریال

دوازده شماره ۱۵۶۰۰۰ ریال

دوازده شماره ۱۰۲۰۰۰ ریال

مبلغ اشتراک را مطابق جدول بالا به شماره حساب سیبیا (بانک ملی)

۰۱۰۱۲۸۹۵۵۴۰۰۱ به نام مرتضی وافی، قابل پرداخت در تمام شعب

سراسر کشور واریز نمایید. فرم اشتراک را به دقت تکمیل کرده،

و به همراه اصل رسید بانکی برای ما ارسال نمایید.

تلفن دفتر تهران: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰

تلفن دفتر قم: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۲۳-۴



انقلاب اسلامی ایران بر شمرد.

وی برگزاری کنگره شعر عاشورایی در ۹ استان؛ آذربایجان شرقی، اردبیل، اصفهان، تهران، خراسان رضوی، خوزستان، فارس، قم و مازندران با هدف تغذیه فکری مداحان و توجه به گنجاندن اشعار عاشورایی و حماسی مرتبط با انقلاب اسلامی در آثار تولید شده را از دیگر برنامه‌های این کمیته عنوان کرد.

معاون امور فرهنگی و تبلیغ سازمان تبلیغات اسلامی بیان کرد: «تجلیل از هیئت‌های مذهبی، انجمن‌های اسلامی و کانون‌های اسلامی که در راستای نوآوری و شکوفایی و برجسته کردن نقش امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در انقلاب اسلامی برنامه‌ریزی مناسب و فعالیت گسترده‌ای انجام داده‌اند، به همراه تجلیل از مسئولان و اعضای فعال هیئت مذهبی، انجمن‌های اسلامی و کانون‌های اسلامی و مداحانی که در ایام محرم، مراسمی مناسب شئون عزاداری و دور از خرافات و آسیب‌های عزاداری برپا کرده‌اند و در نکوداشت ایام دهه مبارک فجر سال گذشته با برنامه‌ریزی مناسب جهت حضور گسترده مردم نقش آفرینی داشته‌اند، برخی دیگر از برنامه‌های این کمیته در سی امین سالگرد پیروزی انقلاب است.»

وی در پایان از برگزاری مسابقه و بلاگ‌نویسی پیرامون «عاشورا و انقلاب اسلامی» در پایگاه اطلاع‌رسانی «عترت بلاگ»، وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی خبر داد. همچنین چاپ تصاویر شهداء به جای شمایل‌های منتسب به ائمه (ع) توسط شوراهای هیئت‌های مذهبی، فعال‌سازی بیش از ۵۰ هزار تشکل دینی جهت برپایی برنامه‌های متنوع در دهه فجر به‌ویژه حضور منسجم در راهپیمایی یوم‌الله ۲۲ بهمن توسط شوراهای هیئت‌های مذهبی ۳۰۰ شهرستان و کانون‌های مداحان سراسر کشور و برگزاری هزار همایش و جلسات توجیهی برای امامان محترم جماعات، روحانیون مستقر و شوراهای هیئت‌های مذهبی و مداحان در ۳۵۰ شهرستان سراسر کشور و توجه دادن آنان به ابعاد و اهمیت بزرگداشت دهه فجر از دیگر برنامه‌های کمیته انجمن‌ها، هیئت‌ها و کانون‌های اسلامی ستاد مرکزی دهه فجر انقلاب اسلامی ایران است.

طرح جامع آموزش تخصصی ویژه روحانیان مستقر تدوین شد

مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه آموزش‌های تخصصی سازمان تبلیغات اسلامی، از تدوین طرح جامع آموزش تخصصی ویژه روحانیان مستقر خبر داد. حجت‌الاسلام والمسلمین «دارابی» با اشاره به ابلاغ اساسنامه جدید سازمان توسط مقام معظم رهبری و تأکید ایشان بر انجام مطالعات و بررسی‌های کاربردی در مسائل و نیازهای دینی، معرفتی و تبلیغی جامعه اسلامی، گفت: «اساسنامه جدید با ضرورت طراحی فکروانه شیوه‌های تبلیغی نوین، اثربخش و حذف یا اصلاح برخی روش‌های نامناسب و کم‌اثر، تکلیف مهمی را بر دوش مجموعه سازمان تبلیغات اسلامی گذاشته است.»

وی تبیین و شناساندن معارف و ارزش‌های اسلامی را به‌ویژه برای نسل جوان کشور، رسالت ذاتی سازمان تبلیغات اسلامی دانست و افزود: «فراهم کردن شرایط و بسترهای مناسب برای حضور عالمانه مبلغان دینی در عرصه‌های تأثیرگذار، از مواضع اصولی اداره کل آموزش‌های تخصصی سازمان است.»

این مسئول فرهنگی تصریح کرد: «برای تحقق سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری مبنی بر مقابله با جریان‌های انحرافی در حوزه دین، زدودن خرافات، موهومات، عقاید باطل و مسلک‌های نوظهور مترصد داشته‌ایم که ما برآنیم که به‌شناسایی و تعامل با چهره‌های متخصص و معجز حوزوی و دانشگاهی برای دستیابی به راهکارها و راهبردهای علمی در این زمینه بپردازیم.»

شایان توجه است که طرح جامع آموزش تخصصی ویژه روحانیان مستقر، در راستای اساسنامه ابلاغی توسط مقام معظم رهبری و برای برقراری ارتباط هر چه بهتر با گروه‌های آموزشی به منظور تعامل و تبادل آموزشی و با رویکرد ارتقای سطح آموزش‌های تخصصی تهیه و تدوین شده است.

خیابانها

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی خیمه

ماهنامه خیمه با حمایت مرکز مطالعات راهبردی خیمه با رویکرد مذهبی، علمی، توصیفی، ترویجی، فرهنگی و با موضوع تخصصی امام حسین (ع)، عاشورا و مناسک آیینی و کلیه موضوعات مرتبط انتشار می‌یابد.

مخاطبان: تمام علاقمندان به مباحث عاشورایی به‌ویژه: محققان، پژوهشگران، نویسندگان عرصه عاشورا، مدیران و مسئولان تشکل‌های دینی، وعاظ، منبری‌ها، مداحان، مدیران و مسئولان فرهنگی کشور

تهران، صندوق پستی: ۱۹۴۱-۱۵۸۱۵، تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۳۴۹۷۰-۰۲۱

قم، صندوق پستی: ۴۴۹-۳۷۱۸۵، تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۵۱۴۳۳-۴

حاج علی‌اشرف (مصلحیه) با هجرت از کربلا... [Small article snippet with red background and white text, containing religious and historical content]